

فصل نامه «مشرق موعود» براساس نامه شماره ۳/۱۱/۱۴۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۹/۱ کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره نهم تا بیستم و براساس نامه شماره ۳۱/۵۷۸۱ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره بیستم به بعد دارای درجه علمی - پژوهشی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبریان، رضا
استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران

حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهروزی لک، غلامرضا
استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر پارسانیا، حمید
دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر خسروپناه، عبدالحسین
استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق
عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجارزادگان، فتح الله
استاد دانشگاه تهران (پدیس قم)

حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی
استاد حوزه علمیه قم

مدیرمسئول و سردبیر:

سیدمسعود پورسیدآقای

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

اسلام پورخادمی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

حروف نگار:

ناصراحمدپور

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

چاپخانه:

بوستان کتاب

همکاران این شماره:

استاد سیدمسعود پورسیدآقای، دکتر

محمود ملکی راد، دکتر خدامراد

سلیمیان، دکتر حسین الهی نژاد، دکتر

نصرت الله آیتی، دکتر مصطفی ورمزیار و

محمدفاضل الهیاری

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۳۷۸۴۰۸۰ - ۲۵ دوزنگار: ۳۷۷۳۳۳۴۶ - ۲۵

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۴۹۵۰۰۰ تومان

پست الکترونیک ارسال مقالات: mashreq110@gmail.com - mashreq110@yahoo.com

سایت های دسترسی به مقالات: www.magiran.com - www.noormags.ir

وبسایت نشریه: mashreqmag.sinaweb.net

«این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود»



ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی	۷
محمد رضا حسینی آهنگر، حامد نجاران طوسی	
راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی بر زمینه‌سازی ظهور (با تأکید بر بیانیه دوم انقلاب)	۴۱
روح‌الله عباس‌زاده، سعید اسدی	
سوژه مدرن و جهانی شدن در پرتو تحلیل دکترین مهدویت و پدیده انتظار: چالش‌ها و چشم‌اندازهای تمدنی	۶۳
مریم احمدپور	
شکاف گفتمانی میان انتظار و گفتمان‌های دیگر: لیبرالیسم، سکولاریسم و پوزیتیویسم علمی	۸۷
محمدعلی برزنونی	
نقش بیگانگان در اثرگذاری بر فرقه‌های مدعی مهدویت در ایران معاصر و چالش‌های برآمده از آن (با تأکید بر دوران قاجار و پهلوی اول)	۱۱۷
مجید احمدی کجایی	
معنویت قرآنی در جبهه مقاومت، شاخصه‌ها و کارکردهای آن (با تأکید بر بیانات امامین انقلاب)	۱۳۵
سید ابراهیم موسوی، یعقوب بزرگر شانی	
تبیین ابعاد و بایستگی‌های قانون‌مندی فضای مجازی در ایران در راستای کنترل و کنشگری در دنیای امروز با رویکرد حقوقی	۱۵۵
محمدعلی محسنی‌خو، سعید بخشی	
انقلاب اسلامی و تحولات جهانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای	۱۷۵
علیرضا زمزم	
نقش مفهوم انتظار و مهدویت در گسترش عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در جهان امروز	۱۹۵
سید کامران فتح‌اللهی، کیومرث زمانی شیخ‌آباد	
نظریه نظام انقلابی و زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام	۲۱۳
یوسف ملکی، سهراب مقدمی شهیدانی	
بررسی نقش لابی‌های صهیونیسم در تحولات جهانی (مطالعه موردی «راکفلرها»)	۲۲۹
راضیه علی‌اکبری، سعید بخشی، ریحانه احمدی ابراهیم‌آباد	
بررسی روایت امام باقر علیه السلام درباره زمینه‌سازی ایرانیان برای ظهور امام مهدی علیه السلام	۲۵۱
محمد رضا جواهری	

فصل نامه «مشرق موعود» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی رویکردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله به طور همزمان به دیگر مجلات ارسال نشده و یا در جای دیگر منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای محتوای پژوهشی (مسئله محور و دارای نوآوری) باشد.
۴. نویسنده مقاله دارای درجه دکتری یا سطح چهار حوزوی (حداقل استادیار) باشد، یا از راهنمایی شخصی با این شرایط بهره گیرد.
۵. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد. (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه)
۶. ساختار مقاله باید دربر گیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (چکیده فارسی و انگلیسی، حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام خانوادگی نویسنده).
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش APA (درون متنی) باشد و از درج پاورقی یا پی نوشت پرهیز شود. آدرس دهی به کتاب ها و نشریات در متن، پس از پایان مطلب در داخل پرانتز و بدین صورت انجام می پذیرد: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب، صفحه. مانند: (نعمانی، ۱۴۰۸: ۲۵۳). روش آدرس دهی به کتاب های چند جلدی نیز بدین شکل

است: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۷۴). ممکن است در کتب روایی «باب» و «حدیث» نیز به آن افزوده گردد که به شکل: (...، ب ۴، ح ۹) ذکر می شود. آدرس دهی به نشریات نیز مانند کتاب هاست و ابتدا نام خانوادگی نویسنده، سپس سال انتشار نشریه و بعد شماره صفحه مطلب مورد اشاره نوشته می شود. همچنین، در آدرس دهی به آیات قرآن، تنها نام سوره و شماره آیه بدین شکل می آید: (انبیاء: ۱۰۵)

۲. فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.

برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشرکننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، تقطیع، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.
۵. از نظریات اندیشه‌وران، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.



The Model of Training Soldiers of the Age of the reappearance at Standard Islamic University

Dr. Mohammadreza Hassani Ahangar ¹

Dr. Hamed Najjaran Toosi ²

Abstract

The establishment of a new Islamic civilization and the groundwork for the advent of Imam Mahdi (PBUH) necessitate individuals who have been nurtured and prepared to serve in his global government. However, it is evident that the training of such individuals is not feasible within contemporary universities and academic institutions that follow educational models borrowed from Western civilization. The Islamic Model University aims to cultivate individuals and generate thought, knowledge, technology, and innovation as the beating heart of the new Islamic civilization and the foundation for the Imam's reappearance. Human development within this university requires a comprehensive and integrated educational framework.

The primary objective of this study is to design a model for training the soldiers of the Era of Reappearance, based on the intellectual framework of the two leaders of the Islamic Revolution, within the context of the Islamic Model University. To achieve this goal, the qualitative method of Thematic Analysis has been employed, leading to the identification of 1,729 initial themes. The final model consists of three dimensions, seven components, and 39 indicators.

The findings indicate that the proposed training model is composed of general principles (including instructor-centered education, scientific and revolutionary management, goal-oriented training, strategic recruitment, and continuous updating), domains (intellectual and doctrinal training, cultural and ethical development, scientific and technical skill-building), and pillars (comprising instructors and mentors, academic disciplines, training programs, curricular content, revolutionary organizations, and educational environments).

Keywords: Islamic civilization, human development, Islamic Model University, Age of Reappearance

1. Professor, Faculty of Artificial Intelligence and Cognitive Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran(mrhasani@ihu.ac.ir)

2. Assistant Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran(Corresponding Author)(kp najjaran@ihu.ac.ir)

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی*

محمدرضا حسنی آهنگر^۱

حامد نجاران طوسی^۲

چکیده

ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیازمند انسان‌هایی است که به‌منظور برپاداشتن حکومت جهانی آن حضرت، پرورش یافته و برای سربازی و خدمت در آن عصر آماده شده باشند. اما بدیهی است که تربیت چنین انسان‌هایی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کنونی با الگوهای رایج آموزشی به عاریت گرفته شده از تمدن غربی امکان‌پذیر نیست. دانشگاه تراز اسلامی به دنبال پرورش انسان و تولید فکر، علم، فناوری و نوآوری به‌عنوان قلب تپنده تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت ارواح‌فاده است. پرورش انسان در این دانشگاه به یک الگوی تربیتی همه‌جانبه و منسجم نیازمند دارد. هدف اصلی تحقیق حاضر طراحی الگوی تربیت سربازان عصر ظهور مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی در دانشگاه تراز اسلامی است. برای رسیدن به این هدف از روش کیفی «تحلیل مضمون» استفاده شده و با استخراج ۱۷۲۹ مضمون اولیه، الگویی مشتمل بر سه بُعد، هفت مؤلفه و ۳۹ شاخص، تدوین گردیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد الگوی تربیت سربازان عصر ظهور متشکل از اصول کلی (شامل استادمحوری، مدیریت علمی و انقلابی، تربیت هدفمند و جذب هدفمند و به‌روزرسانی مستمر)، ساخت‌ها (شامل ساخت‌های تربیت فکری و اعتقادی، تربیت فرهنگی و اخلاقی، تربیت علمی و مهارتی)، و ارکان (شامل استاد و معلم، رشته، دوره، متن و محتوا، تشکلهای انقلابی و فضا و محیط) است.

واژگان کلیدی

تمدن اسلامی، پرورش انسان، دانشگاه تراز اسلامی، عصر ظهور.

مقدمه

دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین مراکز برای پرورش انسان‌ها در تراز تمدنی هستند که منطبق بر الگوهای منبعث از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های طراحان آن فعالیت می‌نمایند. ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیازمند انسان‌هایی است که از

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

۱. استاد دانشکده هوش مصنوعی و علوم شناختی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (mrhasani@ihu.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (kpnajaran@ihu.ac.ir).

شایستگی‌های لازم برای برپایی حکومت جهانی آن حضرت، برخوردار بوده و برای سربازی و خدمت در آن عصر آماده‌اند. دانشگاه‌های فعلی کشور که سابقه‌ای حدود صدساله دارند به تدریج از اوایل حکومت قاجار شکل گرفتند. در این دوران، کوشش‌هایی در زمینه آموزش افراد در علوم جدید با اعزام محصل به کشورهای اروپایی و تأسیس مدارس و دانشگاه‌هایی مانند دارالفنون انجام شد؛ این امر مسائلی از قبیل ورود فرهنگ غربی به کشورهای اسلامی و تقویت جریان فراماسونری را در پی داشت. (انتظاری، ۱۳۸۸: ۲). افزایش ارتباط میان ایران و دولت‌های غربی، اعزام دانشجوی و در نتیجه ورود افکار جدید به ایران و اقدام‌های روشنفکران غرب‌گرا برای جبران عقب‌ماندگی علمی و فناورانه، تعارض‌های اجتماعی و فکری با روحانیون ایجاد کرد. آنها که به اندیشه و تفکر جدید با حساسیت و دیده تردید نگاه می‌کردند و برای رویارویی با این سبک از نوگرایی به بیان اصول و آرمان‌های اسلامی و تعارض آن با مظاهر فرهنگی و سیاسی تمدنی غرب پرداختند؛ اما متأسفانه در رویارویی با علم و فناوری غرب، واکنش‌های کمتری بروز کرد. غرب با نام علم ورود کرد و چون در فرهنگ دینی، کلمه علم مفهوم مقدس و مبارکی است، به راحتی داخل شده و حتی مورد استقبال قرار گرفت (پیروزمند، ۱۳۹۲: ۲۴۰-۲۴۱). بدین ترتیب پیروی از شیوه آموزش و تحصیلات در اروپا، به تدریج فراگیر شد. در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران با تلفیق دارالفنون و سایر مدارس عالی به عنوان اولین مؤسسه آموزش عالی جامع با الگوبرداری از دانشگاه‌های غربی به ویژه فرانسه ملهم از الگوی ناپلئونی به وجود آمد و به تربیت دانشجویان در رشته‌های مختلف پرداخت. در این رویکرد، دانشگاه نهادی وابسته به دولت، متمرکز، آموزش‌محور، مبتنی بر تربیت نیروی انسانی متخصص برای هدف‌ها و برنامه‌های دیوان‌سالاری دولتی بود (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶). پس از جنگ جهانی دوم، با پیروزی آمریکا و نمود توسعه علمی آن کشور در جهان، الگوی تأسیس مؤسسات آموزش عالی از سیستم دانشگاهی فرانسوی به آمریکایی تغییر پیدا نمود (انتظاری، ۱۳۸۸: ۲۰). البته در پروژه توسعه نظام آموزش عالی کشور، فراتر از کارکردهای متعارف اشاعه علم و آموزش تخصصی، مأموریت‌های فرهنگی اجتماعی مربوط به مدرنیزاسیون جامعه نیز در درجه اول اهمیت قرار داشت. این اولویت از طریق تربیت انبوه دانشجویان در مجموعه رشته‌های علوم انسانی که بیش از ۵۰٪ دانشجویان را تشکیل می‌داد، دنبال می‌شد (فرستخواه، ۱۳۸۸). وقوع انقلاب اسلامی، امیدهای فراوانی را برای تغییر مسیر دانشگاه‌ها به سمت تحقق آرمان بلند تمدن نوین اسلامی پدید آورد که تعطیلی موقتی دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی را به دنبال داشت؛ اما به دلایل مختلف اهداف اصلی این کار محقق نشد. امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه به عنوان

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و امام خامنه‌ای به عنوان رهبر کنونی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌ها و نظرهای مفصلی را نسبت به دانشگاه و مسائل مرتبط با آن بیان داشته‌اند که در مقالات قبلی تحت عنوان «دانشگاه تراز اسلامی» معرفی شد. دانشگاه تراز اسلامی به دنبال پرورش انسان و تولید فکر، علم، فناوری و نوآوری به عنوان قلب تپنده تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه است. (حسینی آهنگر و همکاران، ۱۴۰۳). پرورش انسان برای عصر ظهور در این دانشگاه به یک الگوی تربیتی همه‌جانبه و منسجم نیازمند دارد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون با رویکرد استنباطی - اجتهادی، الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی تبیین می‌گردد.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع الگوهای تربیت و آموزش و مسائل مرتبط با آن پژوهش‌های متعددی در کشور انجام پذیرفته است که در این مقاله به چند مورد اشاره می‌شود.

پور عزت و همکاران (۱۳۸۷)، برای پاسخ به این پرسش که اگر قرار باشد دانشگاه‌های ایران در جامعه جهانی به جایگاه اصلی خود نایل شود، از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشد؛ پژوهشی را انجام داده و ویژگی‌های مطلوب دانشگاه‌ها در جامعه جهانی را احصا نمودند (ر.ک: پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷).

محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، بر کیفیت نظام تربیت و آموزش دانشگاه‌ها تمرکز و الگویی را به منظور ممیزی این نظام طراحی نموده‌اند. از نظر ایشان، بحث کیفیت نظام آموزش عالی یکی از موضوع‌های مهمی است که پس از توسعه کمی دانشگاه‌ها و مشکلات ناشی از آن مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (ر.ک: محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

باقری کراچی و همکاران (۱۳۹۱)، با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد، الگوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان را برای خدمت محوری و تأمین نیازهای جامعه ارائه نموده‌اند. (ر.ک: باقری کراچی و همکاران، ۱۳۹۱).

میرزاحمدی و همکاران (۱۳۹۲)، با مطالعه اسناد و مدارک، شاخص‌های استاد مطلوب را احصا نموده و با استفاده از روش دلفی نسبت به اعتباریابی آنها اقدام نموده‌اند (ر.ک: میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

جنبه منحصربه‌فرد تحقیق حاضر این است که با نگاهی جامع به سیر تطور نظام آموزشی و ابعاد نهاد علم در کشور، الگوی تربیت و آموزشی تحولی را پیشنهاد داده که با توجه به

پیاده‌سازی آزمایشی در دانشگاه جامع امام حسین (ع)، قابلیت اجرایی‌سازی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی کشور را دارا است.

روش پژوهش

برای تبیین الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ع) و امام خامنه‌ای، از روش «تحلیل مضمون» با رویکرد استنباطی - اجتهادی استفاده شد. این روش به دنبال استخراج مضامین برجسته متون در سطوح مختلف است و برای شناسایی و تشریح چرایی و چیستی یک پدیده می‌توان از آن استفاده نمود. «تحلیل مضمون» شامل جستجو در مجموعه‌ای از داده‌ها برای یافتن الگوهای تکرارشونده از معانی است که البته شکل و محصول آن، ممکن است متفاوت باشد. از این رو مهم است که سؤال‌های تحقیق، قبل، بعد و هنگام «تحلیل مضمون»، موردتوجه و بررسی قرار گیرند. فرایند کلی انجام این روش را می‌توان به مراحل کلی زیر تقسیم نمود:

جمع‌آوری و یافتن متون مرتبط با موضوع؛

تقلیل و کاهش متون با انتخاب جملات مرتبط در بین متون جمع‌آوری شده؛

یافتن و شناسه‌گذاری مضامین اولیه جملات و عبارت‌های منتخب؛

ترکیب مضامین اولیه برای رسیدن به مفاهیم فراگیرتر.

همه مراحل فوق با تفسیر و تحلیل همراه بوده و به صورت رفت و برگشتی، اصلاح و تکمیل می‌گردد. با توجه به این‌که «تحلیل مضمون» یک نوع پژوهش کیفی است، بدیهی است برخی از مراحل آن، مشابه سایر روش‌های تحقیق کیفی باشد. این فرایند می‌تواند در زمان جمع‌آوری داده‌ها آغاز شود اما نقطه پایان این فرایند، تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. این نوع تحلیل، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نیازمند صبر و حوصله فراوان است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۳).

مرحله اول؛ جمع‌آوری آرا و نظرهای امامین انقلاب اسلامی در خصوص موضوع تحقیق بود. دیدگاه‌های حضرت امام (ع) از نسخه رایانه‌ای صحیفه امام (مجموعه بیانات، پیام‌ها و نامه‌های ایشان از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۶۸)، منتشرشده در پایگاه گسترش آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ع) استخراج گردید. کلیه مطالب ثبت شده در این کتاب، بررسی و مواردی که در آنها کلیدواژه‌هایی شامل دانشگاه، تمدن و موارد مرتبط بود به علاوه تمامی مطالب ایشان خطاب به حوزویان، دانشجویان، اساتید دانشگاه و ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب گردید. مجموع این

موارد به علاوه وصیت نامه الهی سیاسی معظم له، مشتمل بر ۷۶ سخنرانی و پیام شد که از این میان ۲۲ عنوان مطلب، مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵۴ عنوان مطلب مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از این کار، نظرها و دیدگاه های امام خامنه ای بالغ بر ۴۰۶ عنوان سخنرانی، مصاحبه، حکم، پیام و ... جمع آوری شد. منبع اصلی در این زمینه، پایگاه اطلاع رسانی و نرم افزار حدیث ولایت ایشان بود؛ اما برخی مطالب و بیانات منتشر نشده همچون ۹ دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال های مختلف، پس از جستجو در منابع دیگری همچون سایر پایگاه های اطلاع رسانی و گزارش ها و کتاب های منتشر شده، به دست آمد. پس از جمع آوری آرا و نظرها ی امامین انقلاب اسلامی، شناسایی مضامین اولیه و شناسه گذاری، آغاز گردید. در نهایت ۱۷۲۹ مضمون اولیه (شناسه) استخراج شد. با عنایت به اهداف و سؤال های تحقیق، مضامین اولیه، در قالب ۳۹ مضمون سازمان دهنده (شاخص) ترکیب و این مضامین پس از دسته بندی در سطوح مختلف در نهایت در ۷ مضمون فراگیر (مؤلفه) در ابعاد سه گانه طبقه بندی شد که در ادامه به طور تفصیلی، تشریح خواهد گردید.

یافته های پژوهش

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی مستخرج از بیانات و تدابیر امامین انقلاب اسلامی شامل سه بُعد اصول کلی، ارکان و ساحت ها بوده که هر کدام مؤلفه ها و شاخص هایی دارد که در ادامه شرح داده خواهد شد. شایان ذکر است اعداد داخل پرانتز در این جداول، میزان تکرار مضامین را در بیانات امامین انقلاب اسلامی نشان می دهد.

الف) اصول کلی تربیت سربازان عصر ظهور

اصول کلی تربیت سربازان عصر ظهور را می توان به شرح جدول (۱) بیان نمود.

جدول ۱. مؤلفه «اصول کلی تربیت سربازان عصر ظهور»

اصول کلی تربیت سربازان عصر ظهور (۱۷۷)
تربیت همه جانبه و هدفمند (۹۰)
استعدادیابی و پذیرش دانشجو (۳۷)
طراحی، ارزیابی و به روزآوری مستمر الگوی تربیتی مبتنی بر هویت ملی و اسلامی (۳۲)
مدیریت علمی انقلابی (۱۲)
استاد محوری (۶)

۱. تربیت هدفمند و همه جانبه

دانشگاه تراز اسلامی باید انسان‌هایی شایسته و کارآمد را برای رفع نیازهای مختلف و متنوع جامعه و در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی تربیت کند. امامین انقلاب اسلامی بر هدفمند بودن نظام تربیت و آموزش برای رفع نیازهای کشور و تحقق اهداف عالی انقلاب اسلامی تأکید داشته و دارند. به عنوان نمونه امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرمایند: «دانشگاه‌ها و خود علمای حوزه‌ها برنامه‌ها را تنظیم کنند، که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت، نه یک چیزهایی را بخوانند که اصلاً به درد ما نمی‌خورد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ۳۲۹). یا امام خامنه‌ای تأکید دارند که «خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازی‌اش بایستی صحیح حرکت بکند و انسانِ باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد.» (۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

همچنین این دانشگاه، مسئولیت پرورش همه جانبه و جامع‌الاطراف را نیز بر عهده دارند. انسان تک بعدی و تک ساحتی برای تمدن‌سازی مناسب نیست. بر همین اساس این نظام متکفل تربیت نسلی هستند که علاوه بر تخصص، دارای ایمان و روشن بینی نیز باشد. «دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد.» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

«در دانشگاه اسلامی علم، با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت همراه است» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۵/۰۷/۰۳).

۲. استعدادیابی و پذیرش هدفمند

بدیهی است که دانشجوی، هدف و مقصود اصلی در دانشگاه تراز اسلامی است لذا گزینش حقیقی و جذب هدفمند دانشجوی مستعد باکیفیت، متناسب با نیاز و ظرفیت باید در مرکز توجه قرار بگیرد. هدایت استعدادها با محوریت علاقه دانشجوی و متناسب با نیازمندی‌های کشور انجام می‌پذیرد (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۱۹، ص ۱۸۷؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ و ۱۳۷۱/۰۸/۱۹).

۳. الگوی تربیتی بومی مبتنی بر هویت ملی و اسلامی

الگوی تربیتی دانشگاه تراز اسلامی، باید متناسب با شرایط و نیازهای جامعه و با توجه به تاریخ غنی و زمینه‌های فرهنگی بومی طراحی شده باشد. «الآن مدرسه‌هایی که دانشگاه‌ها و دانشسراها، اینها که ما داریم، فرم‌هایش همه فرم غرب است. ... همه چیز را از غرب گرفته‌اند.

فرهنگ به این غنی‌ای کنار زده شده است و چسبیده‌اند به فرهنگ غرب. آن‌هم نه فرهنگ اصیل غرب، فرهنگ استعماری غرب.» (۱۳۵۸/۱۰/۱۲ - صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۱۲، ص ۴). در این راستا لازم است سنت‌های حسنه حوزه‌های علمیه مثل «انتخاب آزادانه استاد»، «تفکر و مطالعه»، «پیش مطالعه قبل از درس»، «مباحثه بعد کلاس»، «تقریر درس استاد»، «اشکال کردن به درس استاد و قبول نکردن تعبّدی»، «احترام به اساتید، بزرگ‌ترها و پیش‌کسوت‌ها»، احیا و رایج گردد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹ و ۱۳۶۹/۰۸/۰۱). لذا ایجاد تحوّل بنیادین در نظام تربیت و آموزش موجود، ضروری است؛ البته باید در نظر داشت که در این جا تحوّل معنای حقیقی خود را داشته و به مفهوم اصلاح و بهبودهای جزئی نیست (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۱۲، ص ۲۴۸؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳ و ۱۳۷۵/۰۲/۲۹).

نکته مهمی که در این زمینه نیاز به توجّه جدّی دارد، بحث پویایی، ارزیابی و اصلاح مستمر این نظام است که باید در آن قابلیت‌های خوداصلاحی را در نظر گرفت. هر نظام آموزشی مبتنی بر نیازهای جدید محیطی و همچنین نواقص طراحی اولیه که عمدتاً هنگام اجرا مشخص شده یا پیامدهای آن در طول زمان بروز و ظهور می‌یابد نیازمند، ارزیابی‌های دوره‌ای و مستمر و روزآمدسازی است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۰۹/۱۹، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

۴. مدیریت علمی و انقلابی

مدیریت دانشگاه تراز اسلامی باید در اختیار کسانی باشد که از یک سو علمی بوده و عاشق پیشرفت علمی کشور باشند و آنها را از لحاظ علمی به عنوان رئیس بپذیرند؛ از طرف دیگر دارای اعتقاد عمیق به اسلام و انقلاب داشته باشند تا بتواند نقش اساسی در هدایت صحیح این نظام در راستای اهداف انقلاب اسلامی ایفا نمایند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۰۸/۰۱، ۱۳۸۰/۱۰/۰۸ و ۱۳۹۳/۰۴/۱۱).

۵. استاد محوری

در الگوی تربیت سربازان عصر ظهور، استاد و معلّم نقش محوری و اصلی را ایفا نموده و می‌توانند حتی کمبود و نواقص بخش‌های دیگر را تا حدود زیادی پوشش دهد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۰/۰۲/۱۴ و ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

ب) ارکان تربیت سربازان عصر ظهور

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور از چهار رکن اساسی شامل (۱) استاد و معلّم، (۲) فضا و محیط و (۳) تشکّل‌های انقلابی و (۴) رشته، دوره، متن و محتوا تشکیل شده است که

ویژگی‌های شاخص و مطلوب هر یک در جدول (۲) درج و در ادامه تشریح خواهد گردید.

جدول ۲. مؤلفه «ارکان تربیت سربازان عصر ظهور»

ارکان تربیت سربازان عصر ظهور (۵۱۷)		
استاد و معلم (۱۹۰)		فضا و محیط (۱۸۰)
الف) الزامات کلیدی (۱۳۲)	شایسته‌گزینی (۱۰۲) ارتقای منزلت اجتماعی (۱۱) توانمندسازی علمی و روحی (۱۱) جوان‌گرایی با حفظ کرامت پیش‌کسوتان (۸)	امکانات و فضای تربیتی، آموزشی و پژوهشی (۱۰۱) حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی (۲۹) نشاط علمی، فکری و سیاسی (۲۸) معماری ایمن، مستحکم و زیبای اسلامی ایرانی (۱۱) انضباط رفتاری، اخلاقی و مالی (۱۱)
	مریی‌گری و شاگردپروری (۳۶) پژوهش، نوآوری و حل مسئله (۱۰) تبیین، امیدآفرینی و فرماندهی جنگ نرم (۸) تعامل حقیقی و مسئله‌یابی (۴)	ب) نقش‌ها و وظایف (۵۸)
تشکل‌های انقلابی (۹۸)		رشته، دوره، متن و محتوا (۴۹)
خودسازی و کار تشکیلاتی قوی (۴۲) تعاملات سازنده و ارتباطات مطمئن (۳۲) حفظ جهت‌گیری و نقش‌آفرینی فعال (۱۷) جذب حداکثری (۷)		بازبینی مداوم، تغییر، اصلاح و نوآوری در رشته‌ها و متون درسی (۱۸) استفاده از میراث علمی و تجارب عملی خود و دیگران (۱۶) نگاه متوازن به علوم، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی دانشگاهی (۸) سلامت، قابل‌فهم و عمیق بودن محتوای آموزشی (۷)

۱. استاد و معلم

همان‌گونه که در اصول کلی بیان شد، «استاد و معلم» محور اصلی و مهم‌ترین رکن تربیت سربازان عصر ظهور به‌شمار می‌رود به‌نحوی که می‌تواند تا حدود زیادی نواقص بقیه ارکان را نیز جبران نماید. برای این رکن مهم «الزامات کلیدی» و «نقش‌ها و وظایف» مختلفی به شرح زیر وجود دارد.

الزامات کلیدی

شایسته‌گزینی: با توجه به نقش محوری و بی‌بدیل استاد و معلم در نظام تربیتی و تأثیر مستقیم منش، رفتار، گفتار و تفکرات او بر شاگردان، اولین و مهم‌ترین الزام در مؤلفه استاد و معلم، موضوع «شایسته‌گزینی» است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۰/۰۷/۲۴ و ۱۳۸۶/۰۵/۰۳). استاد و

معلم شایسته برای دانشگاه تراز اسلامی علاوه بر تعهد و تخصص که شرط اصلی برای حضور در کلاس درس و ارتباط با دانشجویان و دانش‌آموزان است، باید فردی قابل اطمینان، مؤمن، حزب‌اللهی و انقلابی بدون نگاه جناحی بوده و مزین به فضایل نیک اخلاق اسلامی باشد (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۳، ص ۴۱۲؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۰۹/۲۱ و ۱۳۹۵/۰۳/۲۹). این موضوع به طور مکرر در سخنرانی‌های مختلف طی سالیان متمادی مورد تأکید امامین انقلاب اسلامی بوده است که نشان از حساسیت و اهمیت بالای این امر در منظومه فکری ایشان دارد. منزلت اجتماعی: توجه به منزلت اجتماعی اساتید و معلمان و تأمین و توسعه معیشت عادلانه البته به همراه ترویج ساده‌زیستی در میان آنان، الزام دیگری است که بارها به آن اشاره و تأکید شده است تا مجبور نباشد برای گذران یک زندگی معمولی در شأن خود به دنبال تدریس و انجام پروژه‌های پژوهشی فراتر از استانداردهای تعیین شده باشد. (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۰۹/۰۹، ۱۳۷۶/۱۲/۰۶، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵، ۱۳۷۴/۰۹/۱۶ و ۱۳۶۹/۱۰/۰۴).

«بنده معتقدم که احترام، مراعات، کمک کردن به اساتید و توسعه زندگی آنان لازم است، به خصوص بعضی از اساتیدی که همین‌طور از این دانشگاه به آن دانشگاه می‌روند، همه جا را هم ناقص... یک امکانی به استاد بدهید که دیگر مجبور نباشد این قدر اینجا و آنجا برود، بتواند بعد از درس در آن اتاق بنشیند، دانشجویها به او مراجعه کنند، از او راهنمایی بخواهند، استاد هم کمک فکری و علمی به آنها بکند» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۰۹/۰۹).

توانمندسازی علمی و روحی: الزام سوّم؛ «توانمندسازی علمی و روحی و ترفیع حقیقی» اساتید و معلمان است. در این میان، کارآمدی اساتید از طریق مطالعه و آموزش‌های مختلف در زمینه‌های معارف دینی، قابلیت‌های تخصصی و حرفه‌ای، ارتقا می‌یابد. در زمینه توانمندسازی اساتید و معلمان می‌توان مراکزی ویژه و تخصصی نیز ایجاد نمود. همچنین ترفیع و ارتقای رتبه آنان باید با ملاک‌های حقیقی و منطبق با نیازهای کشور انجام پذیرد (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۷/۰۹، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰ و ۱۳۸۵/۰۵/۲۳).

جوان‌گرایی همراه با حفظ کرامت پیش‌کسوتان: چهارمین الزام؛ «جوان‌گرایی همراه با حفظ کرامت و استفاده از تجربه پیش‌کسوتان» است. (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

«اساتید پیش‌کسوت، اساتید باتجربه، سابقه‌دار در رشته‌های مختلف، از ذخائر نظام هستند؛ از اینها باید حداکثر استفاده بشود. طراحی این‌که ما چگونه جمع کنیم بین استاد مجربی که سال‌های متمادی در این رشته کار کرده و پخته شده و تجربه پیدا کرده و یک

ذخیره‌ای است برای کشور و آن جوان تازه‌نفسی که تازه دوره دکتری خودش را در یک دانشگاه برجسته‌ای گذرانده و الان حاضر و آماده است که بانشاط و گرماگرم در همان رشته تدریس کند - از هیچ‌کدام نمی‌شود گذشت. به آن پیرِ مجربِ سابقه‌دار و پیش‌کسوت هم نیاز داریم، به این جوانِ تازه از راه رسیده گرمِ متلائی از تحرک علمی و نشاط علمی و مایل به این‌که کار کند و تلاش کند هم احتیاج داریم - باید جوری انجام بگیرد که از هر دو استفاده کنیم.» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۰۷/۰۳).

نقش‌ها و وظایف

اساتید و معلمان در دانشگاه تراز اسلامی دارای چهار نقش و وظیفه اساسی به شرح زیر هستند که همین نقش‌ها و وظایف می‌تواند شاخص‌های اصلی در ترفیع و ارتقای ایشان محسوب شود.

تبیین، امیدآفرینی و فرماندهی جنگ نرم: اولین نقش و وظیفه اساتید و معلمان تبیین معارف، مسائل و موفقیت‌های انقلاب اسلامی به منظور ایجاد امید و خودباوری در نسل جوان و آینده‌ساز کشور و بر عهده گرفتن نقش فرماندهی جنگ نرم در برابر تهاجم فکری و فرهنگی دشمن است (حسینی خامنه‌ای: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ و ۱۳۹۴/۰۴/۱۳).

«اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آن چنانی که خود او نداند، سربکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقش‌ها را ایفا می‌کنند. خب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته حال و آینده نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوان‌های تان را توجیه کنید. ... به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

شاگردپروری: مهم‌ترین نقش و وظیفه اساتید و معلمان «مرّبی‌گری، شاگردپروری و تربیت روحی، معنوی، دینی، سیاسی، علمی و پژوهشی» دانشجوی و دانش‌آموز است. «مطالعه قبل از کلاس»، «تدریس باحوصله و منضبط» و «ارتباط و وقت‌گذاشتن استاد برای دانشجو فراتر از کلاس»، انتظارهای اساسی و اولیه برای نقش‌آفرینی مؤثر در این زمینه است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۴/۴/۱۳، ۱۳۹۳/۴/۱۱، ۱۳۸۸/۶/۸، ۱۳۷۶/۱۲/۶، ۱۳۸۶/۲/۲۵ و ۱۳۸۱/۸/۲۲).

«اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمیه ما هم همین‌طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشم‌ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه برجسته او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۷/۰۹).

پژوهش، نوآوری و حل مسئله: سومین حوزه نقش‌آفرینی در دانشگاه تراز اسلامی که عمدتاً متوجه اساتید دانشگاهی است، هدایت دانشجویان در عرصه تحقیق و نوآوری و گسترش دانش و حل مسائل جامعه است. در حوزه گسترده علم و فناوری، همکاری و نقش‌آفرینی مشترک استاد و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، اهمیت فوق‌العاده دارد. تعریف، تعیین نقش‌ها و ساماندهی این ارتباط، کلید پیشبرد نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۴۰۱/۰۷/۲۷).

تعامل حقیقی و مسئله‌یابی: اما حل مسائل و تولید علم نافع مستلزم شناخت مسئله است که با تعامل حقیقی با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی حاصل می‌شود (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ و ۱۴۰۰/۰۸/۲۶).

«دستگاه‌های مدیریتی کشور چقدر می‌توانند از دانشگاه‌ها، از محصولات و نتایج ذهنی و فکری نخبگان کشور استفاده کنند. برخورد شکلی و تشریفاتی کافی نیست؛ بایستی تعامل، تعامل حقیقی باشد. ... دانشگاه‌ها باید درگیر مسائل کشور باشند. هدف از علم این است که نفع برساند. باید علم برای مردم نافع باشد؛ از برکات آن علم بایستی استفاده کنند» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

۲. فضا و محیط

یکی دیگر از ارکان تربیت سربازان عصر ظهور، «فضا و محیط» است که تأثیری کلیدی بر شکل‌گیری دانشگاه تراز اسلامی دارد. محیط مناسب این دانشگاه، فضایی «دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه بانشاط دانشجویی» است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰). این خصوصیت به همراه سایر ویژگی‌های در ادامه تشریح می‌گردند.

حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی

در فضا و محیط دانشگاه تراز اسلامی، «حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی» کاملاً مشهود است. در این فضا؛ «دین، ایمان، معنویت و انقلابی‌گری» شاخصه‌های اصلی هستند. تعظیم شعائر و نمادهای مذهبی مثل مسجد و نماز جماعت در این نظام، نمود داشته و به اصطلاح پرچم اسلام در آن بالا است. ویژگی دیگر فضای تربیتی مطلوب؛ «صدق، صفا،

رحمت، اعتدال، صمیمیت و همزیستی» است (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱، ۳۷۳؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۵/۲۳، ۱۳۷۲/۱۰/۱، ۱۳۸۸/۶/۸، ۱۳۷۴/۳/۲۹، ۱۳۹۵/۳/۲۹، ۱۳۷۹/۹/۱۷ و ۱۳۷۶/۶/۱۹).

نشاط علمی، فکری و سیاسی

محیط این نظام، «سرشار از امید، طراوت و نشاط کار و تلاش علمی، فکری و سیاسی» بوده و در آن خمودگی، افسردگی و رکود دیده نمی‌شود. این فضا طبیعتاً مساعد برای تحصیل و رشد استعدادها، رقابت در تحقیق و نوآوری و تولید علم و فناوری بوده و محل بحث، انتقاد و ارائه دغدغه‌ها و نظرهای دلسوزانه برای تحقق آرمان‌هاست (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۵/۹/۱۵، ۱۳۹۲/۵/۶، ۱۳۸۸/۶/۸، ۱۳۸۱/۹/۷، ۱۳۷۹/۷/۲۶، ۱۳۸۲/۲/۲۲، ۱۳۹۶/۳/۱۷ و ۱۳۸۱/۱۱/۷).

انضباط رفتاری و اخلاقی

در دانشگاه تراز اسلامی برای تربیت سربازان عصر ظهور، «نظم، انضباط اخلاقی و رفتاری» و رعایت قانون و مقررات در همه ابعاد و زمینه‌ها حاکمیت کامل دارد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۶/۱۲/۶).

«یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل آن جمع، حاکمیت انضباط است؛ انضباط اخلاقی و انضباط رفتاری. انضباط چیز خیلی مهمی است، در اسلام هم به انضباط خیلی اهتمام شده است... یعنی یک ضبطی وجود داشته باشد، رعایتی وجود داشته باشد، براساس آن قانون و مقرراتی که مورد قبول است؛ لذا در داخل دانشگاه بی‌انضباطی چیز بدی است و دانشجویان و دیگران و هرکسی که در دانشگاه است، باید انضباط اخلاقی و رفتاری را حتماً رعایت بکند» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۴/۹/۲۸).

معماری ایمن، مستحکم و زیبای اسلامی ایرانی

اما آنچه باعث تمایز ظاهری دانشگاه تراز اسلامی می‌شود، معماری ایمن، مستحکم و زیبای اسلامی ایرانی و هویت بصری مزین به نشانه‌های دینی است که با رعایت دقیق اصول ایمنی و پدافند غیرعامل ساخته و مقاوم شده‌اند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۰/۰۹/۱۹، ۱۳۸۳/۱۲/۰۵)؛ سیاست‌های کلی نظام در خصوص «پیش‌گیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و امور غیرمترقبه»، «پدافند غیرعامل» و «شهرسازی».

امکانات و فضای تربیتی، آموزشی و پژوهشی

«امکانات و فضای تربیتی، آموزشی و پژوهشی» از قبیل کتابخانه، آزمایشگاه، خوابگاه، سالن‌های ورزشی و ... نیز در این الگو کاملاً مورد توجه بوده و به توسعه و تجهیز آن مبادرت

می‌شود. از آن جمله «مسجد» است که محور بسیاری از کارکردهای تربیت دینی، فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید؛ لذا ساخت، توسعه و تجهیز مسجد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و مسئولان مربوط باید به آن اهتمام داشته باشند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۲/۰۴، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷، ۱۳۷۶/۱۲/۰۶، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴ و ۱۳۸۱/۰۶/۱۶).

۳. تشکل‌های انقلابی

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در دانشگاه تراز اسلامی، تشکل‌ها و انجمن‌های مختلف علمی، صنفی، فرهنگی و سیاسی هستند که نقش عمده‌ای در تربیت دانشجویان در ساحت‌های مختلف و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی آنان دارند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز بیشتر از طریق همین تشکل‌ها بروز و نمود پیدا می‌کند؛ در این میان، تشکل‌های انقلابی نقش ویژه‌ای بر عهده دارند و آن کمک به تحقق اهداف انقلاب اسلامی است؛ لذا «تشکل‌های انقلابی به عنوان هسته‌های علم، معرفت و سیاست» باید تقویت شوند. (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۸/۰۹، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ و ۱۳۷۸/۰۹/۲۳). تشکل‌های انقلابی دارای ویژگی‌ها و شاخص‌هایی هستند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

حفظ جهت‌گیری صحیح و نقش‌آفرینی فعال

بدیهی است که فعالیت‌های تشکل‌های ضد انقلاب در دانشگاه تراز اسلامی، ممنوع است اما شاید عجیب به نظر برسد که گاهی این تشکل‌ها دارای پسوند اسلامی نیز هستند، اما چه می‌شود که گاهی یک تشکل با داشتن پسوند اسلامی، علیه انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش فعالیت می‌کند؟ این انحراف کم‌کم و با فاصله گرفتن از اصول و آرمان‌های اولیه اتفاق می‌افتد. پس تشکل‌ها باید همواره مراقب حفظ اصول، مبانی، آرمان‌ها و جهت‌گیری انقلابی و معنوی خود بوده و نسبت به آن حساسیت ویژه داشته باشند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۰۹/۲۴، ۱۳۷۶/۱۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب همراه با واقع‌بینی و ایفای نقش فعال در حوادث و مسائل جامعه، یکی دیگر از وظایف اساسی تشکل‌های انقلابی است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

خودسازی و کار تشکیلاتی قوی

دلیل فراموش کردن اصول، اهداف و آرمان‌ها نیز غفلت از خود است؛ لذا «خودسازی و پرورش علمی، دینی، اخلاقی و سیاسی» لازمه فعالیت مؤثر و مفید در تشکل‌ها در دانشگاه تراز اسلامی است (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۱۰، ۶۴؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۵/۰۹/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

انتظار دیگری که از تشکّل های انقلابی می رود این است که «کار تشکیلاتی منظم، منضبط، هوشمندانه، مستحکم و سازمان دهی شده با پیوند قلبی و ایمانی» داشته باشند (حسینی خامنه ای: ۱۳۷۵/۰۷/۰۳ و ۱۳۹۲/۱۱/۲۳) و با دقت در گزینش اعضا با معیار اسلام و انقلاب از نفوذ دشمن و منحرفان مراقبت نموده و به هم تآویزی توجه نموده تا پس از رفتن اعضای قدیمی تر، جهت گیری های کلی و اصولی تشکّل تغییر نکند (حسینی خامنه ای: ۱۳۷۹/۰۷/۰۹، ۱۳۸۶/۰۲/۳۱ و ۱۳۷۶/۱۱/۱۱).

تعاملات سازنده و ارتباطات مطمئن

نکته دیگری که برای جلوگیری از انحراف تشکّل های دانشجویی مدنظر قرار می گیرد؛ توسعه ارتباط و استفاده از انسان های امین و اساتید مؤمن و ارزشی و عدم رابطه با عناصر نامطمئن است (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۰، ص ۶۴) و ج ۳، ص ۳۲۲؛ حسینی خامنه ای: ۱۳۷۶/۱۱/۱۱، ۱۳۸۶/۰۲/۳۱ و ۱۳۹۴/۰۴/۲۰. البته در این امر نیز گرفتار افراط و تفریط نباید شد (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۷، ص ۱۱۱).

همکاری، هم بستگی و ارتباط سازنده تشکّل های انقلابی بر مبنای ادب، سعه صدر، حق بینی، منطق و استدلال و همچنین رابطه مثبت با مسئولان امر و سایر تشکّل های انقلابی یکی دیگر از مسائل اساسی و همیشگی مورد توجه در این تشکّل ها باید باشد (حسینی خامنه ای: ۱۳۷۹/۰۹/۱۷، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶، ۱۳۸۱/۰۹/۰۷ و ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

جذب حداکثری

تلاش برای جذب حداکثری و افزایش مخاطبان با روش های هنرمندانه، اقناع فکری، حسن اخلاق، کیفیت کاری و تحمّل مخالف از دیگر ویژگی های مهم تشکّل های انقلابی در دانشگاه تراز اسلامی محسوب می شود (حسینی خامنه ای: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ و ۱۳۹۴/۰۴/۲۰).

۴. رشته، دوره، متن و محتوا

یکی دیگر از ارکان تربیت سربازان عصر ظهور، شامل رشته، دوره، متن و محتوای تربیتی و آموزشی است که در ادامه ویژگی های مهم آن بیان می شود.

بازبینی مداوم، تغییر، اصلاح و نوآوری در رشته ها و متون درسی

رشته ها و متون درسی دانشگاه تراز اسلامی متناسب با اهداف، نیازها و پیشرفت علوم بوده و به طور مداوم مورد بازبینی، تغییر، اصلاح قرار گرفته و در آنها نوآوری ایجاد می گردد (صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۲، ص ۲۴۸؛ حسینی خامنه ای: ۱۳۷۰/۱۱/۳۰ و ۱۳۸۹/۰۶/۱۴). محتوای کتاب های درسی علوم انسانی نیز مورد بررسی دقیق قرار گرفته و آنها «مبتنی بر مبانی اسلامی» متحوّل

شده و اصلاح می‌گردند (صحیفه امام رحمه الله، ج ۸، ص ۴۳۳؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۱۱/۰۲، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹ و ۱۳۸۸/۰۶/۰۸). آخرین موضوعی که در این خصوص مدّ نظر قرار دارد «ترویج نکردن یک زبان خاص (انگلیسی) به عنوان زبان علم» است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۰۲/۱۳).

استفاده از میراث علمی و تجارب عملی خود و دیگران

در این نظام، به «میراث علمی و رشته‌های سنتی و اسلامی» (مثلاً در زمینه فلسفه) توجه ویژه می‌شود. البته برای تدوین متون درسی از علوم و تجارب عملی بومی و در صورت لزوم دیگران استفاده شده و این کار توسط افراد باصلاحیت و ماهر انجام می‌پذیرد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۰/۰۹/۱۹ و ۱۳۷۲/۰۹/۲۹).

سلامت، قابل فهم و عمیق بودن محتوای آموزشی

متون درسی برای تربیت سربازان عصر ظهور «فارغ از انحراف و بدآموزی» تدوین می‌گردند (صحیفه امام رحمه الله، ج ۲۱، ص ۴۷۷). همچنین به قابل فهم و عمیق بودن محتوای آموزشی دقت می‌شود (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶، ۱۳۷۲/۰۹/۲۹ و ۱۳۷۹/۰۹/۱۹، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

نگاه متوازن به علوم، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی

در این نظام به علوم، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی نگاهی متوازن وجود دارد و مبتنی بر نیازهای کشور و متناسب با استعداد مخاطبان به آنها پرداخته می‌شود. در همین راستا لازم است تقویت «رشته‌های علوم انسانی» و «مقاطع تحصیلات تکمیلی» بیشتر مدّ نظر قرار می‌گیرد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳ و ۱۳۸۵/۱۱/۰۲). «یکی دیگر از آسیب‌ها، عدم توازن در علوم دانشگاهی است. در علومی که در دانشگاه‌ها مطرح است، آن‌طور که خبره‌های این کار می‌گویند، آن توازن وجود ندارد. متخصصین این کار می‌گویند، لازم است در علوم دانشگاهی یک توازنی با توجه به آن نقشه جامع علمی کشور به وجود بیاید.» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۹/۱۷).

ج) ساحت‌های تربیت سربازان عصر ظهور

این بعد، شامل سه مؤلفه تربیتی به شرح جدول (۳) است. اعداد داخل پرانتز در جدول میزان تکرار مضامین را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های بُعد «ساحت‌های تربیت»

ساحت‌های تربیت (۱۰۳۵)	
تربیت فکری و اعتقادی (۲۶۳)	تربیت فرهنگی و اخلاقی (۶۲۴)
ایجاد بصیرت و قدرت تحلیل (۱۶۷) تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی (۵۲) توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی (۴۴) تربیت علمی و مهارتی (۱۴۸) خودسازی علمی (۷۰) فراگیری علوم و مهارت‌های اداره زندگی و جامعه (۳۸) ترویج ابتکار، خلاقیت و نوآوری (۲۱) آموختن و آزمودن در میدان عمل (۱۶) هدایت و کاربردی نمودن پایان‌نامه‌ها (۳)	خودسازی معنوی و اشاعه فرهنگ دینی و انقلاب اسلامی (۲۷۴) ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی (۲۱۳) افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه، تعهد، مطالبه‌گری و پیگیری (۷۱) هدایت‌گری مرشدانه فکری، فرهنگی و اخلاقی (۳۸) هدایت صحیح برنامه‌های فرهنگی هنری و جلوگیری از ابتذال (۲۸)

۱. تربیت فکری و اعتقادی

دانشگاه تراز اسلامی بایستی ابزار و وسایل لازم را برای هدایت فکری نسل جوان، به قدر وافر و کافی ایجاد کند تا از نظر تفکر انقلابی، عمق و پختگی لازم را پیدا نمایند و مثلاً اگر کسی نسبت به انقلاب اسلامی، هیچ معرفت یا اعتقادی نداشت، پس از فارغ التحصیلی، به فردی انقلابی و مؤمن تبدیل شده و به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانش کمک کند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۰۶/۱۱، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵ و ۱۳۸۶/۰۹/۰۸). بدین منظور لازم است تا برنامه‌های زیر پیش‌بینی و اجرا گردد:

بصیرت‌افزایی و ایجاد قدرت تحلیل

یکی از اهداف مهم الگوی تربیتی سربازان عصر ظهور، افزایش روشن‌بینی، روشنفکری و توان فهم و تشخیص صحیح مسائل جامعه و جهان است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳ و ۱۳۷۹/۰۷/۲۶). در نتیجه باید برای بصیرت‌افزایی و ارتقای آگاهی، قدرت تحلیل و بینش سیاسی، برنامه داشته باشد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۰۸/۰۴ و ۱۳۶۹/۰۶/۱۱). قدرت تحلیلی که بتواند از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای فرد به وجود آورده و آن را بشناسد. هر ضربه‌ای که مسلمانان در طول تاریخ خورده‌اند، از ضعف قدرت تحلیل بوده است. نباید گذاشت دشمن از بی‌بصیرتی‌ها و ناآگاهی‌ها استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). دشمن‌شناسی و آشنایی با تاریخ و مناسبات نظام

سلطه می‌تواند به این امر کمک کند. شناخت ماهیت دشمن، طرح‌ها و برنامه‌های او برای نفوذ و ضربه زدن به انقلاب اسلامی، باعث افزایش عمق نگاه‌ها شده و توان تحلیل و تصمیم‌گیری را در مناسبات اجتماعی و سیاسی ارتقا خواهد بخشید (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۴/۰۸/۱۹، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹ و ۱۳۹۴/۰۸/۲۰).

تبیین مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی

متأسفانه دستگاه‌های مرموز استکباری از طریق نظام تربیتی و آموزشی، مانع توجه طبقه تحصیل‌کرده به احکام مقدس اسلام، به‌ویژه قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن شده‌اند و با تبلیغات گوناگون این‌طور وانمود می‌کنند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد؛ در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی اسلام ناب بیشتر از مطالب عبادی آن است. لذا نیاز است تا قوانین آسمانی اسلام که برای تمام شئون زندگی از مبدأ وحی نازل شده و عملی‌تر و سودمندتر از تمام آموزه‌های دیگر است، تبیین گردد (صحیفه امام رحمه‌الله، جلد ۲ - صفحه ۸۷). همچنین نیاز به آشنایی با ریشه‌ها، مبانی فکری و اهداف انقلاب اسلامی است تا بتوان نقش‌ها و وظیفه‌های انقلابی را در حال حاضر و به‌ویژه در آینده درک نموده و عمل متناسب با آن را به نحو احسن، به انجام رساند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰ و ۱۳۶۸/۰۸/۱۰).

توسعه مهارت‌های تفکر و نظریه‌پردازی

خروجی‌های مطلوب دانشگاه تراز اسلامی، کسانی هستند که بتوانند در دنیای علم‌آموزی، پیشرفت علم و بنای علمی کشور، تحرک ایجاد کرده و صاحب‌نظرانی اندیشمند، فکور، عالم، محقق، پژوهشگر و دلیر در میدان علم و پژوهش باشند که دنیا از نظریه‌هایشان استفاده کند. این امر نیازمند آن است که افراد علاوه بر دانش و دانایی، روش‌ها و مهارت‌های اندیشیدن و تفکر را بیاموزند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، ۱۳۸۵/۰۹/۰۴). اگر کسی دارای تفکر بود، این روحیه موجب می‌شود که بتواند مسائل مهم را کشف کند. اگر جوان عالم و دانشمند، متفکر بار آمده باشد، از آن ذخیره دانشی که در اختیار او است، ده‌ها و صدها مسئله جدید مطرح می‌کند و پاسخ می‌گیرد؛ یعنی استفاده از علم هم با تفکر ممکن است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

۲. تربیت فرهنگی و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه تراز اسلامی برای پرورش انسان‌های متعالی، «تربیت فرهنگی و اخلاقی» آنان است که نتیجه آن مشخصاً در رفتار و سبک زندگی جامعه منتجی می‌شود. بیشترین تأکید از لحاظ تکرار مضامین در بیانات امامین انقلاب اسلامی نیز در همین

زمینه مشاهده شد که این مضمون‌ها در هفت مؤلفه به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

خودسازی معنوی و اشاعه فرهنگ دینی و انقلابی

تعمیق معرفت، ایمان، تعهد، تعبد دینی و نگاه توحیدی «با تبیین جهان بینی الهی و افزایش آگاهی و دانش دینی، ایمان و تعهد را تقویت نموده و باعث ارتقای دین داری می‌گردد. در این جا توجه به باطن و عمق اعمال در کنار حفظ ظواهر اسلامی و پایبندی به تعبد دینی همراه با دانایی، مطلوب و مورد نظر است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). بسیاری از خطاها، به علت شناخت ناقص و سطحی از اسلام به وجود می‌آید لذا آشنا نمودن افراد با معارف دینی و انقلاب اسلامی و هدایت صحیح ایشان در صراط مستقیم، اهمیت ویژه می‌یابد (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۳، ص ۳۲۲؛ ج ۱۹، ص ۳۱۶). ترویج خودسازی معنوی، تأدیب، تزکیه و تهذیب نفس با ترویج و آگاهی بخشی این مسائل و همچنین ایجاد فضا و محیط مناسب از طریق رفع موانع و مزاحمت‌ها، کمک قابل توجهی در این مسیر به حساب می‌آید. در این زمینه تذکر نکات اخلاقی در کلاس‌ها و برگزاری دروس عقاید و اخلاق می‌تواند مفید واقع شود همان‌طور که یکی از توصیه‌های همیشگی امامین انقلاب اسلامی به دانشجویان، توجه جدی به مقوله خودسازی، تهذیب نفس و تزکیه بوده و هست. (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۱۳، ص ۲)؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۰/۲۴ و ۱۳۷۷/۰۲/۲۴. تعظیم شعائر و برگزاری آگاهانه و هوشمندانه مراسم دینی اعم نماز جماعت، اعتکاف، احیا، توسل، روضه خوانی، دعا و مناجات با محوریت مسجد، نیز کراراً مورد تأکید قرار داشته است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۹/۰۸/۱۳، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷ و ۱۳۸۴/۰۳/۰۵). در این مسیر، ایجاد زمینه «آشنایی و انس با قرآن» و در مرحله بعد «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه»، تأثیر بسزایی در تربیت فرهنگی و اخلاقی خواهد داشت (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۹/۱۷ و ۱۳۷۸/۰۹/۰۱)

ترویج فضایل اخلاقی و سبک زندگی اسلامی

دانشگاه تراز اسلامی به دنبال ترویج فضایل اخلاقی مانند ادب، انضباط، وقت شناسی، امانت داری، صبر، قناعت، چشم پوشی، انصاف و تقویت وجدان کاری، روح تلاش، سخت کوشی، مسئولیت پذیری، فرهنگ کار جمعی و تعاون در امور خیر و در مجموع سبک زندگی اسلامی به عنوان یکی از ابعاد مهم پیشرفت و نماد و جلوه تمدن نوین اسلامی است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، ۱۳۹۱/۰۲/۲۰ و ۱۳۹۱/۰۵/۲۲). هدف از درس خواندن، نباید معطوف به گرفتن مدرک تحصیلی، کسب درآمد، موقعیت اجتماعی یا سیاسی باشد. در دانشگاه تراز اسلامی، این خود علم است که ارزش دارد؛ البته علمی که در جهت

اهداف عالی و سعادت حقیقی بشریت باشد. لذا تزریق روحیه پارسایی و وجدان علمی و ایجاد علاقه به تحقیق و علم‌آموزی از کارکردهای اصلی مورد انتظار از این نظام است. (صحیفه امام رحمه الله علیه، ج ۸، ص ۲۴۸؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۱۰/۰۱)

افزایش نشاط، امید، خودباوری، انگیزه، تعهد، مطالبه‌گری و پیگیری

هویت بخشی، ایجاد اعتماد به نفس و ارتقای انگیزه‌ها و باورهای ملی و دینی همراه با حس افتخار و سربلندی یکی دیگر از جنبه‌های مهم و اصلی در تربیت فرهنگی و اخلاقی به شمار می‌رود (صحیفه امام رحمه الله علیه، ج ۲۱، ص ۷۴؛ حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۰۷/۱۳). این موضوع دارای ویژگی‌هایی است که اولین آن تقویت خودباوری و شجاعت و ریشه‌کن نمودن فرهنگ غلط «ما نمی‌توانیم» است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۰۳/۱۹، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰ و ۱۳۷۸/۰۳/۱۲). یادآوری سوابق درخشان تاریخی و زنده کردن و تقویت حس افتخار و اعتزاز ملی و دینی، حساسیت و تعهد به اسلام و کشور و بیزاری از وابستگی به بیگانگان، می‌تواند در هویت بخشی و ایجاد انگیزه بسیار مؤثر باشد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۰/۰۹/۲۰، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲ و ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). افزایش نشاط و ایجاد امید به آینده کشور و انقلاب اسلامی نیز تأثیر بسزایی در تقویت هویت و ایجاد انگیزه خواهد داشت (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۰۷/۲۰). گسترش روحیه کنجکاوی، مطالبه‌گری و پیگیری همراه با عقلانیت و انصاف در بین جوانان نیز از دیگر ضرورت‌هایی است که برای تحقق تمدن نوین اسلامی به آن نیاز است. دانش‌آموز و دانشجو باید همواره انگیزه طرح مسئله، سؤال یا درخواست داشته باشد. اگر این شد، ممکن است به همه آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما این که در کوتاه مدت همین جور هم هست؛ لیکن یقیناً آینده خوب و افق روشنی با چنین مطالباتی جلوی چشم است. جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه‌کار اجرایی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالأخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف اوست که این را هم در کنار آن مطالبه و طلبکاری و مدعا داشتن، بایستی درک کند. (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۶/۰۷/۱۷ و ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

هدایت‌گری مرشدانه فکری، فرهنگی و اخلاقی

عمده هدف این بخش، «ایجاد مصونیت در برابر فرهنگ غربی و اندیشه‌های انحرافی»

است تا در مقابل تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن بتوان از فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی محافظت نمود. بدیهی است این کار از طریق ابزار فرهنگی نظیر روشنگری و پاسخ به شبهات با تکیه بر تفکر ناب اسلامی قابل انجام است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۰۸/۱۰، ۱۳۷۷/۰۹/۰۹، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ و ۱۳۷۶/۰۶/۲۵). برای این منظور، حضور و هدایتگری مرشدانه علما و اساتید برجسته معارف و اخلاق ضروری است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶ و ۱۳۶۸/۰۷/۱۵).

هدایت صحیح برنامه‌های فرهنگی هنری و جلوگیری از ابتذال

حوزه وسیع تربیت فرهنگی و اخلاقی، از حساسیت بالایی برخوردار بوده و نیاز به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و دقیق و پیش‌بینی برنامه‌های سالم با توجه به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی دارد. فضای فرهنگی، تحمیل‌کننده خود بر همه رفتارها و روش‌هاست، چه رفتارها روش‌های فردی، چه جمعی و چه حکومتی و چه کلان جامعه. لذا این را نمی‌شود دست‌کم گرفت و باید آن را مهندسی کرد؛ یعنی باید با اصلاح عیوب فرهنگ موجود، انسان‌هایی رشید، آزاد، موحد، عدالت‌طلب، پرکار، پر نشاط، پر امید، پیشرو، دارای اعتماد به نفس، دارای توکل به خدا، دارای روح ایثار و مجاهدت و در همه ابعاد به طور کامل، تربیت نمود. باید مشکلات و ریشه‌های آن را شناخت و برای رفع آن ریشه‌ها، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی کرده و پیش رفت. در این راستا لازم است جریان‌ات صحیح فرهنگی را کمک و هدایت کرد. آنجایی را نیز که دشمن برنامه‌ریزی کرده است، شناخت و علاج فرهنگی - نه علاج سیاسی و پلیسی - نمود. بدون برنامه‌ریزی، نباید انتظار داشت که فرهنگ کشور - چه فرهنگ عمومی؛ چه فرهنگ نخبگانی، دانشگاه‌ها و غیره و غیره - به خودی خود خوب شوند و پیش بروند (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، ۱۳۸۶/۰۹/۱۷، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

۳. تربیت علمی و مهارتی

با وجود تأکید ویژه بر جنبه‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی تربیت، اما تربیت علمی و مهارتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این، علم و دانش است که خواهد توانست دست برتر را در مناسبات جهانی برای تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایجاد نماید (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ و ۱۳۹۱/۰۹/۲۱). بیانات امامین انقلاب در این زمینه را می‌توان در چهار موضوع به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

جدیت در خودسازی علمی

اهمیت تحصیل و فراگیری دانش و خودسازی علمی باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان و

دانشجویان آن را وظیفه اصلی و فریضه‌ای واجب دانسته و با تحمّل سختی‌ها و محرومیت‌ها، بخش عمده‌ای از وقت و تلاش خود را در این زمینه صرف کنند. این موضوع به حدّی جدی است که امام رحمته‌الله علیه، مسامحه در آن را خیانت به اسلام و کشور برمی‌شمارند (صحیفه امام رحمته‌الله علیه، ج ۸، ص ۲۴).

امام خامنه‌ای نیز فلسفه حضور و کار اول دانش‌آموز و دانشجو را درس خواندن می‌داند و معتقدند اگر کسی درس نخواند، بلاشک ذمه‌اش مشغول مردم است و باید در روز قیامت پیش خدای متعال جواب دهد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

فراگیری علوم و مهارت‌های اداره زندگی و جامعه

یکی از اهداف مهم دیگر، تربیت نیروی کار مناسب و کارآمد برای جامعه است؛ لذا لازم است علوم، فنون و مهارت‌های مختلف اداره جامعه و زندگی اجتماعی و شخصی فراگرفته شوند. برای رسیدن به آینده‌های مطلوب، احتیاج به نسل جوان باهمت‌پرانگیزه مؤمن تلاشگر کاردان راه‌بلد است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۰۹/۱۶، ۱۳۸۵/۰۷/۲۵).

ترویج ابتکار، خلاقیت و نوآوری

ترویج ابتکار و زنده نگه داشتن روح خلاقیت، نوآوری علمی و کارآفرینی، مضمون دیگری است که بایستی در تربیت علمی و مهارتی مدنظر قرار گرفته و به آن توجه ویژه شود. دانشجو را باید به جای فراگیری تقلیدی و پذیرفتن صرف، به وادی ابتکار سوق داد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۰۹/۰۴، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷).

آموختن و آزمودن در میدان عمل

دانشگاه تراز اسلامی باید افراد را برای نیازهای جامعه تربیت کند؛ لذا لازم است برای حضور و تعامل آنها در دستگاه‌های گوناگون اجرایی، فکر و برنامه‌ریزی کرد. فرق است بین آن کسی که در کتاب چیزی را می‌خواند و آنکه خوانده‌ها را در میدان عمل می‌آزماید، یا اساساً در میدان عمل می‌آموزد. میدان عمل، موقعیتی فوق‌العاده است. در این زمینه از روش‌هایی مثل کارگاه‌های آموزشی، اردوهای علمی، ارتباط دانشگاه و صنعت می‌توان استفاده نمود (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۰۷/۲۸، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵).

هدایت صحیح و کاربردی نمودن پایان‌نامه‌ها

مسئله بعدی در دانشگاه تراز اسلامی، «هدایت صحیح و کاربردی نمودن پایان‌نامه‌ها» در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای استفاده مؤثر در نیازمندی‌های کشور است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۹/۲۶ و ۱۳۹۴/۰۴/۱۳).

بحث و تحلیل

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی دارای نقاط تمایز جدی نسبت به سایر الگوهای متداول دانشگاهی و آموزشی است. بدین منظور ابتدا ویژگی‌های اصلی سایر الگوهای دانشگاهی مبتنی بر نتایج این پژوهش، احصا و سپس با الگوی مطلوب مقایسه می‌گردد. الگوهای مهم دانشگاهی جهان در چهار الگوی (۱) آکسبریجی، (۲) ناپلئونی، (۳) هومبولتی و (۴) لیبرال آمریکایی (مبتنی بر بازار)؛ تقسیم می‌شود. عمده تفاوت بین این الگوها، نه در مبانی و اصول بلکه در روش‌ها و اولویت‌های کاری و فرایندی است. مثلاً در الگوی آکسبریجی، تمرکز بر تربیت همه‌جانبه دانشجوی؛ در الگوی ناپلئونی تأکید بر آموزش حرفه‌ای و در الگوی هومبولتی، پژوهش علمی، محور بوده و تربیت نیز در خلال پژوهش حاصل می‌شود. جدول (۴) مهم‌ترین ویژگی‌های هر الگو به همراه سنت‌های حوزه‌های علمیه در ملاحظه می‌شود.

جدول ۴. ویژگی‌های اصلی الگوهای دانشگاهی

نام الگو	ویژگی‌های اصلی
آکسبریجی	ارتباط نزدیک استاد و دانشجو (مرئی‌گری و آموزش اختصاصی) حمایت از دانش محض در مقابل دانش کاربردی سکونت دانشجو در محل دانشگاه (شبانه‌روزی) تربیت همه‌جانبه دانشجو به عنوان قشر فرهیخته: آموزش روشنفکری افزایش خردورزی جامعه و پرورش اذهان عمومی/پالایش ذائقه و سلیقه ملی اصلاح و بهسازی روابط اجتماعی / تسهیل دستیابی به اهداف ملی استقلال کامل در روش مدیریت: تکثر انعطاف‌پذیری برنامه درسی
ناپلئونی	متون درسی استاندارد/ الگوی نسبتاً واحد از بالا به پایین تشکیل مدارس حرفه‌ای (حقوق، مدیریت و ...) گزینش سخت و انتخاب محدود/نخبه‌گرایی دولتی تربیت شهروند: هویت ملی و جامعه‌پذیری مدرنیته
هومبولتی	تأکید بر پژوهش و علوم تجربی یکپارچگی تدریس و پژوهش آزادی تدریس و آزادی یادگیری شأن اجتماعی بالا برای اساتید/کرسی‌های دانشگاهی استقلال در اداره دانشگاه تأمین هزینه توسط جامعه تخصصی شدن رشته‌های تحصیلی

نام الگو	ویژگی‌های اصلی
	حل مسائل/ارزیابی انتقادی/آموزش نیروی انسانی سطح بالا
آمریکایی (مبتنی بر بازار)	علوم کاربردی/خدمت و اثربخشی علمی/دانش سودمند و پاسخ‌گویی به جامعه مشارکت بخش خصوصی و حمایت دولتی تکثر جامعه محلی و مدنی
حوزه‌های علمیه	آزادی انتخاب و تغییر استاد استقلال اداری و مدیریتی تأمین مالی توسط مردم به همراه کمک دولتی محوریت تفکر و مطالعه (پیش مطالعه قبل از درس و مباحثه بعد درس/تقریر درس استاد/اشکال کردن به درس استاد و قبول نکردن تعبدی) احترام به استاد و پیش‌کسوت

البته اطلاعات تاریخی نسبت به نظام‌های تربیت و آموزش در دوره تمدن اسلامی اندک بوده و نیاز به پژوهش‌های عمیق و دقیق در این زمینه احساس می‌گردد. «برادران و خواهران عزیز! ... ما از گذشته خودمان خیلی خبر نداریم؛ نمی‌دانیم آن دانشگاه‌ها یا مدارس که امثال خواجه نصیرها و ابن سیناها و خوارزمی‌ها و خیام‌ها و میردامادها و شیخ بهایی‌ها را تربیت کرد، چه جوری بوده؛ متأسفانه اطلاع درستی از آن نظام‌های آموزشی و به یک معنا [نظام‌های] دانشگاهی قرن‌های گذشته خودمان نداریم؛ جزو کم‌کاری‌های ما، یکی این است» (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱)

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دنیا نیز از زمان شکل‌گیری تاکنون سیری تکاملی را طی نموده‌اند. در دانشگاه‌های نسل اول (آکسبریجی و ناپلئونی)، آموزش‌ها کلاسیک بود و استاد و دانشجو از آنها پیروی می‌کردند. دانشگاه، محیط نسبتاً بسته‌ای بود که ارتباط بسیار ضعیفی با جامعه و صنعت داشت. پژوهش‌ها نیز سطحی و بیشتر نظری بودند. دانشگاه نسل اول، انسان‌های نخبه یا حرفه‌ای تربیت می‌کرد و به خروجی‌های خود مدرک‌های رسمی می‌داد که بر اساس آنها معلوم می‌شد چه کسی در چه حوزه تخصصی یا حرفه‌ای، چه پایه‌ای دارد. با ظهور رنسانس و انقلاب علمی، دانشگاه نسل دوم یا هومبولتی ظهور کرد. این دانشگاه، پژوهش محور بود و در آن، مقاله، ثبت اختراع و ... معنا و مفهوم خاصی پیدا نمود؛ ضمن این‌که ارائه آموزش و مدرک دانشگاهی نسل اول را هم داشت. در حال حاضر نیز بسیاری از دانشگاه‌ها در نسل دوم هستند.

در طول دو دهه اخیر و با رشد نیازهای جوامع و مشکلات تأمین منابع مالی، دانشگاه‌های نسل سوم شروع به شکل‌گیری کردند. این دانشگاه‌ها، کارآفرین، فتاور و نوآور بوده؛ ارتباط

نزدیکی با صنعت داشته و تولید ثروت و ایجاد اقتصاد دانش بنیان را دنبال می‌کنند. مطلوب‌ترین چیزی که یک دانشگاه معتبر نسل سوّم به دانش‌آموختگان خود می‌دهد، اعتماد به نفس برای ورود به دنیای کار، آموزش کار گروهی و مهارت‌های کارآفرینی است؛ درحالی‌که نسل‌های قبلی دانشگاه، به دانش‌آموختگان خود مدرک تحصیلی می‌دادند تا بتوانند به اعتبار آن وارد بازار کار شده یا شرایط احراز پست‌های سازمانی را به دست آورند. اخیراً دانشگاه‌های کشور ما هم به طرف نسل سوّم در حال حرکت هستند؛ اما بر فرض ایجاد و توسعه این نسل از دانشگاه، آیا انسان به گم‌شده خود دست خواهد یافت؟ یا باز هم نیاز به ابعاد جدیدی احساس می‌شود؟ امروزه دانشگاه‌های دنیا برای رسیدن به پیشرفت علمی، فناوری و نوآوری، سیستم مطلوبی دارند، ولی آیا آنها، به سمت سعادت بشر در حرکت‌اند؟

تفاوت الگوی تربیت سربازان عصر ظهور با الگوهای متداول دانشگاهی جهان، بیش از آنکه شکلی و ظاهری باشد، ماهوی و بنیانی است. نظام‌های تربیت و آموزش غربی علی‌رغم داشتن تفاوت‌های راهبردی، تاکتیکی و فنی، همگی ریشه در جهان بینی مادی غرب و پارادایم غالب پس از رنسانس دارند. اومانیزم، سکولاریسم و لیبرالیسم بن‌مایه‌های اصلی این تفکر هستند. پیامد مطلوب و موردانتظار آنها «جامعه مدنی مدرن» است که بر دو پایه «علم و فناوری» و «شهروند جهانی» بنا می‌شود.

دانشگاه تراز اسلامی، به دنبال ترسیم مسیری متفاوت و ریل‌گذاری جدیدی است که با گذر از دولت و جامعه اسلامی، انسان‌ها را به تمدن نوین اسلامی رهنمون گردد. تکامل، تعالی و سعادت دنیوی و اخروی بشریت، نقطه‌نهایی است؛ درحالی‌که تفکر غربی به ساحت وسیع آخرت کاری نداشته و پیگیری آبادی دنیا است. دین و مظاهر آن را شخصی و فردی می‌داند. البته در صداقت مروجان این تفکر نیز جای شبهه وجود دارد که آیا این خوشبختی در این دنیا را عادلانه و برای همه انسان‌ها می‌خواهند یا برای بخش فرادست و مسلط جامعه و اگر خیر آنها شامل عموم هم می‌شود برای نیست که خدای ناکرده از قیل فقر و جهل عامه، خسارتی متوجّه خواص ممتاز شود.

به طور خلاصه می‌توان عنوان نمود که پیامد موردانتظار نظام تربیت و آموزش غربی، جامعه‌ای مدنی و مدرن است که در آن ثروت و رفاه مادی شاخصه‌های اصلی هستند؛ در صورتی که پیامد دانشگاه تراز اسلامی، تمدن اسلامی است که در آن دنیا و آخرت متوازن و هم‌زمان با هم تأمین می‌شود اگرچه در آن، دنیا اصالت ندارد.

دانش‌آموختگان نظام‌های آموزشی غربی، شهروندان مطلوب جامعه جهانی اعم از

کارآفرینان، دانشمندان فرهیخته و کارکنان حرفه‌ای هستند که با پذیرش ضمنی یا صریح نظام سلطه، نقش خود را در این نظام به خوبی پیدا نموده و آن را به نحو احسن اجرا می‌کنند؛ اما خروجی مطلوب الگوی تربیت تراز اسلامی، انسان‌های عالم حکیم در تراز اسلام، امام و شهدا بوده که با توانمندی‌های روحی، جسمی، فکری، علمی و ایمانی خود، در راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی از پس امتحان‌های دشوار برمی‌آیند. همان‌طور که در بیان حضرت امام خمینی رحمته الله علیه کاملاً تشریح شد؛ «فکر، علم و فناوری دانشگاه غربی» متمرکز بر لایه طبیعت مادی است؛ ولی علم جامع مادی و معنویت، مطلوب اساسی در دانشگاه تراز انقلابی خواهد بود که در آن توحید، محور است (صحیفه امام رحمته الله علیه، ج ۸، ۴۳۳).

مبانی اساسی که دانشگاه غربی بر پایه آن رشد نموده است شامل جدایی دین و سیاست (سکولاریسم)، انسان‌گرایی (اومانیزم) و آزادی مطلق (لیبرالیسم) است. مبانی اسلام ناب کاملاً در جهت مخالف این مبانی است. «به هم تنیدگی دنیا و آخرت و علم و دین»، «آزادی و کرامت انسان همراه با تکلیف» و «عدالت محوری» اساس اندیشه اسلامی است که در دانشگاه تراز اسلامی، متجلی می‌شود.

البته باید توجه داشت که در الگوی نظام‌های آموزشی غربی، ارزش‌های مثبت و قابل یادگیری نیز وجود دارد که باید آنها را از مبانی فکری و اندیشه‌ای نادرست آن تفکیک نمود همچنان که امام خمینی رحمته الله علیه هم از آن، یاد کرده؛ ولی آن را کامل ندانستند (صحیفه امام رحمته الله علیه، ج ۸، ۴۳۳). امام خامنه‌ای نیز بارها به برخی از این موارد اشاره داشته‌اند. «کسانی که در دنیا تلاش علمی کردند، به پیشرفت نائل شدند. پیشرفت علمی، دلیل حقانیت هیچ کشور و ایده و تفکری نیست؛ اما دلیل برنامه‌ریزی درست و پشتکار است؛ نشان دهنده این است که این ملت، پشتکار و همت داشته، تلاش کرده و خوب برنامه‌ریزی کرده و به این جا رسیده است.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۵/۱۹).

دقت در آرا و نظرهای امامین انقلاب اسلامی، اصیل بودن کارکرد انسان‌سازی دانشگاه تراز اسلامی را نشان می‌دهد. این امر تا بدان جا اهمیت دارد که امام خامنه‌ای حتی فلسفه انقلاب اسلامی را نیز، انسان‌سازی می‌دانند: «حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

سؤالی که مطرح می‌شود، این است: ویژگی و مشخصه اصلی این انسان چیست؟ با تحلیل بیانات امامین انقلاب اسلامی، خروجی کار دانشگاه تراز اسلامی، تربیت انسان‌های تراز اسلام،

انقلاب و امام علیه السلام، تعریف شده است: «واقعاً بسازید؛ بنیان بگذارید و بتراشید؛ انسان‌های تراز اسلامی، تراز انقلابی و تراز امام علیه السلام؛ این‌طور انسان‌هایی را بسازید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۹/۰۸).

حال باید دید مهم‌ترین خصلت حضرت امام علیه السلام چه بوده که امام خامنه‌ای خواستار ساختن افراد در تراز ایشان شده‌اند؟ با سیری در بیانات معظم‌له آشکار می‌شود که ایشان بارها از امام علیه السلام به عنوان فردی حکیم یاد نموده‌اند: «امام علیه السلام، به معنای واقعی کلمه، یک حکیم بود. خدای متعال، حکمت به همان معنای حقیقی «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» را به این مرد داده بود. او واقعاً بصیرتی داشت. خیلی از چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمی‌دیدیم، او آنها را در نگاه عادی مشاهده می‌کرد. حرف‌های او، برخاسته از چنین دلی و چنان حکمتی بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴).

از سوی دیگر، هدف غایی خلقت و فلسفه بعثت پیامبران علیهم السلام، تربیت انسان و رساندن او به تعالی عمیق و همه‌جانبه با بهره‌گیری از حکمت بالغه الهیه (قرآن و عترت) است و این انسان است که هسته اصلی و مهم تمدن نوین اسلامی را شکل می‌دهد. اساس پیشرفت، داشتن انسان‌های تربیت‌یافته بر اساس مبانی دینی است.

در دانشگاه تراز اسلامی، پرداختن به بُعد تربیتی انسان اهمیت‌ی فوق‌العاده دارد؛ این نظام علاوه بر حفظ مزیت‌های نظام‌های آموزشی متداول بر اساس کارکرد افراد، گروه‌ها و مراکز و باتکیه بر ارزش‌های دینی در چارچوب خوشه‌های علم و فناوری از هم‌افزایی، خودسازمان‌دهی و معماری علم و ثروت، در سطح ملی و فراملی پشتیبانی می‌کند. دانشجویان در این نظام، مسئله‌یابی و حل مسئله را فراگرفته و با انجام پایان‌نامه، نحوه تحقیق و پژوهش را عملاً می‌آموزند. با تحقق این نظام، بدون دنباله‌روی از الگوهای مرسوم جهان، نقش پیش‌روندگی و پیش‌برندگی واگن اول قطار پیشرفت پیدا خواهد شد. ایجاد دانشگاه تراز اسلامی، نیازمند وحدت واقعی حوزه و دانشگاه بنا بر توصیه امام راحل علیه السلام است که فرموده‌اند:

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم‌کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. (صحیفه امام علیه السلام، ج ۲۱، ص ۷۴)

ویژگی اصلی دانشگاه‌های غربی در نظام تربیت و آموزش این است که توجّه و تمرکز آن بر وجه ظاهری، مادی و دنیوی بوده و این امر باعث غفلت از باطن اخروی شده است.

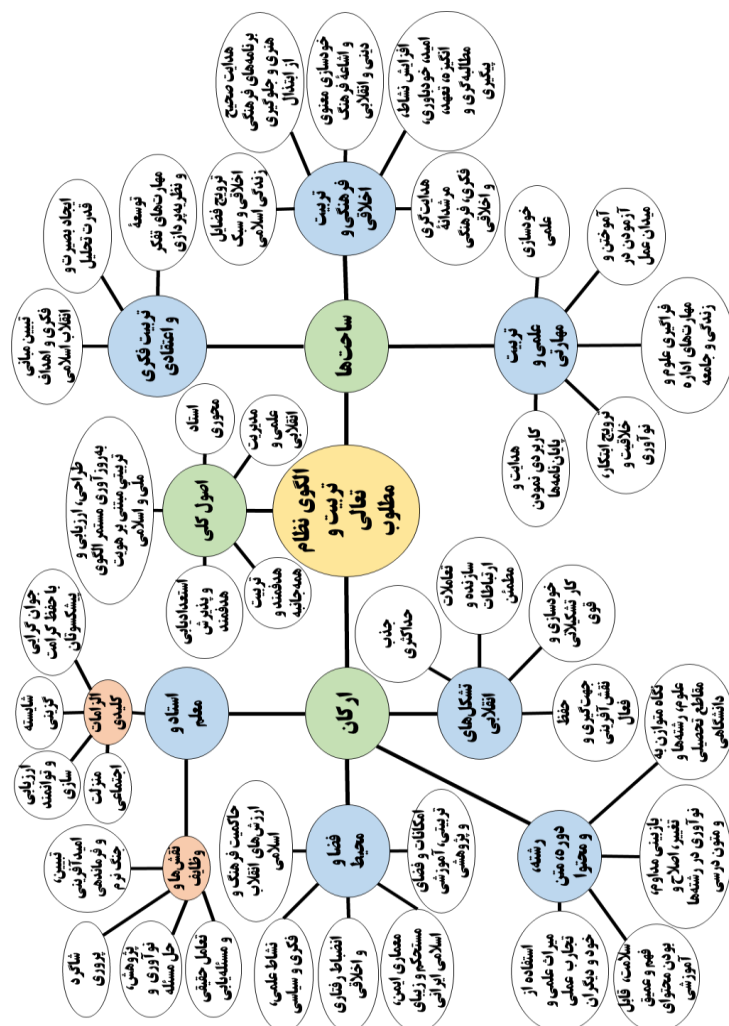
به عبارت دیگر الگوهای تربیت و آموزش موجود در بهترین حالت، فرد را برای زیستن مطلوب در دنیا پرورش می‌دهند؛ از آن سو، حوزه‌های علمیه با تمرکز بر باطن، آبادی حیات اخروی را وجهه همّت خود قرار داده‌اند.

در نگاه امام خامنه‌ای، حیات دنیا و آخرت، دوروی یک سگه‌اند و تفکیک آنها از یکدیگر بی‌معنا است و اگرچه هدف نهایی سعادت ابدی و جاودانه است؛ اما مسیر آن از همین دنیا می‌گذرد؛ لذا «تلفیق و تقارن توسعه علم و حکمت: فراگیری دانش، ایمان، بصیرت و اخلاق» ضروری است.

در تربیت سربازان عصر ظهور؛ استاد، نقشی کلیدی را در هرکدام از فرایندهای اصلی بر عهده خواهد داشت. از آن طرف دانشجو نیز در انتخاب استاد و حتی تغییر آن، مختار است؛ لذا استانداردسازی دستوری متون درسی به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی، مطلوب نخواهد بود. در دانشگاه تراز اسلامی؛ تفکر، تحقیق و مطالعه (به جای تأکید بر محفوظات)، جایگاه محوری دارد.

نتیجه‌گیری

در مجموع، الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی مستخرج از بیانات و تدابیر امامین انقلاب اسلامی را می‌توان مطابق شکل (۱) در یک شبکه مضامین با ۳ بعد و ۷ مؤلفه شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های مندرج در جداول پیش‌گفته (جداول ۱ تا ۳) ملاحظه نمود.



شکل ۱. شبکه مضامین و الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی

وجوه تمایز و ویژگی‌های نظام‌های آموزشی غربی، حوزه‌های علمیه سنتی و الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی در جدول (۵) منعکس گردیده است:

جدول ۵. مقایسه ویژگی‌های اصلی الگوهای تربیت و آموزش جهان، حوزه‌های علمیه و الگوی تربیت سربازان عصر ظهور

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی	حوزه‌های علمیه سنتی	الگوهای نظام آموزش عالی غربی			ابعاد / مؤلفه‌ها	
		نسل سوم (آمریکایی)	نسل دوم (هومبولتی)	نسل اول (آکسبریجی و ناپلئونی)		
دولت، جامعه و تمدن اسلامی (جامع آخرت - دنیا)	تعالی فردی (تمرکز بر آخرت)	جامعه مدنی مدرن (تمرکز بر دنیا)			پیامدها	
انسان عالم حکیم تراز انقلاب	مبلغ + فقیه + مفسر + مرجع تقلید و ...	کارآفرین + دانشمند + متخصص حرفه‌ای	دانشمند + متخصص حرفه‌ای	نخبه اجتماعی / فرد حرفه‌ای	دانش آموختگان	ورودی‌ها
شبکه حکیمان	عالم دینی	شهروند جهانی				
حکمت بنیان (جامع)	شریعت محور	انتفاع محور	پژوهش محور	آموزش محور	فرایندهای اصلی	فرایندها
اسلام ناب محمدی آخرت از دنیا عدالت و نفی ظلم آزادی با تکلیف	اسلام با تمرکز به حوزه احکام فردی	مبانی تمدن غرب (سکولاریسم / اومانیسم / لیبرالیسم)			مبانی	ورودی‌ها و زیرساخت‌ها
روح انقلابی، تفکر بسیجی و کار جهادی	تقوا و تهذیب نفس	خطرپذیری، پشتکار و سخت‌کوشی			ارزش‌های مثبت	
منظومه کامل رشته‌ای / رشته‌ای	مدرسه‌ای	میان‌رشته‌ای	رشته‌ای	مدرسه‌ای	نظام تربیت و	

الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی	حوزه‌های علمیه سنتی	الگوهای نظام آموزش عالی غربی			ابعاد / مؤلفه‌ها	
		نسل سوم (آمریکایی)	نسل دوم (هومبولتی)	نسل اول (آکسبریجی و ناپلئونی)		
میان رشته‌ای / فرارشته‌ای					آموزش	
منعطف	نسبتاً ثابت	کاربردی	به روزشونده	ثابت و استاندارد	متون درسی	
فارسی	عربی	انگلیسی	زبان ملی	لاتین	زبان اصلی	
انسان‌سازی و گسترش حکمت	شاگردپروری	ترکیبی	راهنمایی و پژوهش	مربی‌گری/ تدریس	نقش اساتید	

پیشنهادهای

در این مقاله ابعاد، تصویری شفاف از چگونگی الگوی تربیت سربازان عصر ظهور در دانشگاه تراز اسلامی با تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن مبتنی بر نظرهای امامین انقلاب اسلامی ارائه گردید که بر اساس شاخص‌های به دست آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را برای استفاده مؤثر از این الگو و البته تکمیل آن مطرح نمود. گفتمان‌سازی و ترویج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این الگو می‌تواند به شکل‌گیری الگوی ذهنی مشترک برای مسئولان، اساتید، دانشجویان، پژوهشگران دانشگاهی و مدیران حاکمیتی و همچنین ایجاد خواست عمومی و مطالبه اجتماعی کمک نموده و در تصمیم‌سازی‌های حاکمیتی نقش آفرین باشد؛ ارزیابی وضع موجود نظام تربیت و آموزش دانشگاه‌ها با توجه به شاخص‌های ارائه شده به عنوان معیار سنجش می‌تواند به تعریف برنامه‌های تحولی در آموزش عالی کشور بینجامد؛ الگوبرداری و یادگیری تجربه‌های موفق در زمینه پیاده‌سازی این الگو در سطح کشور و جهان، زمینه را برای شتاب‌دهی به حرکت‌های تحولی فراهم خواهد نمود. مطالعه روابط بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده و پیشنهاد شیوه پیاده‌سازی الگو با تعیین عناصر اهرمی و کلیدی آن، در تدوین نقشه راه عملیاتی ساخت دانشگاه تراز اسلامی، اثرگذار است.



منابع

- احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۸۵)، *دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (علیه السلام).
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸)، *شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- باقری کراچی، امین؛ عباس پور، عباس؛ آقازاده، احمد (۱۳۹۱)، *طراحی الگوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاه اسلامی برای خدمت‌محوری و تأمین نیازهای جامعه*، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ش ۳.
- پور عزت، علی‌اصغر؛ خواستار، حمزه؛ طاهری عطار، غزاله؛ فراچی، محمد مهدی؛ نرگسیان عباس (۱۳۸۷)، *الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی‌شدن، مدیریت اسلامی، س ۱۲، ش ۴.*
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۲)، *تحول حوزه علمیه و روحانیت در گذشته و حال*، قم: کتاب فردا.
- جمعی از طلاب و محققین حوزه علمیه (۱۳۹۰)، *روشنای علم: مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون دانش و تولید علم*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- حسنی‌آهنگر، محمدرضا و همکاران (۱۴۰۳)، «دانشگاه تراز اسلامی، قلب تپنده تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور»، *مشرق موعود*، ۱۸(۱)، ۷-۳۶.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir
- دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (۱۳۹۴)، *طرح راهبردی تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
- دبیرخانه تحول و تعالی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (۱۳۹۵)، *منشور دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در بیان و بنان ولایت*، چ سوم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۶)، *دانشگاه ایرانی و مناقشه هویتی-کارکردی: در جستجوی الگوی گم‌شده*، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، س ۷، ش ۱.
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، *سبک رهبری خدمت‌گزار الگویی متعالی برای فرماندهان و مدیران*، تهران: مرکز باقرالعلوم (علیه السلام).
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران: بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن*، تهران: رسا.

- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۲)، *شورای عالی انقلاب فرهنگی: رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مخبر دزفولی، محمدرضا؛ آژینی، محسن (۱۳۸۹)، *منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (مجموعه رهنمودها و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ، علم و فناوری)*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. *صحیفه امام خمینی*، پایگاه اینترنتی گسترش آرا و اندیشه‌های امام خمینی: www.rouhollah.ir
- میرزاحمدی، محمدحسن؛ فرم‌پینی فراهانی، محسن؛ یوزباشی، علیرضا؛ زرین، لیلا (۱۳۹۲)، *شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های استاد مطلوب دانشگاه اسلامی - ایرانی*، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۹.
- نجاران طوسی، حامد؛ فاتح راد، مهدی؛ برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۸)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.



Strategic Approaches of the Islamic Revolution in Preparing for the Reappearance (with Emphasis on the Second Phase Statement)

Dr. Rouhollah Abbaszadeh ¹

Saeed Asadi ²

Abstract

Achieving sublime human ideals and realizing the divine utopian society are among the lofty objectives of the Islamic Revolution. Within this revolution, every effort is made to fulfill these goals to the greatest extent possible, with their most complete manifestation being realized upon the advent of the luminous sun of divine guardianship (Wilayah). Hence, the Islamic Revolution serves as one of the key drivers paving the way for the reappearance of Imam Mahdi (PBUH). The central question addressed in this study is: What are the strategic policies of the Islamic Revolution for engaging in global transformations and preparing the grounds for the advent of Imam Mahdi (PBUH)? Islamic teachings and the Second Phase of the Revolution statement outline some of these strategic policies. This research employs a descriptive-analytical method, examining the content of the statement alongside other analytical data and Quranic approaches to elucidate the Islamic Revolution's strategic policies in preparing for the rise of the promised savior, Imam Mahdi (PBUH). The strategic policies of the Islamic Revolution for preparing the grounds for the advent include: System Strengthening Strategy (enhancing institutional resilience) Allegiance and Disavowal Strategy (Tawalli and Tabarri) Controlled Initiative Strategy ("Fire at Will") Cohesion and Unity Strategy Enjoining Good and Forbidding Evil Strategy (Amr bil Ma'ruf wa Nahi anil Munkar) The outcome of this research involves a reinterpretation of the strategies outlined in the Second Phase statement, identifying various strategic policies, and presenting a novel conceptual framework for the revolutionary movement's strategy in advancing toward the envisioned future of the Islamic Revolution.

Keywords: Strategic Policy, Islamic Revolution, Second Phase Statement, New Islamic Civilization

-
1. Assistant Professor, Department of Culture and Media, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, Iran (Corresponding Author) (asd.1360@yahoo.com)
 2. Master's degree in the development and propagation of religious culture and level 4 of Qom Seminary, Qom, Iran (mordadi0938@gmail.com)

راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب)*

روح اله عباسزاده^۱

سعید اسدی^۲

چکیده

نیل به اهداف عالی انسانی و تحقق جامعه مطلوب الهی از اهداف والای انقلاب اسلامی است و در این انقلاب تلاش می‌شود تا احدامکان، این اهداف محقق گردد؛ و کامل‌ترین شکل این وضعیت مطلوب در ظهور خورشید عظمای ولایت محقق خواهد شد؛ لذا انقلاب اسلامی از پیشران‌های زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه است؛ پرسشی که مطرح می‌شود این است که راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی برای ورود به تحولات جهانی و زمینه‌سازی ظهور چیست؟ در آموزه‌های اسلامی و بیانیه گام دوم، بخشی از این راهبردهای تدبیری تبیین شده است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است تا با تحلیل محتوای بیانیه و سایر داده‌های تحلیلی و رویکردهای قرآنی، راهبردهای تدبیری انقلاب را نسبت به زمینه‌سازی طلوع خورشید عظمای ولایت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه‌ه تبیین نماید. راهبردهای تدبیری انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور عبارت‌اند از: راهبرد تقویتی نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر. حاصل این تحقیق، بازخوانی راهبردهای بیانیه گام دوم، و شناسایی انواع راهبردهای تدبیری و ارائه ادبیات نوینی از راهبرد حرکت انقلابی برای ورود به آینده مطلوب انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی

راهبرد تدبیر، انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

براساس روایات مهم‌ترین دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه رشد و تعالی بشر، عدالت فراگیر، رشد اخلاق و ایمان، اتحاد و همدلی، تعلیم و تزکیه، فلاح، سعادت و رستگاری، اصلاح، سلامتی جسمی و روحی جامعه، فزونی برکات، رفع فقر، امنیت عمومی، رشد علم و

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

۱. استادیار گروه فرهنگ و رسانه دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی رحمته الله علیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) (asd.1360@yahoo.com).

۲. کارشناسی ارشد توسعه و تبلیغ فرهنگ دینی و سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران (mordadi0938@gmail.com).

نابودی کفر و حاکمیت جهانی اسلام و در یک کلمه تحقق تمام ویژگی‌های جامعه مطلوب الهی است (جعفری و ملایی، ۱۴۰۰: ۲۳۸). یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای تحقق خورشید عظمای ولایت، حضرت بقیة الله الاعظم است. به تعبیر امام خمینی رحمة الله علیه، «انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است و انشاء الله با گسترش آن، قدرت‌های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، مهیا خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ۲۱۲). بیانیه گام دوم انقلاب، مانifest انقلاب اسلامی و چراغ راه چهل ساله دوم انقلاب است و برای بخش‌های مختلف نظام اسلامی معیارها و شاخص‌های جدیدی برای موفقیت در این گام و تحقق اهداف آن ترسیم کرده است. این بیانیه با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی، راهبردها و پیشران‌های مهمی را ارائه می‌دهد. سؤال پژوهش حاضر این است که راهبردهای انقلاب اسلامی برای آمادگی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی و رسیدن به آرزوی بشریت و بهار انسانیت چیست؟ راهبردها، شیوه‌های مؤثر، ابزار و امکانات مناسب و کاربست مناسب سایر منابع انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف نهایی و حرکت در مسیر آینده انقلاب را تعیین می‌کند. در بیانیه گام دوم، براساس شعارهای جاودانه انقلاب، به بخشی از این راهبردها اشاره شده است که ریشه در آموزه‌های وحیانی و قرآنی دارد.

علیرغم اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب که پیشران‌های آینده انقلاب اسلامی در آن مطرح شده است، آن چنان‌که که شایسته است، تحقیقات مکفی، صورت نگرفته است. در برخی از منابع مثل کتاب تبیین بیانیه گام دوم اثر حجت الاسلام محسن مهاجرنیا که از سوی مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر منتشر شده از زوایای مختلف بیانیه را بررسی کرده است. از این نویسنده کتاب راهبردهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم نیز منتشر شده است. همچنین مقاله «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)» توسط مهدی نادری در سال ۱۳۹۹ ارائه شده است که با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی با کاربست رویکرد تحلیل سیستمی سوات (SOWT) انجام شده است. اما در هیچ‌کدام از این مقالات به صورت مستقیم به راهبردهای تدبیری زمینه‌ساز ظهور پرداخته نشده است؛ بنابراین در تحقیق حاضر با عنایت به پژوهش‌های گذشته، با روش توصیفی تحلیلی، بیانیه گام دوم انقلاب بررسی شده، راهبردهای تدبیری زمینه‌سازی ظهور که به صورت صریح یا ضمنی مطرح شده است، ارائه گردیده است.

در این بخش به تعریف مفهوم راهبرد تدبیری و جایگاه امید به آینده بشریت اشاره می‌شود.

راهبرد تدبیری

راهبرد در لغت، عمل تجهیز و به‌کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به هدفی معین است (انوری، ۱۳۸۱: ۳۵۶۹). معادل این کلمه در زبان انگلیسی واژه استراتژی می‌باشد. که در متون فارسی، استراتژی را به معنای فنّ اداره عملیات جنگی یا دانش رهبری عملیات نظامی و سوق الجیشی به کار برده‌اند (معین، ۱۳۶۲: ۲۶۴-۲۶۵). راهبرد در اصطلاح، فن و علم توسعه و به‌کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست است. هرگاه قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، در جهت دستیابی به اهداف نظامی یک ملت به کار می‌رود، راهبرد یا (استراتژی) نظامی نامیده می‌شود. به همین ترتیب برای هر یک از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز می‌توان یک تعریف از استراتژی و راهبرد ارائه داد (روشندل، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۲۴۲). راهبرد، طرح یا الگوی جامعی است که با اتکا بر نیروی‌های توانمند، روش‌های روشن و دقیق، شیوه‌های مؤثر، ابزار و امکانات مناسب و سایر منابع، انقلاب اسلامی را در راه رسیدن به اهداف نهایی، یاری و مسیر حرکت آینده کشور را تعیین می‌کند که کدام اقدام در چه زمانی و مکانی باید ارائه شود و همچنین بهره‌بردن از شیوه‌های مناسب برای برداشتن موانع، اجتناب از خطرها و مشکلات احتمالی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۲۷).

راهبرد تدبیری نیز همان‌طور که از اسمش پیداست به یک دسته از راهبری‌ها، هدایت‌ها، جهت‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌هایی گفته می‌شود که به دنبال اصلاح وضعیت موجود هستند، دنبال دیدن مشکلات هستند، دنبال این هستند که از این وضع موجود به سمت وضعیت و آینده مطلوب هدایت و مدیریت کنند. در راهبردهای تدبیری، شناخت وضعیت موجود بسیار حائز اهمیت است، چرا که برای رساندن از وضعیت موجود به وضعیت آینده مطلوب، باید از وضعیت موجود آگاهی داشت و بعد از شناخت، جامعه را از وضعیت بحران، خارج کرده به معنای دقیق‌تر باید راه‌های برون‌رفت را در قالب راهبرد یا پیشران بیان و تبیین کنند.

در واقع راهبرد تدبیری در صدد این است که ما را از وضع موجود به وضع مطلوب راهبری کند به تعبیر دیگر با تحلیل نقاط قوت وضعیت محیط داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط

خارجی مسیر رسیدن به اهداف بلندمدت را فراهم سازد (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۶۱). راهبردهای تدبیری به شکلی روش مند به مطالعه آینده می پردازند و تصاویری برای رسیدن به آینده های ممکن و مطلوب، در اختیار صاحب نظران قرار می دهند تا در زمان حال، تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی را با توجه به سرعت حیرت انگیز زمان و پیوستن به تاریخ، رصد کنند و برای جلوگیری از غافل گیری و از دست رفتن سرمایه های نظری و انسانی به فهم دقیق و درست از آینده دست یابد؛ تا براساس این تصاویر آینده بتوانند به شکل کارآمد برای طراحی مطلوبیت های خویش تصمیم گیری نمایند؛ توانمندی ها و ظرفیت های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خود را سامان بخشند. این راهبردها می آموزد که انسان ها از چه مسیرهایی می توانند با سهولت بیشتری به آینده های مطلوب خود برسند.

خداوند از آن آینده خبر می دهد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (أنبياء: ۱۰۵) آینده طبق اراده تغییرناپذیر الهی، سرانجام نیک برای جهان و حاکمیت بندگان صالح خداوند است که حکم و نصرت الهی را به عنوان آینده قطعی به بندگان صالح و حق را نوید می بخشد؛ بنابراین تدبیر و هوشیاری در اسلام، با هدایت وحی، سعی در تعالی و تکامل به سوی آینده مطلوب (حیات طیبه، ایجاد تمدن نوین اسلامی، قرب الی الله و جانشینی خدا) دارد؛ تدبیر در دو بُعد جسمانی و روحانی یا مادی و معنوی می یابد.

در بیانیه گام دوم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای بر روی امید خیلی تأکید کرده اند. به این مضمون که اگر امید نباشد هیچ کدام از توصیه ها قابل تحقق نیست. توصیه های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش بینانه به آینده در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شده است (حسینی خامنه ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷) بر امید و نگاه خوشبینانه تأکید بسیار شده است و نقش سناریو و راهبرد نیز همین است ولی تفاوت هایی دارد، در جایی امید به بندگان می باشد و در جای دیگر خارج کردن مردم از وضعیت موجود است.

برای تبیین راهبرد تدبیری که شامل برون رفت از وضعیت موجود است دو مثال قرآنی ذکر می شود:

الف) نگاه به آسیب را دو گونه می توان مطرح کرد: یک نگاه مأیوس کننده که دلهره آور است. این نگاه می گوید که نظام از بین رفته و مشکل زیاد است، اما نگاه دیگر نگاه امیدوارکننده است؛ مانند نگاه قرآن به شهر مدینه. بعضی مسائل در مدینه، یأس آور بود، مانند شکست در جنگ، وضعیت بد اقتصادی، سیاسی و همچنین اختلافات، این امور روحیه

مسلمانان را تضعیف می‌کرد. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۸۶) اما خداوند وقتی می‌بیند بندگان او از لحاظ روحی روانی تضعیف شده اند به آنها دلداری و امید داد به آنها یادآوری کرد که شما هیچ نبودید تا همین جا هم که آمدید، قلیل بودید، ما شما را کثیر کردیم، از ابتدا قدرتی نداشتید ما به شما امکانات دادیم؛ قطعاً، نصرت الهی با شماست در واقع خداوند آنها را به آینده امیدوار می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۲).

ب) قوم حضرت موسی (ع) یک ملت ضعیف تحقیر شده بود، ملتی که زیر دست فرعون بزرگ‌ترین طاغوت زمان خود بود. قرآن برای آنها در آیه چهار سوره قصص، از کلمه «یستضعف» استفاده کرده است، قرآن بیان می‌کند که اینها تضعیف شدند و به حقوق آنها تجاوز می‌شد، طوری که مهاجران بنی اسرائیل به صورت بردگان و غلامان و کنیزان در چنگال قوم قبطیان گرفتار بودند. فقر و محرومیت، سراسر وجودشان را فرا گرفته بود و سخت‌ترین کارها بر دوش آنها بود، بی‌آن که بهره‌ای داشته باشند هنگامی که می‌شنویم بعضی از فراغنه مصر برای ساختن یک قبر برای خود (هرم معروف خوفو که در نزدیکی پایتخت مصر قاهره قرار دارد) یک صد هزار برده را در طول بیست سال به کار می‌گیرد و هزاران نفر از آنها را در این ماجرا به ضرب شلاق یا از فشار کار به قتل می‌رسانند باید حدیث مفصل را از این مجمل بخوانیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ۱۱). با همه این اوصاف خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ» (ابراهیم: ۵) بنی اسرائیل را از ظلمات به سوی نور خارج کن. این (أخرج) یک اخراج راهبردی است خداوند می‌فرماید: ای موسی این ملت را از ظلمات به سمت نور حرکت بده! نورانیت یک مصداق است، یعنی به سمت سعادت و نجات ببر؛ یعنی برای آنها توسعه و پیشرفت مادی و معنوی ایجاد کن.

بنابراین، نقش راهبرد می‌تواند متفاوت باشد در جایی نگاه امیدوارکننده به مردم می‌دهد و در جایی دیگر، خارج کردن مردم ظلمات و تاریکی را موجب می‌شود. راهبرد تدبیری در واقع راه‌های برون رفت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. پس از شناخت و آگاهی از امکانات وضع موجود و یافتن ارزش‌ها و اهداف بنیادین باید برای افزایش امکان دسترسی به آینده مطلوب و آرمانی تلاش کرد. برای رسیدن به چنین آینده‌ای نیاز است تا اهداف و راه رسیدن به آرمان‌ها جسورانه بیان شوند؛ لذا در این تحقیق، راهبردهای اساسی بیانیه گام دوم انقلاب در مقام تدبیر و راهبری انقلاب اسلامی به سوی اهداف متعالی و آرمان‌های مطلوب و

محمود آن در پنج راهبرد اصلی صورت‌بندی شده است که شامل راهبرد تقویت نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر است که در ادامه به تفصیل به این راهبردها اشاره می‌شود.

راهبرد تدبیری تقویت نظام

مراد و مقصود از تقویت و حفظ نظام، نظام اسلامی، نظام اجتماعی اسلامی است و استعمالات متعددی از این واژه در واژه‌های مشابهی مانند (النظام) و (النظام الاسلامی) در منابع فقهی شیعه آمده است در اساس و اصل خود ریشه در نظام اجتماعی دارند. ادله‌ای هم که برای حفظ نظام برشمرده شده است، اصالتاً برای حفظ نظام اجتماعی است.

اما نکته قابل توجه این است که هر اجتماعی، ظرف تحقق نظم خاص است. این به واسطه دخالت یک نظام به وجود می‌آید پس هر جامعه‌ای اولاً به اعتبار آن نظام، ثانیاً و بالعرض موصوف به وصف نظام می‌شود، هر جامعه به وسیله آن نظام، به دنبال نظم است تا به آرمان‌ها و اهداف متعالی بخش و آینده‌ی ایده‌آل برسد. این تفاسیر اجتماعی که وصف اسلامی دارد به این معناست که عده‌ای از افراد انسانی برای برپاداشتن نظم و قوام اجتماعی خود، به دنبال نظام می‌رفتند که آن نظام همان دین اسلام است که خود یک نظام (مجموع) محسوب شده و به وسیله قوانین خود، توانایی نظام‌بخشی و تقویت آن نظم و تنظیم امور یک جامعه را دارد. حفظ و تقویت نظام در زندگی انسانی، ارتباط محکمی با رعایت قانون دارد و چنان که در جای خود اثبات شده، حفظ و تقویت نظام به این بسته است که در میان ایشان قانونی باشد که همه آن را محترم شمرند و به حکومت آن تن در دهند (شهابی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۶۱). برخی از آیات و روایاتی که با استفاده از آنها می‌توان به اهمیت و تقویت و حفظ نظام در قرآن پی برد عبارت‌اند از:

«وَإِنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام: ۱۵۳) و قطعاً این راه من راست است آن را پیروی کنید، و از راه‌های دیگر نروید که شما را از راه حق دور می‌سازد.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) همگی به رشته خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید.

تا آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۵) و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آن که آیات روشن برای

(هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند.

این آیات به مسئله حفظ نظام و جامعه از تفرق و انشعاب اشاره نموده است. یکی از نکاتی که در ذیل این آیات مطرح می‌شود این است که خداوند سبحان امر به اعتصام جمعی کرده است و نه فردی، زیرا اعتصام فردی هدف از بیان حکم مورد نظر را تأمین نخواهد کرد؛ بنابراین عدم اجتماع بر این حکم، از علل تفرق، اختلاف و وقوع در مهلک است که همان از بین رفتن نظام است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ۲۱۲). در این آیات خداوند اول مردم را به اتحاد دعوت نموده است و ثانیاً مردم را از اختلاف و تفرقه نهی می‌کند تا ضرورت وحدت روشن شود. این آیات به طور مطلق و عموم، مردم را به اصل اتحاد و حفظ نظام دعوت می‌کند.

روایاتی که امامت را نظام دهنده جامعه و لازمه آن می‌دانند، چنانچه از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۴) از کسی که خداوند کارها را به دست او سپرده اطاعت کنید، زیرا او نظام دهنده احکام اسلامی است در واقع لازمه حفظ و تقویت نظام، اطاعت از امام معصوم ﷺ و ولی است.

روایت‌های فراوان با این مضمون موجود است که والی ستمگر بهتر از هرج و مرج است؛ مثل: شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرموده: «امام ستمگر از فتنه بهتر است» (بحرانی ۱۴۲۷ق: ج ۲، ۱۰۳) بعد از باز خوانی آیات و روایات این جاست که پی می‌بریم امام خمینی رحمه الله چرا با تعبیرهای متفاوتی به این راهبرد (حفظ نظام) پرداخته در واقع باید این راهبرد را با تعبیرهای امام خمینی رحمه الله بشناسیم، چرا که امام خمینی رحمه الله تربیت شده مکتب حضرت علی علیه السلام، با سخنان خود، بسیار زیبا و جالب اهمیت حفظ تقدس حکومت اسلامی را بیان کرده‌اند؛ امام در اول فروردین ماه سال ۱۳۶۲ در بخشی از سخنان خود در جمع مسئولان نظام به این امر مهم اشاره کرده و می‌فرمایند:

امروز مواجه با قدرت‌ها هستیم و آنها در داخل و خارج دارند طرح ریزی می‌کنند برای این که این انقلاب را بشکنند و این نهضت را، اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند و این یک تکلیف الهی برای همه که اهم تکلیف‌های است که خدا دارد، یعنی حفظ نظام جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر رحمه الله تعالی باشد اهمیتش بیشتر است برای این که امام عصر رحمه الله تعالی هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام؛ همه انبیاء از صدر عالم تا حالا که آمدند برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ۳۶۵).

این تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه به جهت تبیین اهمیت حفظ حکومت اسلامی می‌باشد و به خاطر اهمیت آن فقیهان از ضرورت بقاء نظام به وجوب حفظ نظام تعبیر نمودند تا به آن‌جا که برخی آن را یک قاعده فقهی بنیادین در فقه حکومتی و عمومی به شمار آورده‌اند. «حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (همان: ج ۱۵، ۳۶۵) «آحاد مردم، یک یکی‌شان برای حفظ جمهوری اسلامی تکلیف دارند اهمیت آن از نماز بیشتر است، برای این‌که این، حفظ اسلام است» (همان، ج ۱۹، ۴۳۷).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) نیز تأکیدی در این خصوص دارند و حفظ نظام را یک معروف می‌دانند و می‌فرمایند:

بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است و معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، آمر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگ‌ترین معروف است (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱/۱۳۹۴).

در واقع آموزه‌های اسلامی و عمل به تعالیم اسلامی در سایه انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلام در جهان قابل تحقق و عملی شدن است؛ لذا رسیدن به آینده‌ی مطلوب و آرمانی در گرو حفظ نظام و تداوم آن تا تحقق تمدن نوین اسلامی است. پرواضح است که یکی از راهبردهای تقویتی نظام، اتحاد و اجتماع مسلمین است؛ یعنی اگر مردم مسلمان با یکدیگر متحد باشند قوی‌تر و نظام متشکل از چنین مردمانی پایدارتر خواهد بود. می‌توان نتیجه گرفت حفظ و تقویت نظام اسلامی یک راهبرد عادی نیست، بلکه راهبرد کلانی است که بر همه‌ی ما واجب عینی است که این نظام را حفظ کنیم، چرا که اگر به این نظام ضربه‌ای بخورد، خداوند همه ما را مؤاخذه می‌کند چرا که حفظ نظام از ضروریاتی است که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به ترک آن نیست.

بعد از بررسی و مطالعه بیانیه گام دوم انقلاب بر هیچ کس مستور نیست که همان‌طور که امام خمینی رحمته الله علیه حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌دانستند، آیت‌الله خامنه‌ای مدظله نیز در این بیانیه در جاهای مختلف با ادبیات مختلف توجه داده‌اند این انقلابی که حفظش از اوجب واجبات است به یک رشته مقدمات نیاز دارد، و نظام خود به خود حفظ نمی‌شود نیاز به یک رشته راهبردها، سازوکارها و زیرساخت‌ها دارد که این راهبردها مقدمه هستند، برای ذی‌المقدمه که حفظ نظام است؛ چرا که در اول بیانیه از شرایط خاص زمان انقلاب سخن می‌گویند (این‌که این انقلاب از نقطه صفر آغاز شد، همه چیز بر علیه ما بود و...) که شناخت

آن شرایط برای نسل امروزه لازم است؛ چون هویت این انقلاب، در آن زمان شکل گرفته است، بعد از شناخت، درس‌آموزی و عبرت‌گیری از تجربه‌های طی شده‌ی چهل ساله این انقلاب است این دو مورد و هفت توصیه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در بیانیه گام دوم که عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی، را می‌توان به‌عنوان مقدمات حفظ نظام اسلامی نام برد که هر کدام از هفت توصیه نقش بزرگی را در حفظ نظام ایفا می‌کنند. در واقع راهبرد تدبیری این آینده‌پژوهی، دوراندیشی و این تدبیر را به ما می‌آموزد که برای تقویت و حفظ نظام، این راهبردها این توصیه‌ها را رعایت کنید و برای به‌دست‌آوردن تک‌تک این توصیه‌ها، تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرید، چرا که حفظ نظام، مستلزم این مقدمات و اتحاد و همبستگی است.

از حکمت‌های غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الکرم ترس از قتل امام، نداشتن یاران کارآمد، عدم بیعت با حاکمان ظالم و گناهان و اختلاف ذکر شده است، نظام اسلامی قوی و مستحکم می‌تواند بسیاری از این دغدغه‌ها را رفع کرده، زمینه ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الکرم را فراهم می‌نماید.

راهبرد تدبیری تولی و تبری

تولی و تبری برای یک مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است و به منزله چراغی است که در تاریکی، مسیرش را روشن می‌سازد و او را به سمت آینده‌ی روشن هدایت و راهنمایی می‌کند. اگرچه تولی و تبری جزو فروع دین شمرده شده، اما از آن جهت که اساس دین در حُب و بُغض جهت نهاده شده است «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۱۲۹) اهمیت این موضوع را نمی‌توان کمتر از اهمیت اصول و ارکان اسلام دانست؛ بنابراین می‌توان از بطن و متن این دو اصل (تولی و تبری) راهبردهای کلان و راهکارهای ارزنده‌ای را در جهت توسعه روابط، حل معضلات اجتماعی و تقویت جمهوری اسلامی ایران استخراج نمود. نکته قابل توجه این‌که تولی و تبری با این هیئت ترکیبی در قرآن نیامده، ولی ماده و مشتقات آن در مفهوم دوستی و سرپرستی و یاری، واژه تبری و برائت به معنای بیزاری و دوری جستن، در آیات به کار رفته است. این دو دستور به قدری مهم است که در آیات قرآن به‌عنوان نشانه ایمان و در روایات اسلامی به‌عنوان (أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ) محکم‌ترین دستگیر ایمان، معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۶، ۲۳۶) و تا تولی و تبری نباشد، بقیه اعمال عبادت و اطاعت بی‌حاصل شمرده شده است.

آیات (ممتحنه: ۴)، (ممتحنه: ۱۳)، (توبه: ۷۱)، (آل عمران: ۲۸)، (توبه: ۲۳) و ﴿مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹) محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند، اینها خصوصیات مؤمن است، در واقع قرآن می‌خواهد که این گونه باید باشید، اَوَّلُ ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾؛ در مقابل کفار سخت ایستادن، مثل خاکیزه‌های نرمی که قابل نفوذ نبودن است، مثل سدّ مستحکمی در مقابل کفار ایستادن، مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛ مسلمان‌ها باید در مقابل زورگویی آمریکا و بقیه‌ی زورگوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجّه نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب‌ماندگی خواهند شد (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۲/۶). با این اصل قرآنی و اسلامی، می‌توان در تمام مسائل زندگی اعم از مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و آخرتی و دنیایی و... تأثیر مستقیم گرفت. از سوی دیگر، این اصل یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد و بقای وحدت و انسجام ملی و دشمن‌شناسی و در نتیجه، امنیت در تمام جنبه‌های آن محسوب می‌شود، و از این جهت راهبرد مهمی در تقویت و بهبود انقلاب اسلامی است.

در خصوص اهمیت تولی و تبری همین بس که «كُلُّ مَنْ لَمْ يَجِبْ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ، فَلَا دِينَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۳۲۲) کسی که دوستی و دشمنی‌اش براساس دین نباشد، دین ندارد. علاوه بر آن اگر بخواهیم اهمیت این راهبرد را دریابیم باید فلسفه تولی و تبری را جستجو کنیم که عبارت‌اند از:

تأمین امنیت دین و عزّت جامعه: ارزش‌های اسلامی باید امنیت پیدا کند، یعنی ارزش‌های کفر، ارزش‌های شرک و ارزش‌های دشمنان به ما تعرض نکنند؛ اسلام از ابتدا درباره مقوله کفر و کافر و شرک و مشرک مرزبندی کرد؛ با دستورالعمل‌های کلی، برائت از شرک و کفر را اعلام نمود و در مقابل، با قرارداد محوری ولایت مؤمنان، آنها را در قالب امت واحده سامان داد.

انسجام بخشی و وحدت جامعه و همبستگی امت: جامعه اسلامی در صورتی از خطرات و حملات بیگانگان سالم می‌ماند که درون افراد آن جامعه، اتحاد و همبستگی وجود داشته باشد و این وحدت و اتحاد بین تمام افراد مؤخّذ و مسلمانان یکی از مهم‌ترین آثار اجتماعی تولی و تبری است؛ لذا اسلام براساس اصل تولی و تبری از مسلمانان خواسته است که این وحدت و انسجام را به وجود آورند و یکپارچه در مقابل کفر و باطل به ستیز بپردازند تا در صحنه‌های مبارزه و تلاش و اتحاد و استقلال بتوانند راه تکامل دنیوی و اخروی خویش را ببیمایند.

دشمن‌شناسی: دشمن‌شناسی یعنی شناخت دشمن، دسته‌بندی دشمنان به تناسب نوع

دشمنی و ایجاد خط قرمز با آنهاست که قرآن به صورت مشخص، دشمنان را دسته بندی و معرفی کرده است که خلاصه نگاشته خواهد شد؛ اولین مرتبه، برائت از کفار است، کفار کسانی هستند که حق، ایمان و دین را می پوشانند و قصد نابودی آن را دارند (جوهری، ۱۴۰۴: ذیل واژه کفر). دومین مورد مشرکانند، کسانی که برای خدا شریک قائل هستند، کسانی که بت را واسطه برای رسیدن به خدا می دانند، در زمان پیامبر اسلام مشرکین کسانی بودند که به مسیحیت، یهودیت، صابئیت و... اعتقاد داشتند، باید از این گروه نیز برائت بجوئیم. سومین مورد دشمن محارب است دشمنانی که با مسلمانان سر جنگ دارند؛ در واقع دشمن واژه عامی دارد و شامل هر کسی که با مسلمانان دشمنی کند می شود، یعنی اگر امروزه، مذاهب اسلامی، مثل وهابیت، دشمن ما بشود جزء مصادیق تبری است، همان گونه که آمریکا دشمن ماست. اما قرآن در مورد دیگر مذاهب سکوت کرده، مذاهبی که شهادتین را می گویند و به توحید اعتقاد دارند و در واقع کافر نیستند، آنها مصادق موضوع تبری نیستند. ، بنابراین باید این نکات در جامعه تفکیک شود تا سوال هایی همچون تعارض بین برائت و هم زیستی مسالمت آمیز پیش نیاید. باید دقت داشت که اصل تولی و تبری، درگفتار و سیره عملی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگر بودند، زیرا پرداختن به یکی و دوری از دیگری، جدا ماندن از هدف های شریع این دو آموزه است و به نوعی این دو مفهوم لازم و ملزوم یکدیگرند.

شناخت دشمن در عرصه مباحث مهدویت و انکار، کتمان، تخریب، تحریف و بدل سازی آموزه های مهدوی توسط آنان و تضعیف روحیه انقلابی گری و جهادی، موجب می شود تا منتظران با آگاهی و شناخت کامل، مقدمه ساز ظهور حضرت باشند و در جنگ ترکیبی دشمن، با جهاد ترکیبی، مقابله کنند و در طرف مقابل استحکام دوستی و مودت میان مؤمنان و تکمیل اخوت ایمانی، زمینه ساز ظهور خواهد بود.

راهبرد تدبیری آتش به اختیار

آتش به اختیار اصطلاح نظامی خاص صحنه ی نبرد سخت است که در زمان فقدان فرماندهی میدان جنگ و یا قطع ارتباط او با قرارگاه به کار برده می شود، در چنین شرایطی نیروهای عمل کننده با استفاده از ابتکار و خلاقیت خود و بدون قرار گرفتن در موضع انفعال، می کوشند تا نقش مؤثری در مقابله با حملات دشمن ایفا نموده و مغلوب خصم نگردند، این اختیار در تشخیص و انتخاب تاکتیک و اقدام مناسب، تنها در صورتی است که امکان هدایت تحت فرماندهی واحد از میان رفته باشد و در آن زمان، سنجش مسائل اصلی و فرعی

و انتخاب اولویت‌ها توسط نیروهای آتش‌به‌اختیار انجام خواهد شد. رهبر انقلاب این تعبیر را از ادبیات نظامی به فضای فرهنگی و اجتماعی کشور وارد نمودند، و در زمینه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و جهادی کشور در جمع تشکل‌های دانشجویی ایراد فرمودند (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۳/۸). در واقع آیت‌الله خامنه‌ای با به کار بردن اصطلاح آتش‌به‌اختیار به ابداع گفتمانی نوین در ادبیات انقلاب اسلامی مبادرت نمودند که از دیدگاه مفهومی ناظر بر شکل‌گیری هسته‌های اصلی فکری، فرهنگی، علمی، اجتماعی و جهادی کشور است که در نهایت می‌تواند راهنمای جامعی برای دلسوزان و نخبگان جامعه برای اقدام و عمل براساس مصالح نظام اسلامی و به مقتضای ابعاد جنگ نرم دشمنان باشد. ایشان در توضیح آتش‌به‌اختیار اشاره می‌کنند:

آتش‌به‌اختیار معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همّت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را (کارهای فرهنگی را) پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش‌به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدّعیان پوچ‌اندیشی و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیّت کشور، و مراقب حفظ قوانین (باشند)؛ این مراقبت‌ها در درجه‌ی اوّل متوجّه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایل‌اند که کشور به سمت هدف‌های خود حرکت بکند (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۴/۵).

راهبرد آتش‌به‌اختیار یکی از راهبردهای بسیار مهمی است که می‌تواند ما از وضعیت موجود خارج کند؛ به شرط آن که درست معنا شود والا هرج و مرج پیش می‌آید (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۹۰). مبنا و شاکله این راهبرد، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل جهاد اکبر و اصل مسئولیت اجتماعی انسان‌هاست، چرا که انسان در اجتماع نه تنها نسبت به خانواده، بلکه نسبت به جامعه‌ی خویش نیز دارای وظایف و تعهداتی است که متناسب با آن می‌تواند از حقوق و امتیازات شهروندی برخوردار باشد. در نتیجه این اصل ارتباط مستقیم با فرمان آتش‌به‌اختیار دارد. روایات رسیده، از پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت نیز تأکیدی بر اجتماعی بودن انسان و تلاش او برای ساختن جامعه‌ای سالم و متعالی است «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (شعیری، بی‌تا: ۱۱۹). همه‌ی شما نگهبان و مسئول (عملکرد و رفتار) یکدیگر هستید؛ بنابراین نمی‌توان مسئولیت حفظ جامعه از بلايا و آسیب‌ها و تلاش برای ارتقای همه‌جانبه جامعه را

تنها بر دوش حکومت انداخته و دیگران را بی‌مسئولیت خواند، آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از این روایت، ضمن مسئول دانستن همه مردم، پیشرفت را آن نوع تحولی می‌داند که در پیوندها و نظام‌های اجتماعی به چنین حقایقی منتهی شود؛ به عبارت دیگر، پیشرفتی مورد نظر اسلام است که مبتنی بر مسئولیت اجتماعی باشد.

با نظر به این‌که انسان موجودی اجتماعی است و در میان اجتماع زندگی می‌کند، می‌توان آتش‌به‌اختیار را در شرایط مخصوص به آن، حکمی بدیهی دانست که عقل، جواز آن را تأیید نموده و حتی انجام آن را ضروری می‌داند؛ زیرا در رکود جوامع، عقل به دنبال راهی برای حرکت به سوی کمال و خروج از خمودی است. آتش‌به‌اختیار یعنی در هیچ شرایطی نباید ساکت ماند و منتظر اقدام دیگران بود. آتش‌به‌اختیار، حرکتی خودجوش برای خدا، به منظور اصلاح جامعه و خروج از بحران‌های پیشرو و نیز مقابله با هجوم دشمنان است که باید در چارچوب فقه حکومتی و اهداف تعیین شده اقدام شود.

آتش‌به‌اختیار، دارای چارچوب فقه حکومتی است، طبیعتاً نمی‌توان آتش به اختیار برگرفته از مبانی همچون امر به معروف و نهی از منکر جهاد کبیر را بدون چارچوب و اصول دانست؛ حرکت به صورت آتش به اختیار نیز دارای نظام، اصول، چارچوب‌ها و قواعدی است که در اجرای صحیح آن بایستی مورد توجه قرار گیرد.

در نتیجه آتش‌به‌اختیار تعبیری نو از مفاهیمی قدیمی است که دین اسلام به بیان‌های مختلف، افراد جامعه اسلامی را به آنها فراخوانده است. این مطلب ریشه در بسیاری از مفاهیم دینی چون امر به معروف و نهی از منکر، جهاد کبیر و مسئولیت‌پذیری دارد و از طرفی عقل نیز از وجوه متعددی به جواز آن حکم می‌کند. فرمان آتش‌به‌اختیار توسط آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) در حوزه‌ی فرهنگ و مسائل فرهنگی صادر شده است و افسران جنگ نرم را به جهاد و مبارزه در این مسیر فراخوانده است؛ لکن این به معنای انحصار در این حوزه نیست و می‌توان صدور این فرمان را در دیگر حوزه‌های اجتماع نیز در زمان‌های آتی متصور بود. منتظران با توسل به این راهبرد، در هر موقعیتی که می‌بینند در عرصه تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی کم‌کاری صورت می‌گیرد، با احساس مسئولیت ورود کرده و تمام تلاش خود را زمینه‌سازی برای ظهور را انجام می‌دهند و به وظایف فردی و اجتماعی خود در این زمینه عمل می‌کنند.

راهبرد تدبیری انسجام بخشی

راهبرد انسجام بخشی عاملی است که از تفرقه افکنی قدرت های مسلط جهانی بین مسلمانان جلوگیری می نماید و منجر به تشکیل جبهه واحد اسلامی می گردد. با این راهبرد دستیابی به اهداف متعالی و آرمان ها سریع تر و بهتر حاصل می شود، داشتن اتحاد باعث افزایش انگیزه و متمرکز شدن نیروها می شود و این ایجاد انگیزه در میان کشورهای اسلامی باعث می شود تا در قبال بحران های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان مواضع روشن و متحدی اتخاذ نمایند.

آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) در تشریح این مفهوم می فرمایند:

اتحاد ملی، یعنی یکپارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت های اسلامی محکم تر کنند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم، نباید خودمان را سرگرم فروعی کنیم که مورد اختلاف است (حسینی خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۶/۱/۱).

باید دقت داشت که این راهبرد فراتر از اتحاد ملی و در برگیرنده تمام مسلمین جهان با تمام دیدگاه ها، اعتقادات، مذاهب و فرق است، براین اساس آن گروه های مختلف مسلمانان ضمن این که عقاید و آیین خود را حفظ می نمایند با پیروی از اصول و پایه های سعادت بخشی که توسط پیامبر اسلام ﷺ تحت دین کامل و جامع اسلام برای آنها آمده و با تأکید بر افکار و اعتقادات مشترک و با دوری از تفرقه و اختلاف در کنار یکدیگر در مقابل دشمنان مقابله می نمایند، و از دامن زدن دشمنان به قوم گرایی، فرقه گرایی و اختلافات جزئی جلوگیری می کند. از اول انقلاب، اتحاد و وحدت کلمه جزء شعارهای اصلی امام خمینی رحمته الله علیه بود، ادبیات امام خمینی رحمته الله علیه روی وحدت کلمه بود. امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران با کشف رمز و قدرت اعجاز آمیز وحدت، موجب تحقق اتحاد ملی و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در ایران و بیداری اسلامی در جوامع مسلمانان سراسر جهان گردیدند؛ لذا راهبرد انسجام و اتحاد ملی از این جهت که امام خمینی رحمته الله علیه با تکیه به این راهبرد انسجام و وحدت توانستند میان گروه های قومی و اقلیت های مذهبی و همه اقشار جامعه ایران اتحاد ایجاد کنند بسیار حائز اهمیت است، لذا این راهبرد انسجام و اتحاد ملی می تواند در حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، ما را یاری نماید (اسدی، ۱۳۹۹: ۷۳).

انسجام و مسئله وحدت از مسائل مهم و ارزشمندی است که مورد تأکید قرآن واقع شده



است و در مقابل آن تفرقه، نفاق، و اختلاف، اموری ناپسند هستند که قرآن مسلمانان را از آنها برحذر داشته است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد: «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید (حجرات: ۱۰). در واقع خداوند در این آیات مسلمانان را دعوت به وحدت کرده است و آنان را از تفرقه نهی کرده است. و محور وحدت باید دین خدا باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و... (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۷۷). بنابراین وحدت و انسجام این است که، وحدت صرف اجتماع و اتحاد نیست این وحدت باید بر محوریت توحید باشد، باید در سایه قرآن و اسلام باشد چون قبل از بر حذر داشتن از تفرقه دستور داده شده که همه به ریسمان الهی تکیه کنید یعنی وحدت با محوریت دستور خداوند و اسلام باشد.

امام خمینی رحمته الله علیه برای اهمیت وحدت و انسجام میان مسلمانان، یک هفته در سال را در ایران، به عنوان هفته وحدت مذاهب اسلامی و فرقه اسلامی در جهت‌گیری‌ها و در گرایش‌های عمومی، سیاسی و اجتماعی اعلام کردند، چراکه این راهبرد به ما می‌آموزد که برخی از آموزه‌های اسلامی که از ما گرفتن را باید احیا کنیم، باید فرهنگ اخوت اسلامی را ایجاد کنیم، چرا که اخوت و برادری اسلامی شکل حقیقی و ناب وحدت است و شرط تحقق قدرت اسلام و بقای استمرار و دوام آن است. با چنین وحدت و انسجامی تمام مشکلات مسلمانان حل می‌شود؛ چون هیچ قدرتی توان برخورد با آنان و سرزمین‌های آنان را نخواهند داشت. در واقع درمان اصلی درد جامعه اسلامی وحدت و انسجام اسلامی بر پایه آموزه دینی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) می‌باشد. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرمایند:

من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن به آن فرموده است پیدا بشود، که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ۸۸).

از بهترین راهبردهای ائمه شیعه در مقابل سیل تهاجم دشمنان اسلام و مکتب شیعه، راهبرد همدل نمودن شیعیان بوده است؛ این راهبرد، یکی از وظایف اجتماعی شیعیان را نشان می‌دهد (جعفری و ملایی، ۱۴۰۰: ۱۷۶). از امام زمان عجل الله تعالی فرجه نقل شده است که علت عدم تحقق ظهور برای شیعیان، نبود همدلی و انسجام در بین شیعیان است.

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لِمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا

مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۱۷۷)؛

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعت شان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

بنابراین راهبرد همدلی و انسجام اجتماعی که در انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است می تواند زمینه ساز ظهور باشد.

راهبرد تدبیری امر به معروف و نهی از منکر

دلیلی که باعث می شود فریضه امر به معروف و نهی از منکر ذیل راهبرد تدبیری قرار گیرد، فلسفه امر به معروف و نهی از منکر است که با کمک روایات و مجموعه دیدگاه ها به دست آمده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

واکسیناسیون (مصونیت) و سالم سازی جامعه: این چیزی است که به عنوان یک راهبرد از امر به معروف و نهی از منکر انتظار می رود. جامعه دقیقاً مثل بدن انسان است، بدن را باید دائماً تغذیه کرد، پرورش داد، از او نگهداری کرد، جامعه نیز این گونه است، بلکه جامعه بیشتر از یک بدن نیاز به مراقبت دارد؛ چرا که عوامل متعددی در جامعه مطرح است و محدود به یک پیکره نیست که قابل کنترل باشد، جامعه ایرانی قریب به نود میلیون انسان دارد که به لحاظ های قومی، زبانی، مذهبی، فکری، منافع و... بسیار ناهمگون و متنوع هستند؛ جامعه ای که به شدت زیر ذره بین دنیای کفر و استکبار است، چرا که همه قدرت های زورگوی دنیا خواستار نابودی جمهوری اسلامی ایران هستند به همین دلیل وضعیت جامعه اسلامی در شرایط خاصی قرار دارد. در این وضعیت است که امر به معروف و نهی از منکر به جامعه مصونیت می بخشد، جامعه را شاداب کنند، و دائماً به جامعه معنویت تزریق می کند. نکته قابل توجه این که دو مورد از هفت توصیه آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) در بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، را می توان جزو آثار امر به معروف و نهی از منکر دانست چرا که یکی از آثار امر به معروف تزریق معنویت و اخلاق و گسترش عدالت، مبارزه با فساد را آثار نهی از منکر دانست (اسدی، ۱۳۹۹: ۳۵). در همین رابطه آیت الله خامنه ای می فرماید:



قوام، رشد، کمال و صلاح هر نظام اسلامی، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۴۵).

و امر به معروف یعنی شما همه مسئول هستید که معروف و نیکی را گسترش دهید، به آن امر کنید؛ نهی از منکر (یعنی) زشتی، بدی و پلشتی را نهی کنید؛ و جلوی آن را با شیوه‌های مختلف بگیرید (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۹/۶).

نکته قابل توجه این است منشأ نظریه انقلاب، امر به معروف و نهی از منکر است، یعنی فرضیه و نظریه انقلاب از دل امر به معروف استخراج می‌شود و نهی از منکر یعنی ابتدا با زبان، قلب و دست باید یک طاغوت را نهی کرد اگر زیر بار نرفت باید دست به تحول و دگرگونی زد و باید انقلاب کرد. این، یک امر عقلایی است که از دل امر به معروف و نهی از منکر بیرون می‌آید. این همان سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود:

قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۸۰)؛

قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر است.

جلوگیری از انحرافات و مفاسد: با امر به معروف می‌شود جلوی مفاسد را گرفت قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امت هستید چرا که به راهبرد امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنید.

واپایش آسیب‌ها: امر به معروف و نهی از منکر زمینه ساز تربیت سالم و مؤثر در پیشگیری از آسیب‌هاست و حساسیت عمومی در برابر گناه ایجاد می‌کند که نمی‌گذارد، فرد و جامعه به سوی بی‌بندوباری و سقوط پیش رود و یکی از شاخص‌های مهم اسلام محسوب می‌شود که در هر شرایط قابل اجراست؛ زیرا انجام دیگر واجبات، امنیت و آسایش، رفاه و آرامش، تأمین حقوق مردم، همه در گرو عمل به این دو فریضه است؛ چرا که معروف تمام اعمال و رفتارهایی است که مصلحت مردم در آن است و منکر نیز به تمام کارهای زشتی است که فساد و تباهی در پی دارد. از این رو هرگاه در جامعه‌ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود.

به بیان دقیق‌تر راهبرد امر به معروف و نهی از منکر می‌آموزد که وظیفه ما در مقابله با مشکلات و مفاسد، حفاظت، حراست، نگهبانی و کلید مهار است، یعنی باید طوری عملکرد که

مفاسد به وجود نیاید و اگر مفاسدی ایجاد شد باید گسترش پیدا نکند و... به تعبیر دیگر عمل به این دو فریضه به جامعه اسلامی کمک می‌کند تا آسیب‌های آن جامعه، شناسایی شوند و بعد از شناسایی آسیب‌ها، این قابلیت را دارند که مقابل آسیب‌ها بایستند و از گسترش آنها جلوگیری کنند؛ لذا راهبرد اصلاح‌گری، برای اصلاح جامعه و از بین بردن موانع استقرار حاکمیت امام حائز اهمیت بوده و زمینه‌ساز شرایط اجتماعی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

تحقق اهداف والای انسانی و زمینه‌سازی برای ایجاد جامعه مورد نظر پیامبران و شاهد بودن بهار انسانیت از اهداف انقلاب اسلامی بوده است؛ سؤال پژوهش حاضر چگونگی تحقق این اقدام و راهبردهای زمینه‌سازی برای ظهور بود. این تحقیق باهدف بررسی راهبردهای انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب برای زمینه‌سازی ظهور خورشید عظمای ولایت انجام گرفت؛ زیرا امر مهمی مانند ظهور، نیازمند یاران توانمند، فراهم آوردن شرایط و ایجاد آمادگی‌های لازم است. پس از بررسی‌های انجام‌گرفته، پنج راهبردی که با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب حاصل شد ارائه گردید که شامل راهبرد تقویت نظام، راهبرد تولی و تبری، راهبرد آتش‌به‌اختیار، راهبرد انسجام‌بخشی و راهبرد امر به معروف و نهی از منکر است. اگر این راهبردها در انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد علیرغم تحولات سریع جهانی، زمینه تحقق ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد شد. با تقویت نظام اسلامی، زمینه دفاع از حضرت و مقدمه سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌گردد. با راهبرد تولی و تبری، مواجهه صحیح با دوستان و دشمنان فراهم می‌شود. با راهبرد آتش‌به‌اختیار و امر به معروف و نهی از منکر، احساس مسئولیت و آمادگی همه‌جانبه برای تک‌تک شیعیان و منتظران برای اقدام در عرصه‌های مورد نیاز برای و مصون‌سازی نیروهای انقلاب برای نقش‌آفرینی در این عرصه فراهم می‌گردد. با راهبرد انسجام‌بخشی نیز، همدلی و همراهی شیعیان برای وفای به عهد با امام‌شان فراهم شده و زمینه دیدار با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و تشکیل حکومت جهانی ایشان فراهم می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

- اسدی، سعید (۱۳۹۹)، *راهبردهای انقلاب اسلامی براساس بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری با تأکید*

- بر مبنای قرآنی، رساله علمی سطح ۳، حوزه علمیه قم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم (۱۴۲۷ق)، شرح نهج البلاغه، قم: انوار الهدی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح: جمال‌الدین محمد خوانساری، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- جعفری، محمد صابر؛ ملایی، حسن (۱۴۰۰)، درس‌نامه مهدویت راهبر، قم: نشر معارف.
- جوهری، اسماعیل ابن حماد (۱۴۰۴ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، راهبردها، خطرهما (مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، تهران: سروش.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶)، بیانات در جمع زائران حرم امام رضا (ع).
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، بیانات در حرم مطهر رضوی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، بیانات خطبه‌های نماز عید فطر.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تحلیل آن، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۰)، تحول در مفهوم استراتژی، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- شعبری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار (للشعیری)، نجف: مطبعة الحیدریة.
- شهابی، محمود (۱۳۸۷)، ادوار فقه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ لغت، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، الأملی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۷)، راهبردهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم، قم: نور مطاف.
- مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۰)، تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قم: مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر.
- نادری، مهدی (۱۳۹۹)، راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



The Modern Subject and Globalization in Light of the Analysis of the Mahdism Doctrine and the Phenomenon of Awaiting: Challenges and Civilizational Perspectives

Maryam Ahmadpour ¹

Abstract

This article analyzes the doctrine of Mahdism through the concepts of "awaiting," "modern subject," "globalization," and the "future of world civilization." The study employs a semiotic-structuralist methodology and is based on a range of theories by Michel Foucault, John Fiske, Stuart Hall, Manuel Castells, and Arnold Toynbee. The findings indicate that the concepts of the modern subject and globalization in the Mahdism doctrine are situated within the framework of the Islamic Revolution and the teachings of Islam. This doctrine, particularly in the context of awaiting the appearance (of the Mahdi), creates a shift from the modern subject toward religious and faith-based traditions, in which semantic plurality has no place. In this approach, a unified and coherent subject emerges that can respond to the challenges of globalization and the identity crisis in the modern world. Furthermore, the Mahdism doctrine is capable of serving as a new civilizational model emphasizing the principles of justice and global peace, thereby contributing to the redefinition of global social and cultural horizons. This analysis leads to a deeper understanding of the relationships between identity, social transformations, and religious doctrines.

Keywords: Awaiting, Modern Subject, Globalization, Civilization, Mahdism

1. PhD student in Cultural Policy, Imam Hossein University, Tehran, Iran(Ahmadpour.maryam62@gmail.com)

سوژه مدرن و جهانی شدن در پرتو تحلیل دکترین مهدویت و پدیده انتظار: چالش‌ها و چشم‌اندازهای تمدنی*

مریم احمدپور^۱

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل دکترین مهدویت در قالب مفاهیم «انتظار»، «سوژه مدرن»، «جهانی شدن» و «آینده تمدنی جهان» می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی نشانه‌شناسی ساختارگرا و براساس طیفی از نظریات میشل فوکو، جان فیسک، استوارت هال، مانوئل کاستلز و آرنولد توین بی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مفاهیم سوژه مدرن و جهانی شدن در دکترین مهدویت در چارچوب انقلاب اسلامی و آموزه‌های دین اسلام جای می‌گیرند. این دکترین به‌ویژه در زمینه انتظار ظهور، چرخشی از سوژه مدرن به سوی سنت‌های دینی و اعتقادی ایجاد می‌کند که در آن تکثر معنایی جایگاهی ندارد. در این رویکرد، سوژه‌ای یکپارچه و منسجم شکل می‌گیرد که می‌تواند به عنوان پاسخگویی به چالش‌های جهانی شدن و بحران هویت در دنیای مدرن عمل کند. همچنین، دکترین مهدویت قادر است به عنوان یک مدل تمدنی جدید با تأکید بر اصول عدالت و صلح جهانی، به بازتعریف چشم‌اندازهای اجتماعی و فرهنگی جهانی کمک نماید. این تحلیل به درک عمیق‌تری از روابط میان هویت، تحولات اجتماعی و دکترین‌های دینی می‌انجامد.

واژگان کلیدی

انتظار، سوژه مدرن، جهانی شدن، تمدن، مهدویت.

مقدمه

مسئله انتظار ظهور، سوژه مدرن و آینده تمدنی جهان از مباحث پیچیده و چندوجهی است که در عصر مدرن و جهانی شدن توسط اندیشمندان در حوزه مطالعات دینی مطرح می‌شود. سوژه مدرن به فردی اشاره دارد که در دنیای معاصر، با ویژگی‌هایی نظیر خودآگاهی، فردگرایی و تعلق به هویت‌های متنوع شناخته می‌شود. این سوژه در مواجهه با چالش‌های مدرنیته و جهانی شدن، به دنبال معنا و هویت در دنیای پیچیده است (گیدنز، ۱۹۹۱). فرایند جهانی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (Ahmadpoor.maryam62@gmail.com).

شدن، ابعاد و دامنه آن آن قدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگ‌ترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده اند. در واقع جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات، و سرمایه در دنیا میسر و محقق گردد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰: ۶۳). یکی از حوزه‌هایی که جهانی شدن در آن تأثیرات مشخص و روشنی برجا گذاشته، حوزه فرهنگ است (تاجری، ۱۳۹۳: ۱۱). پیدایش نظریه‌های جدیدی مانند توسعه و جهانی شدن فرهنگ‌ها و جوامع در راستای تحقق آینده تمدنی جهان و نظریه‌های آرمان‌گرایی انسانی مطرح است. تقویت اندیشه تشکیل یک حکومت واحد جهانی که بر همه تمدن‌ها و جوامع بشری نظارت و مدیریت داشته باشد به عنوان یک برداشت از پدیده جهانی شدن امروزه عمق و صراحت بیشتری پیدا نموده است (جادری و جولانیان، ۱۳۸۵). اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهان‌شمول ایشان، امید و آرزوی همه انسان‌ها در دست‌یابی به حکومت عدل جهانی و از بین رفتن ظلم و تبعیض، فساد، بی‌عدالتی، جاهلیت، سفاهت، بی‌دینی، جمود فکری، فساد اخلاقی، تبعیض نژادی و قوم‌گرایی است. محقق شدن این هدف، از مهم‌ترین اوصاف و شاخص‌های جهانی سازی مهدوی به شمار می‌رود. جهانی سازی که تفکر آرمانی اسلام ناب است، به طور اخص در اندیشه شیعه دوازده‌امامی تبلور یافته است. این جهانی سازی، راهبردی آرمانی برای جامعه بشری محسوب می‌گردد (تابلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴). درواقع، وقتی مهدویت و انتظار به منزله ایدئولوژی مطرح می‌شوند، به زندگی انسان‌ها جهت می‌دهد و تحولات عظیمی در زندگی افراد ایجاد می‌کند (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰). چرا که انسان‌ها همواره در جست‌وجوی معنای زندگی خویش به ادیان، مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی پناه برده‌اند (بهروز لک، ۱۳۸۴: ۵). در واقع، انسان در تمدن نوین اسلامی از جهل و توحش خارج شده و رو به سوی انسانیت کرده و در مسیر آرمان‌های الهی است. در چنین تمدنی، به همه جنبه‌های مادی و معنوی انسانی توجه می‌شود؛ ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد، بُعد معنوی انسان و فراهم کردن امکانات در جهت تکامل انسانی است (مولوی، ۱۳۹۶: ۱۴۷). تمدن نوین اسلامی تصویری از آینده تمدنی، و تمدنی است که در آینده وقوع دارد. این تصویر تمدنی، برای قائلان به تمدن نوین اسلامی به منزله تصویری از آینده تمدنی مطلوب شناخته می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۴). به این ترتیب، مسئله انسان و آینده تمدن، یک مؤلفه جداگانه اسلامی دارد که در یک تأمل همه جانبه در مورد آینده باید جدی گرفته شود و مسئله اصلی تحقیق حاضر، بررسی همین امر و تحلیل همه جانبه جایگاه دکتترین

مهدویت و مفهوم انتظار در مواجهه با پدیده جهانی شدن و سوژه مدرن است. در واقع، نگاه چندبعدی به دکترین مهدویت و تحلیل آن به عنوان یک مفهوم پویا و در حال تحول، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه این دکترین قادر است به چالش‌های معاصر پاسخ دهد و حتی به بازتعریف آن کمک کند. این دیدگاه به‌ویژه در زمینه بحران هویت و جهانی شدن اهمیت دارد. به این ترتیب سؤالاتی که در این راستا مطرح می‌شوند عبارتند از: چگونه دکترین مهدویت می‌تواند به چالش‌های ناشی از جهانی شدن و بحران هویت در دنیای معاصر پاسخ دهد؟ آیا مفاهیم مرتبط با انتظار در این دکترین می‌توانند الگویی برای ایجاد سوژه‌ای یکپارچه و منسجم در برابر تکثرات مدرن فراهم کنند؟ چگونه دکترین مهدویت در قالب اندیشه‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های اسلام، می‌تواند به شکل دهی به یک مدل تمدنی جدید با تأکید بر اصول عدالت و صلح جهانی کمک نماید؟

مفهوم‌شناسی

انتظار

انتظار واژه‌ای عربی، از ریشه «نظر» و در لغت به معنای چشم‌به‌راه بودن است (دهخدا، ۱۳۵۹). در اصطلاح مهدویت، انتظار یعنی چشم به راه بودن، همراه با امید و بسترسازی برای پیروزی نهایی حق بر باطل، گسترش جهانی صلح، عدالت و ایمان اسلامی و استقرار دولت حق در سراسر گیتی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۵).

سوژه مدرن

سوژه مدرن به فردی اطلاق می‌شود که در دنیای معاصر با مسائل هویتی، اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای مواجه است. این سوژه تحت تأثیر تحولات علمی، فلسفی و اجتماعی قرار دارد و به دنبال معنا و هویت در دنیای مدرن است (هابرماس، ۱۹۸۷).

جهانی شدن

به گفته‌ی مالکوم واترز جهانی شدن، فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۲: ۱۳۷۹؛ به نقل از حافظ نیا، کاویانی راد و دیگران، ۳: ۱۳۸۵). با تأمل در جهان عملی و یا جهان واقعی، سه جهانی شدن را می‌توان از هم متمایز کرد:

۱. جهانی شدن اولیه که قبل از ظهور مدرنیسم و تحولات صنعتی اتفاق افتاده است.
۲. جهانی شدن مدرن که با انقلاب صنعتی و تحولات موسوم به "روشنگری" آغاز شده است.
۳. جهانی شدن ارتباطات که معلول ظهور "صنعت جهانی ارتباطات" است و به عنوان یک روند ارتباطی، که موجب ارتباطات همزمان و ظهور "فضای واحد ارتباطی" شده است، پدیده‌ای نو محسوب می‌شود و از سه خصیصه‌ی "فراملی بودن"، "فراگیر بودن" و پیوستگی برخوردار است. در واقع، این خصیصه‌ها ظرفیت‌های جهان جدید را معرفی می‌کنند. به تعبیر دیوید هلد، جهان جدید یک "جهان وصل شده" و عصر جدید یک "عصر اتصال" است که به راحتی شاخص‌های ارتباطی و انفجار اطلاعاتی را منعکس می‌کند (عاملی، ۱۳۸۸: ۵-۸).

تمدن

واژه تمدن از ماده "مدن بالمکان" به معنای اقامت گزیدن در جایی گرفته شده است. معادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است. با این وصف، متمدن شدن یعنی شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود (ابراهیمی کوشالی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۸).

تمدن نوین اسلامی

تکوین و بسط ولایت الهی و ظهور و بروز فراگیر، نظام مند و نهادینه شده فرهنگ قرآنی و اسلام ناب محمدی در سبک زندگی، تعاملات و ابزارها؛ به گونه ای که ابعاد مختلف نیازهای مادی و معنوی امت معاصر را در مسیر رشد و کمال، متناسب با مقتضیات زمان و شرایط ظهور، پوشش و پاسخ دهد (اسمعیلی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۷). تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

پیشینه تحقیق

مظاهری مقدم (۱۳۹۵) می‌کوشد بخشی از مسئله بازطرح موضوع تمدن اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران را با رویکرد آینده پژوهی و مبتنی بر روش افق شناسی تاریخی ایران اسلامی پاسخ دهد. در تاریخ هر ملتی، شناسایی افق‌ها، راهگشای بررسی و ترسیم آینده آن

ملت خواهد بود. ملت ایران با ترسیم افق مهدوی، خود را در مسیر تکامل تاریخی قرار می‌دهد که به تمدنی زمینه‌ساز ظهور می‌انجامد. ایران اسلامی در کشاکش نگاه فعال و منفعل پدیده ظهور، نگاه فعال را برگزید و این نگاه، رشد تاریخی ملت ایران را تا تحقق انقلاب اسلامی به همراه داشت. انقلاب اسلامی نیز با تداوم و خودآگاهی بخشی به این افق‌گزینی تاریخی، توانست با ترسیم آینده مطلوب خود، یعنی تکامل پیوسته و زمینه‌ساز ظهور به آینده محتمل آن با عنوان تمدن زمینه‌ساز دست یابد. شاکری زواردهی (۱۴۰۳) می‌نویسد که انقلاب اسلامی در مرحله شکل‌گیری و استمرار، با پشتوانه فکری و با هدف تلاشگری برای بسترسازی ظهور، نوید بخش دوران پیشاظهر بوده است. لذا مسئله اصلی کشف مؤلفه‌های تمدنی در حکومت مهدوی است که این مقاله با نگاه به نظریه تمدن نوین اسلامی و به روش توصیفی و تحلیلی درصدد پاسخ بدان است. دستاوردهای پژوهش حاضر بدین گونه بیان می‌شود: با التفات به سطوح سه‌گانه انسان شناختی، بینش و گرایش و کنش در آیات و به ویژه روایات مهدوی، مشخص می‌شود که مؤلفه‌های مهمی چون عقلانیت و توسعه علمی در بُعد بینش، رشد اخلاق‌گرایی و نیز گرایش به آداب انسانی در بُعد گرایش، تعالی بخشی روحی و معنوی، فقرزدایی، رفاه حداکثری، ارتقای امنیت، بسط و گسترش عدالت به عنوان مؤلفه‌های کنشی، قابل ذکر است. بیشترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز، عملی و در حیطه رفتار و کنش و واکنش تعریف می‌شوند که حاکی از اهمیت عملگرایی منتظران در مسیر تحقق تمدن جهانی مهدوی خواهد بود. برزویی و جهانگیری (۱۳۹۷) با تحقیق توصیفی اکتشافی سعی دارند به این سؤال پاسخ دهند که رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت چیست و از چه ظرفیتی برای تحقق تمدن اسلامی برخوردار است؟ براساس یافته‌ها در نهایت مشخص شد که بیشترین ظرفیت تمدنی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به ترتیب اولویت در نظام‌های دانشی و فناوری، اجتماعی، سیاسی و حقوقی، معنوی و عبادی، تربیتی و اخلاقی، فرهنگی و هنری، ارتباطی و اقتصادی جهت حرکت به سمت تمدن زمینه‌ساز ظهور (تمدن نوین اسلامی)، بروز و ظهور خواهند داشت. ملایی (۱۳۹۴) می‌نویسد، ساخت تمدن نوین اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از چنان اهمیتی برخوردار است که آرمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. از سویی دیگر، ایشان بر جهت‌گیری همه فعالیت‌های نظام اسلامی به سوی ظهور و حکومت مهدوی تأکید ویژه دارد. این نوشتار درصدد بررسی نسبت بین دو مقوله تشکیل تمدن اسلامی و مهدویت در اندیشه ایشان است و افزون بر آن، کارکردهای فرهنگ انتظار برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی را از دیدگاه ایشان واکاوی می‌کند. شیوه پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای

است و با روش توصیفی - تحلیلی، در مجموعه سخنان ایشان کاوش می‌کند. بررسی‌ها حاکی از آن است که از منظر امام خامنه‌ای، تمدن‌سازی اسلامی، گامی بلند برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به شمار می‌رود و در راستای ایجاد تمدن اسلامی، از فرهنگ انتظار کارکردهای فراوانی می‌توان استخراج کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: امید به تحقق تمدن اسلامی، جهاد و تلاش در مسیر تحقق تمدن اسلامی، اخلاص در جهاد، وحدت و هم‌دلی مردم و مسئولان، نیروسازی و توجه جدی به جوانان برای تمدن‌سازی. عرفان (۱۳۹۱) با رویکردی توصیفی تحلیلی می‌کوشد تا مبانی نظری و ظرفیت‌های آموزه مهدویت را در اسلام‌شناسایی کند. این نوشته با مفروض گرفتن این نکته که اندیشه مهدویت علاوه بر آن که فرجام متعالی و شکوهمند آینده جهان و سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است دارای ظرفیت‌های تمدن‌سازی هم می‌باشد که توجه به این ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها سبب احیای تمدن اسلامی می‌گردد. طبق بررسی‌های انجام شده در این نوشته بازگرداندن هویت واقعی مهدویت به چارچوب استانداردهای برخاسته از فرهنگ دینی، کیفیت‌گرایی، زمان‌آگاهی و تأثیرگذاری پایدار در عرصه منجی‌باوری از مهم‌ترین فواید رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت می‌باشد. آموزه مهدویت با تقویت بعد فرجام‌گرایانه و آرمان‌گرایی، ایجاد هویت غایی، بسیج اراده‌های عمومی و ایجاد نوعی انتظار فعال و معنا بخشی به حیات جمعی در تاریخ به احیای تمدن اسلامی کمک می‌کند.

این مقالات به‌طور کلی در پی بررسی ظرفیت‌های تمدن اسلامی و فرایند تمدن‌سازی مهدوی در ایران و جهان اسلام هستند. نکات مثبت مقاله‌ها شامل استفاده از رویکردهای آینده‌نگرانه، گفتمان تمدن اسلامی و مؤلفه‌های مختلف تمدن‌ساز است. با این حال، نقاط ضعف عمده شامل عدم پرداخت کافی به جزئیات نظری و چالش‌های عملی در این مسیر است. علاوه بر این، برای برطرف کردن ابهامات موجود، نیاز به تعمیق در زمینه‌های فلسفی، دینی و مفهومی درباره ارتباط میان تمدن اسلامی و مهدویت وجود دارد. یکی از جنبه‌های مهم که در این مقالات به آن پرداخته نشده، مفاهیم و پدیده‌های سوژه مدرن، بحران معنا و جهانی‌سازی است. این مفاهیم در دنیای معاصر نقشی حیاتی در فهم تحولات اجتماعی، فرهنگی و فلسفی ایفا می‌کنند و برای درک ابعاد تمدن نوین اسلامی و روند آن ضروری به نظر می‌رسند که در تحقیق حاضر به این پدیده‌ها پرداخته شده است.

مبانی نظری پیرامون سوژه مدرن و معنا، تحولات جهانی و آینده تمدنی

براساس نگاه پست مدرن و پسامختارگرایانه، جهانی سرشار از بی‌ثباتی‌های متنی، چیزی که می‌توان از آن به افول خرد و تباهی هویت یگانه در جامعه تعبیر کرد، شکل می‌گیرد (جی دان، ۱۳۸۵: ۱۰). فوکو یکی از صاحب‌نظران اصلی این حوزه است. در آراء و اندیشه‌های فوکو سوژه (به عنوان عامل مهم و برساننده هویت) در دو مقطع زمان سنتی و مدرن، تفاوت‌های بسیار مهمی دارد. سوژه سنتی که جامعه را می‌سازد، ثابت، مشخص و دارای ساخت معین است و با دو ویژگی مکانمند و خطی بودن تعریف می‌شود. مکانمندی سبب ایجاد تداوم و ثبات فردی و جمعی می‌شود. در این جوامع، مرزهای فردی و جمعی کاملاً مشخص، ثابت و ساخت یافته است و تغییر آن بسیار سخت و دشوار می‌باشد. در حالت کلی، سوژه‌ی سنتی، سوژه‌ای یکپارچه است، که محیط مفهومی محدودی با مرزهای کاملاً ساخت یافته ایجاد می‌کند. در مقابل، فضا عنصر اساسی برساننده دنیای مدرن است، که جهانی بدون مرز و فاقد مرکز ثقل ایجاد می‌کند. در جامعه مدرن، جامعه مانند موجودیتی فارغ از مرکزیت یا حداکثر موجودیتی با مراکز متنوع فهمیده می‌شود. مفهوم مرز در این جا دگرگون می‌شود و دیگر نمی‌توان از چارچوب مشخص و قاطعی به نام مرز صحبت کرد. فضای بدون مرکز سبب ایجاد تکثر معنایی می‌شود و از هرگونه طبقه‌بندی و دسته‌بندی شدن می‌گریزد. چرا که هریک از مراکز به نوبه‌ی خود، منشأ معنابخشی‌های متفاوت به پدیدارهای اجتماعی می‌شوند. هویت حاصل از چنین فضایی، هویتی سیال، ناپایدار و نامحدود خواهد بود. در چنین حالتی، رابطه‌ی ساده و مشخص بین فرد با اجتماع و معنای ثابت هویت در دنیای سنتی از بین می‌رود و رابطه‌ای پیچیده، غیر متمرکز و منتج از مفهوم فضا در ارتباط با هویت‌ها شکل می‌گیرد، که فاقد شکل ساخت یافته و مشخص است و از هرگونه تعریف و صورت‌بندی مشخصی می‌گریزد. سوژه مدرن برساننده و حامل چنین هویتی است. سوژه‌ای تکه تکه و فاقد انسجام که در دنیای مدرن امروزی، که ویژگی‌های هویتی مختص خود را بر دوش می‌کشد. این سوژه همان گونه که فروید اشاره کرده بود، سوژه‌ای دانا و عقلانی و با هویت ثابت و مشخص نیست. بلکه تحت تأثیر نیروی ناخودآگاهی است، که سبب بی‌شکلی و عدم انسجام سوژه مدرن می‌شود. فوکو معتقد است سوژه مدرن با این ویژگی‌ها کاملاً با هویت مدرن سازگار است. چرا که هم هویت و هم سوژه، دال‌هایی هستند که فاقد مدلول مشخصی هستند و این امر ناشی از فضا‌مندی این دو (هویت و سوژه) است (میلر، ۱۴۰۱؛ فوکو، ۱۴۰۳). حرکت از سوژه پایدار و ثابت سنتی به هویت -

های باز و متکثر مدرن، با مطالعات پست مدرن‌هایی همچون کریستوا،^۱ جیمسون^۲ و لیوتار^۳ شتاب بیشتری گرفت و در نهایت در نوشته‌های ژان بودریار^۴ به اوج خود رسید. به عقیده‌ی بودریار، در عصر وانموده (عصری که اطلاعات در آن هرچه بیشتر و معنا در آن هرچه کمتر است)، اشیا هویت خود را از دست می‌دهند. واقعیت، دیگر در مقابل چیز دیگری که برخلاف خودش، ساختگی، موهوم یا خیالی باشد قرار نمی‌گیرد. او از ماهواره‌ای شدن جهان سخن می‌گوید و این ایده را مطرح می‌کند که جهان همچون بدلی کامل، باز سرهم‌بندی شده و گرد خویش به گردش درآمده، است (تاجیک، ۱۳۸۷: ۷۲-۷۴). فیسک بحث خود را با تفکیک سوژه از فرد پی می‌گیرد. او معتقد است فرد را طبیعت به وجود آورده است، اما سوژه، محصول فرهنگ است. سوژه، برساخته‌ای اجتماعی است که از طریق جامعه، زبان یا گفتمان عمل می‌کند (فیسک، ۱۳۸۱: ۱۲۱). فیسک معتقد است که متن سعی می‌کند، موضعی یکپارچه و منسجم از سوژه تولید کند و مخاطب را با قرار دادن در این موقعیت، به تعبیر آلتوسر فراخواند یا استیضاح کند. در صورتی که مخاطب در این موقعیت قرار گیرد، معنای مورد نظر تولیدکننده را برداشت می‌کند. در نگاه او از آن‌جا که سوژه اجتماعی تاریخمند است و در یک صورت‌بندی گفتمانی - اجتماعی خاصی زندگی می‌کند، یعنی ترکیبی از طبقه، جنسیت، سن، منطقه و سایر واسطه‌های اجتماعی است، بنابراین ایدئولوژی، در ساخت ذهنیت مخاطبان به موفقیت کامل دست نمی‌یابد. به این ترتیب از نظر فیسک معانی، به طور اجتماعی و از تعامل متن و خواننده‌ای ایجاد می‌شود که موقعیتی اجتماعی را در جامعه اشغال می‌کند. مطابق این نظریه که فیسک آن را «نظریه تعیین اجتماعی معنا» می‌نامد، تعیین مکانیکی و یک‌طرفه معنا رد می‌شود و در واقع لحظه قرائت، لحظه برخورد گفتمان‌های خواننده با گفتمان‌های درون متن است (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۹۶). فیسک توضیح می‌دهد که چگونه انواع رمزها یعنی رمزهای اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک، همگی به صورتی یکپارچه، مجموعه هماهنگی از معانی را ارائه می‌دهند، معانی‌ای که علاوه بر این که ایدئولوژی سرمایه‌داری مردسالارانه حاکم را حفظ می‌کنند، آن ایدئولوژی را مشروع و طبیعی جلوه می‌دهند (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۳۸). تولید معنای ایدئولوژیک در نظریه فیسک به معنی پذیرش رویکرد جبرگرایانه آلتوسر نیست که براساس آن سوژه، در موضعی که ایدئولوژی می‌سازد، قرار گرفته و بر مبنای آن عمل می‌کند. او بیشتر،

1. Kristeva
2. Jameson
3. Lyotard
4. Lyotard

موافق مفهوم هژمونی گرامشی است: هژمونی، مناسبات اجتماعی را مجموعه‌ای از کشمکش‌ها بر سر معنا در نظر می‌گیرد. خوانندگان به میزان‌های مختلفی ایدئولوژی مسلط را به چالش می‌کشند و در مقابل آن مقاومت می‌کنند (فیسک، ۱۹۹۴م: ۴۱). استوارت هال متأثر از گرامشی معتقد است یک متن با وجود این که از معنایی مرجح یا خوانشی مسلط برخوردار است، اما منبع بالقوه‌ای از معناهای مختلف است (هال، ۱۳۸۲: ۶۰). کاستلز می‌گوید هویت برنامه‌دار به ایجاد سوژه (فاعل) می‌انجامد و این پرسش که انواع مختلف هویت‌ها چگونه و به دست چه کسی ساخته می‌شوند و چه پیامدهایی دارند، امری است مربوط به متن و زمینه اجتماعی. این متن همان پیدایش جامعه شبکه‌ای است. در جامعه شبکه‌ای، جوامع مدنی تحلیل می‌روند و جستجوی معنا فقط در بازسازی هویت‌های دفاعی حول اصول اجتماع اشتراکی مقدور می‌شود. پس سوژه‌ها به مثابه استمرار مقاومت جماعت‌گرایانه ساخته می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲). سنخ‌شناسی کاستلز از فرایندهای شکل‌گیری گفتمان‌های هویت بر این نکته تأکید دارد که جهان معاصر، جهانی است مبتنی بر تکثر فرهنگی. او با حمله به جهانی شدن، امکان شکل‌گیری هویت فراملی و هویتی را که متأثر از جلوه‌های جهانی شدن است منتفی می‌داند. به تعبیر او فرایند جهانی شدن فنی - اقتصادی که شکل دهنده دنیای ماست، از چند جبهه، یعنی فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها و جغرافیاها و گوناگون به چالش خواند شده است و سرانجام در این چالش دگرگون خواهد شد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳). به طور کلی می‌توان گفت با جهانی شدن در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۷۰، جهانی نو بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب تکنولوژی اطلاعات؛ بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت - سالاری و تجدید ساختار متعاقب آن‌ها؛ و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی - فرهنگی، همچون آزادی خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط زیست (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷). در واقع، ویژگی بارز اجتماعی و سیاسی دهه‌ی ۱۹۹۰، سامان دادن کنش سیاسی اجتماعی پیرامون هویت‌های اصلی است که دارای پیشینه‌اند یا به تازگی و در جستجوی مشتاقانه معنا و معنویت ایجاد شده‌اند (همان: ۴۸). توین بی‌خاستگاه دین و معنویت را فطرت انسانی و جوهر بنیادین دین را پایاتر از جوهر طبیعی خود انسان می‌داند (توین بی، ۱۳۹۴: ۵). به گفته‌ی وی انسان در زندگی معنوی و روانی در می‌یابد که مأموریتش نه سیادت بر پیرامون غیر انسانی، بلکه سیادت معنوی بر خویش است (همان: ۲۱). توین بی در کتاب‌های "تمدن در بوته آزمایش"، "آینده نامعلوم تمدن" و "جنگ و تمدن"، به تفسیر معنوی از تاریخ، مطالعه درباره تمدن و آینده بشریت، آرزوی رفاه برای محرومین و مستضعفین، صلح طلبی و منجی گرایی و

ظهور دین جهانی می‌پردازد و می‌گوید یک پایان متکامل در انتظار بشریت است. توین بی، نیروی دین را حاکم بر سرنوشت تاریخ می‌انگارد؛ چنانکه یهودیت و هلنیسم را سنگ بنای اصلی تمدن غرب می‌داند (توین بی، ۱۳۹۴: ۱۶). وی عامل اصلی سقوط تمدن غرب را بی‌توجهی به بعد روحانی انسان و افزایش روزافزون فاصله بین قدرت معنوی و مادی دانسته و معتقد است افزایش قدرت معنوی انسان تنها تحول قابل‌تصور است که زیست را ساخته و می‌تواند از اندام آن جلوگیری کند (همان: ۶۶۸).

روش‌شناسی

بحث اصلی این پژوهش دست یافتن به معناهای نهفته در دکترین مهدویت با استفاده از تحلیل متن و به کارگیری روش نشانه‌شناسی ساخت‌گرایی است. نشانه‌شناسی ساخت‌گرایانه، به دنبال نگاه کردن به زیر سطح مشاهده‌پذیرها به منظور کشف سازماندهی متضمن پدیده-هاست (چندلر، ۱۳۸۷: ۳۰۷). براساس این رهیافت، هر چیزی - کلمات، تصاویر و خود چیزها - می‌تواند به مثابه دال‌هایی برای تولید معنا به کار گرفته شود. بر مبنای این روش، "دکترین مهدویت" را به مثابه متن تحلیل نموده و مجموعه‌ای از معانی سازگار و منسجم به وجود آورده و با انتخاب برخی مقولات تحلیلی، عناصر مسلط این مجموعه را براساس جامعه ایرانی، مهدویت و آینده تمدنی نشان می‌دهیم. همچنین در تحقیق حاضر از روش تحلیلی توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای به عنوان تکمیل‌کننده روش نشانه‌شناسی استفاده شده است.

تحلیل نشانه‌شناختی دکترین مهدویت

نشانه‌شناسی ساختارگرا به تحلیل نحوه تولید معنی و ساختارهای فرهنگی توجه دارد. برای تحلیل دکترین مهدویت، ابتدا به تحلیل نشانه‌های اصلی در متن می‌پردازیم و سپس چگونگی به هم پیوستگی این نشانه‌ها در ساختار کلی بررسی می‌کنیم. برای این منظور، به رمزگذاری عناصر مختلف، از جمله شخصیت‌ها، فضا، زمان و رویدادها پرداخته و ارتباط آن‌ها با مفاهیم مذهبی و دینی خاصی چون انتظار، ظهور و تحقق عدالت جهانی را مورد تحلیل قرار خواهیم داد. فرهنگ انتظار در میان شیعیان به طور خاص نوعی از انسان‌ها را شکل می‌دهد که نسبت به فرآیند جهانی شدن و وابستگی مداوم به اصول مدرنیته، فاصله‌ای قابل توجه دارند. این انسان‌ها در پرتو انقلاب اسلامی، به ویژه در چارچوب آرمان‌های مهدویت، به دنبال ایجاد یک مدل جهانی و تمدنی جدید هستند که از هویت دینی و اسلامی خود مایه می‌گیرد. در این روند، تمرکز بر بازتعریف و ترویج ارزش‌های اسلامی به عنوان عاملی برای توسعه و ترویج

جهانی‌سازی به شیوه‌ای خاص و مبتنی بر اصول و آموزه‌های دینی است. در واقع، وقوع انقلاب اسلامی و برپایی دلالت‌گر حکومت دینی در ایران، از یک سو واجد عناصر و شاخصه‌های مدرن است و از سوی دیگر بر بعضی ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سنت تأکید دارد. جامعه مولود انقلاب و نظام دینی مسائل و آسیب‌های خاص خود را دارد و از این حیث با جوامع دیگر متفاوت است. این مسائل در یک سطح ناشی از اثر فشارهای برنامه‌ریزی شده قدرت‌های جهانی علیه یک رژیم انقلابی ضد سلطه است و در سطح دیگر، مربوط به فرهنگ و هنجارهای متفاوت و مقبول یک نظام دینی است که در تغایر با فرهنگ غالب جهانی، یعنی مدرنیته، قرار دارد (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۵-۸). با توجه به ویژگی خاص جمهوری اسلامی ایران، تبعات و آثار منفی جهانی شدن بیشتر از فرصت‌های آن جلوه می‌کند؛ زیرا از سویی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر باورهای دینی و الگوی حکومت دینی است که هم از نظر مبنای فکری و هم به لحاظ کارکردها و مسئولیت‌های فراملی که برای خود تعریف می‌کند، دچار تعارض جدی با گفتمان سلطه‌جویانه غرب است. از سوی دیگر، از نظر عینی نیز با توجه به نگرش اسلامی - سیاسی حاکم بر ایران، نظام بین‌المللی کنونی با نگرش منفی و غیرعادلانه توضیح داده می‌شود و الگوی رفتاری این کشور در سیاست بین‌الملل عمدتاً در چارچوب واگرایی و ناهماهنگی شکل می‌گیرد. داعیه جهانی شدن لیبرالیسم، جهانی شدن حقیقی اسلام را با موضوع مهدویت و ظهور منتظر حقیقی به چالش می‌کشد. لذا، می‌توان پذیرفت که جهانی شدن به درون فضاها و درونی ادیان و فرهنگ‌ها راه یافته است و به دلیل ویژگی سرزمین - زدایی، پیوندهای فرهنگ و دین با مکان را تضعیف کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۲۷۰). به این ترتیب با ورود مدرنیته به ایران، برخی دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی پدید می‌آید که اوج آن را در استقرار مشروطه شاهد بوده‌ایم. این امر پیامدهای متعدد و بعضاً متناقضی را در پی داشته است که مهم‌ترین آنها زیر سؤال رفتن هویت فرهنگی قبلی و نفی گذشته‌ی "خود" می‌باشد. از آن جا که نخستین رویارویی ایرانیان با مدرنیته، تماس با وجه مادی آن و مدرنیسم بوده است، با تقلید از راه طی شده در غرب، مذهب و عناصر سنتی فرهنگ ایران به منزله مانع رسیدن به غرب تلقی شده و باستان‌گرایی به مثابه مذهب هویت جدید جایگزین سنت قدیم شده است (اشرفی، ۱۳۸۰: ۷). در ایران قرن بیستم دو گفتمان مسلط سیاسی هر یک در دوران خود در پی یکسان‌سازی هویت عمومی بوده‌اند. مدرنیسم دوران مشروطیت و عصر پهلوی در پی تشدید هویت تک‌شالوده‌ای ایرانی مدرن برآمده است. برعکس پس از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی سنت‌گرایی اسلامی مسلط از طریق دستگاه‌های

سلطه‌ی ایدئولوژیک خود در پی بازسازی هویتی اسلامی - ایدئولوژیک بوده است و سوژه مدرن در متن دین بازسازی می‌شود. به این ترتیب هردو گفتمان مورد نظر در متن دغدغه‌های عصر تجدد و یا واکنش به آنها پدید آمده‌اند و به عنوان ایدئولوژی‌های سراسری خواستار تأسیس هویتی سراسری و عمومی در سطح جامعه بوده‌اند. به این ترتیب، محققان مهم‌ترین سنگ بنای تمدن‌سازی را تحقق اراده یک ملت و استقلال هویتی و هویت اسلامی و مردمی انقلاب اسلامی دانسته‌اند و از دانش و دانایی متکی به دین و ایمان مذهبی، به عنوان دو بال تحقق تمدن یاد کرده و شرط تمدن‌سازی را خلاقیت در گرو آزادی به شمار آورده‌اند (مولوی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). برعکس در دوران قاجار که به طور کلی می‌توان از آن به عنوان عصر ماقبل مدرن سخن گفت، نوع گفتمان مسلط یعنی گفتمان پاتریمونیالیسم سنتی خواستار وجود هویت‌های پراکنده و متنوع قومی، قبیله‌ای، فرهنگی، مذهبی، محلی و... بود. طبعاً تنوع جغرافیایی و قومی در پراکندگی و تنوع در هویت‌ها موثر بود. شرایط جغرافیایی سرزمین ایران از دیرباز موجب پیدایش جماعات نسبتاً دور افتاده و پراکنده و در خود فرو بسته‌ای شده بود. در عین حال تاریخ ایران شاهد حملات اقوام و قبایل مختلف و ترکیب آنها با اقوام ایرانی بوده است. همچنین در قرن نوزدهم حدود نیمی از جمعیت ایران را ایلات و عشایر تشکیل می‌دادند. ترکیب پیچیده قومی جمعیت ایران حاصل حضور گروه‌های قومی عمده‌ای به ویژه فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، اعراب، ارمنی‌ها، یهودی‌ها، ترکمن‌ها، و بلوچ‌ها بود. به علاوه، سازمان اجتماعی ایلی و عشیره موجب تداوم احساس هویت ایلی و تعلق به عشیره می‌شد و این خود از پیدایش هویت گسترده در سطح "ملی" جلوگیری می‌کرد. تنوع مذهبی ایران نیز همواره چشم‌گیر بوده است. ترکیب و تنوع مذهبی (شیعه، سنی، مسیحی، یهودی، زرتشتی و غیره) تاحدی در پراکنده‌سازی هویت موثر بود. تکلم به زبان‌های فارسی، ترکی، کردی، ترکمنی، عربی و عبری و ارمنی و نیز وجود لهجه‌های مختلف در برخی زبان‌ها خود نمود دیگری از پراکندگی در هویت بود. به این ترتیب هویت‌های خرد و ریز و قطعه قطعه و پراکنده ویژگی برجسته جامعه ایران بود و در غیاب یک ایدئولوژی هویت بخش سراسری و یکسان‌ساز، به تداوم ساختار قدرت پاتریمونیالی کمک می‌کرد. تنها در عصر مشروطیت و دوران پهلوی بود که گفتمان لازم برای شکل‌گیری هویت سراسری در چارچوب مفهوم ملت ایرانی فراهم آمد. گفتمان مدرنیسم پهلوی با تأکید بر مضامینی چون توسعه و نوسازی به شیوه‌ی اروپایی، ناسیونالیسم ایرانی، مدرنیسم فرهنگی، عقلانیت مدرنیستی، سکولاریسم و جزآن، در پی تأسیس هویت سراسری برای "ملت ایران" و تضعیف هویت‌های پراکنده و پاره‌پاره دوران پیش بود. در این دوره رضا

شاه با الهام از تحولات مربوط به شکل‌گیری دولت‌های اروپایی، ناسیونالیسم مدرن و تحت-تأثیر و تشویق گروهی از روشنفکران تحصیل‌کردهٔ ایرانی مصمم شد وفاداری به دولت را جایگزین وفاداری‌های سنتی کند. روشنفکران نسل اول به درجات مختلف به ضرورت زدودن هویت ایرانی از زنگارهایی که آن را در طی تاریخ فراگرفته است، تأکید گذاشتند. زبان فارسی، نژاد آریایی و مذهب زرتشت در نزد برخی روشنفکران رادیکال سه پایهٔ اصلی هویت از دست رفتهٔ ملت ایران به شمار می‌آمدند. سرزمین ایران نیز طبعاً چارچوب جغرافیایی طبیعی هویت ملی ایرانیان را تشکیل می‌داد. لذا، یکی از عناصر هسته‌ای گفتمان روشنفکری و مدرنیسم پهلوی، ناسیونالیسم ایرانی یعنی کوشش برای برقراری هویت ملی ایرانی در سراسر جامعهٔ ایران بود. هدف بسیاری از این روشنفکران احیای فرهنگ و زبان و هویت ایرانی به مفهوم خاص آن بود. کانون گفتمان مدرنیسم روشنفکران عصر پهلوی را ملیت و هویت ملی در مقابل اسلام و هویت اسلامی تشکیل می‌دهد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۲۴؛ احمدی، ۱۳۸۳: ۵۳-۲۳۶). این گفتمان به بهای نادیده انگاشتن هویت‌های قومی به مثابه عناصر و مؤلفه‌های ماقبل-مدرن تمام شد. به همین جهت با خود برجسته شدن نشانگان قومی، دگردیسی آن به نشانگان سیاسی و تبلور هویت‌های قومی به مثابه هویت مقاومت را در پی داشت. گفتمان مزبور از طریق سیاست‌های هویت‌سازی مبتنی بر انکار و هویت‌زدایی قومی ترویج و تثبیت گردید (اتابکی، ۱۳۸۳: ۸۱؛ فوران، ۱۳۷۸: ۳۷۳). سیاست‌های هویت‌سازی دوره‌ی پهلوی که بر ادغام و همسان‌سازی فرهنگی و اجتماعی در درون هویتی واحد و یکپارچه و اعمال سیاست‌های توسعه‌ی نابرابر استوار بود به احساس محرومیت، تبعیض و عدم آزادی و عدالت در میان اجتماعات قومی دامن زد و رهبران محلی و نخبگان قومی را در جهت قوم‌گرایی و مقاومت در برابر تمرکز قدرت و سیاست‌های حکومت مرکزی به تلاش و تکاپو واداشت (قادرزاده، ۱۳۸۸: ۲۳). بعد از انقلاب، فرهنگ و ارزش‌های مذهبی (شیعی) به عنوان منبع اصلی هویت‌سازی در جهت ترویج یک هویت ملی به شکل «هویت امت اسلامی ایران» مورد توجه قرار گرفت (بشیریه، ۱۳۸۸: ۵-۱۲۲). بر طبق ایدئولوژی انقلابی، هویت اسلامی در تقابل با "غیر" آن یعنی غرب تعیین خاص خود را پیدا می‌کند. از این رو تداوم کشمکش نظری با غرب یا غرب-ستیزی لازمه‌ی تداوم هویت برساختهٔ ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است. می‌توان مراحل را در گفتمان ایدئولوژیک هویت‌پرداز در تاریخ جمهوری اسلامی مشخص کرد. مرحله اول که همان مرحله‌ی اساسی در تأسیس هویت سراسری اسلامی است، در دهه‌ی اول انقلاب و دوران جنگ تداوم یافت. در مرحلهٔ دوم از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۳۷۰ برخی تحولات

گفتمانی به منظور بازاندیشی در ایدئولوژی مستقر در دوره اول صورت پذیرفت. سرانجام در مرحله سوم که می‌توان آغاز آن را از سال ۱۳۷۶ در نظر گرفت، ابعاد ایدئولوژیک سیاست‌های هویت‌سازی با چالش مواجه گردید و در نتیجه‌ی آن، شمار کثیری از هویت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله هویت‌های ملی، محلی، قومی، طبقاتی، سنتی، جنسی و غیره در حال گسترش بوده و فعلیت آشکارتری یافته‌اند. در کثرت‌گرایی هویتی مذکور در این دوره در کنار تحولات ساختاری در جامعه و اقتصاد و فرهنگ می‌توان به تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب ارتباطات و اطلاعات و فرایند جهانی‌شدن اشاره نمود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۳۱). جهانی‌شدنی که از طریق گسترش ارتباطات اشخاص، دسترسی‌شان را به منابع مختلف هویت‌ساز تسهیل می‌کند و منابع مزبور تصویر هویتی فعلی شخص را به چالش کشیده و در اغلب اوقات در این تصویر خدشه وارد می‌کنند و شخص را دچار بحران هویت می‌سازند. زمانی شخص برای رهایی از این بحران تصویر هویتی جدیدی می‌سازد، در حقیقت تحول در هویت به اوج خود می‌رسد و این تحول محصول جهانی‌شدن است. تحول در هویت می‌تواند در جهت تعمیق شناخت ما از خویشتن و یا در جهت بیگانه‌سازی ما با واقعیات وجود خویش جریان پیدا کند (قریشی، ۱۳۸۱: ۵۱). درواقع جهانی‌شدن هم می‌تواند سبب غنا و اعتلا گردد و هم در عین حال سبب پالایش و تثبیت فرهنگ‌های ملی و محلی گردد و امکان بیشتر جهت تعامل در باورهای فرهنگی بومی و منطقه‌ای را فراهم کند (سعیدی و کیا، ۱۳۸۵: ۹۵). از این فضا می‌توان برای ارتباطات میان ایران و سایر کشورهای منطقه در حوزه فرهنگی استفاده کرد. جمهوری اسلامی ایران با تکیه و تأکید بر آموزه‌ها و ارزش‌های دین اسلام و مذهب تشیع، از ظرفیتی مناسب برای تأثیرگذاری بر جریان‌های سیاسی شیعی در منطقه (کشورهایی مانند عراق، بحرین، و لبنان به عنوان کشورهای دارای جمعیت شیعه مذهب)، بهره‌مند است (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱). فرهنگ ایران که مبتنی بر اسلام ناب است، با داشتن مذهب تشیع توان بسیج توده‌ای مردم علیه فرهنگ وارداتی غرب را دارد (رنجیران، ۱۳۸۸: ۶۴). اشاعه معنا در بافت اجتماعی زندگی مردم ایران از طریق ارتباطات معنایی با مفاهیمی چون شهادت، ایثار و جهاد، بعد معنابخشی مقاومت اسلامی ایران را تشکیل داده و سبب گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌شود. بعد تمدنی گسترده‌ترین سطح تحلیل مقاومت ایرانی محسوب می‌شود. مقاومت براساس اعتماد به تحقق وعده الهی و عدم پذیرش نظام سلطه به وجود می‌آید و استقلال و خودباوری ملت ایران را تقویت می‌کند (لزگی و غیائی فتح آبادی، ۱۴۰۲: ۲۸۵). هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین در زنجیره

منطقی و مستمر است و برای تحقق آن بایستی پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی پشت سر گذاشته شود تا آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم گردد (مولائی، ۱۴۰۰: ۷۶). مهدویت به عنوان یک مفهوم مرکزی در اسلام، به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد که قرار است در آخرالزمان عدالت را برقرار کند. این دکتربین نه تنها به عنوان یک پیش‌بینی دینی بلکه به عنوان یک ایده و آرمان اجتماعی نیز شناخته می‌شود که می‌تواند به عنوان نقطه عطفی برای آینده تمدنی جهان عمل کند (عرب‌پور، ۱۳۹۶؛ یعقوبی، ۱۳۸۱). آینده تمدنی در دکترین مهدویت به بازتعریف هویت دینی و اسلامی و همچنین انتقال از مدرنیته به سنت اشاره دارد. این دکتربین به عنوان یک عامل محرکه می‌تواند در فرایند تحولات اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کند و به مسلمانان کمک نماید تا هویت دینی خود را در برابر چالش‌های ناشی از مدرنیته تقویت نمایند. از این منظر، دکترین مهدویت می‌تواند به بسط و شکل‌گیری یک مدل تمدنی جدید منتهی شود که در آن ارزش‌های اسلامی و دینی به عنوان اصول بنیادی توسعه و پیشرفت جامعه تلقی شوند. در این راستا، اهمیت بازگشت به اصول و آموزه‌های دینی و معنوی به طور خاص برجسته می‌شود؛ چرا که پذیرش همزمان پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، در کنار بازگشت به مبانی اخلاقی و دینی اسلام، می‌تواند به احیای تمدن اسلامی و جلوگیری از انحطاط تمدن‌ها منجر گردد. در این چارچوب، تمدن غرب نیز به عنوان نمونه‌ای از تمدن‌های در معرض بحران شناخته می‌شود، که علل اصلی انحطاط آن شامل دوری از مذهب، رواج مادی‌گرایی، فقدان معنویت و تسلط فردگرایی است. بنابراین، فرایند تحول و گذار از مدرنیته به سنت می‌تواند به عنوان الگویی معتبر برای دیگر جوامع نیز عمل کند و به تحقق عدالت اجتماعی و انسانی در سطح جهانی یاری رساند. این رویکرد قادر است توازن میان دستاوردهای علمی و اصول انسانی و معنوی را برقرار سازد و در نهایت به شکل‌گیری یک تمدن عادلانه و متوازن کمک کند. در اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی شیعه از او به "مهدی" تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی - با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی - بدان معتقدند؛ زیرا این اندیشه به حسب اصل و ریشه، قرآنی است؛ این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)، غلبه قطعی صالحان و متقیان (انبیا: ۱۰۵)،

کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه (اعراف: ۱۲۸)، و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت (قصص: ۵-۶) را نوید داده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳). به این ترتیب، ترسیم آینده‌ای دست یافتنی براساس آموزه‌های مهدویت می‌تواند در شکل دادن به روح حاکم بر تمدن نوین اسلامی نقش آفرین باشد (الویری، ۱۳۹۲: ۷). به این ترتیب یکی از پیشران‌های اصلی دکتترین مهدویت، نیاز به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است. در دنیای معاصر، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها به عنوان چالش‌های عمده شناخته می‌شوند و دکتترین مهدویت می‌تواند به عنوان یک پاسخ به این نیاز عمل کند (الهی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۹؛ سلمانی، ۱۳۹۷: ۴۰۱؛ حکیم، ۱۳۸۷: ۵). همچنین مهدویت می‌تواند به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای جستجوی معنای زندگی و هویت عمل کند (مفتاح و محمدی، ۱۳۹۷). از جمله ظرفیت‌های دکتترین مهدویت می‌توان به ایجاد همبستگی و اتحاد میان مسلمانان و حتی دیگر ادیان اشاره کرد. این دکتترین به عنوان یک عامل وحدت بخش عمل می‌کند (الهی‌نژاد و شاه‌رخ، ۱۳۹۷). این ایده می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه برای تحولات مثبت در جوامع مختلف عمل کند و به ایجاد همبستگی جهانی کمک کند. همچنین می‌تواند به ارتقاء آگاهی دینی و فرهنگی در جوامع اسلامی کمک کند و نسل جدید را به ارزش‌های اسلامی نزدیک‌تر کند (مهدوی و جعفرپور، ۱۳۹۸: ۵۵۰). یکی از موانع اصلی در دکتترین مهدویت، تفسیرهای نادرست و افراطی از این دکتترین است که می‌تواند به ایجاد تنش و اختلافات بین گروه‌های مختلف منجر شود (معنوی، ۱۴۰۲: ۹۷). چالش‌های ناشی از مدرنیته و جهانی شدن نیز می‌تواند به تضعیف ارزش‌های دینی و فرهنگی منجر شود و مانع از تحقق اصول دکتترین مهدویت شود (بهروزلک، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱؛ زارع و دیگران، ۱۴۰۲).

راهبردها و راهکارها

راهبردهای مورد اشاره در این تحقیق می‌توانند به طور خاص به شناسایی مسیرهایی برای تحقق دکتترین مهدویت در عصر مدرن پرداخته و به چالش‌های ناشی از جهانی شدن پاسخ دهند. راهکارهایی چون:

- تقویت ابعاد معنوی و دینی در جامعه به عنوان پایه‌ای برای مقابله با بحران‌های هویتی ناشی از جهانی شدن که مستلزم بازتعریف و تبیین دکتترین مهدویت به طور مؤثر در سطح آکادمیک و دینی است؛ به طوری که این آموزه‌ها به عنوان نیرویی انسجام‌بخش در برابر تهدیدات فرهنگی و هویتی ناشی از مدرنیته و جهانی شدن عمل کند.

- طراحی و معرفی یک مدل تمدنی بر مبنای ارزش‌های اسلامی و انسانی، به‌ویژه عدالت اجتماعی، همبستگی و صلح جهانی که در جهت ایجاد یک نظم اجتماعی جهانی در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی عمل کند.

- تلاش برای ایجاد هم‌گرایی میان آموزه‌های سنتی دینی و الزامات نوین مدرن که به‌طور خاص در راستای بازتعریف مهدویت و تطبیق آن با تحولات جهانی و نیازهای روز جامعه صورت گیرد.

- ارتقاء آگاهی عمومی از دکترین مهدویت و اهمیت آن در پاسخ به چالش‌های جهانی شدن است. این امر می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی، رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی صورت گیرد تا مردم درک بهتری از این دکترین و نقش آن در مواجهه با بحران‌ها و تحولات جهانی پیدا کنند.

- شناسایی موانع و آسیب‌ها در فرآیند تحقق دکترین مهدویت شامل مقاومت‌های ایدئولوژیک، چالش‌های مربوط به تفسیرهای متفاوت از مهدویت، و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی در برخی کشورها و اتخاذ راهکارهای انعطاف‌پذیر و قابل انطباق با شرایط مختلف.

- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین جهت ترویج آموزه‌های مهدویت به‌ویژه در جلب توجه نسل جوان و گسترش آن در سطح جهانی.

- برقراری همکاری‌های بین‌المللی میان کشورهای اسلامی و سازمان‌های جهانی دینی جهت زمینه‌سازی تعاملات فرهنگی، علمی و اقتصادی در راستای تحقق اهداف دکترین مهدویت و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر.

در مجموع، این راهکارها نه تنها به بازتعریف دکترین مهدویت در شرایط معاصر می‌پردازند، بلکه به‌طور عملیاتی مسیرهایی را برای مقابله با چالش‌های جهانی شدن و بحران‌های هویتی فراهم می‌آورند. با شناسایی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موجود و ارائه برنامه‌های دقیق و استراتژیک، می‌توان به تحقق اهداف این دکترین در سطح جهانی و در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی نزدیک‌تر شد.

نتیجه‌گیری

تحولات جهانی و تغییرات معنا در دکترین مهدویت نمایانگر یک فرایند پیچیده است که به‌ویژه تحت تأثیر سوژه مدرن و چالش‌های هویتی قرار دارد. این دکترین به‌عنوان یک مفهوم زنده و پویا، به‌طور مداوم در پاسخ به تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر بازتعریف می‌شود و

تفسیرهای جدیدی به خود می‌گیرد. بررسی این تحولات و تحلیل نشانه‌شناختی آنها می‌تواند به درک بهتر این موضوع کمک کند که چگونه مهدویت در دنیای مدرن و جهانی‌شده معنا می‌یابد و چگونه می‌تواند به چالش‌های اجتماعی و سیاسی معاصر پاسخ دهد. در همین راستا تحقیق حاضر به تحلیل پدیده‌های سوژه مدرن، روند جهانی‌شدن و آینده تمدنی جهان در چارچوب دکترین مهدویت پرداخته است. نتایج حاصل از نشانه‌شناسی ساختارگرا نشان می‌دهد که سوژه مدرن ایرانی، علیرغم قرار گرفتن در عصر مدرنیته و جهانی‌شدن، با توجه به ارتباط عمیق خود با دین و معنویت، به سوی تفسیرهای سنتی متمایل می‌شود و در نهایت در چارچوب اسلام قرار می‌گیرد. این در حالی است که در تقابل با سوژه مدرن مورد نظر فوکو و فیسک قرار می‌گیرد. از این رو، دکترین مهدویت می‌تواند به عنوان خوانش مرجع و پاسخی مؤثر به چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن و بحران هویت عمل کند و الگویی برای توسعه تمدنی جدید ارائه دهد که در آن ارزش‌های اسلامی و انسانی محور اصلی پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گیرد. این مدل می‌تواند به تحقق عدالت، همبستگی و صلح جهانی کمک کند. بنابراین، نتایج تحقیق حاضر با تأکید بر معنویت و ظهور منجی، موافق با نظریات کاستلز و توین بی است. همچنین این پژوهش هم‌راستا با مطالعات تجربی بوده و تأکید می‌کند که تنها راه مقابله با چالش‌های جهانی‌شدن و تحولات سریع آن، ورود دین به متن زندگی اجتماعی است. چرا که دین، با نفوذ پایدار خود در سطوح مختلف جامعه، به عنوان نیرویی مؤثر در شکل‌دهی به کنش‌های فردی و ساختارهای اجتماعی عمل می‌کند و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به عنوان مبنای اصلی ایفای نقش می‌کند. تحلیل دکترین مهدویت از منظر پیشران‌ها، ظرفیت‌ها، موانع و آسیب‌ها نشان می‌دهد که این دکترین می‌تواند به عنوان پیش زمینه ظهور و نیروی محرکه‌ای برای تغییرات مثبت اجتماعی در جهت آینده‌ای مطلوب عمل کند. با شناسایی موانع و چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب، می‌توان به تحقق اهداف این دکترین نزدیک شد و از ظرفیت‌های آن به طور مؤثر بهره‌برداری کرد.

منابع

- ابراهیمی کوشالی و دیگران (۱۴۰۱)، تحلیل لایه‌ای مسائل فراروی تحقق تمدن نوین اسلامی، پژوهش‌های گفتمان تمدنی/انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره چهارم.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نی.
- اسمعیلی و دیگران (۱۴۰۰)، کارکردهای دانشگاه‌ها در مراحل تمدن‌سازی نوین اسلامی،

- پژوهش‌های گفتمان تمدنی/انقلاب اسلامی، سال اول، شماره دوم.
- اشرفی، علی اکبر (۱۳۸۰)، هویت فرهنگی در عصر مشروطه، نامه پژوهش، شماره ۲۲ و ۲۳.
- برزویی، محمدرضا؛ جهانگیری فیض آبادی، احمد (۱۳۹۷)، ظرفیت شناسی رویکرد راهبردی و آینده نگارانه به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۳.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۱)، مهدویت و جهانی شدن، کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۴)، جهانی شدن، بحران معنا و منجی‌گری، پگاه حوزه، شماره ۱۶۹.
- تابلی، حمید و دیگران (۱۳۹۰)، حکومت مهدوی در پرتو شاخص‌های جهانی سازی آن، فصل‌نامه مشرق موعود، دوره ۵، شماره ۱۹.
- تاجری، منصور (۱۳۹۳)، تحولات فرهنگی حوزه خلیج فارس و تأثیر جهانی شدن بر آن، همایش علمی پژوهشی خلیج فارس.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تأکید بر بحران هویت)، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۶ (۱۵).
- توسلی، غلام عباس؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳)، هویت‌های جمعی و جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- توین بی، آرنولد (۱۳۵۳)، تمدن در یوته آزمایش، ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر، اول.
- توین بی، آرنولد (۱۳۷۳)، جنگ و تمدن، ترجمه: خسرو رضایی، تهران: علمی و فرهنگی، اول.
- توین بی، آرنولد (۱۳۹۴)، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- جادری، سهاد؛ چولانیان، رحیمه (۱۳۸۵)، مهدویت و جهانی شدن، پنجمین همایش علوم انسانی و هنر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- جی‌دان، رابرت (۱۳۸۵)، نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران‌های هویت، ترجمه: صالح نجفی و پردیس دانش.

- چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه: مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد و دیگران (۱۳۸۵)، *تاثیر جهانی‌شدن بر هویت ملی، فصل‌نامه ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
- حکیم، سید منذر (۱۳۸۷)، *عدل جهان شمول مهدوی در نگاه جامع قرآنی به عدل، انتظار موعود*، شماره ۲۷.
- در دیورینگ، سایمون (۱۳۸۲)، *مطالعات فرهنگی*، تهران: تلخون.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۹)، *فرهنگ لغت*، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۷)، *مصرف تلویزیون: بازتولید هژمونی یا مقاومت نشانه‌ای در مطالعات فرهنگی*، *مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران*، به اهتمام: عباس کاظمی، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- رنجبران، داوود (۱۳۸۸)، *جنگ نرم*، تهران: ساحل اندیشه، ششم.
- زارع، سعید و دیگران (۱۴۰۲)، *راه‌کارهای تقویت فرهنگ مهدویت در برابر چالش‌های جهانی‌شدن اعتقادی و فرهنگی در عصر حاضر*، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات جهانی در علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی.
- سعیدی، رحمان؛ کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، *نقش جهانی‌شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی*، تهران: خجسته.
- شاکری زواردهی، روح‌الله (بی‌تا)، *بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تمدنی آموزه مهدویت با تأکید بر نقش زمینه‌ساز انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۱۳، شماره ۱، پیاپی ۴۸.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶)، *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین*، تهران: تبیان.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸)، *جهانی‌شدن: مفاهیم و نظریه‌ها*، *مجله ارغنون*، شماره ۲۴.
- عرب‌پور، امیرحسین (۱۳۹۶)، *واکاوی جایگاه تفکر مهدویت و حکومت جهانی مهدوی در افق تمدن نوین اسلامی*، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی.
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۱)، *نقش باوردداشت آموزه‌های مهدویت در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سیدعلیرضا واسعی.
- فرهادی محلی، علی (۱۳۹۰)، *بررسی تحلیلی پدیده جهانی‌شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ*، *مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، شماره ۵.

- فوران، جان فرانسیس (۱۳۸۷)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.
- فوکو، میشل (۱۴۰۳)، *تاریخ جنون*، ترجمه: فاطمه ولیانی، تهران: هرمس.
- فیسک، جان (۱۳۸۰)، *فرهنگ تلویزیون*، ترجمه: مزگان برومند، ارغنون، شماره ۱۹.
- فیسک، جان (۱۳۸۱)، *فرهنگ و ایدئولوژی*، ترجمه: مزگان برومند، ارغنون، شماره ۲۵.
- قادرزاده، امید (۱۳۸۸)، *هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق*، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۶)، *تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی، آینده‌پژوهی ایران*، سال دوم، شماره سوم.
- قریشی، فردین (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن و تحول در تصور ما از خویشستن*، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۱.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای*، ترجمه: احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- لزگی، علینقی؛ غیاثی فتح‌آبادی، هادی (۱۴۰۲)، *ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران*، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، شماره ۱۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه و تاریخ*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: صدرا، بیست و پنجم.
- مظاهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۵)، *افق مهدوی و تکوین چشم انداز تمدن زمینه‌ساز در آینده ایران اسلامی*، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۲.
- معنوی، سید مجتبی (۱۴۰۲)، *سیر تطور آثار مکتوب مهدوی در سده اخیر حوزه علمیه قم*، *انتظار موعود*، سال بیست و سوم، شماره ۱۸۰.
- مفتاح، احمدرضا؛ محمدی، ناصر (۱۳۹۷)، *نقش باور به مهدویت در معنا بخشی زندگی فردی، مشرق موعود*، شماره ۴۶.
- ملایی، حسن (۱۳۹۴)، *جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای*، *پژوهش‌های مهدوی*، سال سوم، شماره ۱۲.

- مولائی، مرتضی (۱۴۰۰)، بیانیه گام دوم انقلاب، منشور مهدویت و زمینه ساز تحقق تمدن نوین اسلامی، *رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، شماره ۲.
- مولوی، محمد (۱۳۹۶)، گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران موثر در شکل گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، *آینده پژوهی ایران*، سال دوم، شماره سوم.
- مهدوی، محمد؛ جعفرپور، صفیه (۱۳۹۸)، تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه های مهدویت، *مطالعات معرفتی*، سال بیست و سوم، شماره سوم.
- میلر، پیتر (۱۴۰۱)، *سوژه، استیلا و قدرت در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران: نی.
- نوروزی، رضا علی (۱۳۹۰)، موانع و آفات انتظار، *مشرق موعود*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- الویری، محسن (۱۳۹۲)، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، *انتظار موعود*، سال سیزدهم، شماره ۴۲.
- هال، استوارت (۱۳۸۲)، *رمزگذاری و رمزگشایی*، ترجمه: نیما ملک محمدی.
- الهی نژاد، حسین؛ شاهرخی، سید حامد (۱۳۹۷)، نقش مهدویت در وحدت و همگرایی جهان اسلام، *فصل نامه مشرق موعود*، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، چشم انداز تمدن جهانی اسلام، *موعود*، شماره ۳۴.
- Fiske, J. (1994). *Television Culture*. London, Routledge.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Habermas, J. (1987). *The Philosophical Discourse of Modernity*. MIT Press.



The Discursive Gap Between Expectation and Other Discourses: Liberalism, Secularism, and Scientific Positivism

Dr. Mohammad Ali Barznouni ¹

Abstract

Expectation, as a religious discursive concept, interacts with diverse discourses in different societies. This article examines the discursive gap between the discourse of waiting for the advent of Imam Zaman (PBUH) and three dominant contemporary discourses: liberalism, secularism, and scientific positivism. By analyzing the key elements of each discourse and their points of difference and opposition, the challenges facing the understanding and interaction of these discourses in the modern world are examined. By analyzing these gaps, we will achieve a deeper understanding of the role of expectation in the formation of social and cultural identities. Also, solutions are proposed to reduce this gap and create bridges between these perspectives, including emphasizing common points, constructive dialogue, and accurate and comprehensive interpretations of religious texts. The ultimate goal of this article, using a qualitative research method with a discourse analysis approach, is to help create mutual understanding and peaceful interaction between these discourses and build a more just and humane society.

Keywords: Discourse of Waiting, Emergence of the Imam of the Time, Liberalism, Secularism, Scientific Positivism, Discourse Gap, Intercultural Dialogue

1. Faculty Member and Assistant Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran
(mbrznouni@ihu.ac.ir)

شکاف گفتمانی میان انتظار و گفتمان‌های دیگر: لیبرالیسم، سکولاریسم و پوزیتیویسم علمی*

محمدعلی برزونی^۱

چکیده

انتظار به عنوان یک مفهوم گفتمانی دینی، در جوامع مختلف با گفتمان‌های متنوعی در تعامل است. این مقاله به بررسی شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه گفتمان غالب معاصر؛ لیبرالیسم، سکولاریسم و پوزیتیویسم علمی می‌پردازد. با تحلیل عناصر کلیدی هر گفتمان و نقاط اختلاف و تقابل آن‌ها، چالش‌های پیش روی فهم و تعامل این گفتمان‌ها در دنیای مدرن بررسی می‌شود. با تحلیل این شکاف‌ها، به درک عمیق‌تری از نقش انتظار در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و فرهنگی دست خواهیم یافت. همچنین، راهکارهایی برای کاهش این شکاف و ایجاد پل‌های ارتباطی میان این دیدگاه‌ها، ازجمله تأکید بر نقاط مشترک، گفتگوی سازنده و تفسیرهای دقیق و همه‌جانبه از متون دینی، پیشنهاد می‌شود. هدف نهایی این مقاله، با روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل گفتمان، کمک به ایجاد فهم متقابل و تعامل مسالمت‌آمیز میان این گفتمان‌ها و ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر است.

واژگان کلیدی

گفتمان انتظار، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، لیبرالیسم، سکولاریسم، پوزیتیویسم علمی، شکاف گفتمانی، گفتگوی بین‌فرهنگی.

مقدمه

در طول تاریخ بشریت، انسان همواره در پی یافتن معنا و هدفی والا در زندگی بوده است. این جستجو در قالب ایدئولوژی‌ها، باورها، و گفتمان‌های گوناگونی ظهور یافته است. یکی از این گفتمان‌ها، که در فرهنگ و تمدن اسلامی به‌ویژه تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد، گفتمان^۲ «انتظار» است؛ که ریشه در باور به ظهور منجی عالم بشریت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارد. گو این‌که مفهوم انتظار به عنوان یک پدیده انسانی، در فرهنگ‌های مختلف معانی و ابعاد گوناگونی دارد. انتظار تنها اختصاص به اسلام ندارد، بلکه موضوع فوتوریسم یا آرمان‌شهر، در ادیان و

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام تهران، ایران (mbrzoni@ihu.ac.ir).

2. Discourse

حتی آیین‌ها مطرح است (برزنونی، ۱۳۷۷). این گفتمان، با تأکید بر عدل الهی، نظام جهانی آرمانی و نقش تعیین‌کننده اراده الهی در سرنوشت انسان و جهان، جهان‌بینی و الگوی رفتاری خاصی را در پیروان خود شکل داده است. اما در جهان معاصر، گفتمان «انتظار» در کنار گفتمان‌های دیگر قرار می‌گیرد که ریشه‌ها، پیش‌فرض‌های و در نتیجه برون‌دادهای متفاوتی دارند. در این میان، گفتمان‌های غالب در جهان امروز، چالش‌هایی اساسی برای گفتمان «انتظار» ایجاد می‌کنند. این چالش‌ها، گذشته از سطح ایدئولوژیکی، در سطوح عملی و اجتماعی نیز به شکلی قابل ملاحظه نمایان‌اند. این مقاله به بررسی شکاف گفتمانی میان «انتظار» با تمرکز بر انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و گفتمان‌های غالب معاصر (لیبرالیسم)^۱ سکولاریسم^۲ و پوزیتیویسم علمی^۳ می‌پردازد.^۴

هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل نقاط اختلاف و تضاد میان این گفتمان‌ها در ابعاد مختلف است. مقاله به دنبال یافتن ریشه‌های این شکاف گفتمانی، پیامدهای آن برای افراد، جوامع و مناسبات بین‌المللی و امکان پل‌سازی و ایجاد گفتگوی سازنده میان این گفتمان‌ها است. در ادامه، پس از بررسی مفاهیم کلیدی هریک از این گفتمان‌ها، نقاط مشترک و اختلاف‌های آن‌ها را در سطوح مختلف تحلیل خواهیم کرد. در نهایت، به بررسی پیامدهای

1. Liberalism
2. Secularism
3. Scientific Positivism

۴. در چرایی پرداختن به این گفتمان‌ها به این نکته بسنده می‌کنیم که لیبرالیسم، سکولاریسم و پوزیتیویسم علمی، سه گفتمان مهم در تاریخ اندیشه غربی‌اند که تأثیر عمیقی بر سیاست، فلسفه و علم گذاشته‌اند. لیبرالیسم یک ایدئولوژی سیاسی و فلسفی است که بر حقوق فردی، آزادی‌های شخصی، برابری در مقابل قانون و محدود کردن قدرت دولت تأکید دارد. سکولاریسم به معنای جدایی نهادهای دینی از نهادهای حکومتی و بی‌طرفی دولت در امور مذهبی است. سکولاریسم اغلب با لیبرالیسم همراه است؛ چون هر دو بر آزادی فردی و محدود کردن نفوذ نهادهای سنتی مانند کلیسا تأکید دارند. اما برخی نظام‌های سکولار مثل فرانسه ممکن است جنبه‌های غیرلیبرال هم داشته باشند مثل ممنوعیت حجاب در مدارس. یا لیبرالیسم می‌تواند در جوامع غیرسکولار هم وجود داشته باشد مثل آمریکا که دین نقش عمومی دارد ولی دولت سکولار است. پوزیتیویسم علمی، بر اساس اندیشه‌های آگوست کنت، معتقد است که تنها دانش معتبر، دانشی است که از طریق روش‌های علمی و تجربی به دست آید. پوزیتیویسم با تأکید بر عقلانیت، از ایده‌های لیبرال مانند پیشرفت اجتماعی حمایت می‌کند. لیبرالیسم مدرن نیز تحت تأثیر علم‌گرایی مثل اندیشه‌های جان استوارت میل قرار گرفته است. پوزیتیویسم با رد ادعاهای فراطبیعی، مشروعیت نهادهای دینی را در عرصه عمومی زیر سؤال می‌برد. سکولاریسم سیاسی اغلب از علم به عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های عمومی استفاده می‌کند. از آن‌جا که این سه گفتمان در دوران مدرن، با تأکید بر عقلانیت، فردگرایی و علم‌محوری، به شکل‌گیری جوامع دموکراتیک و سکولار غربی کمک کرده‌اند، هم از حیث مبنایی، هم اصولی و هم روشی، لذا به این سه پرداخته‌ایم. البته تنش‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد مثلاً پوزیتیویسم ممکن است ارزش‌های اخلاقی غیرعلمی را نادیده بگیرد. براین اساس، این گفتمان‌ها هم عرض تلقی نشده است و قطعاً گفتمان‌های دیگری مثل گفتمان الحادی و آنتیستی یا لذت‌گرایی، پلورالیسم یا ... نیز وجود دارد که می‌توان در مقالات دیگری به آن‌ها پرداخت.

این شکاف و ارائه پیشنهادهایی برای کاهش یا رفع آن خواهیم پرداخت.

بیان مسئله

جهان معاصر شاهد تقابل گفتمان‌های ایدئولوژیک و فلسفی متنوعی است که هرکدام دیدگاه متفاوتی نسبت به انسان و آینده، ارائه می‌دهند. در این میان، گفتمان انتظار ظهور در اسلام و به‌ویژه تشیع، با تأکید بر عدالت الهی، تحول جهانی و نقش اراده الهی در سرنوشت بشر، به عنوان نقطه عطف نهایی تاریخ بشریت مطرح می‌شود. اما گفتمان‌های غالب معاصر «لیبرالیسم»، با تمرکز بر فردگرایی،^۱ آزادی فردی و دموکراسی لیبرال^۲؛ «سکولاریسم»، با تأکید بر جدایی دین از سیاست و زندگی عمومی و «پوزیتیویسم علمی»، با اعتماد به روش علمی و شواهد تجربی، در تضاد اساسی با مبانی این گفتمان قرار دارند. این تقابل هم در سطح نظری و هم در عرصه‌های عملی و اجتماعی، تأثیرهای قابل توجهی دارد.

این پژوهش به بررسی شکاف گفتمانی^۳ میان گفتمان انتظار و گفتمان‌های مسلط جهانی می‌پردازد و با تحلیل ریشه‌ها، ساختارها و پیامدهای این تقابل، به دنبال درک بهتر تعامل‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها است. شناسایی این شکاف‌ها و راه‌های کاهش آن‌ها، زمینه را برای گفت‌وگوی سازنده و دستیابی به حقیقت فراهم می‌کند. هدف نهایی، ارائه تحلیلی جامع از جایگاه گفتمان انتظار در جهان معاصر و چگونگی تعامل آن با دیگر جریان‌های فکری است.

روش تحقیق مقاله

این مقاله از روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل گفتمان^۴ استفاده می‌کند تا ساختار،

1. Individualism
2. Liberal Democracy
3. Discourse Gap

۴. تحلیل گفتمان Discourse Analysis، سخن‌کاوی یا تحلیل کلام و گفتار، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی است که در اواسط دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دینی تحول‌های معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد. در این برهه، میل به نظام‌مند کردن فرآیند تولید گفتار، نوشتار و بررسی ساختار و کارکرد آن به وجود آمد. رویکردهای تحلیل گفتمانی، بسیار متنوع‌اند: گروهی، تحلیل گفتمان را وامدار جنبش انتقادی Critical movement، ادبیات literature، زبان‌شناسی Linguistics، نشانه‌شناسی semiotics، تأویل‌گرایی interpretivism، هرمنوتیک Hermeneutics گادامر و تبارشناسی genealogy و دیرینه‌شناسی Paleontology میشل فوکو می‌دانند. بول و براون (۱۹۸۳) در تعریف تحلیل گفتمان آن را تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن می‌دانند. در این صورت، نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند. نظریه گفتمان پس از حدود دو دهه از زبان‌شناسی به تحلیل‌های انتقادی در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشیده شد. هدف از این روش، فراتر رفتن از معنای ظاهری متن و رسیدن به درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری و عملکرد گفتمان‌ها است.

راهنم‌ها و پیامدهای گفتمان‌های مرتبط با «انتظار» (در متون دینی و مهدوی) و سه گفتمان غالب معاصر را بررسی کند. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری مفاهیم کلیدی استخراج شده و با روش تحلیل گفتمان انتقادی^۱، به بررسی قدرت، ایدئولوژی و معنا در این گفتمان‌ها پرداخته می‌شود. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به پیچیدگی موضوع، تعاریف مبهم، کمبود داده‌های جامع، تعمیم‌پذیری محدود، دسترسی ناکافی به منابع و امکان سوگیری تفسیری اشاره کرد. این تحلیل مقدماتی بوده و نیازمند پژوهش‌های عمیق‌تر برای کاهش شکاف گفتمانی است.

مفهوم گفتمان انتظار

گفتمان ناظر به شکل‌گیری و تثبیت معنایی مجموعه‌ای از گزاره‌ها، عقاید و دیدگاه‌ها است که در یک نگاه عمر آن‌ها، کوتاه و گذرا است. از این نگاه، گفتمان ناظر بر فضای ارزشی مسلط بر یک جامعه است که طی آن یک جامعه یا یک کشور می‌تواند موجودیت و هویت الهام‌بخش خود را تعریف و تحدید کند (کارگر قمی‌ها و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۹؛ آقاحسینی، ۲۰۱۷: ۱۲۵). اما حق آن است که گفتمان لزوماً گذرا و کوتاه نیست و به وسعت و ظرفیت جهان‌بینی و ارزش‌های برآمده از آن، می‌تواند فراخی، گستردگی و دوام داشته باشد.

«انتظار» در لغت به معنای چشم به راه بودن و نگران بودن است (زیبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۵۳۹؛ معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۶۴)؛ یعنی چشم داشتن، چشم به راه بودن، نگرانی و انتظار کشیدن به معنای نگران بودن و چشم به راه داشتن. از نظر روان‌شناسی، کیفیتی روحی است که سبب پیدایش حالت آمادگی است برای آنچه انتظار می‌رود و نقطه‌ی مقابل آن یأس و ناامیدی است. (موسوی‌اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۱۸). در اصطلاح، مفهومی ارزشی - فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد و آن مفهوم ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و ترسیم خط سیاسی حال و آینده، تأثیرگذار است (جبّاری، ۱۳۹۸: ۴۷). درواقع به معنای اعتقاد به این است که فرجام تاریخ با عدالت و سعادت جهانی رقم خواهد خورد. «گفتمان انتظار» به معنای دقیق آن، به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، مفاهیم و شیوه‌های ارتباطی اشاره دارد که حول محور انتظار برای یک رویداد یا تغییر اساسی شکل می‌گیرند. این انتظار می‌تواند مربوط به حوزه‌های مختلفی باشد، از جمله:

مذهبی: در بسیاری از ادیان، از جمله اسلام، مسیحیت و یهودیت، انتظار ظهور یک منجی الهی، به عنوان یک اصل بنیادین مطرح است. این انتظار، امید به برقراری عدالت و نجات جامعه از ظلم و فساد را تقویت می‌کند، اما در برخی موارد ممکن است به انفعال اجتماعی بینجامد؛ چراکه افراد به جای اقدام عملی، منتظر معجزه می‌مانند. بنابراین، باید بین امید به ظهور منجی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعادل برقرار کرد.

سیاسی: گفتمان انتظار در حوزه سیاست می‌تواند هم به عنوان ابزار تغییر و هم به عنوان ابزار کنترل اجتماعی عمل کند. از یک سو، گروه‌های مخالف یا انقلابی با تکیه بر انتظار تغییرهای اساسی، مانند براندازی نظام موجود و استقرار نظامی آرمانی، مردم را بسیج می‌کنند، همان‌گونه که در انقلاب اسلامی ایران، انتظار عدالت اجتماعی نقش محوری داشت. از سوی دیگر، حکومت‌ها ممکن است با ایجاد انتظارات غیرواقعی یا توجیه ناکامی‌ها، اعتماد عمومی را تضعیف و نارضایتی‌ها را مهار کنند، که در بلندمدت به شکاف میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها و تشدید بحران‌های سیاسی-اجتماعی می‌انجامد.

اجتماعی: در حوزه اجتماعی، گفتمان انتظار به امید بهبود شرایط زندگی، رفع تبعیض یا پیشرفت در زمینه‌های مختلف اشاره دارد و در میان اقشار گوناگون، گروه‌های قومی یا جنبش‌های مدنی مانند حقوق زنان، اقلیت‌ها یا محیط زیست نمود می‌یابد. انتظار می‌تواند با ایجاد احساس ناامیدی و انفعال، نقش بازدارنده داشته باشد یا محرک تغییرهای مثبت باشد؛ چراکه می‌تواند افراد را به اقدام جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی ترغیب کند. بنابراین، انتظار در جوامع، بسته به شرایط، هم می‌تواند تغییر را به تأخیر بیندازد و هم به عاملی برای تحول تبدیل شود.

گفتمان انتظار در نگاه این نوشتار

در این نوشتار به دنبال گفتمان انتظار با مفهوم دینی هستیم. مفهوم انتظار در ادبیات دینی، یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۳۷)، یعنی امید و آرزوی یک وضع مطلوب و اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر (همو، ۱۳۷۵/۱۰/۰۸) و در مفهومی جامع، انتظار یک دنیای سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت، اخلاق انسانی صحیح و والا، دنیایی که در آن حاکمیت زر و زور، راهی نداشته باشد (همو، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷).

قرآن کریم با قاطعیت تمام از پیروزی نهایی دین حق بر تمامی ادیان سخن گفته است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف: ۹، نیز: ر.ك: توبه: ۳۳ و فتح: ۲۸). وراثت زمین را برای بندگان صالح خداوند وعده داده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). خداوند سبحان، بر مستضعفان زمین منت می‌گذارد و آن‌ها را پیشوا و وارث قرار می‌دهد: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵). آیات ۵۵ سورة نور، ۱۲۸ اعراف، ۵۴ مائده و نیز آیات دیگر در همین زمینه، نشان می‌دهد که این اندیشه در قرآن حکیم، به طور جدی و قوی حضور دارد. این اندیشه به تفسیر استاد شهید آیه الله مطهری: «بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۶). امید و آرزو به تحقق این نوید و پایان خوش برای جهان در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» نامیده شده است (برزنونی، ۱۳۷۷: ۸۸).

مقاله «سازۀ مفهومی انتظار اندیشه مهدویت» (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به منظور شناخت و تعریف سازۀ انتظار در مبانی تفکر اسلامی آن را حالت نفسانی و کیفیتی روحانی دانسته که گویای توجه و اشتیاق و آرزوی تحقق امر خیری است که تحقق آن نزدیک است و اگر واژه انتظار مفهوم عالی آن به گونه‌ای صحیح تفسیر و تبیین گردد، باعث نشاط روحی، معنوی و رشد اخلاقی گردیده و آیندۀ روشن و سعادت جاودانۀ انسان‌ها را تضمین می‌کند.

در این عرصه، با دو مفهوم متعارض از انتظار روبرویم: انتظار مثبت و انتظار منفی (برزنونی، ۱۳۷۵؛ همو، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۳۸۳). برخی از این دو نوع برداشت به فعال و انقلابی در مقابل ایستا تعبیر کرده‌اند (اخوان کاطمی و حمیدی نسب، ۱۴۰۱). درهمین راستا، مفصل‌بندی گفتمانی رویکرد ایستا یا غیرانقلابی را حول ظهور منجی، انسان محب، انتظار ایستایی، تقيه، بردباری و شکیبایی، پیکار فرسایشی و جنگ بزرگ دانسته‌اند که انجمن حجتیه، نماد اصلی آن است (همان: ۱۹) و مفصل‌بندی رویکرد انقلابی را حول امامت، دولت دینی - ولایت فقیه، کنش‌گر فعال و مسئولیت‌پذیر و تکلیف، قیام و مبارزۀ سیاسی، انتظار انقلابی، عقل‌گرایی و تشکیل حکومت اسلامی دانسته‌اند که امام خمینی رحمه الله، نماد عینی آن است که ریشه در نگاه ایجابی آن امام راحل داشت (همان: ۲۶).

ویژگی‌های گفتمان انتظار

براساس پژوهش حاضر، گفتمان انتظار، واجد ویژگی‌هایی به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: ویژگی‌های گفتمان انتظار

ردیف	ویژگی	توضیح
۱	جهان بینی خاص	گفتمان انتظار، معمولاً با جهان بینی خاص الهی همراه است، یعنی دیدگاه ویژه‌ای نسبت به ماهیت جهان، نقش انسان در آن و سرنوشت آینده.
۲	ارزش‌ها و هنجارها	این گفتمان، ارزش‌ها و هنجارهای خاصی را تبلیغ می‌کند که مرتبط با انتظار انقلابی مورد نظر است.
۳	شیوه‌های ارتباطی	گفتمان انتظار، با شیوه‌های ارتباطی خاص و سمبل‌ها و نمادهای خود همراه است.
۴	عمل‌گرایی مثبت	گفتمان انتظار، معمولاً منجر به نوعی عمل‌گرایی فعال می‌شود، یعنی پیروان آن برای تحقق انتظار آرمانی خود تلاش می‌کنند.

اساساً درک گفتمان انتظار، نیازمند بررسی دقیق زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن است. بدون در نظر گرفتن این زمینه‌ها، شناخت محتوا و پیامدهای گفتمان انتظار ممکن نیست. بنابراین، برای فهم بهتر مفهوم گفتمان انتظار، باید به حوزه و زمینه خاص آن توجه کرد. ازسوی دیگر برای تحلیل شکاف گفتمانی میان «انتظار» ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر گفتمان‌ها، باید گفتمان‌های مقایسه‌ای به طور مفصل شرح داده شوند. در ادامه، پس از بیان اهمیت و پیامدهای شکاف گفتمانی، به شرح اجمالی سه گفتمان لیبرالیسم، سکولاریسم و پوزیتیویسم علمی خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

مفهوم «انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» در اسلام و به ویژه تشیع، بر پایه منابع معتبری مانند قرآن کریم آیات مربوط به منجی، عدل الهی و قیامت در سوره‌های کهف، حج و شوری، نهج البلاغه با تأکید بر عدالت و حکومت آرمانی و روایات ائمه معصومین علیهم السلام در کتب حدیثی شیعه مانند کافی و بحارالانوار استوار است. هرچند قرآن به صراحت به امام زمان اشاره نکرده، تفاسیر و روایات، ظهور منجی، ویژگی‌های او و وقایع مرتبط با آن را تشریح می‌کنند، که این روایات اصلی‌ترین منبع برای تبیین ارزش‌ها، اهداف و پیش‌فرض‌های اعتقادی «انتظار» محسوب می‌شوند. آن چه در پی می‌آید با غور تحلیلی - اجتهادی در این منابع، به دست آمده است.

مفاهیم کلیدی گفتمان انتظار

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف: شخصیت محوری گفتمان انتظار، که منجی بشریت و قائم به عدل الهی معرفی می‌شود. روایات، ویژگی‌های شخصیتی، علمی و سیاسی او را به نحو شایسته توصیف می‌کنند.

ظهور: رخداد محوری و هدف نهایی گفتمان، انتظار است. ظهور، به عنوان نقطه عطف تاریخی، نشان از برقراری عدل جهانی و پایان ظلم و ستم دارد.

غیبت: دوره‌ای بین زمان ولادت تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که خود به دو دوره غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم می‌شود. در غیبت صغرا حدود ۷۰ سال پس از امامت او در سن ۵ سالگی، ۴ نایب خاص تحت عنوان نواب اربعه، واسطه فیض بین امام زمان و امت بودند. پس از این دوره، دوران طولانی غیبت کبرا آغاز شده است. درک این دوره و چگونگی ارتباط با امام در این دوران، بخش مهمی از گفتمان انتظار است. ما اکنون در دوره غیبت کبرا به سر می‌بریم.

عدل جهانی: هدف نهایی ظهور، برقراری عدالت الهی در سراسر جهان است. این مفهوم، ارزش‌ها و اهداف اصلی گفتمان انتظار را تعیین می‌کند.

انتظار فعال/مثبت: این مفهوم، بر نقش فعال منتظر در آماده‌سازی خود و جامعه برای ظهور تأکید دارد. این آمادگی، شامل تلاش برای اخلاق نیکو، تقویت ایمان، کسب دانش و مبارزه فعال با ظلم است.

ارزش‌ها

عدالت، ارزش محوری و هدف غایی گفتمان انتظار؛
حفظ امید و ایمان به وعده الهی، از ارزش‌های کلیدی؛
تقوا، پرهیزگاری و پایبندی به دستورهای دینی؛
مبارزه با ظلم و مقاومت در برابر ستم و بی‌عدالتی؛
اخلاق نیکو و رفتار شایسته و پرهیز از کارهای ناشایست.

اهداف

برقراری عدالت جهانی، به عنوان هدف نهایی و آرمانی؛
نابودی ظلم و ستم و پایان دادن به بی‌عدالتی و فساد در جهان؛
آرامش و سعادت بشریت و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و امن برای همه انسان‌ها بدون تبعیض؛

تکامل معنوی و اخلاقی انسان و ارتقای سطح معنویت و اخلاق حاکمیت و اجتماع و افراد.

پیش‌فرض‌ها

اعتقاد به توحید و یکتایی بی‌همتای خدا و ولایت کلیه رسول اعظم خاتم صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام؛

اعتقاد راسخ به وجود و حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقش هدایتی خورشیدوار او برای عالم و عالمیان؛

اعتقاد راسخ به تحقق وعده‌های الهی و امکان برقراری عدل جهانی با ظهور مصلح کل و نشستن او بر سریر عدالت؛

اعتقاد به نقش مؤثر، فعال و مثبت منتظران صالح در آماده‌سازی خود و جامعه برای ظهور مصلح کل.

درک صحیح از مفهوم انتظار، نیازمند مطالعه دقیق منابع اصلی و توجه به مکاتب فقهی و کلامی مختلف در شیعه است. تفاسیر و روایات متفاوت ممکن است در برخی جزئیات با یکدیگر اختلاف داشته باشند. بررسی ما در این نوشتار، یک نگاه کلی و خلاصه است و می‌تواند با مطالعات عمقی‌تر و جامع‌تر، بسط و تفصیل مناسب‌تر بیابد.

شرح گفتمان‌های دیگر

در ادامه، هریک از سه گفتمان جداگانه بررسی می‌شوند و مفاهیم کلیدی، ارزش‌ها، اهداف و پیش‌فرض‌های هر کدام مشخص می‌شود. شایان ذکر است که این موارد، ارائه‌های خلاصه در حد وسع این نوشتار است و هر کدام از این ایدئولوژی‌ها دارای شاخه‌ها و تفاسیر متفاوتی اند که می‌تواند منجر به اختلاف نظر شود.

لیبرالیسم

لیبرالیسم یک ایدئولوژی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که بر آزادی فردی، حقوق طبیعی و محدودیت قدرت دولت تأکید ویژه دارد. لیبرالیسم، خواهان درجانی از آزادی در برابر تسلط یا هدایت دولت یا هر مؤسسه دیگر است که به زعم آنان تهدیدکننده آزادی بشر باشد (آقابخشی و غفاری‌راد، ۱۳۷۹: ج ۱، ۶۹۴). لیبرالیسم، خود از مؤلفه‌های مدرنیسم است و در نظر و عمل، از پروتستانتیسم^۱ بسیار مدد گرفته است (براتعلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۷). در این

۱. نهضت اصلاح دینی قرن ۱۶

عرصه، لیبرالیسم فرهنگی به سه شاخهٔ سیاسی، اخلاقی و الهیاتی تقسیم می‌شود که نقطهٔ اشتراک این سه شاخه، جانب‌داری افراطی از آزادی‌های فردی و اجتماعی، ترویج اباحه‌گرانهٔ تساهل و تسامح و مقید نبودن به امر مطلق است. در همین راستا، تکیه بر عقل بدون در نظر گرفتن وحی؛ آزادی مبتنی بر فردگرایی (اومانیسم)؛ تساهل و تسامح با رویکرد نسبیت‌گرایی مدرن از عناصر اصلی تفکر لیبرالیستی است. لیبرالیست‌ها دربارهٔ آزادی معتقدند که وحدت دین برای تنظیم مصالح جامعه، ضروری نیست و قانون باید عهده‌دار آزادی عقیده باشد (صلیبا، ۱۳۹۳: ۳۰۹-۳۱۰). آزادی خواهی لیبرالیست‌ها تا جایی پیش می‌رود که مرزهای دین را درنور دیده، انسان مدرن را برای تکلیف‌گریزی و بی‌قیدی نسبت به آموزه‌های دینی محق می‌پندارد. از این رو، لیبرالیسم، حاکمیت الهی را در جهان نمی‌پذیرد (کونل، ۱۳۵۷: ۱۹-۲۳). مفاهیم کلیدی در لیبرالیسم در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: مفاهیم کلیدی لیبرالیسم

به هر تدبیر، لیبرالیسم با تأکید بر آزادی فردی و محدودیت قدرت دولت، با جنبه‌های خاصی از گفتمان انتظار که بر نقش رهبری الهی و دخالت الهی در امور جامعه تأکید دارند، می‌تواند در تضاد باشد.

ارزش‌ها: آزادی بیان، آزادی مذهب، برابری برابر قانون، مالکیت خصوصی، مسئولیت

فردی، خودگردانی، رقابت.

اهداف: حفاظت از آزادی‌های فردی، ایجاد جامعه‌ای عادلانه و دموکراتیک، بهبود رفاه اقتصادی، ترویج رشد اقتصادی، محافظت از حقوق اقلیت‌ها، کاهش نابرابری در برخی شاخه‌ها.

پیش‌فرض‌ها: وجود حقوق طبیعی ذاتی در انسان، اهمیت خرد فردی، قابلیت افراد برای اتخاذ تصمیم‌های منطقی برای خودشان، اهمیت بازار آزاد به عنوان مکانیزم تخصیص منابع کارآمد، ضرورت محدودیت قدرت دولت برای حفاظت از آزادی‌های فردی. بالین‌حال، در مورد میزان دخالت دولت در اقتصاد و جامعه، میان لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم رفاه، اختلاف نظر وجود دارد.

سکولاریسم

سکولاریسم یک ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی است که بر جدایی دین از دولت و زندگی عمومی تأکید دارد. از نظر اصطلاح این واژه در سیر تاریخ، معانی گوناگونی به خود گرفته است: اولین بار در معاهده وستفالی (۱۶۴۸) به مفهوم خروج سرزمین‌هایی از تملک کلیسا به کار رفت. پس از آن به مرور، معانی دیگری همچون، ترخیص کشیشان، تفکیک دین از سیاست، تفوق دولت بر کلیسا، تقلیب دین، و در نهایت طرد دین از ساحت حیات اجتماعی انسان را به خود گرفت. شاید بتوان به عنوان یک تعریف نسبتاً جامع در معنای نهایی و مصطلح آن بگوییم: سکولاریسم عبارت است از، گرایشی که طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل سیاست، حکومت، علم، عقلانیت، اخلاق و... است. سکولاریسم در این معنای مشخصی عمدتاً یکی از ویژگی‌های تمدن و فرهنگ دوره‌های جدید است و یکی از مؤلفه‌های مدرنیته غربی محسوب می‌شود (نصری، ۱۳۹۸: ۳۵۴-۳۵۵). که برخی آن را نخستین شاخصه مدرنیته دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

مفاهیم کلیدی در سکولاریسم در شکل ۲ آمده است.



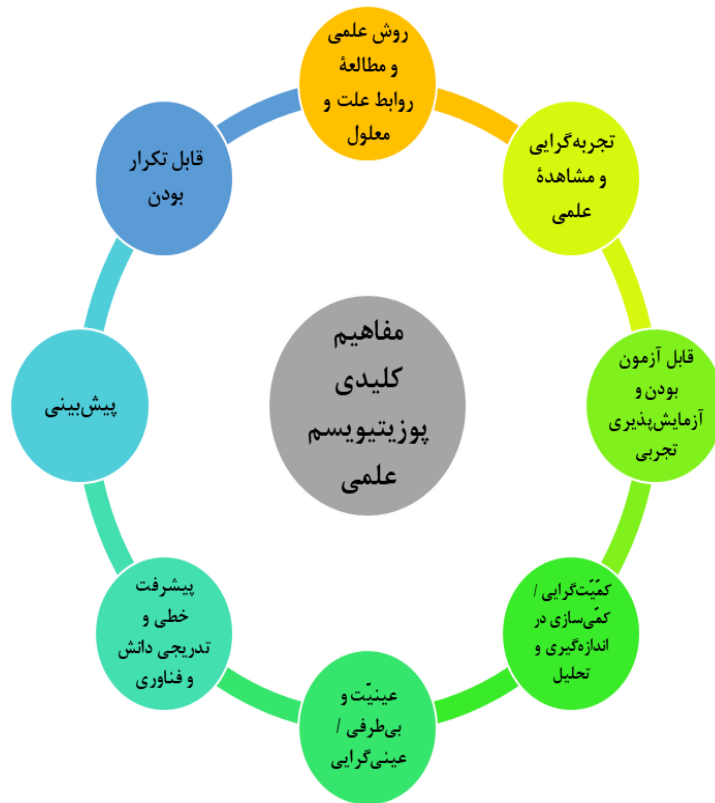
شکل ۲: مفاهیم کلیدی سکولاریسم

سکولاریسم با تأکید بر جدایی دین از دولت و زندگی عمومی، با جنبه‌هایی از گفتمان انتظار که بر نقش دین در جامعه و حکومت آرمانی مذهبی تأکید دارد، در تضاد قرار می‌گیرد. ارزش‌ها: آزادی بیان، آزادی مذهب، برابری برابر قانون، حاکمیت قانون، عقلانیت، علم. اهداف: جلوگیری از دخالت دین در سیاست و حکومت، حفاظت از حقوق اقلیت‌ها و آزادی‌های فردی، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عقلانیت و علم، ترویج تفکر انتقادی. پیش‌فرض‌ها: توانایی عقل و علم در حل مشکلات بشریت، ضرورت جدایی دین از دولت برای حفاظت از آزادی و جلوگیری از تعصب و افراط‌گرایی، وجود حقوق برابر برای افراد با هر نوع باور یا بی‌باوری مذهبی. شایان ذکر است که در مورد چگونگی تعامل دولت با ادیان و نقش دین در زندگی خصوصی، میان سکولاریسم سخت‌گیرانه و سکولاریسم لیبرال، اختلاف نظر وجود دارد.

پوزیتیویسم علمی

پوزیتیویسم علمی یک رویکرد فلسفی به دانش است که بر مشاهده تجربی، اندازه‌گیری دقیق و روش‌های علمی تجربی برای دستیابی به دانش تأکید دارد. اثبات‌گرایی بر دو گونه اثبات‌گرایی کلاسیک و اثبات‌گرایی منطقی تقسیم می‌شود که هر دو گونه آن، اساساً مبتنی بر تعمیم روش علوم طبیعی در علوم اجتماعی هستند (دورانت، ۱۳۹۸: ج ۶، ۴۴۸-۴۴۹؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۹-۱۲؛ عزیزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۵-۲۳۸؛ کاپلستون، ۱۳۸۲: ج ۵؛ دارک، ۱۳۷۸؛ مگی، ۱۳۷۲؛ تسوایک، ۱۳۷۶).

مفاهیم کلیدی در پوزیتیویسم علمی در شکل ۳ آمده است.



شکل ۳: مفاهیم کلیدی پوزیتیویسم علمی

پوزیتیویسم علمی با تأکید بر مشاهده تجربی و روش‌های علمی تجربی، با جنبه‌هایی از گفتمان انتظار که بر باورهای فراطبیعی، عناصر ماوراءالطبیعه و وقایعی که نمی‌توان آن‌ها را با

روش‌های علمی تجربی توضیح داد، با نوعی تضاد مواجه می‌شود. ارزش‌ها: دقت، صحت، بی‌طرفی، شفافیت، تکرارپذیری، منطقی بودن. اهداف: کشف قوانین حاکم بر طبیعت و جامعه، بهبود زندگی بشری از طریق پیشرفت علمی و فناوریانه، حل مشکلات اجتماعی و علمی با استفاده از روش علمی. پیش‌فرض‌ها: وجود نظم و قوانین در جهان، توانایی عقل و علم برای درک این قوانین، اهمیت روش علمی به عنوان تنها روش معتبر برای کسب دانش، تفکیک بین دانش علمی و اعتقادات شخصی.

این دیدگاه همچنین منجر به دیدگاه‌های مختلفی در مورد حدود علم و کاربرد آن در حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی شده است. شایان ذکر است که این سه گفتمان با یکدیگر ارتباط و تأثیر و تأثر متقابل دارند و مطالعه آن‌ها به طور جداگانه، نمی‌تواند تصویر کامل از واقعیت را ارائه دهد. همچنین، این گفتمان‌ها در عمل دارای تنوع زیادی هستند و تفسیرهای متعددی از هر کدام وجود دارد. در این مقاله، تلاش کردیم بیش‌تر به اشتراک‌ها بپردازیم و متناسب با آن‌ها، بحث خود را دنبال کنیم.

نظریه‌های مرتبط با گفتمان

برای تحلیل نظام‌مند شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه گفتمان غالب معاصر، می‌توان از چندین نظریه تحلیل گفتمان استفاده کرد. هر نظریه، رویکرد و تمرکز متفاوتی دارد که می‌تواند جنبه‌های خاصی از این شکاف را روشن کند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها و نحوه کاربرد آن‌ها اشاره می‌کنیم.

نظریه میشل فوکو^۱

تمرکز نظریه میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴م)، بر «قدرت، دانش و گفتمان»^۲ است. به باور فوکو، دانش و حقیقت، محصول روابط قدرت است و گفتمان‌ها، ابزارهای اصلی تولید و بازتولید قدرت به شمار می‌روند. او به جای جستجوی حقیقت مطلق، به بررسی چگونگی تولید و پراکندگی دانش و حقیقت در گفتمان‌های مختلف می‌پرداخت (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۸؛ فوکو، ۱۳۷۸؛ همو، ۱۳۸۴؛ همو، ۱۳۹۰؛ همو، ۱۳۹۱؛ هوراکس، ۱۳۷۹؛ هارلند، ۱۳۹۵؛ باقری و دیگران، ۱۳۹۴؛ جلائی‌پور، ۱۳۸۷؛ جهاننگلو، ۱۳۸۴).

1. Foucault

2. Power, knowledge and discourse

کاربرد این نظریه در تحلیل شکاف گفتگویی، قابل تأمل است. با استفاده از نظریه فوکو، می‌توان بررسی کرد که چگونه گفتمان انتظار و گفتمان‌های غالب معاصر، دانش و حقیقت‌های متفاوتی را تولید و تثبیت می‌کنند. چگونه این گفتمان‌ها با به‌کارگیری ابزارهای قدرت (کنترل اجتماعی، رسانه‌ها، نهادهای آموزشی) بر تولید و پراکندگی دانش تأثیر می‌گذارند؟ چگونه هر گفتمان «دیگری» خود را تعریف و محدود می‌کند؟ کدام گفتمان‌ها در فضای قدرت غالب هستند و چطور هژمونی خود را حفظ می‌کنند؟ در همین راستا، مطالعه مکان‌هایی که گفتمان‌ها در آن تولید و بازتولید می‌شوند (مساجد، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها) می‌تواند بسیار مفید باشد.

نظریه لاکلاو و موفه^۱

تمرکز این نظریه، بر «هژمونی، هویت و مبارزه»^۲ است. لاکلاو و موفه بر نقش گفتمان در ساخت هویت‌های سیاسی و فرهنگ تأکید می‌کنند. آن‌ها مفهوم «هژمونی» را به عنوان قدرت غالب یک گفتمان بر گفتمان‌های دیگر بررسی می‌کنند. به عقیده آن‌ها، هژمونی هرگز کامل نیست و همیشه با مقاومت و مبارزه روبه‌رو است.

نظریه گفتمان تمرکز بر ظرفیت‌های یک بیان خاص به منزله مفصل‌بندی دارد: این بیان با قراردادن عناصر یک رابطه خاص با عناصر دیگر، چه معنایی را ایجاد و چه معنایی بالقوه‌ای را طرد می‌کند؟ یک مفصل‌بندی خاص به چه گفتمان/گفتمان‌هایی متکی است و چه گفتمان/گفتمان‌هایی را بازتولید می‌کند؟ یکی از راه‌های پاسخ به این پرسش‌ها شناسایی گره‌گاه‌ها است: کدام نشان‌ها جایگاه ممتازی دارند و چگونه رابطه با دیگر نشانه‌های گفتمان تعریف شده‌اند؟ وقتی نشانه‌های گره‌گاه را یافتیم می‌توانیم بررسی کنیم که دیگر گفتمان‌ها چگونه این نشانه‌ها (دال‌های سیال) را تعریف می‌کنند و با بررسی رویه‌های رقیب نسبت دادن محتوا به دال‌های سیال می‌توانیم رفته‌رفته نزاع‌های موجود بر سر معنا را بشناسیم. با این روش می‌توان به تدریج ساختاربندی ناتمامی را که گفتمان‌های قلمروهای خاص ایجاد کرده‌اند نشان داد. براین اساس، نظریه لاکلاو و موفه علاقه‌مند به تحلیل چگونگی ساخته شدن و تغییر ساختار قالب گفتمان است. برای این کار، باید بررسی کرد که چگونه مفصل‌بندی‌ها پیوسته گفتمان‌ها را بازتولید می‌کنند، به چالش می‌کشند و تغییر می‌دهند (یورگنسن، فیلیپس، ۱۳۹۸: ۶۳).

1. Laclau & Mouffe
2. Hegemony, identity and struggle

با گزیده برداری از دیدگاه لاکلاو و موفه (۱۹۸۵: ۱۰۵) می‌توان گفت گفتمان‌ها با مفصل‌بندی باورها، ارزش‌ها، ایده‌ها و سنن بومی و مرتبط‌کردن آن‌ها به یکدیگر، فرهنگ بومی را معنادار می‌کنند و با حفظ این مفصل‌بندی خاص، به تداوم معناداری فرهنگ کمک می‌کنند. بدون این مفصل‌بندی، ارزش‌های فرهنگی در تمایز با یکدیگر، فاقد معناداری به نظر خواهند آمد و حتی در صورت انتقال از نسلی به نسل دیگر، معنایی را که در ترکیب با سایر باورها داشتند، منتقل نمی‌کنند (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۶۳).

کاربرد این نظریه در تحلیل شکاف گفتمانی، قابل تأمل است. با استفاده از این نظریه، می‌توان بررسی کرد که چگونه گفتمان انتظار و سه گفتمان دیگر، هویت‌های مختلفی را شکل می‌دهند و برای کسب هژمونی با یکدیگر رقابت می‌کنند. کدام گفتمان در جامعه معاصر، هژمونیک‌تر است؟ چگونه گفتمان انتظار تلاش می‌کند تا هژمونی خود را حفظ یا گسترش دهد یا در برابر هژمونی گفتمان‌های دیگر مقاومت می‌کند؟ نقش «نشانه‌شناسان» و «مفاهیم کلیدی» در ساخت هژمونی چیست؟

نظریه نورمن فرکلمن^۱

تمرکز این نظریه، بر «تحلیل انتقادی گفتمان»^۲ است. فرکلمن بر جنبه‌های زبان‌شناختی، زبانی و اجتماعی گفتمان، تأکید دارد و به بررسی چگونگی استفاده از زبان برای ایجاد معانی اجتماعی و تثبیت روابط قدرت می‌پردازد. رویکرد انتقادی مدعی است که ناگفته‌ها یا همان گزاره‌های تلویحی، منشأ ایدئولوژیک دارند که در گفتمان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم به عنوان فاعلان اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. یک نظم گفتمانی همچنین متضمن مفروض‌هایی درباره روابط اجتماعی نیز هست که شالوده اعمال تعاملی‌اند (حقیقت، ۱۳۹۴: ۵۴۱). درواقع تحلیل گفتمان انتقادی، نسخه توسعه‌یافته‌تر از تحلیل گفتمان است که بر ارتباط و نسبت زبان و رویدادهای اجتماعی همچون سیاست‌گذاری تمرکز می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان را به عنوان نمودی از کردار اجتماعی دیده و درباره این مسأله بحث می‌کند که تمام ابزارها و کاربردهای زبانی، موقعیت‌های ایدئولوژیک را رمزگذاری می‌کند (Shahiditabar, 2017: 234). ماریا یورگنس و لوئیس فیلیپس معتقدند که رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی همگی پنج خصلت مشترک دارند- Jorgensen and Phillips, 2002: 61- (64):

1. Fairclough
2. Critical analysis of discourse

- خصلت ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی تا حدی زبانی - گفتمانی است.

- گفتمان هم تأسیس کننده است و هم تأسیس شده.

- استفاده از زبان باید در درون بافت اجتماعی اش تحلیل شود.

- کارکردهای گفتمان ایدئولوژیک است.

- تحلیل گفتمان انتقادی مقید به پژوهش انتقادی با هدف رهایی بخشی است.

هدف از تحلیل انتقادی یک گفتمان، کشف ارتباط میان زبان، ایدئولوژی و قدرت و نشان دادن باورها و ارزش‌های ایدئولوژیکی است که به صورت طبیعی جلوه یافته‌اند (مظفری، ۱۳۹۶: ۷۹). نورمن فرکلاف تحلیل گفتمان را توسعه یک چارچوب تحلیلی برای مطالعه زبان در رابطه با قدرت و ایدئولوژی می‌داند. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعه‌های زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت بخشیده است (کلانتری، ۱۳۸۸: ۸). از نظر فرکلاف، زبان یک کردار اجتماعی است و این کردار چند مفهوم ضمنی را دربرمی‌گیرد: زبان، بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست، فرآیندی اجتماعی و مشروط به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه است (رک: آقاگلزاده، ۱۳۸۶: ۳).

روش فرکلاف به نسبت سایر رویکردها از عمق بیش‌تری در تحلیل بهره‌مند است؛ زیرا او متن را در سه مرحله توصیف (تحلیل واژگان، تحلیل ویژگی‌های دستوری، ساختارهای متنی)، تفسیر (بافت موقعیتی و نوع گفتمان، بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها) و تبیین (میزان تأثیرپذیری گفتمان از ساختارهای نهادی و تأثیرگذاری بر آن، میزان تأثیرپذیری گفتمان از ساختارهای اجتماعی و تأثیرگذاری بر آن)، مورد بررسی قرار می‌دهد (برگرفته از: نصرت‌پناه و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳).

از این نظریه نیز در تحلیل شکاف گفتمانی، می‌توان بهره برد. با استفاده از نظریه فرکلمن، می‌توان به تحلیل عناصر زبانی و ساختاری گفتمان‌های مختلف پرداخت. چگونه انتخاب کلمات، ساختار جمله‌ها و استعاره‌ها به ایجاد معانی و نگرش‌های خاص منجر می‌شود؟ چگونه هر گفتمان «واقعیت» را به نحوی خاص تعریف می‌کند؟ درهمین راستا، تحلیل متون مذهبی، سیاسی، علمی و رسانه‌ای می‌تواند بسیار مفید باشد.

نظریه جودیت باتلر^۱

تمرکز این نظریه، بر «عملکرد گفتمان در ساخت هویت‌ها و جنسیت»^۲ است. به باور باتلر، هویت‌ها به جای چیزهای ثابت و پیشین، از طریق عملکرد و تکرار گفتمان‌ها ساخته می‌شوند (باتلر، ۱۴۰۰). باتوجه به این‌که گفتمان انتظار، هویتی معنوی و مذهبی را ایجاد می‌کند و گفتمان‌های غالب هویت‌هایی مبتنی بر عقلانیت، فردگرایی و علم را ترویج می‌دهند، نظریه باتلر می‌تواند در تحلیل تعامل و مبارزه این هویت‌ها و گفتمان‌ها، مفید باشد.

به هرتدبیر، با ترکیب و استفاده از این نظریه‌ها و با بررسی متون، گفتگوها، رسانه‌ها و کنش‌های اجتماعی مربوط به هر گفتمان، می‌توان به یک درک سیستماتیک و نظام‌مند از شکاف گفتمانی و عوامل مؤثر بر آن رسید. در همین راستا، توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز ضروری است.

تحلیل شکاف گفتمانی

مقایسه مستقیم مفاهیم، ارزش‌ها، اهداف و پیش‌فرض‌های «انتظار» در اسلام با هر یک از سه گفتمان دیگر، نیازمند توجه دقیق به ظرایف هر کدام است. نقاط اختلاف و تضاد می‌تواند بسیار پیچیده و چندوجهی باشد. در ادامه خلاصه‌وار به این مقایسه پرداخته شده است.

انتظار و لیبرالیسم

جدول ۲: نقاط اختلاف و تضاد انتظار و لیبرالیسم

ویژگی	انتظار	لیبرالیسم	نقاط اختلاف و تضاد
مفاهیم کلیدی	ظهور امام زمان، عدل جهانی، غیبت، انتظار فعال، ولایت	آزادی فردی، حقوق طبیعی، حاکمیت قانون، دموکراسی، بازار آزاد	در انتظار، حاکمیت مطلق امام علیه‌السلام در یک نظام آرمانی وجود دارد که با اصل آزادی فردی در لیبرالیسم تا حدودی مغایرت دارد. مفهوم عدل جهانی در انتظار، ممکن است با مفهوم بازار آزاد در لیبرالیسم در تعارض باشد.
ارزش‌ها	عدالت، امید، تقوا، مبارزه با ظلم، اخلاق نیکو، اطاعت از ولایت	آزادی بیان، آزادی مذهب، برابری برابر قانون، مالکیت خصوصی، مسئولیت	اگرچه هر دو بر عدالت تأکید دارند، اما مفهوم عدالت در انتظار، مبنی بر یک نظام الهی و مذهبی است، اما در لیبرالیسم معمولاً بر عدالت

1. Judith Butler

2. The performance of discourse in the construction of identities and gender

ویژگی	انتظار	لیبرالیسم	نقاط اختلاف و تضاد
		فردی، رقابت	اجتماعی و اقتصادی با تأکید بر حقوق فردی استوار است.
اهداف	برقراری عدل جهانی، نابودی ظلم و ستم، آرامش و سعادت بشریت، تکامل معنوی	حفاظت از آزادی‌های فردی، ایجاد جامعه دموکراتیک، بهبود رفاه اقتصادی، ترویج رشد اقتصادی	اهداف انتظار دارای ابعاد معنوی و الهی قوی‌تری است، اما لیبرالیسم معمولاً بر اهداف دنیوی و مادی تمرکز می‌کند.
پیش‌فرض‌ها	توحید، ولایت ائمه، وجود امام زمان، امکان ظهور	حقوق طبیعی، اهمیت خرد فردی، قابلیت افراد برای تصمیم‌گیری منطقی، اهمیت بازار آزاد	پیش‌فرض‌های انتظار مبنای مذهبی دارد، اما لیبرالیسم بر عقلانیت و تجربه انسانی بدون تأکید بر اصل الهی، متکی است.

انتظار و سکولاریسم

جدول ۳: نقاط اختلاف و تضاد انتظار و سکولاریسم

ویژگی	انتظار	سکولاریسم	نقاط اختلاف و تضاد
مفاهیم کلیدی	ظهور امام زمان، عدل جهانی، غیبت، انتظار فعال، ولایت	جدایی دین از دولت، آزادی مذهبی، عقلانیت، علم	مبنای انتظار مذهبی و الهی است در حالی که سکولاریسم بر جدایی دین از دولت و حاکمیت عقل و علم تأکید دارد. این دو با هم در تضادند.
ارزش‌ها	عدالت، امید، تقوا، مبارزه با ظلم، اخلاق نیکو	آزادی بیان، آزادی مذهب، برابری برابر قانون، حاکمیت قانون، عقلانیت	اگرچه هر دو بر آزادی مذهب تأکید دارند، اما انتظار آزادی را در چارچوب مذهب و ولایت تعریف می‌کند، درحالی که سکولاریسم آزادی را بدون دخالت دین می‌خواهد.
اهداف	برقراری عدل جهانی، نابودی ظلم و ستم	جلوگیری از دخالت دین در سیاست، حفاظت از حقوق اقلیت‌ها	هدف اصلی انتظار، برقراری حکومت الهی است که با هدف سکولاریسم در جدایی دین از دولت در تضاد است.
پیش‌فرض‌ها	توحید، ولایت ائمه، وجود امام زمان	توانایی عقل و علم در حل مشکلات، ضرورت جدایی دین از دولت	سکولاریسم پیش‌فرض‌های مذهبی انتظار را رد می‌کند و بر نقش عقل و علم تأکید دارد.

انتظار و پوزیتیویسم علمی

جدول ۴: نقاط اختلاف و تضاد انتظار و پوزیتیویسم علمی

ویژگی	انتظار	پوزیتیویسم علمی	نقاط اختلاف و تضاد
مفاهیم کلیدی	ظهور امام زمان، عدل جهانی، غیبت، انتظار فعال، ولایت، معجزات	عینی گرایی، تجربی گرایی، قابل مشاهده بودن، قابل اندازه گیری بودن، روش علمی	انتظار بر پدیده های فراتر از قابل اندازه گیری و مشاهده علمی مثل معجزات و غیب تأکید دارد اما پوزیتیویسم فقط بر داده های قابل اندازه گیری متکی است.
ارزش ها	عدالت، امید، ایمان، تقوا	دقت، صحت، بی طرفی، شفافیت	ارزش های انتظار بر ایمان، امید و اعتقادات مذهبی استوار است اما پوزیتیویسم بر دقت و صحت علمی تأکید دارد.
اهداف	برقراری عدل جهانی، نابودی ظلم و ستم	کشف قوانین حاکم بر طبیعت، بهبود زندگی بشری از طریق پیشرفت علمی	پوزیتیویسم به دنبال حل مسائل از طریق روش علمی است اما انتظار بر ظهور یک رهبر الهی برای برقراری عدالت جهانی تأکید دارد.
پیش فرض ها	توحید، ولایت ائمه، وجود امام زمان، امکان معجزات	وجود نظم و قوانین در جهان، توانایی عقل و علم برای درک این قوانین	پوزیتیویسم معجزات و امور فراطبیعی را رد می کند اما انتظار بر وجود آن ها تأکید دارد.

به عنوان جمع بندی این بخش باید بگوییم، اختلاف های اصلی میان «انتظار» و سه گفتمان دیگر، در مبانی فکری، رویکرد به دنیا و روش های حل مشکلات است. انتظار بر پایه اعتقادات مذهبی و الهی استوار است و یک دیدگاه غایی و معنوی به زندگی دارد. در مقابل، سه گفتمان دیگر عمدتاً بر عقلانیت مادی، تجربی و علمی متکی اند. این تفاوت های اساسی، به وجود تضادها و شکاف های گسترده ای بین این گفتمان ها منجر می شود. یادآوری این نکته نیز شایسته است که این مقایسه به صورت کلی و خلاصه است و هر یک از این گفتمان ها خود دارای تنوع و شاخه های مختلفی هستند که در جای خود قابل بحث، بررسی و موشکافی دقیق علمی است که از حوصله این نوشتار خارج است.

بررسی دلایل پیدایش و تداوم این شکاف گفتمانی

این شکاف ناشی از عوامل پیچیده تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که به تدریج شکل گرفته و تداوم یافته است. مهم ترین عوامل به شرح زیرند:

عوامل تاریخی: ظهور دولت های مدرن و گسترش لیبرالیسم و سکولاریسم، باعث کاهش نقش مذهب در سیاست و اجتماع شد. فرایند مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون، دیدگاه های

علمی و عقلانی را جایگزین باورهای دینی کرد. استعمار غرب و نفوذ فرهنگی آن، به ترویج گفتمان‌های سکولار و تضعیف گفتمان‌های مذهبی انجامید.

عوامل فرهنگی: گفتمان انتظار بر نظام الهی و عدالت جهانی تأکید دارد، درحالی که گفتمان‌های غالب بر عقلانیت انسانی و علم متمرکزند. اختلاف در تفسیر متون دینی بین سنت‌گرایان و مدرنیست‌ها، بر شکاف دامن زد. نقش رسانه‌ها و نظام‌های آموزشی در تقویت گفتمان‌های سکولار و کمرنگ کردن گفتمان انتظار را نمی‌توان نادیده گرفت.

عوامل اجتماعی: گفتمان انتظار در برخی گروه‌ها قوی‌تر است، درحالی که گفتمان‌های غالب در میان تحصیل‌کردگان و طبقات مرفه نفوذ بیش‌تری دارند. فاصله گرفتن نسل جوان از گفتمان انتظار به دلیل تفاوت در تربیت و تأثیر رسانه‌ها و نیز ضعف ارتباط مؤثر حاملان گفتمان انتظار با جامعه و ارائه نکردن استدلال‌های قانع‌کننده، از عوامل اجتماعی است.

عوامل سیاسی: سیاست‌های دولتی سکولار و لیبرال، گفتمان انتظار را محدود می‌کنند. رقابت ایدئولوژیک بین گفتمان انتظار و گفتمان‌های حاکم، محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی بر تبلیغ و گسترش گفتمان انتظار را می‌افزاید.

تداوم این شکاف، گذشته از عوامل تاریخی، نتیجه تعامل عوامل ساختاری (سیاسی و اجتماعی) و فرهنگی است و برای درک آن باید تحلیل چندبعدی صورت گیرد. همچنین، انتخاب‌های فردی نیز در پذیرش یا رد هر گفتمان، مؤثر است.

بررسی پیامدهای این شکاف برای افراد، جامعه و سیاست

شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه گفتمان دیگر، به دلایل متعددی اهمیت دارد و پیامدهای قابل توجهی در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی در پی دارد. جدول ۵، اهمیت شکاف را تبیین می‌کند.

جدول ۵: اهمیت شکاف

ردیف	عنوان اهمیت	توضیح
۱	چالش هویت و مشروعیت	این شکاف، هویت دینی و اجتماعی افراد و گروه‌های پای‌بند به گفتمان انتظار را به چالش می‌کشد. وقتی ارزش‌ها و باورهای این گفتمان با ارزش‌های غالب در جامعه مانند لیبرالیسم و سکولاریسم در تضاد باشد، منجر به احساس بیگانگی، ناامنی هویتی، و در برخی موارد، مقاومت در برابر نهادها و قوانین موجود می‌شود. همچنین، مشروعیت ادعاهای دینی و اجتماعی مبتنی بر گفتمان انتظار ممکن است به چالش کشیده شود.
۲	محدودیت‌های	این شکاف، موجب محدودیت در برقراری گفتگو و تعامل بین گروه‌های

ردیف	عنوان اهمیت	توضیح
	تعامل و گفتگو	مختلف در جامعه می شود. اختلاف های عمیق ایدئولوژیکی، زمینه را برای سوء تفاهم، تنش و حتی درگیری فراهم می آورد. فقدان زمینه های مشترک برای گفتگو، حل مسائل اجتماعی را دشوارتر می کند.
۳	مسائل سیاسی و اجتماعی	شکاف گفتمانی می تواند منجر به قطبی شدن جامعه و افزایش تنش های سیاسی شود. گروه های پای بند به گفتمان انتظار، ممکن است در مواجهه با قوانین و سیاست های مبتنی بر گفتمان های غالب، مخالفت کنند. این مخالفت ها می توانند منجر به نابسامانی های اجتماعی، اعتراض ها و حتی خشونت شود.
۴	تأثیر بر برنامه ریزی اجتماعی	درک نکردن گفتمان انتظار می تواند بر برنامه ریزی های دولتی و اجتماعی تأثیر منفی بگذارد. از جمله، طراحی سیاست های ناکارآمد و به جای حل مسائل، تشدید آنها.

جدول ۶، پیامدهای کلی شکاف را واکاوی می کند.

جدول ۶: پیامدهای کلی شکاف

ردیف	عنوان پیامد	توضیح
۱	افراط گرایی	در مواردی، شکاف گفتمانی می تواند به رادیکالیسم و افراط گرایی منجر شود. احساس بیگانگی و بی اعتمادی، بعضی افراد را به سمت گرایش های افراطی می راند.
۲	جدایی و انزوای اجتماعی	افراد و گروه های پای بند به گفتمان انتظار، در صورت اقلیت بودن، ممکن است از جامعه جدا شده و در گروه های خود انزوای اجتماعی پیدا کنند.
۳	تضعیف اعتماد اجتماعی	شکاف گفتمانی می تواند اعتماد متقابل در جامعه را تضعیف کند و به همکاری نکردن بین گروه های مختلف و نابسامانی های اجتماعی منجر شود.
۴	اختلاف نظر در زمینه های مختلف	از سیاست گذاری های اقتصادی تا مسائل فرهنگی و آموزشی، این شکاف می تواند منجر به اختلاف نظر و تضادهای جدی شود که پیشرفت و انسجام اجتماعی را با مشکل مواجه می کند.
۵	جلوگیری از توسعه و پیشرفت	تنش های مداوم ناشی از این شکاف، می تواند از توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جلوگیری کند.

شناخت و درک دقیق این شکاف گفتمانی و پیامدهای آن، برای حل مسائل اجتماعی،

ایجاد انسجام جامعه و برقراری گفتگوی سازنده بین گروه های مختلف بسیار مهم است.

گذشته از پیامدهای کلی، شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و

سه گفتمان غالب معاصر، پیامدهای متعددی برای افراد، جامعه و سیاست دارد. این پیامدها

می توانند مثبت، منفی یا ترکیبی از هر دو باشند و شدت آن ها بستگی به زمینه های اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی دارد. در ادامه به برخی از مشکلات ناشی از این شکاف اشاره می‌شود. پیامدها برای افراد، موجب سردرگمی هویتی، تنازع درونی، کاهش مشارکت اجتماعی، افراط‌گرایی و بی‌ثباتی فردی می‌شود. تضاد بین هویت دینی و ارزش‌های جامعه، منجر به احساس بیگانگی و انزوای اجتماعی می‌شود. تعارض بین باورهای مذهبی و انتظارات جامعه، باعث بحران‌های روحی و روانی می‌گردد. احساس ناهمخوانی با ارزش‌های غالب، افراد را از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دور می‌کند. برخی برای اثبات هویت خود به خشونت یا افراط (مذهبی یا سکولاریستی) روی می‌آورند. ابهام در مورد آینده به ویژه در زمینه ظهور، برنامه‌ریزی زندگی را مختل می‌کند.

پیامدها برای جامعه، موجب قطبی‌سازی، کاهش انسجام اجتماعی، مانع توسعه، تشدید مشکلات اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی می‌شود. شکاف بین گروه‌های متضاد، تعامل‌های اجتماعی را دشوار می‌کند. نبود توافق بر سر ارزش‌های اساسی، پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌نماید. اختلاف‌های ایدئولوژیک، پیشرفت ملی و تصمیم‌گیری‌های کلان را مختل می‌کند. نبود گفتگومان مشترک، حل چالش‌ها را به تأخیر می‌اندازد و بی‌اعتمادی بین گروه‌ها و نهادهای دولتی تشدید می‌شود.

پیامدها برای سیاست، موجب بی‌ثباتی سیاسی، تضعیف حاکمیت قانون، ناکارآمدی سیاست‌گذاری، تنش‌های فرقه‌ای و احیاناً مداخله خارجی می‌شود. تنش بین گروه‌ها برای کسب قدرت افزایش می‌یابد. نبود اجماع بر سر ارزش‌ها، موجب نقض چارچوب‌های قانونی می‌شود. اختلاف نظر بر سر اولویت‌ها، برنامه‌ریزی ملی را مختل می‌کند. در جوامع چندفرهنگی، اختلاف‌های مذهبی و سیاسی تشدید می‌شود. شکاف‌های داخلی، زمینه را برای نفوذ قدرت‌های بیگانه فراهم می‌کند.

راه‌حل‌های پیشنهادی، گفت‌وگوی ملی با ایجاد فضای بحث مبتنی بر احترام متقابل و مدارا، شفاف‌سازی گفتگومان با ارتباط روشن بین حاملان گفتگومان انتظار و جامعه و تقویت درک متقابل و مشارکت اجتماعی از طریق نظام آموزشی است. هدف نهایی، کاهش شکاف‌ها از طریق همدلی، انسجام اجتماعی و سیاست‌گذاری مبتنی بر اجماع است.

پیشنهادهایی برای کاهش یا برطرف کردن شکاف گفتگویی

کاهش یا برطرف کردن کامل شکاف گفتگویی میان گفتگومان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه گفتگومان دیگر، یک چالش پیچیده و بلندمدت و نیازمند رویکردی چندوجهی و مدبرانه

است. اما می‌توان پل‌های ارتباطی ایجاد کرد و شکاف را کاهش داد. پیشنهادهایی برای این منظور قابل ارائه است.

ارتقای درک متقابل و گفتگوی سازنده با برگزاری نشست‌های علمی و فرهنگی با حضور اندیشمندان از دو طرف برای تبادل نظر محترمانه، تربیت دینی و مدنی مبتنی بر مدارا، احترام و آزادی اندیشه و استفاده هوشمندانه از رسانه و فضای مجازی برای ترویج گفتگوی سالم. تمرکز بر نقاط اشتراک با تأکید بر ارزش‌های انسانی مشترک مانند عدالت، آزادی و صلح و شناسایی زمینه‌های همکاری مانند عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان. ارائه استدلال‌های جذاب و منطقی با تبیین معارف دینی با دلایل عقلانی و قابل فهم برای مخاطبان مختلف و استفاده از روش‌های علمی و نوین در بیان مفاهیم دینی. تغییر رویکردها و روش‌ها با جایگزینی رویکرد گفتگو و مدارا به جای تقابل و به‌روزرسانی شیوه‌های تبلیغ و ترویج گفتمان انتظار متناسب با جامعه نوین.

نقش نهادهای دینی و اجتماعی، همکاری برای ایجاد فضای گفتگو و پژوهش‌های مشترک و حمایت از تحقیقات دانشگاهی درباره تعامل گفتمان انتظار با گفتمان‌های معاصر است. هدف اصلی، نه تحمیل دیدگاه‌ها، بلکه ایجاد فضایی پویا و سازنده برای درک متقابل، یافتن نقاط اشتراک و احترام به تنوع فکری است. این فرآیند زمان‌بر، نیازمند تلاش مستمر همه طرف‌ها برای ایجاد یک فضای اجتماعی پویا است که در آن تمام صداها شنیده شوند و تنوع دیدگاه‌ها، غنای جامعه را افزایش دهد و سخن حق شنیده شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های اصلی تحلیل شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه گفتمان غالب معاصر، عبارت‌اند از:

این شکاف، ریشه در اختلاف‌های بنیادین در مفاهیم کلیدی، ارزش‌ها، اهداف و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی این گفتمان‌ها دارد. گفتمان انتظار بر پایه جهان‌بینی دینی و الهی استوار است، در حالی که گفتمان‌های معاصر بر عقلانیت، تجربه مادی و علم متکی‌اند.

این شکاف، محصول تعامل پیچیده عوامل تاریخی (مدرنیزاسیون، سکولاریزاسیون، استعمار)، فرهنگی (تفاوت در جهان‌بینی، تفسیر متون دینی)، اجتماعی (طبقه‌بندی اجتماعی، نسل‌ها) و سیاسی (حاکمیت، رقابت ایدئولوژیک) است.

این شکاف، پیامدهای چندوجهی متعددی برای افراد (سردرگمی هویتی، تنازع درونی، افراط‌گرایی)، جامعه (قطبی‌سازی، کاهش انسجام اجتماعی، ضعف در توسعه) و سیاست (بی‌ثباتی، ضعف حاکمیت قانون) دارد.

شکاف گفتمانی میان گفتمان انتظار ظهور و گفتمان‌های غالب معاصر، می‌تواند در چند سطح، حرکت جبهه حق را با چالش مواجه کند. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از تفاوت‌های بنیادین در مبانی معرفتی، ارزشی و غایت‌شناختی این گفتمان‌ها است.

تعارض معرفت‌شناختی: پوزیتیویسم علمی، تنها معرفت تجربی را معتبر می‌داند و مفاهیمی مانند غیب و ظهور را غیرعقلانی می‌خواند، در حالی که گفتمان انتظار بر وحی، عقل شهودی و کلام معصومان استوار است.

تعارض ارزشی: لیبرالیسم بر فردگرایی و نسبیت اخلاقی تأکید دارد، اما گفتمان انتظار، عدالت محوری، اخلاق الهی و حکومت جهانی عدل را مطرح می‌کند.

تعارض در نگاه به آینده: اومانیزم، آینده را در گرو پیشرفت مادی و اراده انسان می‌داند، اما گفتمان انتظار، ظهور را تحولی الهی می‌داند که نیازمند فعالیت و اصلاح‌گری است.

تهدید انفعال یا افراط: برخی در برابر این شکاف منفعل می‌شوند و انتظار را به باوری شخصی تقلیل می‌دهند، و برخی با رد تمام دستاوردهای تمدن جدید به افراط می‌گیرند.

هژمونی رسانه‌ای گفتمان‌های رقیب: رسانه‌های غالب، گفتمان انتظار را با برچسب‌هایی مانند خرافات یا ایدئولوژی خشونت‌گرا معرفی می‌کنند و بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند.

راهکار مقابله، بازتعریف عقلانی و فلسفی گفتمان انتظار برای پاسخ به پرسش‌های دنیای جدید، تولید محتوای جذاب و رسانه‌ای برای انتقال مفاهیم مهدویت، تقویت جنبه‌های عملی انتظار مانند عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد، نقد گفتمان‌های رقیب و نشان دادن ناکارآمدی آن‌ها در حل بحران‌های بشر و برقراری ارتباط بین گفتمان انتظار و دانش‌های جدید (علوم اجتماعی، فلسفه، فناوری) است. این شکاف اگر با هوشمندی مدیریت شود، می‌تواند فرصتی برای ارائه گفتمان انتظار به عنوان جایگزینی متقن در برابر گفتمان‌های بحران‌زده معاصر باشد.

از آن سوی، آن شکاف گفتمانی، ممکن است به شکاف گفتمانی داخلی در مسأله انتظار فرج، منجر شود و چالش‌هایی در جبهه حق پدید آورد. اولاً برداشت انفعالی و تفسیر انتظار به معنای سکون و بی‌عملی، که می‌تواند حرکت‌های اصلاحی را متوقف کند. ثانیاً تضاد فردی و اجتماعی و تمرکز صرف بر وظایف فردی مانند دعا در مقابل تأکید افراطی بر مسئولیت‌های

اجتماعی مانند مبارزه با ظلم، ایجاد کند. ثالثاً با افراط و تفریط، موجب رواج اقدام‌های خشونت‌آمیز برای شتاب دادن به ظهور در مقابل به تعویق انداختن هرگونه اصلاح تا پس از ظهور شود. رابعاً فاصله‌گفتمانی و اختلاف بین دیدگاه نخبگان و درک عمومی، ممکن است به سردرگمی یا برداشت‌های نادرست بیانجامد. بدین منظور راهکارهایی نظیر تبیین انتظار فعال به‌عنوان ترکیبی از آماده‌سازی فردی و اجتماعی برای ظهور، ایجاد تعادل بین عبادت فردی و مبارزه با فساد و ظلم، مقابله با تحریف‌های انحرافی (تقدیرگرایی یا خشونت) از طریق رسانه و اندیشمندان با زبان ساده و تأکید بر این‌که انتظار واقعی به‌معنای «قیام و حرکت» است، نه انفعال، قابل تأمل است. به تعبیر امام خامنه‌ای مدظله‌العالی: «منتظر کسی نیست که بنشیند و دست روی دست بگذارد.» این نگاه کلید رفع شکاف‌ها و تقویت جبهه حق است.

شکاف گفتمانی میان انتظار و گفتمان‌های دیگر، عمیق، چندوجهی و دارای پیامدهای گسترده و نیازمند راهکارهای جامع و مدبرانه برای مدیریت و کاهش آن است. از این رو کاهش این شکاف، نیازمند گفتگوی ملی، مدارا، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، ارتباط شفاف و آموزش و پرورش برای ارتقای درک متقابل است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام؛ حمیدی نسب، منا (۱۴۰۱)، «تحلیل گفتمانی دو مفهوم متعارض از انتظار از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه»، *فصل‌نامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۳۳.
- آقابخشی، علی اکبر؛ غفاری راد، مینو (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶)، *رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، فصل‌نامه زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۵.
- باتلر، جودیت (۱۴۰۰)، *زیست روانی قدرت: نظریه‌هایی درباره انقیاد*، ترجمه: پرویز شریفی درآمدی و لیلا طورانی، تهران: گام نو، اول.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس؛ توسلی، طیب (۱۳۹۴)، *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۲)، *لیبرالیسم*، تهران: انجمن معارف اسلامی ایران.

- برزنونی، محمدعلی (۱۳۷۵)، انتظار چیست، ماه‌نامه اندیشه دانشجو، شماره ۱۸ و ۱۹.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۷۷)، فوتوریسم چیست، ماه‌نامه موعود، شماره ۱۰ و ۱۱.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۷۹)، کدام انتظار، بگاه حوزه.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۳)، در انتظار مصلح، اندیشه دانشجو، شماره ۵۸.
- تسوایک، اشتفان (۱۳۷۶)، کالون و قیام کاستلیون، ترجمه: عبدالله توکل، تهران: نشر مرکز، اول.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۴)، موج چهارم، ترجمه: منصور گودرزی، تهران: نی، چهارم.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳)، سخنرانی مقام معظم رهبری، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله، قم: مؤسسه ایمان جهادی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۴)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- دارک، سدنی (۱۳۷۸)، تاریخ رنسانس، ترجمه: احمد فرامرزی، تهران: دستان، دوم.
- دریفوس، هیوبرت؛ رابینو، پل (۱۳۷۸)، میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نی.
- زبیدی، محب‌الدین (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
- صدر، محمد (۱۴۰۲ق)، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، محمد (۱۴۰۳ق)، اليوم الموعود بین الفكر المادی والدين، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صلیبا، جمیل (۱۳۹۳)، فرهنگ فلسفی، ترجمه: منوچهر صانعی‌دژه‌بیدی، تهران: حکمت، چهارم.
- علی‌جباری، حسین (۱۳۹۸)، تأملی جامع از مفهوم انتظار فرج و جایگاه آن اندیشه اسلامی، فصل‌نامه مطالعات مهدوی، سال دهم، شماره ۴۴.
- علیزاده، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: روزنه، دوم.
- فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۰۱ق)، موسوعة الإمام المهدی، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین.
- فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۰۲ق)، الإمام المهدی عند أهل السنة، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین.

- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۴)، *اراده به دانستن*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۰)، *تولد زیست‌سیاست: درس‌گفتارهای کولژ دوفرانس ۱۹۷۸-۱۹۷۹*، ترجمه: رضا نجف‌زاده، تهران: نی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱)، *باید از جامعه دفاع کرد: درس‌گفتارهای کولژ دوفرانس ۱۹۷۵-۱۹۷۶*، ترجمه: رضا نجف‌زاده، تهران: رخ‌داد نو.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۲)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه: امیرجلال‌الدین اعلم، تهران: سروش، چهارم.
- کارگر قمی‌ها، اشرف و دیگران (۱۴۰۰)، *تأثیر شکاف گفتمان حاکمیتی بر کارآمدی جمهوری اسلامی ایران*، فصل‌نامه علمی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- کلانتری، صمد و همکاران (۱۳۸۸)، *تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی*، فصل‌نامه جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *کافی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام).
- کونل، رایین هارد (۱۳۵۷)، *لیبرالیسم*، ترجمه: منوچهر فکری ارشاد، تهران: توس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مسائلی، احمد؛ فرقانی‌تهرانی، ناهید (۱۳۹۸)، *سازه مفهومی انتظار اندیشه مهدویت*، فصل‌نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، سال نوزدهم، شماره ۶۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران: صدرا.
- مظفری، زهرا (۱۳۹۶)، *تحلیل زبان شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب براساس رویکرد انتقادی فرکلاف*، فصل‌نامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، شماره ۱۹.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- مگی، برایان (۱۳۷۲)، *فلاسفه بزرگ*، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی، اول.
- موسوی‌اصفهانی، محمدتقی (۱۳۷۴)، *مکیال المکارم*، ترجمه: حائری قزوینی، تهران: بدر.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۸)، *گفتمان انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*، دوفصل‌نامه علمی تخصصی جامعه مهدوی، سال اول، شماره ۱.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۴)، *نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت: چارچوبی فرهنگی برای امنیت در ایران*، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره ۲، مسلسل ۸.

- نجفی، موسی (۱۳۹۰)، *تمدن برتر*، تهران: آرما.
- نصرت پناه، محمدصادق؛ مرادی، محمدحسین؛ رشیدی، امیرحسین (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلاف، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیست و دوم، شماره ۸۳.
- نصری، عبدالله (۱۳۹۸)، *انتظار بشر از دین*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نعمانی، محمد (بی‌تا)، *کتاب الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*، تهران: قومس، دوم.
- ویلیام جیمز، دورانت (۱۳۹۸)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: محسن اشعریون، تهران: علمی و فرهنگی.
- هارلند، ریچارد (۱۳۹۵)، *ابرساخت‌گرایی: فلسفه ساخت‌گرایی و پساساخت‌گرایی*، ترجمه: فرزانه سجودی، تهران: سوره مهر.
- هوراکس، کریس (۱۳۷۹)، *فوکو، قدم اول*، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- یورگنسن، ماریان؛ لوئیز، فیلیپس (۱۳۹۸)، *نظریه و روش تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی، نهم.
- Aghahseni, Alireza (2017). Another Discourse and Acceptance, Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian)
- Brown, G. and Yule, G. (1983) Discourse Analysis. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shahiditabar, M, Rashidi, AH, Dehchali, A. (2017). A critical discourse analysis of the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), Tehran: 2nd. International Conference on Literature and Linguistics, 239-234.
- Jorgensen, M, Phillips, L. (2002). Discourse Analysis as Theory and Method, London: SAGE



The role of foreigners in influencing sects claiming Mahdism in contemporary Iran and the challenges arising from it (with emphasis on the Qajar and early Pahlavi eras)

Dr. Majid Ahmadi Kachaei ¹

Abstract

In contemporary Iranian history, the existence of sects claiming messianic leadership has led to significant problems in the country. These sects, with their heterogeneous claims, particularly during a time when Iranians faced widespread social issues such as extreme poverty, attracted some people's interest. Meanwhile, the emerging phenomenon of colonial powers focused on crisis-stricken nations, and these sects in Iran were among the examples that could significantly assist colonizers in achieving their objectives. This research seeks to answer the question of how these emerging countries exploited the opportunities created by the messianic claimants in Iran to further their own goals. The response indicates that the primary aim of colonial powers was to create discord and disrupt national unity among Iranians. It is also noted that these countries could not significantly influence the creation of such sects due to various social and historical factors; however, by fostering and strengthening these movements, they made considerable efforts to benefit from their interests, which involved creating divisions among subordinate countries.

Keywords: Contemporary Iran, Foreigners, Messianic Claimant Sects, Influence

1. Assistant Professor and Faculty Member, Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran (Ahmadi.M@Isca.ac.ir)

نقش بیگانگان در اثرگذاری بر فرقه‌های مدعی مهدویت در ایران

معاصر و چالش‌های برآمده از آن (با تأکید بر دوران قاجار و پهلوی اول)*

مجید احمدی کجایی^۱

چکیده

در تاریخ معاصر ایران، وجود فرقی با ادعای مهدویت سبب شد تا مشکلات قابل توجهی در کشور ایجاد شود. این دسته از فرق با ادعاهای ناهمگون به خصوص در دورانی که ایرانیان با مشکلات گسترده اجتماعی از جمله فقر فراوان، روبه‌رو بودند سبب شد تا برخی از مردم به ایشان تمایل نشان دهند. در این میان پدیده نوظهور کشورهای استعمارگر، ملت‌های بحران‌زده را مورد توجه خود قرار دادند و این دست از فرقه‌ها در ایران، از جمله نمونه‌های بودند که می‌توانستند استعمارگران را برای رسیدن به مطامع خود کمک شایانی کنند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که این دست از کشورهای نوظهور، چگونه از فرصت پدید آمده توسط مدعیان مهدویت در کشور ایران، برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کردند؟ در پاسخ اشاره شده است مهم‌ترین هدف کشورهای استعمارگر ایجاد اختلاف و برهم زدن وحدت ملی در میان ایرانیان بوده است. همچنین اشاره به این نکته اشاره شده است که کشورهای مذکور در ایجاد این دست از فرقه‌ها، به جهات مختلف اجتماعی و تاریخی می‌توانستند تأثیرگذار باشند، اما با ایجاد این فرق با بهره‌برداری فراوان و تقویت این جریان‌ها، سعی وافری داشتند در راستای منافع خود که ایجاد اختلاف در میان کشورهای فرودست بوده بهره لازم را ببرند.

واژگان کلیدی

ایران معاصر، بیگانگان، فرق مدعی مهدوی، اثرگذاری.

مقدمه

پژوهش کنونی به دنبال فهم این مهم است که مدعیان مهدویت در دوران کنونی چه میزان متأثر از رفتار بیگانگان بوده‌اند. در دوران معاصر ایران از جمله کشورهای بود که فراز و فرود فراوانی را در عرصه‌های اجتماعی تجربه کرد. در این دوران که همزمان با مراودات با دنیای غرب بود بیگانگان توانستند در تصمیم‌گیری و به تدریج با افزایش نفوذ خود، در

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (Ahmadi.M@Isca.ac.ir).

تصمیم‌سازی حاکمیت ایران نقشی فعال داشته باشند که بخشی از آن متوجه جریان‌های چالش‌برانگیز در جامعه باهدف انشقاق عمومی در جامعه است. به طوری که افزون بر استقلال سیاسی و اجتماعی، هویت فکری ایرانیان نیز متأثر از این دست از دخالت‌ها شد. بر این اساس این مهم تبیین می‌شود که چگونه بیگانگان بر رویکرد فرقه‌های مدعی مهدوی در ایران تأثیرگذار بودند.

در این عرصه به‌رغم آثار متنوعی که در دوران کنونی درباره فرق مدعی مهدوی نگاشته شده است، نمی‌توان اثری مستقلی را نام برد که تنها به دنبال میزان اثرگذاری بیگانگان در فرق مدعی مهدویت باشد. بیشتر رویکردها در این زمینه با نگاه ناقدانه به خود فرق مدعی است و کمتر به پدیده چگونگی اثرگذاری بیگانگان توجه شده است. از این رو می‌بایست از لایه‌لای برخی از خاطرات و تاریخ نوشته‌ها مواد اولیه طرح کنونی را بازخوانش کرد. از جمله مهم‌ترین منابع اصلی در دوران قاجار و پهلوی می‌توان به خاطرات و خطرات مهدی‌قلی هدایت اشاره داشت، وی که از رجال برجسته دوران قاجار و پهلوی اول بود توانست تصویر روشنی از اتفاقات اواخر دوران قاجار و روی کار آمدن پهلوی را به تصویر بکشد. همچنین در آثار این دوره کتاب ادوارد براون نام برد. وی با رویکرد تقویت این دسته از فرق به‌خصوص جریان بابیه تحقیق خود را به انجام رسانده است. در دوران کنونی نیز کتاب *مدعیان دروغین مهدویت* اثر رسول جعفریان به بازار نشر آمد که بیشتر نگاهی تاریخی و گذرا به فرق مدعی مهدویت در تاریخ داشته است، از این رو به‌رغم با ارزش بودن اثر مذکور، تحلیل در این باره که چه میزان بیگانگان در تقویت فرق مدعی اثرگذار بوده‌اند، در آن کمتر دیده می‌شود.

نظریه

نظریه این پژوهش بر این امر استوار است که به‌رغم برخی از گمانه‌ها درباره ایجاد و اثرگذاری وسیع بیگانگان در فرقه‌های مدعی مهدویت دوران معاصر، اما نمی‌توان شواهد چندان محکمی یافت که کشورهای استعمارگر در ایجاد فرقه‌های مهدوی تأثیری فاعلی داشتند، بلکه بیشتر زمانی که این دست از فرقه‌ها به وجود می‌آمدند، بیگانگان نقش فعال خود را در پشتیبانی از آنها به عهده می‌گرفتند. این مهم راهبرد اساسی کشورهای استعمارگر از گذشته تاکنون بوده است و نه تنها در فرق مدعی مهدوی بلکه هر آنچه سبب انشقاق جوامع مورد سوءاستفاده بوده است، مورد توجه و بهره‌برداری آنها قرار می‌گیرد. از این رو نکته اساسی آن است که در بسیاری از موارد کشور استعمارگر توانایی ایجاد فرقه و انشقاق را در کشور مورد

نظر همانند ایران را ندارد، بلکه افرادی از همان جامعه با ادعاهای ناهمگون و زمانی که انسجام اجتماعی جامعه خود را مورد هدف قرار می‌دهند، توجه ایشان (استعمارگران) را به خود جلب می‌کنند. بدین سبب جریان‌های مدعی مهدویت در ایران معاصر همواره مورد توجه این دست از بیگانگان قرار داشته و دارند. این نظریه یعنی درهم ریختن انسجام اجتماعی جوامع، همواره به عنوان اندیشه راهبری کشورهای استعمارگر مورد توجه بوده است. نظریه مذکور به - خصوص با نظریه جان فوران^۱ هماهنگی فراوانی دارد. فوران نظریه‌های گوناگونی را برای بررسی تحولات ایران مورد بررسی قرار داده است و در پایان نظریه خود را تحت عنوان گفتمان مقاومت شکننده ارائه می‌دهد. او در نظریه خود به این نتیجه می‌رسد برای تفوق بر ایرانیان لازم است که اتحاد موجود میان مردم این کشور سست شود و مقاومت آنان به این صورت از میان می‌رود. وی بر این باور است که کشورهای متخاصم با ایران، برای بهره‌برداری از منافع خود در این کشور، نیازمند انجام سه کار ویژه ذیل می‌باشد: ۱. اتحاد درونی میان قدرت‌های متخاصم علیه ایران؛ ۲. ایجاد تفرقه در میان (ایرانیان)؛ ۳. بسیج مردم در جهت حمایت از قدرت‌های متخاصم.^۲

بنابراین دیده می‌شود آنچه مورد توجه بیگانگان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی در ایران است ایجاد اختلال در نظم عمومی جامعه است از این رو این دست از فرقه‌ها مورد توجه فراوان ایشان بوده‌اند.

ادعاهای فرق مدعی

ادعای مدعیان مهدویت در دوران معاصر به چندگونه قابل تقسیم است: ادعای امامت و مهدویت (که شامل مهدویت نوعی و شخصی می‌گردد). ادعای نیابت خاص حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عدم اتمام آن به وکیلان خاص و یا واسطه فیض بودن میان حضرت

۱. جان فوران (John Foran) متولد ۱۹۵۵، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. وی از جامعه‌شناسان نامدار در پژوهش پیرامون زمینه «انقلاب‌های اجتماعی» در جهان است که به ویژه در دهه هشتاد میلادی تحولات سیاسی اجتماعی و انقلاب ایران را مورد مطالعه قرار داده است. فوران برای نگارش کتاب مقاومت شکننده در ایران شهرت دارد. او کتاب‌های پرشماری پیرامون انقلاب و جنبش‌های اجتماعی ایران و جهان نوشته و ده‌ها مقاله در معتبرترین نشریات جامعه‌شناسی غرب پیرامون انقلاب ایران منتشر کرده است (رک: فوران جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۷ش).
۲. برای اطلاع بیشتر رک: مقاومت شکننده «جان فوران»/ تحلیلی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران در خصوص تحولات تاریخ معاصر ایران

مهدی علیه السلام و مردم. ادعای زمینه سازی ظهور در قالب افرادی مانند: یمانی، شعیب بن صالح، خراسانی، حسنی و نفس زکیه. ادعای ارتباط؛ که انواع آن، ادعای همسری، فرزندی، دیدار در خواب، مکاشفه و ملاقات حضوری است (شهبازیان، بی تا: ۱۵).

مصادیق فرق مدعی

در بیان مصداق این دست از فرقه ها مدعی مهدویت در دوران معاصر نخستین مدعی جریان بابیه بوده است. علی محمد شیرازی، از مدعیان بابیت امام مهدی علیه السلام که بعدها ادعای خود را تا مهدویت و نبوت پیش برد. وی در سال ۱۲۳۵ق در شیراز متولد شد. بعدها شاگرد یکی از مریدان شیخ احمد احسائی شد (اشراق خاوری، بی تا: ۶۳-۶۴). علی محمد شیرازی از این طریق زمانی که به کربلا رفت، در درس سید کاظم رشتی ۱۲۵۹ق (مهم ترین شاگرد شیخ احمد احسائی) حاضر شد (فاضل مازندرانی، بی تا: ج ۳، ۹۷). در این مدت با مکتب شیخیه آشنا شد. علی محمد شیرازی بعدها به ریاضت روی آورد و گفته شده زمانی که در بوشهر سکنی داشت در هوای گرم تابستان از سپیده دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصر بر بام خانه رو به خورشید اورادی را می خواند (اشراق خاوری، بی تا: ۶۷).

پس از مرگ سید کاظم رشتی و عدم جانشین مشخص توسط وی، میان شاگردانش رقابت افتاد و علی محمد شیرازی نیز در این رقابت شرکت کرد و خود را «باب» امام مهدی علیه السلام ذکر کرد و نظر گروهی از شیخیان را به سوی خود جلب کرد و بعدها علی محمد شیرازی آنها را حروف حی نامید، پیرامونش را گرفتند (آیتی، ۱۳۴۲ق: ج ۱، ۴۳). وی نخست، بخش هایی از قرآن را با روش شیخیه تأویل کرد و آشکارا بیان داشت که امام مهدی علیه السلام، او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشان را «ذکر» نامید.^۱ پس از مرگ محمد شاه و بالا گرفتن ادعاهای وی، میرزا تقی خان امیرکبیر - صدراعظم ناصرالدین شاه - براساس رأی برخی از عالمان، علی محمد شیرازی باب را به همراه یکی از پیروانش در تبریز اعدام کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۲ و ۲۰۵).^۲ این جریان پس از مرگ به اتمام نرسید و توسط برخی از انصار وی از جمله میرزا

۱. «اللَّهُ قَدْ قَدَّرَ أَنْ يَخْرُجَ ذَلِكَ الْكِتَابُ فِي تَفْسِيرِ أَحْسَنِ الْقَصَصِ مِنْ عِنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيَّ غَبْدِهِ لِيَكُونَ خُجَّةً لِلَّهِ مِنْ عِنْدِ الذِّكْرِ عَلَى الْعَالَمِينَ تَلْيِغاً» همانا خدا مقدر کرده که این کتاب از نزد محمد پسر حسن پسر علی پسر محمد پسر علی پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر حسین پسر علی پسر ابی طالب بر بنده اش برون آید تا از سوی ذکر (سید علی محمد) حجت بالغه خدا بر جهانیان باشد.

۲. ابوالفضل گلپایگانی از نویسندگان بهائی، در کتاب (فرائد) خود چنین می گوید: و به اصطلاح اهل اسلام که اکنون روی کلام به ایشان است، ظهور اول ظهور قائم موعود است و ظهور ثانی ظهور حسینی به لسان اهل تشیع و ظهور مهدی و

حسینعلی بهاء و میرزا یحیی صبح ازل ادامه یافت و توانست به گسست بخشی از جامعه ایران منتهی شود (بهائیان، نجفی، ۱۳۵۷ش).

پس از این جریان، مدعیان دیگری در ایران، ادعای مهدویت داشتند و به‌رغم نفوذ ایشان در برخی از نقاط کشور، اما این نفوذ به‌صورت محدود و کم‌دوام بود. برای نمونه پس از قاجار در دوران پهلوی همزمان با ملی شدن صنعت نفت در مناطق نفت‌خیز ایران، نهضت طلوعیان با شعار نزدیک بودن ظهور شکل گرفت و نزدیک به دو سال بخشی از مناطق بختیاری ایران تحت تأثیر این جریان قرار گرفت، اما بسیار زود از میان رفت (مرادخلج و روشنگر، ۱۳۹۳: ۱۵۳).^۱ با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسئله مهدویت در کانون توجهات قرار گرفت و فعالیت‌های فراوانی را به‌منظور ترویج این اندیشه شاهد بودیم. بخشی از این امر متوجه نوع تبلیغات مهدی‌گرایانه و تقویت گمانه‌های قریب‌الوقوعی امر ظهور است که سبب شد تا عده‌ای ساده‌دلانه و برخی نیز شیادانه به جرگه مدعیان مهدوی بپیوندند، طوری که گفته شده عده‌ای قابل توجه از این دست از مدعیان در زندان‌ها به سر می‌برند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۸۳).^۲ آنچه این دوران را از زمان‌های پیشین متمایز می‌کند، همان‌طور که بیان شد تنوع ادعاهاست. به‌عنوان نمونه، در این دوران می‌توان به مدعیان فرزندی حضرت^۳، دیدارهای پیاپی (اسحاقیان، بی‌تا: ۱۴۵)، یاری حضرت، انتفاع خاصه از امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف (حسین حجامی، ۱۳۹۶ش) و تطبیق‌های فراوان نشانه‌ها بر افراد گوناگون اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۶۷).^۴

یکی دیگر از نمونه‌های این دست از مدعیان احمداسماعیل بصری است. ادعاهای وی شباهت‌های فراوانی به بابیه دارد. احمدبن اسماعیل یا بنا برخوانش مریدانش احمدالحسن در سال ۱۹۶۸م (۱۳۴۷ش) در عشیره هنبوش و شهر بصره در خاندانی غیرسادات متولد شد و تحصیلاتش را تا لیسانس معماری ادامه داد. وی بعدها مدعی شد بنابر امر امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، به نجف هجرت کرد تا روش تدریس در حوزه علمیه را اصلاح کند. طرفدارانش بر این پندارند که وی در سال ۲۰۰۲م (۱۳۸۱ش) و پس از دیدن امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در رؤیا و خواب‌های پرشمار، اصلاح امور در حوزه را آغاز کرد. اما پس از مدتی، مدعی شد که از سوی حضرت، مأمور

نزول روح الله به اصطلاح اهل تسنن.

۱. این نهضت با نام مستر جیکاک و آقابابا رضایی گره خورده است. مهم‌ترین وعده آن‌ها ظهور قریب‌الوقوع امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف بود.

۲. این آمار به دوران تألیف کتاب مربوط است.

۳. دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات «ن.ز» آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.

۴. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتاب مهدیان دروغین ملاحظه کرد.

است تا آشکارا اعلام کند که فرستاده آن حضرت است. وی امروزه طرفدارانی در میان مردم دارد.

بیشتر ادعاهای مرتبط به مهدویت و نیابت خاص، همراه با انگیزه‌های سیاسی بوده است، اما همان‌طور که بیان شد تردیدی نیست که بیگانگان در ایجاد فرق مدعی بنیان‌گذار نبودند، باین‌حال و پس از پدید آمدن آنها، سعی در بهره‌برداری از آن داشتند. از این رو تلاش می‌کنند به گونه‌ای آنها را ساماندهی کنند تا بهترین بهره‌وری برای آنان فراهم آید.

اشرک‌داری بیگانگان

در دو سده اخیر و پس از ورود کشورهای استعمارگر به جهان اسلام، آنان از هر فرصتی برای تحت فشار گذاشتن دولت‌های اسلامی استفاده کردند. از رایج‌ترین روش‌های آنان در سرزمین‌های عثمانی، ایران و هند، دفاع از اقلیت‌های مذهبی یا مدعیان بوده است. این امر می‌توانست بهانه لازم را برای دخالت در امور داخلی این کشورها را فراهم سازد. در ایران نمونه دخالت آشکار بیگانگان در امور داخلی در جریان بابت علی محمد باب بوده است. این امر به خصوص در دوره‌ای که دولت قاجار به کمک صدراعظم کاردان خود امیرکبیر به شدت با جریان بهابیت برخورد کرد، اروپایی‌ها برای منافع خود سعی کردند تا خود را در این ماجرا وارد سازند و از آن استفاده کنند.

برای نمونه گفته شده که سفارت روسیه در جریان اعدام میرزا علی محمد باب، مداخلاتی داشته است. بعدها و در دوره‌ای که بهابیت با هدایت میرزا حسینعلی بهاء شکل گرفت، مداخله و حمایت روس‌ها و سپس انگلیسی‌ها بسیار بیشتر شد.^۱ نکته مهم این که برخی از افراد از سفارت خانه روسیه از جسد باب پس از اعدام هم نقاشی کشیدند که به نظر می‌رسد برای استفاده بعدی از عکس نعش او بوده است (نجفی، ۱۳۸۱: ۵۸۹).

این دست از رفتارها نیز سبب شد تا تردیدی وجود نداشته باشد که باب و طرفداران وی مورد توجه کانون‌های قدرت قرار گرفتند. بر این اساس نخستین گزارش‌ها در این زمینه تأکید دارند که یکی از افسران انگلیسی بر ملاحظه بشرویه یکی از مهم‌ترین مبلغان بابیه تأثیرگذار بوده است. در این باره فریدون آدمیت به اختصار چنین آورده است که تحقیقات بابیت سه مطلب را از یکدیگر تفکیک کرده است: (اصول عقاید باب، جنبه شورش بابیت در آغاز پیدایش آن و تحول آن از نظر انشعاب و آثار سیاسی). وی تصریح می‌کند «آئینی که باب

۱. بهائیان، ۵۸۹.

آورد با روشی که سران اولیه آن فرقه پیش گرفتند و آنچه بعد تحقق پذیرفته در عین همبستگی ظاهری در معنی از هم جدا هستند (همان: ۵۹۳).

نویسندگان دیگری هم بر این امر تأکید دارند که علی محمد شیرازی در پیوند با کانون‌های استعماری و در وابستگی با کمپانی هند شرقی غائله بابیت را پدید آورد و این دست از افراد تا بدان جا پیش رفتند که باب را حتی عامل کمپانی «ساسون‌ها» می‌دانستند. بر این اساس چنین تحلیل می‌کنند که حضور پنج ساله علی محمد شیرازی در تجارت‌خانه دایی خود در بوشهر و ارتباط او با کمپانی‌های یهودی و انگلیسی مستقر در این بندر و کارگزاران ایشان منشأ پیدایش بابیت بوده است، چراکه اندکی پس از این اقامت ادعای خود را اعلام کرد و با حمایت همان کانون‌ها بود که باب در مدت ۵ سال به سرعت مشهور شد و توانست نفوذ فراوانی بیابد. دوران اقامت باب در بوشهر مقارن است با سال‌های اولیه فعالیت کمپانی ساسون (متعلق به سران یهودیان بغداد) در بوشهر و بمبئی. ساسون‌ها در دهه‌های بعد به «امپراتوری تجاری شرق» بدل شدند و در زمره دوستان خاندان سلطنتی انگلیس جای گرفتند. خاندان ساسون بنیان‌گذاران تجارت‌تریاک بودند و با تأسیس بانک شاه‌ی انگلیس و ایران نقش بسیار مهمی در تحولات تاریخ معاصر ایران ایفا نمودند (زاهدانی، ۱۳۸۸: ۷۷).

برخی دیگر ریشه بابیت را در فعالیت‌های روسیه دانسته‌اند (شهبازی، نشر اینترنتی، ۲۱-۲۲). نظریه نقش روسیه در پیدایش بابیت نیز نظریه برون‌زا و دارای گزراش‌های قابل توجهی است. براساس یکی از این روایت‌ها محمد خالصی زاده ۱۳۴۲ش ریشه «سید» و روسی بودن بابیت را به سیدکاظم رشتی می‌رساند و چنین نگاشته است که وی اساساً پرورش‌یافته سرزمین‌های اسلامی نبوده است. بلکه او متولد یکی از بنادر روسیه به نام ولادی وستوک است به تبع این پروژه، بابیت نیز روسی معرفی شد. خالصی زاده در ادامه تأکید دارد: سیاست استعمار بود که شمارا وسیله‌ی القای اختلاف و ایجاد جنگ داخلی که مهم‌ترین حربه آنها برای امحای ملل و تسلط بر آنهاست قرار داد (خالصی زاده، بی‌تا: ۴۲).

بر این اساس کتابی با عنوان *خاطرات کیناز دالگورکی* منتشر شد که در آن نشان می‌داد دالگورکی با درآمدن به لباس یک روحانی شیعه به نام شیخ عیسی سعی کرده است تا علی محمد شیرازی را تحت تعلیم قرار دهد و در نهایت او را به ادعای بابیت و مهدویت کشانده است (افراسیابی، ۱۳۹۱: ۲۷۱). همچنین در جریان سوءقصد به ناصرالدین شاه بود که آشکارا

نقش روسیه به این ماجرا باز شده و دال گورکی برای نجات بهاء مأموریت مخصوصی داشت.^۱ گزارش‌های دال گورکی که در کتاب *تاریخ جامع بهائیت* گرد آمده است و بسیار حائز اهمیت دارد (همان: ۲۷۱ به بعد).

از جمله روایت‌های دیگری که معتقد است علی محمد شیرازی دست‌پرورده مأموران روسی است به همان سال‌های نخست پیدایش بابیت بازمی‌گردد. در این گزارش، حاکم وقت اصفهان منوچهر خان معتمدالدوله (گرجی) علی محمد شیرازی را نزدیک به یکسال در اصفهان پنهان می‌سازد. منوچهر خان گرجی از جمله اسیرانی بود که آغامحمدخان قاجار وی را از تقلیس به ایران آورده بود. این هویت منوچهر خان موجب شده بود که نویسندگان تاریخ اقدامات او در حمایت از علی محمد شیرازی به سیاست‌های روسیه نسبت دهند و معتقد شوند وی با هماهنگی با دولت روسیه از علی محمد حمایت کرده است. با این حال برخی دیگر همچون اعتضادالسلطنه علت حمایت وی از علی محمد را تضعیف عالمان اصفهان دانسته است و چنین نگاشته است که: منوچهر خان برای حکومت مطلقه خود در اصفهان دو مانع می‌دید: یکی خوانین بختیاری، دیگری روحانیون اصفهان. منوچهر خان خوانین بختیاری را به پول و زور و نیرنگ هر طور که بود رام کرد. ولی علمای اصفهان را از عهده برنمی‌آمد. چه علمای این شهر بی‌اندازه مقتدر بودند و قعی به حکومت سیاسی محلی نمی‌گذاشتند و حتی حدود شرعیه را و لو قتل به دست خود اجرا می‌کردند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۱۹).

اما به رغم تأکید این منابع، به جهت ضعف سندی منابع مذکور، نمی‌توان تأکید داشت که این دست از فرقه‌ها، توسط بیگانگان ایجاد شده است. برای نمونه وجود کتاب خاطرات سیاسی برای فردی به نام کیناز دال گورکی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و حتی در صورت وجود چنین خاطراتی نمی‌توان بر گزارش‌های آن چندان اعتماد کرد. در بهترین صورت ممکن برخی از گزارش‌ها آن چندان اعتماد کرد. در بهترین صورت ممکن برخی از گزارش‌های این کتاب می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

با این حال نمی‌توان نقش دولت‌ها بیگانه را در تقویت این جریان‌ها نادیده گرفت، برای نمونه اقدامات دولت روسیه و حمایت‌های دولت انگلیس از بهائیت سبب دوام و گسترش آن گردید، تا جایی که عباس افندی از دولت انگلیس لقب «سر» دریافت می‌کند و برای عظمت پادشاه وقت انگلستان دعاگو بود (افراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۲۴) در این میان برخی از خاورشناسان

۱. افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت: ۲۷۱.

همچون ادوارد براون نقش قابل توجهی در چاپ و نشر آثار بابیان و بهائیان و دیدار او با سران این فرقه‌ها داشته‌اند (موسوی گیلانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

بعدها مهم‌ترین کشوری که بهائیت با آن پیوندهای فراوانی پیدا کرد و در سده حاضر در جایگاه قدرتمندترین کشور استکباری قرار گرفت، کشور آمریکا بود که کمک شایانی به این جریان داشت. از نظر بهائیان هرچند ایران مهد بهائیت است، اما مهد نظم و ثقل امر بهائیت آمریکاست (روحیه ماکسول، بی تا: ۳۰۹) عبدالبهاء بر این باور بود که قدرت و عظمت بهائیت از طریق آمریکا جهانگیر خواهد شد. در حال حاضر مهم‌ترین مشرق الاذکار (محل برآمدن ذکر الهی) بهائیان در شهر شیکاگو آمریکا قرار دارد که سنگ بنای اولیه آن در سال ۱۹۱۲ م توسط عباس افندی گذاشته شده بود و از تمام مالیات‌های مرسوم در آمریکا معاف بود. آمریکا که سردمدار سرمایه‌داری در جهان است، از طرق گوناگون سیاسی، اقتصادی و غیر آن از فرقه بهائیت حمایت می‌نماید. بدیهی است که هدف از این پشتیبانی، تأمین همه‌جانبه منافع کشور آمریکاست. در این خصوص عبدالبهاء در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود «از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه. چه که مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود» (خطابات حضرت عبدالبهاء، بی تا: ج ۲، ۳۳).

نکته دیگر در چرایی همراهی پیگانگان با این دسته از فرق نو ظهور، شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در سده اخیر بوده است (شیرودی، ۱۳۸۱: ۲۹). پدیده‌ای که از سوی قدرت‌های استعماری به شدت حمایت و پشتیبانی می‌شود (ایوانف، ۱۳۵۶: ۴۷). این دست از استعمارگران به درستی این مهم را درک کرده بود که بدون تغییر در باورهای فرهنگی و معنوی جوامع اسلامی امکان دستیابی به اهداف خود را نخواهد داشت. از این رو سعی فراوانی کردند تا با تغییر ارزش‌های انسانی و اعتقادات دینی مسلمانان به این هدف دست یابند (جدید بناب، ۱۳۸۶: ۱۸۲). تسلط بر مراکز علمی، خبری و اطلاع‌رسانی، هنری و شبکه‌های تلویزیونی، بخش دیگری از اقدامات پیگانگان در راستای تضعیف و تخریب فرهنگ اسلامی بوده است (همان: ۶۹). از این رو حمایت از فرقه‌گرایی در جهان اسلام و ایجاد برهم زدن انسجام مسلمانان به خصوص در کشور از برنامه‌های راهبردی ایشان قلمداد می‌گردد. سیاست ترویج و تشویق فرقه‌گرایی در میان مسلمانان موجب گردید تا مسلمانان به جای انسجام به منظور تقابل با دشمن دیرینه اسلام (صهیونیزم)، به جنگ‌های بی‌حاصل با یکدیگر مشغول شوند. بر این اساس حمایت و تقویت فرقه بهائیت در ابعاد گوناگون در راستای این سیاست رژیم

صهیونیستی در طول عمر کوتاه خود بوده است. از این روست که سال‌ها پس از مرگ بهاء‌الله، منابع بهائی مدعی بشارت‌های وی مبنی بر تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین موعود شدند (آهنگ بدیع، ۲۰۹).

در این راستا برخی از بهائیان به نشانه روابط صمیمانه بهائیان و صهیونیسم مدعی شده‌اند که وقتی یهودیان صهیونیست به ارض موعود وارد شدند برای درک نصایح به خدمت عبداله‌ها رفتند (اشراق خاوری، بی‌تا: ۱۰۳). از این رو در جنگ جهانی اول که زمانی که رژیم انگلیس برای حمایت از یهودیان ساکن فلسطین در این منطقه دچار مشکل شد، مورد پشتیبانی بهائیان قرار گرفت. هربرت ساموئل که از خانواده‌های معروف یهودی انگلیسی و صهیونیست سرشناس بود، پس از اشغال و تصرف فلسطین توسط قوای انگلیس، به عنوان نخستین کمیسر عالی فلسطین انتخاب شد. وی توجه خاص ویژه‌ای به بهائیان و عبداله‌ها داشت و ضمن شرکت در تشیع جنازه عباس افندی، بهائیان را مورد تجلیل قرار داد (نجفی، ۱۳۸۱: ۶۸۶). در میهمانی‌های عباس افندی، افزون بر هربرت ساموئل، موشه شاروت از دوستان قدیمی عبداله‌ها و از مقامات عالی‌رتبه بعدی در رژیم صهیونیستی نیز حضور دائم داشته است. در سال ۱۹۴۷م، زمانی که مسئله فلسطین در جلسه عمومی سازمان ملل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت، شوقی افندی در نامه‌ای به رئیس کمیسیون مخصوص رسیدگی به مسئله فلسطین نوشت که موقعیت بهائیان در این کشور تا حدی منحصر به فرد است و از میان ادیانی مانند اسلام، مسیحیت و یهود، تنها یهودیان هستند که علاقه آنان نسبت به فلسطین تا اندازه‌ای قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است (همان: ۶۸۹). شوقی در سال ۱۹۵۱م در تلگراف مربوط به تشکیل هیئت بین‌المللی بهائی (بیت‌العدل بعدی)، یکی از علل مهم تأسیس این هیئت را پیدایش ملت مستقل اسرائیل و تأسیس حکومتی از طرف آن ملت عنوان می‌نماید (آهنگ بدیع، ۷). روحیه ماکسول، همسر شوقی افندی نیز پیوند و ارتباط بهائیت و صهیونیسم را این‌گونه عنوان می‌کند که «من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان (بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو نما نماید و در حقیقت باید گفت آینده ما یعنی بهائیت و اسرائیل چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است» (گلپایگانی، ۲۰۱۵م: ۶۰۱). روابط رژیم صهیونیستی با بهائیان و صمیمیت بین آنان در این خبر که در نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران درج شده مشهود است: با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و در ملاقات با بن‌گوریون، نخست‌وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان برای پیشرفت دولت مزبور به او ابلاغ

نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند (همان: ۸). بیت‌العدل که خطاب به محفل‌های بهائیان ایران نوشته شده است نیز این روابط مشهود است. در این نامه آمده است که روابط حکومت اسرائیل با حضرت ولی امرالله کاملاً با هیئت بین‌المللی بهائی دوستانه و صمیمانه است و در خصوص شناسایی بهائیت در اسرائیل نیز موفقیت‌هایی حاصل گردیده است (همان: ۱۶). براساس اسناد ساواک در سال ۱۳۴۶ش، بهائیان ایران نیز در قبال حمایت‌های اسرائیل از بهائیان، کمک مالی هنگفتی را به اسرائیل ارسال نمودند. رژیم اشغالگر قدس در ادامه حمایت‌های خود از بهائیان در سرزمین‌های اشغالی، تمام اماکن و موقوفات بهائیان را از عوارض و مالیات معاف نمود، عقدنامه بهائی و ایام متبرکه بهائیان را به رسمیت شناخت. پس از مرگ بهاءالله بر سر رهبری فرقه و تسلط بر اماکن بهائیان، اختلافات و حتی انشعابات در میان بهائیان به وجود آمده بود که تا سال‌ها ادامه داشت. با حمایت‌های رژیم اشغالگر قدس، شوقی افندی توانست بر رقبای فرقه‌ای خود فائق آمده و دارایی‌های آنان را مصادره نماید. افزون بر آن این رژیم، تنها جناح شوقی را در میان انشعابات بهائیت به رسمیت شناخت (همان: ۲۵۹). به‌طورکلی روابط صهیونیسم و بهائیت براساس انتفاع متقابل سیاسی و اقتصادی بنا گذاشته شده و محوریت آن نیز تخریب و تضعیف جوامع و ملل اسلامی است. به همین جهت است که با آن که برخی از نویسندگان غربی، به‌رغم اذعان به ابعاد گسترده خاصیت واپس‌گرایانه بابیت، هم‌چنان به دفاع از آن برخاسته‌اند؟ به نظر می‌رسد این امر به جهت ایجاد اختلاف در میان مسلمانان بوده است. افرادی چون براون و آلفونس نیکلاز این که دو نهاد تاریخی مهم ایران یعنی روحانیت و حکومت توسط بابیت به چالش کشیده شدند احساس رضایت داشتند. از این رو، به‌صورت متناقض‌نمایی، این جنبش ارتجاعی را، که مصادیق بی‌شمار واپس‌گرایانه آن حتی در آثار آنها نیز مندرج است، پدیده‌ای مترقی و اصلاح‌گر تعریف کرده‌اند. جرج کرزن، مأمور انگلیس که برای کتاب ایران و قضیه ایران، برای تحقیق میدانی به ایران آمده بود تأکید داشت که با شکست فعالیت هیأت‌های مذهبی مسیحی در برابر اقتدار عالمان، بابیت را جایگزین مناسبی برای مبلغان مسیحی تشخیص دادند. کرزن در ادامه همین دیدگاه از مهم‌ترین دلایل خصومت مأموران خارجی با روحانیت شیعه را این می‌داند که به‌رغم آزادی تبلیغ مسیحیت، که حکومت قاجار به هیأت‌های تبلیغی مسیحی داده است، روحانیان شیعه با فعالیت‌های تبلیغی خود اثر اقدامات آنان را خنثی می‌کردند و مانع مسیحی شدن مردم ایران می‌شوند (جرج ناتانیل کرزن، ۱۳۶۲: ۶۴۲-۶۴۴).

پس از شکست باییت و کشته شدن رهبران اولیه آن، عرصه به دست نسل جدیدتری افتاد که به دلیل مقاومت علمای شیعه و مرجعیت دینی در مقابل استفاده ابزاری این جریان از دین، ستیزه جویی خود را علیه کانون مرجعیت دنبال کردند. این امر به خصوص پس از روابط مناسب ایشان با دولت‌های انگلیس، روسیه و آمریکا، گسترش یافت. مأموران دول غربی حساسیت ویژه‌ای به قدرت روحانیت شیعه و ساختار آن داشتند. این موضوع را در خاطرات هاردینگ آشکارا می‌توان دید؛ جایی که وی به تحلیل ساختار قدرت در روحانیت می‌پردازد و در کتاب خود رضایتش را از تقابل بابی‌ها و بهایی‌ها با روحانیت پنهان نمی‌سازد. در گوشه‌ای از خاطرات او چنین آمده است: «بابی‌ها احترام فوق‌العاده‌ای برای تعالیم و معجزات عیسی مسیح قائل‌اند، جالب‌ترین خصیصه بهائیان در نظرم شباهتی بود که میان گرایش‌های مذهبی این گروه و معتقدات «انشعابیون مسیحی» نظیر اولادها در انگلستان و هوسیت‌ها در بوهم (بخش غربی جمهوری چک) وجود داشت و این شباهت بالأخص در آن نفرتی که بهایی‌ها نسبت به مطامع دنیوی و مقاصد سیاسی روحانی نمایان شیعه نشان می‌دادند بیشتر به چشم می‌خورد (هاردینگ، ۱۳۶۳: ۱۳-۱۵). افزون بر مورد بالا در گزارشی سفیر روسیه در ایران چنین تأکید داشت: «خیلی خوب است که فرقه بابیه با علمای اسلام مخالفت و مبارزه شدید شروع کرده و آنان را متهم به انحراف نماید» (نجفی، ۱۳۸۱: ۵۹۴).

بر این اساس دور از ذهن نیست که یکی از دلایل همراهی بیگانگان با این دسته از جریان‌ها، مخالفت ایشان با روحانیت بوده است. این مهم بیشتر به جهت رفتار تقابل‌گرایانه روحانیون شیعی در برابر زیاده‌خواهی بیگانگان بوده است. چنان‌که روحانیت شیعه در میان کاست‌های فرودست نفوذ فراوان داشته و در برابر حاکمیت همواره رفتاری محتاطانه و در زیاده‌خواهی کشورهای استعمارگر رفتار اقتدارگرایانه داشتند (مدنی، ۱۳۸۰: ۵۵) نمونه‌های مشهور آن در قراردادهای دوران قاجار (رژی، رویتر، تنباکو و...) و پهلوی (صنعت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و...) می‌توان برشمرد. در عین حال سعی فراوانی داشتند تا استقلال سرزمینی و هویت ایرانی شیعی را حفظ کنند.

این مهم براساس نیاز عمومی مردمی ایران که همواره بر مذهب و مشخصه‌های آن تکیه داشته‌اند استوار شد و با همدلی گسترده مردم مواجهه شد. تأکید بر استقلال از دولت‌های سلطه‌گر بر این کشور نیز از شعارهای اساسی این گفتمان مرجعیت شیعه در تمام دوران معاصر تاکنون بوده است. در این جریان روحانیان شیعه سهم بزرگی در هدایت و آگاهی بخشی و رهبری مردم داشتند.

بنابراین طبیعی بود همراهی با مخالفان جریان روحانیت شیعی در راهبرد این دست از دولت‌ها قرار گیرد. از این رو هر دو دولت روسیه و انگلیس و بعدها دولت آمریکا، از هر جریانی که در برابر مرجعیت شیعی قرار می‌گرفت، حمایت می‌کردند و این روند هم‌چنان ادامه دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: احمدی کچایی، ۱۴۰۳).

همچنین این نظریه دور از ذهن نیست که جوامع غربی براساس تجربه‌ای در قرون گذشته کسب کرده بودند، از دست رفتن اقتدار کلیسا را موجب تجزیه کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک‌تر دیدند از این رو تلاش کردند براساس همان تجربه، از طریق تقویت جنبش‌های اجتماعی خاص، اقتدار و انسجام مذهبی ایران را از میان ببرند تا تجزیه و مدیریت آن آسان‌تر شود. این نظریه با تفکیک دو نوع اقتدار «دینی» و «جابرانه» در دوران قاجار اعمال اقتدار دینی را مربوط به روحانیان و اعمال اقتدار جابرانه را مربوط به حکومت و شاه عنوان می‌کند. بر این اساس «رشد ملی‌گرایی و تفکیک از آثار «نوگرایی مذهبی» در اروپا علاوه بر «رشد سرمایه اروپا به کشورهای مستقل از کلیسای کاتولیک مستقر در رم بود». یعنی با شکست اقتدار مذهب کاتولیک در اروپا، مجال برای رشد ملی‌گرایی و جدا شدن قومیت‌های مختلف به عنوان کشورهای مستقل فراهم شد. به نظر می‌رسد همین تجربه به الگویی در دست سیاستمداران روسیه و انگلیس در سده نوزدهم تبدیل شد تا آن سیاست را در منطقه غرب آسیا اجرا کنند. آنان با استفاده از نوگرایی دینی در کشورهای عثمانی، هندوستان و ایران در پی شکستن اقتدار ملی آنان و تقسیم این کشورها به قطعات کوچک‌تر برآمدند. وهابیت در سرزمین عثمانی و قادیانی‌گری در هندوستان همان کارکردی را داشتند که باییت در ایران داشت. بر این اساس دولت‌های استعماری پس از آن که به لحاظ تاکتیکی تغییر سیاست دادند و پس از ناامیدی از شکستن اقتدار ملی از این راه، درصدد استفاده از این روش در استقرار نظام اجتماعی وابسته به غرب در ایران برآمدند و آنها را به عنوان یکی از کنشگران اجتماعی ایران در پروژه و برنامه دیگری به کار گرفتند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۴).

بنابراین می‌توان گفت که نقش بیگانگان بیشتر ایجاد موج افزایشی در میان پیروان این دسته از فرق نوظهور بود و آنچه مورد توجه بیگانگان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی در ایران همواره مورد توجه بوده است، ایجاد اختلال در نظم عمومی جامعه است از این رو این دست از فرقه‌ها مورد توجه فراوان ایشان بوده‌اند.

این نکته شایسته بیان است که در برابر رفتار بیگانگان رهبران انقلاب اسلامی همواره تأکید فراوانی بر اصل اتحاد داشتند و به اندازه‌ای بر این اصل مهم تأکید داشتند که گسترده‌ای آن

خود می‌تواند در پژوهش‌های دیگر مورد توجه قرار گیرد. در این بخش تنها به یک مورد از فرمایشات ایشان اشاره می‌شود. از جمله در نخستین سخنرانی امام خمینی رحمته الله علیه بر این اصل مهم بسیار تأکید شد و این امری بود که همواره توسط ایشان مورد مطالبه قرار می‌گرفت.^۱ همچنین مقام معظم رهبری نیز به این اصل بسیار مهم توجه فراوان داشتند.^۲ به باور نگارنده نظریه وحدت و اتحاد ملت، توسط رهبران جمهوری اسلامی، کاملاً هوشمندانه در تقابل با نظریه چالش برانگیز، اختلاف در میان ایرانیان، توسط استعمارگران است. نکته بسیار مهم و پایانی به عنوان یک پیشنهاد آن است که باید به مردم ایران اصل بسیار مهم وحدت را یادآور شد و تأکید شود که برخی از نظریه‌پردازان غربی در دوران گذشته تاکنون در تقابل این اصل مهم، ایجاد اختلاف در میان ایرانیان را مصدر کار خود قرار داده‌اند که در دوران کنونی مهم‌ترین آنها جان فوران است. بنابراین یکی از بهترین روش‌ها برای ایجاد اختلاف کمک به فرقه‌سازی در میان کشور است، از این رو می‌بایست در برابر این دست از رفتارهای تقابل‌گرایانه، افزون بر آگاهی ملت، با افراد سودجو برخورد مناسب شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بیان شد که چگونه فرق مدعی در دوران معاصر ایران به تکاپو مشغول شدند و با ادعاهای ناهمگون خود، انسجام اجتماعی مردم این سرزمین را هدف گرفتند. این دسته از مدعیان با طرح ادعاهای همچون ارتباط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه؛ نیابت و باب آن

۱. از این به بعد توجه به بسیاری از امور لازم است که عمده‌ی آن توجه به حفظ وحدت کلمه است. ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم؛ باز باید همه‌ی اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم. من به همه‌ی ملت توصیه می‌کنم که به همین نحو که تاکنون به وحدت کلمه‌ی خودشان ادامه داده‌اند از این به بعد هم ادامه دهند. و برای ساختن دوباره ایران نیز، حضور و مشارکت همه را لازم و ضروری عنوان می‌کنند: «اینک ما باید ایران را بسازیم؛ از نو بسازیم ولی مشکلات دارد مشکلات فقط با دولت رفع نمی‌شود، مشکلات با یک قشر یا دو قشر از ملت رفع نمی‌شود. همه‌ی ملت باید دست به هم بدهند و هرکس در هر شغل، مقام و مکانی که هست، دست به دست ملت بدهد و با هم این بنای جدید را به پایان برسانیم، و یک ملت جدید و یک دولت جدید و یک بنای جدید که همه اسلامی باشد و همه انسانی باشد ما از سر بنا کنیم». ۱۳۵۷-۱۱-۱۲ش رک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

۲. «امام بزرگوار از روز اول روی یکی از چیزهایی که همیشه تکیه می‌کرد، مسئله‌ی «اتحاد» بود. بعضی‌ها با یکدیگر سر مسائل جناحی، مسائل سیاسی اختلاف پیدا می‌کردند، امام (رضوان الله علیه) به اینها نهیب می‌زد و می‌گفت: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید»... به نظر من رقابت‌های داخلی به جای خودش محفوظ، اما همه باید با هم باشند، همراه باشند. در یک خانواده ممکن است دو برادر با هم دو سلیقه‌ی مختلف داشته باشند اما برادری‌شان از بین نمی‌رود؛ کار به دشنام و دروغ و اهانت و مانند اینها نباید بکشد؛ این را همه باید مراقبت کنند» ۱۴۰۳/۱/۱. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

حضرت، ادعای مهدویت، ادعای نبوت و... سعی وافری داشتند تا در دوره‌های که ایرانیان با بحران‌های اجتماعی روبرو بودند، برای خود طرفدارانی داشته باشند. در این میان این مهم تبیین شد که پیگانگان به جهت ساختارهای اجتماعی در ایران توان ساخت و ایجاد فرقه در ایران را نداشتند، در عین حال با پیدایش مدعیانی در کشور به پشتیبانی از آنها دست می‌زدند. این دست از حمایت‌ها بیشتر به جهت برهم زدن انسجام اجتماعی در میان ایرانیان بود تا به این وسیله اهداف استعماری خود را در کشور به سرانجام برسانند.

منابع

- احمدی کچایی، مجید (۱۴۰۳)، *صدافت در ایران معاصر*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اسحاقیان، جواد (بی‌تا)، *پیچک انحراف*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- اشراق خاوری، عبدالحمید (بی‌تا)، *گنجینه حدود و احکام*، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری.
- افراسیابی، بهرام (۱۳۹۱)، *تاریخ جامع بهائیت (کالبدشکافی بهائیت)*، بی‌جا: مهر فام.
- ایوانف، یوری (۱۳۵۶)، *صهیونیسم*، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: امیرکبیر، سوم.
- آیتی، سید محمد باقر (۱۳۴۲ ق)، *الکواکب الدرّیة فی مآثر البهائیه*، مصر: بی‌نا.
- جدید بناب، علی (۱۳۸۶)، *عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، سوم.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *مهدیان دروغین*، به ضمیمه سه رساله: رساله در شرح حدیث دولتنا فی آخر الزمان؛ رساله مبشره شاهیه؛ رساله الهدی سید محمد نوربخش، بی‌جا: نشر علم.
- حجامی، حسین (۱۳۹۶)، *به سوی انحراف*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی پرونده انحرافات «ن.ز»، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
- زاهد زاهدانی، سعید (بی‌تا)، *بهائیت در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- السلطنه، اعتضاد (۱۳۶۲)، *فتنه باب*، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱)، *فلسطین و صهیونیسم*، تهیه‌کننده: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی‌جا: نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در

- سپاه.
- شیروودی، مرتضی (بی تا)، *فلسطین و صهیونیسم*، بی جا: نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، *مقاومت شکننده*، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.
- کافی، محمد مهدی (بی تا)، *قبیله حیل*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت).
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: غ وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلیاگانی، ابوالفضل (۲۰۱۵م)، *کتاب فرائد*، آلمان: مؤسسه ملی مطبوعات امری، اول.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۳)، «مقاومت شکننده جان فوران/ تحلیلی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران در خصوص تحولات تاریخ معاصر ایران، *مجله زمانه*، سال سوم، شماره ۲۱.
- مازندرانی، فاضل (بی تا)، *تاریخ ظهور الحق*، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مراد خلج، محمد مهدی؛ روشنگر، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «پدیده طلوعیان و نقش انگلیسی ها در شکل گیری آن»، *دوفصل نامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران*، شماره ۵.
- موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۸۵)، *مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- نجفی، سید محمد باقر (۱۳۸۳)، *بهایان*، قم: مشعر، اول.
- یاسینی نسب، عبدالعلی (۱۳۶۳)، *خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ، وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاسینی نسب، عبدالعلی (۱۳۸۲)، *خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیاز دال گورکی در ایران*، بی جا: صبوری.



Quranic Spirituality on the Resistance Front, Its Characteristics and Functions (With Emphasis on the Statements of the Imams of the Revolution)

Seyyed Ebrahim Mousavi ¹

Dr. Yaqoub Barzegar Shani ²

Abstract

The divine and spiritual nature in man is what distinguishes man from animals, who, with the breath of the divine spirit into his physical body, was honored to take off the robe of God's vicegerency on earth and was prostrated before the angels, and received the medal of merit of connection with God. This spiritual relationship with the principle of power of "Allah" is the secret of survival, superiority, strength, and authority of resistance on the front of arrogance and global Zionism. Therefore, the flourishing of that spiritual and innate seed of human existence, with Quranic spirituality and its strengthening, deepening and strengthening on the fronts of resistance, is a vital matter and its status assessment is a necessity. Accordingly, the present research seeks to extract and explain the characteristics and functions of Quranic spirituality through library study and analytical-descriptive and argumentative methods, from the perspective of the Quran and the Imams of the Revolution. The research findings show that rational knowledge, faith in guardianship and guardianship, knowledge of the enemy, piety, and practical commitment to divine limits are among the characteristics of Quranic spirituality on the resistance front. On the other hand, it has functions on the resistance front. Among them are: breaking the deadlock, increasing insight, increasing strength and resilience, seeking divine help and victory, increasing hope, and taking high risks. The inevitable result of which is authority, resilience, intimidation, invincibility, and becoming a role model for other fighting forces in the world against global Zionism.

Keywords: Quranic spirituality, characteristics, functions, guardianship, insight-building, intimidation

-
1. Lecturer and researcher at the Department of Education, Imam Hussein University, Tehran, Iran(Corresponding Author)(mosaviebrahim8@gmail.com)
 2. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran(a.shani110@chmail.ir)

معنویت قرآنی در جبهه مقاومت، شاخصه‌ها و کارکردهای آن (با تأکید بر بیانات امامین انقلاب)*

سیدابراهیم موسوی^۱

یعقوب برزگر شانی^۲

چکیده

فطرت الهی و معنوی در انسان، وجه تمایز آدمی با حیوان است که با نفخه‌ی روح الهی در کالبد جسمانی‌اش، مفتخر به خلعت جانشینی خدا در زمین و مسجود فرشتگان گردید و مدال شایستگی ارتباط با خدا را دریافت نمود. همین رابطه معنوی با مبدأ قدرت «الله» رمز و راز بقاء، تفوق و قدرتمندی و اقتدار جبهه مقاومت بر جبهه استکبار و صهیونیسم جهانی است؛ بنابراین؛ شکوفایی آن بذر معنوی و فطری وجود انسان، با معنویت قرآنی و تقویت، تعمیق و استحکام بخشی آن در جبهه‌های مقاومت، امری حیاتی و وضعیت‌سنجی آن، از ضروریات است. براین اساس، پژوهش حاضر در صدد است تا شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی را با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی و استدلالی، از منظر قرآن و امامین انقلاب، استخراج و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معرفت عقلانی، ایمان ولایی و ولایت‌مداری، دشمن‌شناسی، تقوا و التزام عملی به حدود الهی از جمله شاخصه‌های معنویت قرآنی در جبهه مقاومت است. از طرفی، دارای کارکردهایی در جبهه مقاومت است که؛ بن‌بست‌شکنی، بصیرت‌افزایی، توان‌افزایی و تاب‌آوری، امداد و نصرت‌یابی الهی، امیدافزایی و ریسک‌پذیری بالا از جمله آنهاست که نتیجه حتمی آن، اقتدار، تاب‌آوری، رعب‌افکنی، شکست‌ناپذیری و الگو شدن برای دیگر نیروهای مبارز دنیا در برابر صهیونیسم جهانی است.

واژگان کلیدی

معنویت قرآنی، شاخصه‌ها، کارکردها، ولایت‌مداری، بصیرت‌افزایی، رعب‌افکنی.

مقدمه

بذر معنویت قرآنی در آدمی، با نفخه روح الهی در کالبد جسمانی‌اش، دمیده شد: «نَفَخْتُ رِيَهُ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹)؛ آدمی با این معجون فطری که خمیره انسان به آن مخمر و مغطور

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

۱. مدرس و پژوهشگر گروه معارف دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران، ایران (نویسنده مسئول) (mosaviebrahim8@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران، ایران (a.shani110@chmail.ir).

گشته: «فَظَرَّتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)؛ آن چنان دارای خلقت بدیع معنوی گردید که مفتخر به خلعت جانیشینی خدا در زمین گشت: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و شایستگی مظهر تجلی اسماء و صفات الهی گردید: (آل عمران: ۴۹) و همین معنویت قرآنی، وجه تمایز انسان از حیوان است که در صورت غفلت از خداوند، به حیوانیت و پست تر از آن سقوط خواهد کرد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹). و برای نجات از سقوط در ورطه حیوانیت، راهی جز شکوفایی آن بذر معنوی فطری و رشد نفخه الهی با معنویت قرآنی وجود ندارد که در این صورت با برخورداری از حیات انسانی به حیات معنوی و حیات طیبه قرآنی دست خواهد یافت: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) که رمز بقاء جبهه مقاومت و تداوم و استمرار اقتدار آنها، دستیابی به این قدرت معنوی و حیات طیبه و تعمیق و استحکام آن است که با اتصال به سرچشمه قدرت الهی، به یک قدرت بلامنازع شکست ناپذیر و بی رقیب تبدیل خواهند گشت: «إِنْ يَنْصَرِكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد. در این صورت است که هیچ قدرت مادی دنیا، زهره ایستادگی در برابر این قدرت متصل به قدرت مطلق شکست ناپذیر الهی را که لشکرهای نامرئی همچون رعب را بر دشمنان مسلط خواهد کرد نخواهد داشت. «سَتَلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (آل عمران: ۱۵۱). چون پیروزی، متعلق به چنین قدرت معنوی و اقتدار معنوی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۴/۲۹). بنابراین، مسئله تحقیق این است که معنویت در جبهه مقاومت با چه شاخصه‌های قرآنی قابل سنجش و کارکردها و اثربخشی آن چیست؟

اهمیت و ضرورت

ضرورت وجود معنویت قرآنی در جبهه مقاومت و استخراج شاخصه‌ها و تبیین کارکردهای آن از این جهت اهمیت دارد که اولاً رمز بقای، استمرار، تفوق و برتری اقتدار جبهه مقاومت در همه عرصه‌های ملی و بین‌المللی، به این قدرت معنوی و اتصال به سرچشمه قدرت «الله» و سلسله ولایت الهی وابسته است که موجب نصرت الهی و رمز اصلی شکست ناپذیری آنها خواهد بود (آل عمران: ۱۶۰)؛ چون «پیروزی، متعلق به چنین قدرت معنوی و اقتدار معنوی است». (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۴/۲۹؛ ۸۹/۶/۳۱) و مهم‌ترین عامل تغییر موازنه قدرت در صحنه جهانی در برابر دشمن رقیب، به تصریح قرآن کریم، همین قدرت معنوی ایمان است (انفال: ۶۵). دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اروپایی در برابر

گروه کوچک غزه و حزب الله و جبهه مقاومت مؤید این مدعاست. ثانیاً با نگاه به قله معنویت شاخصه‌های معنویت قرآنی، باید پیوسته مورد ارزیابی قرار گیرد و با رفع کاستی‌ها و تقویت آن شاخصه‌ها، به حد مطلوب برسد. چون اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پائین‌تر رود آدمی دچار لغزش‌ها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۱۷).

پیشینه تحقیق

معنویت آدمی، از بدو خلقت که پا به عرصه زمین گذاشت مطرح و همراه او بوده است و پژوهش‌های مکتوبی در طول تاریخ در این موضوع انجام گرفته است؛ ولی تاکنون هیچ مقاله، کتاب و رساله‌ای با عنوان مقاله پیشرو که به بیان شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی به صورت ترکیبی و بعد از بیان دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی به مستندسازی آن دیدگاه‌ها با آیات قرآن نگارش یافته باشد وجود ندارد. ولی پژوهش‌هایی مرتبط در این خصوص تدوین شده است از قبیل: ۱. شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث (همتی مامو، ۱۳۹۶هـ)؛ ۲. نقش و جایگاه معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه مقام معظم رهبری جهان بیگری و صمیمی (۱۳۹۷)؛ ۳. معنویت سازمانی در نیروهای مسلح از منظر مقام معظم رهبری خلیلی و همکاران (۱۴۰۰)؛ ۴. مقاله‌ای با عنوان شیوه‌های مؤثر در ارتقای و تقویت معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه امام خامنه‌ای (جعفری، ۱۳۹۱)؛ ۵. مقاله‌ای دیگر نیز با عنوان معنویت‌گرایی در قرآن (رودگر، ۱۳۸۸). ولی مقاله پیشرو، با دلایل زیر، یک کار جدید و متمایزی است که وجه امتیاز و برجستگی آن را روشن می‌نماید:

مقاله پیشرو، با این عنوان، یک اثر ترکیبی و جدید است که بعد از بیان شاخصه‌ها و نیز کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت از منظر امامین انقلاب، به مستندسازی آن با آیات قرآن نگارش یافته است.

شاخصه‌ها و نیز کارکردهای معنویت قرآنی در این پژوهش، اضافه بر جامعیت و ترکیبی، در هیچ‌یک از آثار قبلی نیامده است. چنان‌که اثر اول که به شاخص‌های جامعه معنوی پرداخته کوچک‌ترین اشاره‌ای به کارکردهای آن شاخص‌ها نداشته و نیز در بیان شاخص‌ها به صداقت و عدالت‌محوری اشاره داشته و هیچ اشاره‌ای به شاخصه‌های مورد اشاره در این پژوهش پیشرو نداشته است. اثر دوم و سوم نیز همین‌گونه است گرچه از منظر مقام معظم رهبری به مقوله معنویت اشاره نموده است. ولی کاملاً متمایز با پژوهش پیشرو است؛ چون نه به کارکردها و نه به شاخصه‌های مورد اشاره در این مقاله پیشرو اشاره داشته و نه به مستندسازی بیانات

رهبری معظم با آیات قرآن نپرداخته است.

روش تحقیق

مقاله پیشرو در صدد است تا بامطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی و استدلالی، شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی را با تاکید بر بیانات امامین انقلاب اسلامی و با مستندسازی آنها براساس آیات قرآن کریم، استخراج و تبیین نماید.

مفهوم‌شناسی

برخی واژگان و اصطلاحات پرکاربرد نیاز به بررسی لغوی و اصطلاحی دارد که در این مبحث به آنها پرداخته می‌شود.

۱. معنویت قرآنی

معنویت مصدر جعلی، به معنای معنوی بودن، منسوب به معنا مقابل لفظ است. باطنی و روحانی، مقابل مادی و ظاهری است (دهخدا، ۱۳۲۵: ج ۱۳، ۱۸۷۱). امور غیرمادی که با قوای روحانی و فکر و اندیشه انسان سر و کار دارد (جوهری، ۱۳۷۰: ج ۲، ۱۷۱).

معنویت براساس پیش‌گفته، می‌تواند قرآنی و اسلامی باشد و یا غیراسلامی همچون معنویت‌های ادیان الهی تحریفی مثل تورات و انجیل و یا معنویت عرفان‌های کاذب و مکاتب مادی و جوامع سکولار که انحرافی و همراه با افراط و تفریط بوده و بار کجی است که انسان را به سرمنزله مقصود نخواهد رساند. و منظور از معنویت قرآنی، همان رویکرد خودسازی روحی، اخلاقی و معنوی با نگرش معنویت اصیل اسلامی است که محوری‌ترین شاخصه آن، توجه به خدا و انجام عمل برای اوست و خدا را در همه حال، حاضر و ناظر دانستن که قرآن کریم از این معنویت مبتنی بر ایمان به خدا، به حیات طیبه تعبیر می‌نماید (نحل: ۹۷).

بر این اساس معنویت (دینی) از منظر مقام معظم رهبری یعنی راز و نیاز با خدا، ارتباط دل‌ها با خدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دلبستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۷).

۲. شاخصه

به علامت ثابت برای جهت‌یابی و به هر چیز مرتفع و برآمده، شخص می‌گویند. به رئیس و رهبر و فرد ممتازی که سخنانش در پیروانش، مسموع و مورد اطاعت است؛ شاخص گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ۱۲۳۱). بنابراین منظور از شاخصه‌ها در مقاله، یعنی آن



نشانه‌ها، علامت‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات برجسته‌ای که هر فرد با معنویت قرآنی با آن شناخته می‌شود.

معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

در این مقاله به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت اشاره می‌شود.

شاخصه‌های معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

معنویت قرآنی دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی است که در این جا به برخی از آنها اشاره و تبیین می‌شود.

۱. معرفت عقلانی

یکی از شاخصه‌های اساسی معنویت قرآنی، معرفت عقلانی است. معنویت از منظر قرآن بر عقل و عقلانیت استوار است. از منظر مقام معظم رهبری، یکی از پایه‌های اساسی معنویت، اعتقاد به معاد و زندگی ابدی است که با برهان عقلی و نقلی اثبات می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۷/۲۴).

وقتی که آدمی، با براهین و دلایل عقلی، برداشت درست، همه‌جانبه و کاملی از هستی، خویش و از خدای خود نداشته باشد قطعاً بین خود و خدای خود نمی‌تواند رابطه منطقی و حقیقی و درستی برقرار نماید؛ بر این اساس، اگر آدمی، برداشت و استنباط منطقی و عاقلانه‌ای از جهان و هستی نداشته باشد به رشد، تکامل و ترقی خویش نمی‌تواند اقدام نماید (رودگر، ۱۴۰۱: ۲۶). به همین جهت در آیات و روایات توجه و تأکید خاصی به مسئله معرفت نفس شده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله منظور از عبارت‌های قرآنی پیش رو را همان معرفت نفس دانسته: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده: ۱۰۵) و «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا... فِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت: ۵۳) به زودی نشانه‌های خود را... در دل‌های شان به آنها نشان خواهیم داد. «و روی زمین و در خود شما برای اهل یقین نشانه‌هایی است» (ذاریات: ۲۰-۲۱) و نیز از جمله تفاسیر این حدیث مشهور نبوی که می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ۱۶۵-۱۷۰). این است که این حدیث با استدلالی تمثیلی در باب خداشناسی، «عقلانیت تمثیلی»؛ را تایید و به رسمیت می‌شناسد. توضیح این‌که چون رابطه بین روح آدمی و بین مظاهر و تجلیات آن، کاملاً به مثابه رابطه خدا و نظام هستی می‌باشد هر فردی که شناخت درست و صحیحی از روح و نسبت آن با تظاهرات و تجلیات آن داشته باشد از خداوند نیز شناخت صحیحی خواهد داشت

(ملکیان، ۱۳۸۰، ۲۲).

اگر انسان رشدشناسی نداشته باشد و از عوالم هستی و مراتب وجود خویشتن درک و دریافتی عقلانی و مطابق با واقع پیدا نکند، سیر و سلوک عقلی و قلبی برای او دشوار یا ناممکن خواهد شد (رودگر، ۱۴۰۱: ۲۶) به همین خاطر در قرآن اولین گام برای رشد معنوی، تفکر و تعقل است. خداوند آدمی را دعوت به تفکر در عالم خلقت مثل خلقت آسمان‌ها و زمین، رؤیت نظام عالم و... می‌کند؛ به عنوان مثال می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ...»: آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و... (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! و... (اعراف: ۱۸۵)؛ نیز خداوند در مورد تفکر در خود می‌فرماید: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟» و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما نیز آیاتی است؛ آیا نمی‌بینید؟» (یونس: ۲۰-۲۱)؛ تفکر موجب رشد است. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ: فکر، عامل هدایت آدمی به رشد است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۷۳).

در نگرش قرآن ثمره معنویتی که از معرفت عقلانی نشئت گرفته شده باشد احساس امنیت و آرامش است که در صورت رویارویی با بحران‌ها و مصیبت‌ها، انسان، خدا را در کنار خود حس می‌کند و به این ترتیب دلگرم و امیدوار می‌شود (رعد: ۲۸).

۲. ایمان ولایی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های معنویت که در قرآن کریم بدان اشاره شده است و مورد تأکید مقام معظم رهبری است؛ ایمان است. نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحرک و نشانه اقتدار ملت‌اند... ما بر روی عناصر معنوی اقتدار تکیه می‌کنیم که عناصر اصلی اقتدار معنوی، ایمان، توکل و حسن‌ظن به خداست که دل‌ها را برای ورود در میدان‌های دشوار، آماده و گام‌ها را برای پیمودن جاده‌های سخت، استوار و مشکلات را در پیشروی چشم، کوچک می‌نماید (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴).

از جمله امور معنوی از منظر قرآن، ایمان به خداست؛ در واقع، ایمان به خدا، نوعی بینش خاص از هستی و نوعی گرایش خاص پس از آن شناخت است که در قرآن کریم، پیوسته با تعبیر پیشرو بدان اشاره نموده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره: ۲)؛ «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره: ۴)؛ «كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵).

یک بعد از ایمان که در قرآن کریم و روایات جایگاه خاصی دارد ایمان ولایی است.

به عنوان مثال در قرآن، آیه: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (بقره: ۲۵۷) و آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (مائده: ۵۵) و آیه: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» (نساء: ۶۵) سلسله ولایت الهی را مطرح می‌سازد، چنان که در روایات به ولایت امیرالمؤمنین و ولایت اهل بیت تأکید خاصی شده است. سؤال این است که اینها چه ارتباطی با هم دارند؟ که اگر کسی عمری بین صفا و مروه یا بین باب و حجر یا نظیر اینها، شب‌ها را به عبادت بگذراند و در نهایت مظلومانه کشته شود، اگر ایمان به ولایت نداشته باشد او را در بهشت جایی نیست (ابن شهر آشوب، ۶۷). خاصه در بعضی روایات که اهل بیت تأکید خاصی درباره ولایت داشته‌اند از قبیل روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوِلَايَةِ» (مفید، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۸، ح ۳).

شبیه این سؤال درباره ابلیس هم مطرح می‌شود شش هزار سال برای خدا عبادت کرده است، و در عین حال مطرود دستگاه الهی شد: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص: ۷۸) چرا؟ تنها به خاطر یک نکته و آن این که: خدا امر کرد برای آدم سجده کن، گفت نه: «لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِشَيْءٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۳۳) این یک واقعیتی است که نص قرآن به آن تصریح کرده است که ابلیس، ولایت الهی و فرمانبری از او را بی چون چرا نپذیرفت. آن ایمانی که ملاک سعادت و قبولی اعمال از منظر قرآن، است؛ ایمانی است که واجد سه عنصر ایمان به خالقیت الهی، ایمان به ربوبیت تکوینی الهی، و ایمان به ربوبیت تشریعی الهی باشد. هر کدام از اینها نباشد، این ایمان پذیرفته نیست. از این رو ابلیس خدا را خالق می‌دانست: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲) در ربوبیت تکوینی اش هم مشکلی نداشت، چون گفت «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (حجر: ۳۶) خدا را با عنوان «رب من» خطاب کرد، پس ربوبیت خدا را قبول داشت؛ ولی مشکل او عدم ایمان به ربوبیت تشریعی بود، این که هرچه خدا امر کند را قبول نکرد، یعنی ایمانش به ربوبیت تشریعی خداوند می‌لنگید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۱۵).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که اطاعت از ولی فقیه نیز اطاعت از خود امام است؛ اگر امام معصوم کسانی را برای بعد از وفات خودش تعیین کرد و گفت: آن زمانی که شما دست‌تان به امام معصوم نمی‌رسد، باید از فقیه جامع‌الشرایط اطاعت کنید، اطاعت او یعنی اطاعت ائمه اهل بیت علیهم السلام. اگر ما بگوییم خود ائمه را قبول داریم، ولی کسانی که آنها تعیین کنند را دیگر قبول نداریم، مثل همان است که ابلیس گفت من برای خودت عبادت می‌کنم؛ اما دیگر برای آدم سجده نمی‌کنم. ائمه علیهم السلام فرموده‌اند در زمانی که ما به خودشان دسترسی

نداریم به نواب آنها مراجعه کنیم: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ۱۴۰) اگر کسی این را بداند، ولی بگوید: نه، ما قبول نداریم؛ این ولایت ائمه را ندارد. خدا برای پیغمبرش قسم می خورد و می گوید: قسم به پروردگار تو که مردم ایمان نمی آورند تا این طوری بشوند که در مشاجرات شان پیش تو بیایند و حکومت را از تو قبول کنند و هر چه گفتی بدون چون و چرا بپذیرند: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ» (نساء: ۶۵) اگر حکمی برخلاف میل آنها کردی ته دلشان هم نگران نباشند. اگر این طور شدند ایمان ولایی دارند، والا: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ به خدا قسم اینها ایمان ندارند. این همان ولایت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۱/۱۵).

بنابراین؛ تصدیق پیامبران الهی و نیز اطاعت از دستورات آنها و همچنین تصدیق کتب آسمانی پیشین از لوازم ایمان به خداست (مکارم شیرازی، ج ۲۲، ۲۰۸-۲۰۹). بر این اساس، محوری ترین عامل اقتدار و شکست ناپذیری جبهه مقاومت، ایمان ولایی است.

۳. ولایت مداری

محوری ترین شاخصه معنویت قرآنی، ولایت مداری است. براساس آموزه های قرآنی، ولایت و حکومت بالذات متعلق به خداوند متعال است که در وجود نبی اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام تجلی یافته است. قرآن کریم در عین این که ولایت را تماماً از آن خدا و منحصر در او می داند «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری: ۹)، آن را برای پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام نیز اثبات کرده است «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) و در همین راستا، اطاعت از اولی الامر را همانند اطاعت از خداوند متعال واجب کرده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (نساء: ۵۹) این جاست که ولایت پذیری انسان کامل با ولایت پذیری طاغوت و شرک دو جهت معکوس دارد؛ در اولی، ولایت طولی و در تداوم ولایت حق است و در دومی ولایت، ولایت عرضی و در جهت قوت بخشی به سلطه و استکبار است. لذا قرآن کریم در لزوم پذیرش ولایت طولی چنین می فرماید: «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (احزاب: ۳۶). یعنی وقتی خدا و رسولش به سبب ولایتی که بر بندگان مؤمن دارند، حتمیت را بر چیزی قرار می دهند، برای هیچ مؤمن و مؤمنه ای اختیار در مخالفت با تشریع نمی باشد، یعنی حکم الزامی است.

بر این اساس، اساسی ترین مسئله دین ولایت است؛ چون ولایت، نشانه و سایه توحید است.

ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست، و از خدای متعال به پیامبر ﷺ، و از او به ولی مؤمنین می‌رسد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۲۶). و ولی فقیه، از حیث علمی و عملی، نزدیک‌ترین فرد به معصوم در عصر غیبت است. در روایات دلیل باورمندی به ائمه علیهم‌السلام و ولایت این‌گونه بیان شده است که؛ امامت، زمام و عامل نگهدارنده دین و نظام بخش امور مسلمانان و بهبودبخش دنیای مؤمنان و عزت‌آفرین برای آنان است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۹۸-۲۰۰).

در آموزه‌های دینی ولایت محوری از اصول دین و شرط اصلی تحقق ایمان و صحت اعمال مؤمنین است. براساس روایتی صحیح امام باقر علیهما السلام می‌فرماید: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِ بَدَلَاتِهِ، مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛ اگر مردی شب‌ها به عبادت ایستد و روزها روزه گیرد و تمام مالش را صدقه دهد و تمام روزگار را حج کند و ولایت ولی خدا را نشناسد تا موالات او کند و تمام اعمالش به راهنمایی او باشد خداوند تعالی برای او ثوابی در نظر نمی‌گیرد و از اهل ایمان نمی‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۹۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۱۱۹).

در حوزه نظام اسلامی و جبهه مقاومت، نیروهای مسلح به عنوان بازوی توانمند ولی فقیه مطرح است که بایسته است با آشنایی کامل از جایگاه رفیع ولی فقیه و رهیافت‌ها و رهنمودهای امام و رهبری، اطاعت‌پذیری از فرماندهان و منصوبان رهبری و رعایت سلسله‌مراتب و اجرای مأموریت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در جهت تحقق تدابیر ترسیمی و ابلاغی مقام معظم رهبری باشد و این نکته روشن است که بصیرت سیاسی؛ شناخت دقیق دوست و دشمن و جریان‌ات سیاسی و رویدادهای جهان و قدرت تحلیل و تقویت بنیه معنوی و اعتقادی در پرتو ولایت محوری حاصل می‌آید. از این رو ضرورت دارد که با تکیه بر اصل پایدار دینی «تولی و تبری» و پیروی از آیه: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) مسیر زندگی و مأموریت‌های خود را با شاخصه‌های ولایت‌مداری هدف‌گذاری کنند و فاصله خود را از جریان‌ات فکری و سیاسی مخالفان ولایت بیشتر نمایند و الگوی ولایت‌مداری در جامعه اسلامی برای سایر اقشار گردند (نوروزی، ۱۳۷۶: ۶۶).

۴. التزام عملی به حدود الهی

یکی از شاخصه‌های مهم معنویت قرآنی پایبندی و التزام به حدود الهی است. قرآن در این

زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه: ۱۱۱-۱۱۲) همانا خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است... و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند) و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان!

تعبیر به "حافظ" برای این است که بفهماند مؤمنین، هم خودشان از حدود خدا تجاوز نمی‌کنند، و هم نسبت به آن اهتمام و مراقبت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش: ج ۹، ۳۹۶).

حدود الهی مرزهای بین حق و باطل‌اند که رعایت آنها زمینه‌ساز تقوای الهی می‌گردد: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۸۷) این احکام، حدود دین خداست، مبادا با آنها مخالفت ورزید؛ خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان می‌فرماید، باشد که پرهیزکار شوند.

توصیه مقام معظم رهبری در لزوم شناخت و رعایت حدود الهی که در درجه اول، خود را مخاطب آن قرار می‌دهند؛ حفظ حدود الهی است: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (بقره: ۲۲۹).

ایشان تعدی از حدود الهی را جایز نمی‌داند و بر این باور است که سربلندی حکومت اسلامی در گرو حفظ حدود الهی است. از این رو می‌فرماید: حدود باید شناخته شود و طبق آن عمل گردد و هر آنچه که حدود الهی است، آن درست بوده و نباید سلیق شخصی را در آن دخالت داد (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

در روایتی آمده است که: عبّاد بصری، امام سجاد علیه السلام را در راه حج دید و عرض کرد: «ترکت الجهاد و صعوبته و اقبلت على الحجّ و لينه». جهاد و سختی‌هایش را رها کرده‌ای و سراغ حج آمده‌ای که کار آسانی است؟! این آیه را هم برای حضرت خواند: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾. او برای امام سجاد علیه السلام آیه قرآن می‌خواند که چرا شما عوض جهاد، به حج می‌آیید؟! جهاد زیر پرچم چه کسی؟ عبدالملک مروان! یعنی امام سجاد علیه السلام زیر پرچم عبدالملک برود و جهاد کند؟ آیا این جهاد است؟ حضرت فرمود: دنباله این آیه را بلدی؟ عرض کرد: بله. فرمودند: بخوان. خواند: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْعَامِدُونَ الْمَنُكِرُونَ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾. حضرت فرمود: هر وقت که تائبون، عابدون، حامدون، سائحون، راکعون، ساجدون، امرون بالمعروف، ناهون عن المنکر و حافظون لحدود الله سر کار آمدند، من زیر پرچم آنها می‌روم و آن گاه جهاد خواهم کرد؛ حالا روز جهاد نیست (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۲۲).

۵. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی یکی دیگر از شاخصه‌های مهم معنویت قرآنی است. خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان هشدار می‌دهد که جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...» (ممتحن: ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید.

دشمن‌شناسی یک ضرورت است که باید مورد ارزیابی دقیق و واقعی قرار گیرد و در این راستا نباید هوشیاری را با ترس اشتباه گرفت. از منظر مقام معظم رهبری دشمن هر چقدر هم قوی باشد نباید ترسید؛ چون دشمنان فاقد قدرت ایمانی هستند. در مقابله هشیاری هم باید باشد که طرف مقابل چه کسی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

آنچه از سخنان مقام معظم رهبری در زمینه دشمن‌شناسی برداشت می‌شود این است که؛ راه غلبه دشمن بر ملت ایران، تضعیف کردن روحیه ایمان است؛ تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدف‌ها - باشد، دشمن نمی‌تواند غلبه کند؛ لذا تلاش می‌کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمان‌های الهی را در ذهن آنها کم‌رنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی‌شود؛ این کار با تبلیغات می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۳/۳).

کارکردهای معنویت قرآنی در جبهه مقاومت

شاخصه‌های معنویت قرآنی، دارای کارکردها و آثاری است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. بن‌بست شکنی

یکی از کارکردها و آثار معنویت قرآنی، نجات از بن‌بست‌های زندگی به‌ویژه در جبهه مقاومت است اساساً بن‌بست با محاسبه مادی و ارزیابی‌های عادی و معمول زندگی بشری دارای معنی و مفهوم است؛ ولی برای خداوندی که قادر مطلق و سبب‌ساز و سبب سوز است بن‌بست‌ها اساساً معنی و مفهومی ندارد چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۴۸)؛ در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست.

شکست‌ناپذیری خداوند به‌عنوان قدرت مطلق و بلامنازعه هستی، ارتباطش با عدم وجود بن‌بست در زندگی مؤمنین، بدین صورت است که وقتی دست قدرت خداوند و حمایت و نصرت الهی شامل مؤمنین می‌شود آنها هم شکست‌ناپذیر می‌شوند: «إِنْ يَنْصَرِّكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ

لَکُمُ﴾ (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد. رمز شکست ناپذیری جبهه مقاومت و ملت ایران که توانست همه گره‌ها را باز کند به جهت تکیه بر معنویت بود آن گاه که به این ملت می‌گفتند دشمنان همه امکانات تسلیحاتی را برای شکست شما در جنگ به میدان آورده در جواب می‌گفت خدا از همه اینها، قوی‌تر و بالاتر است. ملت ایران چون ملت دین‌باوری است با این اعتقاد، در انقلاب اسلامی و در جنگ تحمیلی و در طول تاریخ، در همه مراحل به پیش رفته است (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۲۴).

بر این اساس بندگان معنوی با شاخصه‌های پیش گفته براساس ظرفیت معرفتی، ایمانی ولایی، ولایت‌مداری و قرب معنوی که بر اثر عبودیت و بندگی نزد خداوند دارند اسباب و ابزار مادی با اراده و اذن الهی، در خدمت این بندگان و در صورت لزوم، بی‌اثر و کارایی خود را از دست داده و بن‌بست‌ها، شکسته خواهد شد. چنان که در دعایی معصوم می‌فرماید: «یا من إذا تضایقت الأمور فتح لنا بابا لم تذهب إليه الأوهام» (راوندی، ۱۴۰۹: ق: ۳۶۵). آن نمونه‌های زیادی از کارکرد بن‌بست شکنی معنویت برای تقویت ایمان مؤمنین در رویارویی با دشمنان برمی‌شمارد که حکایت نجات حضرت ابراهیم (ع) از آتش نمرود (انبیاء: ۶۹) و جریان حضرت موسی (ع) و یارانش در رویارویی با لشکر مجهز و مسلح فرعون با سپاهیان در کنار دریای نیل (شعراء: ۶۲) از جمله این نمونه‌هاست.

مقام معظم رهبری نیز، بر اساس همین مبانی و اصول قرآنی، در جمع بسیجیان، به اهمیت همراهی و معیت خداوند با بنده‌اش، در نجات از بن‌بست‌ها و مشکلات می‌فرماید اگر من و شما، بتوانیم این معیت و همراهی الهی را با خود حفظ کنیم، آمریکا که هیچ، حتی اگر در دنیا، کسی ده برابر قدرت آمریکا هم قدرت داشته باشد در برابر شما مغلوب خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۹/۳).

۲. بصیرت‌افزایی

یکی از کارکردهای معنویت قرآنی، بصیرت‌افزایی و ایجاد بینش عمیق و روشن در شناخت حق از باطل به‌ویژه در فضای غبارآلود فتنه است. چون بصیرت به معنای قدرت تشخیص حقیقت توأم با روشننگری و دفاع از آن همراه با فهم روشن و نگاه سیاسی عمیق در دشمن‌شناسی است (حسینی خامنه‌ای: ۸۹/۴/۵؛ ۸۸/۷/۱۵، ۸۸/۱۰/۱۹) و تقوا الهی، بن‌مایه و منشأ نور بصیرت و بینایی چشم دل برای دیدن حقایق و روشنایی بخش عقل برای درک

حقیقت است که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فِرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹) اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند به شما بصیرت شناخت حق از باطل دهد؛ در جان شما نوری قرار می‌دهد که مایه تشخیص و تمییز باشد.

تأثیر معنویت در بصیرت‌مندی جبهه مقاومت و در آحاد ملت ایران به حدی است که مقام معظم رهبری تمام اقدامات و کارهای مبتنی بر بصیرت را ناشی از تقوای الهی می‌داند که به ملت ایران، حکمت و بصیرت بخشد تا مطمئن به پیروزی شوند و موجب ایستادگی آنها و رهبری امام راحل، در مقابل همه جبهه کفر و نفاق شرقی و غربی، از مسلمان امریکایی تا مسلمان سوسیالیست و مرتجعین شهوتران گردید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۹).

این که معنویت‌گرایی، چگونه موجب کارکرد بصیرت‌افزایی می‌شود، مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال که چرا مردم ایران در نهم دی ماه سال ۸۸ و در بیست و دوم بهمن همان سال، از سال گذشته گرم‌تر و متراکم‌تر به میدان آمدند و از به بهمن پیوستن قطرات نفرات انسانی، به سیل خروشان و اقیانوس متلاطم تبدیل شده و گنداب بساط فتنه و فتنه‌گران را معجزه‌آسا، شسته و جمع کردند می‌فرمایند چون احساس خطر کردند و این فهم احساس خطر، که به دنبالش وارد میدان شدند خیلی مهم و نشان از بصیرت بالایی است که عاملش دینداری مردم و اطاعت از پروردگار عالم است، و همین، اساسی‌ترین مسئله است. موتور این حرکت عظیم، معنویت، قرآن و اسلام است. وقتی در جامعه‌ای دین بود؛ احساس مسئولیت، آگاهی و هوشیاری نیز در آن جامعه است (حسینی خامنه‌ای، ۸۸/۱۲/۶؛ ۸۹/۶/۳۱؛ ۷۸/۷/۹).

۳. توان‌افزایی و تاب‌آوری

یکی از اساسی‌ترین کارکرد معنویت قرآنی در جبهه مقاومت، تغییر موازنه قدرت و تاب‌آوری است که در رویارویی با دشمن، توان را افزایش و موجب تقویت روحیه جنگندگی و ایستادگی در برابر دشمنان در همه جبهه استکبار می‌شود که در هم‌آوردی، قدرت رویارویی آنها را ده برابر افزایش می‌دهد. آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال، به این کارکرد و تأثیر معنویت قرآنی و ایمانی در افزایش استقامت، تاب‌آوری و شجاعت و شهادت اشاره نموده و می‌فرماید: همین قدرت ایمانی و معنوی، توان سربازان اسلام را در رویارویی با کفار و مشرکین، ده برابر نموده و بیست نفر مؤمن صابر در برابر دویست نفر و صد نفر در برابر هزار نفر، غالب و پیروز خواهند شد.

آیه ۶۵ سوره انفال در مقام تعلیل و این که چرا هر یک از مؤمنین توان رویارویی با ده نفر از کفار را دارند می‌فرماید: ایمان و فهم و معرفت ایمانی که در مؤمنین است و نبود چنین فهم و

معرفت ایمانی در کفار و مشرکین و منافقین، رمز این برتری است. و این قدرت ناشی از ایمان مؤمنین است چون مخاطب آیه مؤمنین هستند. و از آیه ۶۶ سوره انفال استفاده می‌شود که علت تخفیف در حکم و تقلیل توازن قوا که از ده به یک، به دو به یک کاهش یافته است این ضعف، ناشی از ضعف در ایمان است چون در هر دو آیه، صبر ذکر شده است. چنان‌که مفسران شیعه و سنی نیز، همین برداشت را از آیه شریفه دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۹، ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۴، ۸۵۶؛ جصاص، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ۲۵۶).

و جریان جنگ بدر و پیروزی اولیه در جنگ احد، مؤید این مدعی است و در آیه دوم می‌فرماید به علت ضعف ایمان، این موازنه قدرت کاهش یافته و از یک به ده، به یک به دو تغییر یافته است.

معنویت در تغییر موازنه قدرت در جبهه مقاومت، از منظر امام راحل آن چنان نقش برجسته دارد که اگر پاسدارها آن جهات لطیف معنویت اسلامی و روحانیت آن را حفظ کنند یک نفر با صد نفر بلکه هزار نفر برابری می‌کند و آدمی باید آن بذر معنوی و فطری وجودش را رشد دهد و اگر چنین کرد؛ یک نفر با یک فوج برابری می‌کند و یک موجود و یک قطره به موجودات و دریا تبدیل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۸: ج ۷، ۴۷۸).

معنویت است که موازنه قدرت را از یک به ده تا یک به صد تا یک به هزار و... تغییر می‌دهد و با این ذخیره معنوی است که تک‌تک آحاد سپاه؛ زهره ایستادگی در مقابل همه دنیا را خواهد داشت و بنیه معنوی سپاه، ذخیره ایمانی و معنوی آنها باید تا این حد تقویت شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۹).

۴. انتصار و نصرت یابی

یکی از کارکردهای مهم معنویت قرآنی، جلب نصرت الهی و امداد رسانی حضرت حق به انبیا و صلحا و اولیای الهی و مؤمنین در زندگی بوده است. به‌ویژه آن‌جا که در لحظه‌های حساس، جبهه حق در نبرد با جبهه باطل بوده و در این رویارویی سرنوشت‌ساز، شدیداً نیازمند دستگیری الهی و نصرت حضرت حق بودند. کیفیت و چگونگی نصرت حق به انبیاء و مؤمنین و جبهه مقاومت از منظر قرآن، به دو صورت نظری و مصداقی قابل بررسی است.

الف) قرآن برای تقویت بینش مؤمنین و بالا بردن سطح شناخت و آگاهی‌های دینی آنها و تعمیق ایمان و باورها، به بیان وعده‌ها و دستگیری الهی و نصرت و امداد رسانی به مؤمنین اشاره نموده است. البته نصرت الهی، مشروط به نصرت دین الهی از طرف مؤمنین و مبارزه در

میدان است چنانچه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

﴿وَلِيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج: ۴۰)؛

و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست‌ناپذیر است

و نیز می‌فرماید اگر شما مشمول امداد و نصرت الهی گردید تبدیل به یک قدرت شکست‌ناپذیر می‌گردید:

﴿إِن يَنصُرْكُمْ اللَّهُ فَلاَ غَالِبَ لَكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۰)؛

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد.

قرآن کریم با عبارات و تعبیرات دیگر نیز همچون: ﴿نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء: ۸۸)؛ ﴿حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۱۰۳)، ﴿نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ (همان)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ (حج: ۳۸)، امداد و دستگیری از مؤمنین و سپاه جبهه حق که تحت سلسله ولایت الهی و رهبری پیامبران الهی و امامان معصوم و رهبری نظام ولایی و اسلامی قرار دارند را با صریح‌ترین بیان و رساترین واژگان به تصویر می‌کشد.

ب) از حیث مصداقی، قرآن نمونه‌ها و حکایات و قصص فراوانی را از سرگذشت زندگی انبیاء و پیروان آنها، صالحان و مؤمنین برمی‌شمارد تا همچون صحنه‌های نمایش، چگونگی تحقق وعده‌هایش را در امداد رسانی و نصرت آنها به تصویر بکشد تا موجب درس‌آموزی و پندگیری مؤمنین و تقویت ایمان جبهه حق به وعده‌های الهی گردد.

قرآن کریم بعد از بیان وعده‌های الهی، می‌فرماید همه وعده‌های خدا، حق است و چه کسی راست‌گوتر از خدا به وعده‌هایش است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ (نساء: ۱۲۲).

حکایات و قصص فراوان قرآنی، بهترین مصداقی روشن برای تحقق وعده‌های صادق الهی در نصرت و یاری جبهه حق و پیامبران و پیروان مؤمن رهبران دینی علیه دشمنان است که نجات حضرت موسی علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام از فرعون و نمودن نمونه‌هایی از آن است: ﴿وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ﴾ (شعراء: ۶۵) ﴿ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾ (شعراء: ۶۶)؛ و موسی

و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم. سپس دیگران را غرق کردیم.

و در نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود می فرماید:

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۴)؛

اما جواب قوم (ابراهیم) چیزی جز این نبود که گفتند او را به قتل برسانید یا بسوزانید ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید همانا در این ماجرا نشانه هایی برای اهل ایمان است.

چنان که بعد از نجات حضرت ابراهیم علیه السلام، یک قانون کلی را برای همه مؤمنین بیان می نماید که در این ماجرا نشانه هایی برای اهل ایمان است؛ بعد از نجات حضرت یونس علیه السلام نیز می فرماید این یک قانون کلی الهی است که همه مؤمنین را نیز این گونه نجات می دهد:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّضُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء: ۸۸)؛

ما دعای او را به اجابت رساندیم و از آن اندوه، نجاتش بخشیدیم و همین گونه مؤمنان را نجات می دهیم.

تحقق وعده نصرت الهی، برای مؤمنین و حزب الله لبنان که در ماجرای اخراج غاصبان رژیم صهیونیستی از کشورشان و نیز در جنگ ۳۳ روزه، آن را مشاهده کردند نمونه ای از تحقق آیه: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد: ۷) است و نیز ایستادگی و مجاهدت مردم غزه در جنگ ۲۲ روزه نمونه دیگری از آن است (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۰/۷/۹؛ ۱۳۰۹/۱۱/۱۰؛ ۱۳۹۲/۶/۶).

۵. امیدافزایی و ریسک پذیری بالا

از جمله کارکردهای مهم معنویت قرآنی، امیدافزایی و ریسک پذیری بالاست که ناشی از توکل به خداوند و باور به تحقق وعده های الهی است. خاصیت ایمان ولایی این است که مؤمنین، دارای توکل و سرشار از امید به خداوند هستند و داشتن امید و روحیه توکل از لوازم ایمان است و مؤمنین واقعی باید پیوسته بر خداوند توکل نمایند:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۰؛ ابراهیم: ۱۱)؛

و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

یکی از آثار توکل و امید سازنده به خداوند، این است که حضرت حق، متکفل همه امور

مؤمنین می شود:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ﴾ (طلاق: ۳)؛

و هرکس بر خداوند توکل کند خداوند کفایت امرش را می‌کند خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند.

یکی دیگر از نتایج و آثار توکل و امید سازنده به خداوند، ریسک‌پذیری بالا و اقدام به کارهای بزرگ است که با محاسبات مادی سازگار نیست و این ریسک‌پذیری بالای مؤمنین با عده و عده کم در برابر مشرکین در جنگ بدر، در صدر اسلام آن چنان حیرت‌انگیز بود که حتی منافقان به ظاهر مسلمان را به تعجب وامی‌داشت و خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید نتیجه توکل سازنده، پیروزی قطعی از جانب خداوند شکست‌ناپذیر حکیم است:

﴿اذ يَقُولُ الْمُتَنَفِّثُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِيهْتُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال: ۴۹)؛

منافقان و آن کسان که در دل بیماری دارند گفتند: اینان را دین‌شان به فریفته است و هر کس که به خدا توکل کند او را پیروزمند و حکیم خواهد یافت.

حکایات تاریخی و قرآنی و دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اروپایی در برابر گروه کوچک غزه و حزب‌الله لبنان و جبهه مقاومت مؤید این مدعاست. با این ذخیره معنوی است که تک‌تک آحاد سپاه؛ زهره ایستادگی در مقابل همه دنیا را خواهد داشت (نک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۹).

نتیجه‌گیری

- اصلی‌ترین شاخصه و وجه تمایز معنویت قرآنی با دیگر معنویت‌های انحرافی و ادیان آسمانی تحریفی و عرفان‌های کاذب و مکاتب مادی، خدا محوری، ایمان به خدا و انجام عمل برای خدا، و در همه حال، خدا را حاضر و ناظر دانستن است. ایمان ولایی، اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی است که از نگاه مقام معظم رهبری، دل‌ها را برای ورود در میدان‌های دشوار آماده می‌کند. معرفت عقلانی از چنان جایگاه مهمی برای رشد معنوی برخوردار است که اولین گام در سیر به معنویت قرآنی، تفکر و تعقل است.

- محوری‌ترین شاخصه معنویت قرآنی، ولایت‌مداری است که بسان عمود خیمه ایمان بلکه شرط ایمان به خدا معرفی شده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (نساء: ۶۵)؛ نشانه و شرط ایمان و اطاعت از خدا، اطاعت از سلسله ولایت و رهبری نظام اسلامی بیان شده است (نساء: ۵۹). هشدار قرآن به جامعه ایمانی در عدم رابطه دوستانه و صمیمانه با دشمنان خدا و دشمن نظام اسلامی، حکایت از اهمیت ویژه شاخصه دشمن‌شناسی دارد و دشمن در صدد است تا با

تبلیغات مسموم، روحیه ایمان را تضعیف و بدین طریق، بر ملت ایران، غلبه نماید.

- کارکرد بن بست شکنی، که ناشی از تقوای الهی است رزق لایحستب را براساس آموزه‌ها و وعده‌های قرآنی و روایی، برای متقین و مؤمنین به ارمغان می‌آورد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق: ۲). اگر من و شما، بتوانیم معیت و همراهی الهی را با خود حفظ کنیم، آمریکا که هیچ، حتی اگر در دنیا، کسی ده برابر قدرت آمریکا هم، قدرت داشته باشد در برابر شما مغلوب خواهد شد.

- کارکرد بصیرت‌افزایی نیز ناشی از تقوای الهی است چون بن مایه و منشأ نور بصیرت و بینایی چشم دل برای دیدن حقایق و روشنایی بخش عقل برای درک حقیقت، تقوا است: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال: ۲۹).

- ضریب توان‌افزایی و تاب‌آوری کارکرد معنویت قرآنی از منظر قرآن و امامین انقلاب آن قدر بالاست که اگر ذخیره و حظ معنوی و ایمانی یک سپاهی تقویت شود در آن صورت توان ایستادگی یک سپاهی در برابر دشمن، از ده برابر تا صد برابر و هزار برابر می‌شود بلکه قطره نفرت انسانی همچون دریایی خروشان توان رویارویی در برابر تمام دنیا را خواهد داشت.

- از دیگر کارکردهای مهم معنویت قرآنی، امیدافزایی و ریسک‌پذیری بالاست که ناشی از توکل به خداوند و باور و یقین به تحقق وعده‌های الهی است. که یکی از از نتایج توکل و امید سازنده به خداوند، تکفل حضرت حق، بر همه امور مؤمنین است. و نتیجه توکل سازنده، پیروزی قطعی از جانب خداوند است. حکایات تاریخی و قرآنی همچون جنگ بدر و دفاع مقدس و شکست قدرت افسانه‌ای اسرائیل با آن عقبه آمریکایی و اوپایی در برابرگروه کوچک غزه و حزب الله مؤید این مدعاست.

منابع

قرآن کریم

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی‌تا)، *المناقب*، قم: علامه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *صاحح الفه*، بیروت: دارالعلم.
- جهان بیگلری، پیمان؛ صمیمی، مهدی (۱۳۹۷)، «نقش و جایگاه معنویت در نیروهای مسلح از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی تبیین اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای*.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، *وسائل الشیعه*، قم:، مؤسسة آل البيت علیه السلام.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، بی‌جا: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران / مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رودگر، محمد جواد (۱۴۰۱)، «فلسفه معنویت در اندیشه و آثار استاد شهید مطهری»، *انوار معرفت*، شماره اول، پیاپی ۲۲.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۴ق)، *کتاب العین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، *بیانات در جمع طلاب موسسه امیر بیان*.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰)، «معنویت و عقلانیت نیاز امروز ما»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۲۲.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمه الله.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۸۵)، «ولایت باوری و امامت محوری در فقه جعفری»، *فقه و حقوق خانواده*، سال یازدهم، شماره ۴۱-۴۲.
- نوروزی، احمد (۱۳۷۶)، *نقش امام راحل در بسیج عمومی*، سومین سمینار اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی رحمه الله، تهران: معاونت ع. س. وزارت دفاع، دفتر دوم.
- همتی مامو، سهیلا و همکاران (۱۳۹۶)، «شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث»، *فصل نامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، دوره ۷، شماره پیاپی ۱.



Explaining the dimensions and requirements of cyberspace regulation in Iran in line with control and activism in today's world with a legal approach

Mohammad Ali Mohseni Kho ¹

Dr. Saeed Bakhshi ²

Abstract

With the prevalence of cyberspace use in the current decade and its impact on global developments, governance in this area is necessary to influence global developments. Obviously, in order to prevent arbitrary and temporary decisions, we need to formulate a comprehensive law in the field of cyberspace in Iran. This law, taking into account the legal approach based on filtering in cyberspace and the Islamic perspective on the philosophy of punishment, should have general legal characteristics, which include: being clear and understandable, being in accordance with the general culture of society, being enforceable and having a guarantee of enforcement, and specific characteristics, which include: being flexible, experimental, special measures for children and adolescents, setting limits on the use of cyberspace in government and educational workplaces, requiring the provision of services on the national internet, determining the duties of the agencies, requiring domestic companies active in cyberspace to upgrade, requiring foreign companies active in cyberspace to comply with Iranian domestic laws, requiring foreign companies active in cyberspace to comply with Iranian domestic laws, determining incentives for the private sector, and criminalizing the purchase, sale, production, and use of filter breakers.

Keywords: Cyberspace, Global developments, The necessity of legality in cyberspace, General and specific requirements of cyberspace law in Iran

-
1. Bachelor of Law from Mofid University of Qom and Level 3 in Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding Author) (mohammad.ali.mohseni9711@gmail.com)
 2. Faculty of Theology, Allameh Tabataba'ei University, Tehran, Iran (saeidbakhshy@atu.ac.ir)

تبیین ابعاد و بایستگی‌های قانون‌مندی فضای مجازی در ایران در راستای کنترل و کنشگری در دنیای امروز با رویکرد حقوقی*

محمدعلی محسنی‌خو^۱

سعید بخشی^۲

چکیده

با شیوع استفاده از فضای مجازی در دهه کنونی و تأثیرگذاری آن در تحولات جهانی، حکمرانی در این عرصه برای تأثیرگذاری در تحولات جهانی ضروری است و بدیهی است برای جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و موقت، نیازمند تدوین قانونی جامع در عرصه فضای مجازی ایران هستیم و این قانون با عنایت به رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ در فضای مجازی و دیدگاه اسلام در فلسفه مجازات، از جهت حقوقی باید دارای خصوصیات عمومی که عبارت‌اند از: روشن و مفهوم بودن، مطابق با فرهنگ عمومی جامعه بودن، قابلیت اجرا داشتن و ضمانت اجرا داشتن و اختصاصی که عبارت‌اند از: نرم بودن، آزمایشی بودن، تمهیدات ویژه برای کودکان و نوجوانان، تعیین محدودیت در استفاده از فضای مجازی در محیط‌های کاری دولتی و آموزشی، الزام ارائه خدمات در بستر اینترنت ملی، تعیین وظیفه دستگاه‌ها، الزام شرکت‌های داخلی فعال در فضای مجازی به ارتقاء، الزام شرکت‌های خارجی فعال در فضای مجازی به رعایت قوانین داخلی ایران، الزام شرکت‌های خارجی فعال در فضای مجازی به رعایت قوانین داخلی ایران، تعیین مشوق‌هایی برای بخش خصوصی و جرم‌انگاری خرید، فروش، تولید و استفاده از فیلترشکن باشد.

واژگان کلیدی

فضای مجازی، تحولات جهانی، ضرورت قانونمندی فضای مجازی، بایستگی‌های عمومی و اختصاصی قانون فضای مجازی در ایران.

مقدمه

در جوامع اولیه که انسان‌ها در گروه‌های کوچک کنار هم زندگی می‌کردند، جز زبان و ارتباط شفاهی، وسیله دیگری برای برقراری ارتباط و تأثیرگذاری در مخاطب وجود نداشت، اما بعدها خط اختراع شد و از طریق نوشتار، ارتباطات گسترده‌تر شد. در قرن بیست و یکم با گسترش

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

۱. کارشناس حقوق دانشگاه مفید قم و سطح سه حوزه علمیه قم، ایران (mohammad.ali.mohseni9711@gmail.com).

۲. هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

اینترنت و فضای مجازی، که کاربرانش به میلیاردها نفر رسیده است، ارتباط و تأثیرگذاری بر مخاطبان، محدود به منطقه جغرافیای خاصی نیست بلکه با کنترل فضای مجازی می‌توان به میلیاردها نفر در اقصی نقاط جهان تأثیر گذاشت، بنابراین دولت‌های قدرتمند و استعمارگر، به فکر کنترل فضای مجازی برای القای اندیشه‌های خود در راستای تأمین منافع خودشان افتادند لذا با قانون‌مند کردن فضای مجازی اقدام به کنترل آن کردند و در مقابل اقدام دولت‌های دیگر برای قانون‌مند کردن فضای مجازی شعار سلب آزادی بیان سر دادند.

امروزه یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری (حفظه الله)، مجلس شورای اسلامی، دولت و خانواده‌ها، کنترل فضای مجازی از طریق قانون‌مند کردن آن است. گرچه در این زمینه مقالاتی همچون «مدینه فاضله مجازی، چارچوب نظری حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی» نوشته عزیز نجف‌پور آقابیکلو، حمید پارسانیا و علی اصغر اسلامی تنها، «نقش و جایگاه قلمرو گذاری و مرزبانی فضای سایبری در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر ملی» نوشته محمدرضا حسینی، مهراب رامک، احسان کیان‌خواه و سیدحسین علوی، «بررسی حقوق فضای مجازی از منظر قانون جمهوری اسلامی» نوشته سعید یوسفی و عبدالحمید فرزانه و... نگاشته شده‌اند، اما این که قانون شایسته در زمینه ی قضای مجازی در ایران چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، به درستی تبیین نشده است، بنابراین نیاز به تألیف مقاله‌ای جامع در این زمینه حس می‌شد.

در این نوشتار از شیوه کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها در زمینه ی پاسخ به این پرسش که آیا قانون‌مند کردن فضای مجازی ضرورت دارد؟ و اگر دارد، ویژگی‌های آن قانون چه باید باشد؟ استفاده شده است.

این مقاله در چهار عنوان تنظیم شده است، در عنوان اول به مفهوم‌شناسی، دوم به مقررات موجود در رابطه با فضای مجازی در ایران، سوم به ضرورت قانون‌مند کردن فضای مجازی در ایران و در عنوان چهارم به بایستگی‌های عمومی و اختصاصی قانون شایسته در زمینه ی فضای مجازی پرداخته‌ایم.

مفهوم‌شناسی

۱. فضای مجازی

تعاریف متعددی در مورد فضای مجازی و مصادیق آن بیان گردیده است اما به طور خلاصه می‌توان در تعریفی جامع و مانع گفت: چنانچه انسان‌ها ادوات فناوری اطلاعات و ارتباطات

نظیر: تلفن، ماهواره، اینترنت، اینستاگرام و... را برای تعاملات اجتماعی خود از راه دور به کار بندند، در اثر این تعاملات نظام اجتماعی ای شکل می‌گیرد که به آن فضای مجازی می‌گویند (آزادی احمدآبادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴۴-۱۴۳ با تصرف و تلخیص).

۲. قانون

مجموعه دستورات کلی که توسط حاکمیت وضع می‌شود و دارای ضمانت اجرا است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۲۹۲).

مقررات موجود در رابطه با فضای مجازی در ایران

مهم‌ترین احکام، قوانین، آئین‌نامه‌ها و مصوبات موجود و مرتبط با فضای مجازی عبارت‌اند از:

حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، حکم سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، قانون جرایم رایانه‌ای، آئین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی، مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسانه‌ای اجتماعی و مصوبه مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای می‌پردازیم.

۱. حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ با توجه به تأثیر چشمگیر اینترنت در زندگی فردی و اجتماعی به منظور سرمایه‌گذاری هدفمند در بهره‌گیری از فضای مجازی و جلوگیری از آسیب‌های آن دستور دستور تشکیل شورای عالی فضای مجازی به ریاست رئیس جمهور وقت را دادند. اعضای حقوقی این شورا عبارت‌اند از: رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعضای حقیقی آقایان: حمید شهبازی، سید جواد مظلومی، مسعود ابوطالبی، کامیار ثقفی، رسول جلیلی، محمد سرافراز و علیرضا شاه‌میرزایی می‌باشند که برای مدت سه سال تعیین می‌شوند (خامنه‌ای: ۱۳۹۰).

اکنون آقایان حمید شهبازی، سید سعیدرضا عاملی، رضا تقی‌پور، رسول جلیلی، سید

عزت‌الله ضرغامی، محمد سرافراز، کامیار ثقفی، محمدحسین انتظاری، مهدی اخوان بهابادی و مسعود ابوطالبی اعضای حقیقی این شورا را تشکیل می‌دهند (شورای عالی فضای مجازی).

۲. حکم سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۷/۰۷/۱۱ سیاست‌های کلی «شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» را ابلاغ کردند که عبارتند از:

- ایجاد، ساماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و اعمال تدابیر و نظارت‌های لازم به منظور صیانت از امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جلوگیری از جنبه‌ها و پیامدهای منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی؛

- توسعه کمی و کیفی شبکه اطلاع‌رسانی ملی و تأمین سطوح و انواع مختلف خدمات و امکانات این شبکه برای کلیه متقاضیان به تناسب نیاز آنان و با رعایت اولویت‌ها و مصالح ملی؛

- ایجاد دسترسی به شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی صرفاً از طریق نهادها و مؤسسات مجاز؛
- حضور فعال و اثرگذار در شبکه‌های جهانی و حمایت از بخش‌های دولتی و غیردولتی در زمینه‌ی تولید و عرضه اطلاعات و خدمات ضروری و مفید با تأکید بر ترویج فرهنگ و اندیشه اسلامی؛

- ایجاد و تقویت نظام حقوقی و قضایی متناسب با توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی به‌ویژه در جهت مقابله کارآمد با جرائم سازمان‌یافته الکترونیکی؛

- توسعه فناوری اطلاعات (به‌ویژه حفاظت از اطلاعات) و آینده‌نگری در خصوص آثار تحولات فناوری اطلاعات در سطح ملی و جهانی و گسترش مطالعات و تحقیقات و تربیت نیروی انسانی متخصص در این زمینه؛

- اقدام مناسب برای دستیابی به میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع‌رسانی با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی به‌منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه جهانی (خامنه‌ای: ۱۳۷۷ش).

۳. قانون جرائم رایانه‌ای

این قانون در تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۰۵ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۵۶ ماده است که به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای رفتارهای مصداق جرم

رایانه‌ای که عبارت‌اند از: دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای، تخریب و اخلاف در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه، جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و... پرداخته است.

۴. آئین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی

هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۹ به منظور انتظام امور و فعالیتهای اطلاع‌رسانی و توسعه خدمات دسترسی به اینترنت در کشور و با هدف ساماندهی (ثبت، حمایت و نظارت) فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی در کشور و با مدنظر قرار دادن: حق دسترسی آزاد و سالم مردم به اطلاعات و دانش، حمایت از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی قانونی، رعایت حقوق اجتماعی و صیانت از ارزش‌های اسلامی، ملی، فرهنگی و اجتماعی کشور، مسئولیت مدنی و حقوقی و کیفری افراد در قبال فعالیت‌های خود حسب مورد، آئین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی ایرانی را تصویب نمود.

در ماده ۷ این آئین‌نامه انتشار و نگهداری هر نوع داده اعم از متن، صدا، عکس و فیلم که حاوی مضامینی از جمله: مطالب الحادی، توهین به مقدسات ادیان توحیدی و یا امام خمینی رحمته‌الله علیه و یا مقام معظم رهبری، تشویق به ارتکاب اعمال علیه منافع جمهوری اسلامی ایران، القاء بدبینی و ناامیدی در مردم نسبت به مشروعیت و کارآمدی نظام، توهین به اقوام و اقلیت‌های مذهبی، اشاعه فحشا و آموزش و ارائه ابزار مقابله با فیلترینگ ممنوع اعلام شده و ضمانت اجرای آن مسدودسازی پایگاه اینترنتی متخلف است.

۵. مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام رسانه‌ای اجتماعی

شورای عالی فضای مجازی در تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۱ اقدام به تصویب مصوبه فوق‌الذکر می‌کند که طبق ماده یک و دو آن سیاست‌ها عبارت‌اند از: «حفظ و صیانت از هویت ملی و دینی، قابلیت پیشگیری از جرائم و مدیریت و اعمال قوانین و مقررات کشور، اعتمادسازی و صیانت از حقوق شهروندی، حریم خصوصی، امنیت ملی و عمومی، ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های عظیم مرتبط با فعالیت پیام‌رسان‌های اجتماعی در داخل کشور و ممانعت از دسترسی غیرمجاز به آن‌ها، توسعه و تسهیل تولید محتوای داخلی و ارتباطات سالم اجتماعی و اقتصادی براساس نیازمندی‌های داخلی و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و بسترسازی و حمایت از پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی» و اقدامات عبارت‌اند از: «تهیه و تدوین شرایط و ضوابط

اعطای مجوز فعالیت به پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی و خارجی، صدور، تعلیق و لغو مجوز فعالیت و نظارت بر فعالیت دارندگان مجوز در چارچوب ضوابط و شرایط مجوزهای صادره و ایجاد پنجره واحد برای صدور مجوز فعالیت و نظارت بر پیام‌رسان‌های اجتماعی و خدمات مبتنی بر آنها در چارچوب ضوابط و شرایط مجوزهای صادره».

۶. مصوبه مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای

شورای عالی فضای مجازی در تاریخ ۱۳۸۰/۲۵/۱۸ مصوبه مذکور را جهت انتظام فعالیت‌های اطلاع‌رسانی به تصویب رسید. طبق ماده ۷ این آئین‌نامه تولید و عرضه مواردی ازجمله: اهانت به مقدسات اسلام، اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید، اشاعه فحشاء، ترویج مصرف مواد مخدر، و تجاوز به حریم اطلاعات خصوصی اشخاص، اخلاق در وحدت وفاق ملی و... ممنوع اعلام شده است و ضمانت اجرای آن لغو مجوز پایگاه اطلاع‌رسانی رایانه‌ای می‌باشد.

ضرورت قانونمند کردن فضای مجازی در ایران

ازجمله مفاهیم مهم حقوق عمومی در محافل حقوقی، سیاسی و اجتماعی عصر حاضر، حاکمیت قانون است. به طور کلی در مورد فضای مجازی سه رویکرد وجود دارد:

یکم) رویکرد سنتی - حقوقی: طبق این دیدگاه اصل صلاحیت سرزمینی در مورد فضای مجازی نیز اعمال می‌گردد. این اصل شامل: قوانین داخلی، آداب و رسوم محلی، هنجارهای قومیتی، پیشینه تاریخی و موازین شرعی می‌شود بنابراین در فضای مجازی نیز باید محدود به رعایت موارد مذکور در هر کشور شود.

اما این دیدگاه قابل پذیرش نیست زیرا سه اشکال اساسی به آن وارد است که عبارتند از:

- در فضای مجازی اقدامات مبدایی دارد که منشأ عمل است و مقصدی دارد که محل تأثیرگذاری است، هر کشوری دارای صلاحیت سرزمینی است به همین دلیل در مورد این که قانون و دادگاه کشور مبدا یا مقصد تأثیر باید حاکم باشد، بین کشورها تعارض به وجود می‌آید.
- از آن جا که دسترسی جهانی به اینترنت ذاتاً اثر جهانی دارد، در مواردی که مطلبی به صورت گسترده در فضای مجازی منتشر شود، کشورهای مقصد تأثیر قابل احصاء نمی‌باشند.
- پذیرش اصل صلاحیت سرزمینی در فضای مجازی موجب سوءاستفاده به این صورت می‌شود که شخص برای مبدا اقداماتش کشوری را انتخاب می‌کند که آن رفتار را ممنوع نمی‌داند اما برای مقصد تأثیرگذاری رفتارش کشوری را که آن رفتار را ممنوع می‌داند انتخاب

می‌نماید، که در این صورت آن شخص به دلیل عدم جرم‌انگاری آن رفتار در کشور مبدا و عدم دسترسی کشور مقصد به او، از مجازات مصون می‌ماند (میرزایی و دیگران: ۱۴۰۰: ۱۸).

دوم) رویکرد جدید - غیرحقوقی: قواعد داخلی توانایی تنظیم روابط انسان‌ها در فضای مجازی را ندارند لذا فضای مجازی باید مستقل از دولت‌ها و آزاد باشد تا افراد در دسترسی به اطلاعات محدودیتی نداشته باشند. برای نظم‌دهی به این فضا صرفاً قواعد بین‌المللی مانند کنوانسیون جرایم سایبری مصوب ۲۰۰۱ میلادی می‌تواند حاکم باشد (عاملی، ۱۳۹۰: ۵۱)، مهم‌ترین شاخصه‌های این دیدگاه عبارت‌اند از:

- بی‌زمانی و بی‌مکانی
- اصل بودن ارتباطات فراسرزمینی
- دستوری نبودن فضای مجازی
- صلاحیت قانونی و قضایی بین‌المللی
- تساوی افراد در فضای مجازی

این دیدگاه قابل‌پذیرش نمی‌باشد، زیرا قواعد بین‌المللی در حوزه اینترنت غیر الزامی‌اند و ضمانت اجرایی ندارند لذا پذیرش این دیدگاه موجب هرج و مرج اجتماعی، فساد اخلاقی، افزایش خشونت به‌ویژه میان جوانان و نوجوانان و استحاله فرهنگی می‌شود.

سوم) رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ: طبق این دیدگاه کنترل اینترنت باید بر مبنای حاکمیت قانون، رعایت اصول اساسی حقوق عمومی و حقوق بشر باشد تا منجر به کنترل بی‌حدومرز اینترنت توسط دولت‌ها نشود (رجبی و ترازوی، ۱۳۹۶: ۲۲). برای قانون‌گذاری بر مبنای فیلترینگ نیازمند استفاده از نظرات کارشناسان دینی، حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اقتصاددانان، کارشناسان امنیتی و سیاسی و نهادهای مردمی و صنفی و رعایت اصول ذیل که عبارت‌اند از:

- اصل دسترسی همگانی
- اصل مداخله حداقلی دولت
- اصل رعایت حریم خصوصی
- اصل رعایت حقوق بشر

همچنین برای فیلترینگ هوشمند نیازمند یک نهاد سیاست‌گذار نشأت گرفته از قانون که از متخصصین در تمام رشته‌های مذکوراند، هستیم (میرزایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۱؛ میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳: ۸۳-۶۹ با تصرف و تلخیص).

از بین دیدگاه‌های فوق، می‌توان گفت دیدگاه سوم معتدل‌تر است و با توجه به مداخله حداقلی دولت و استفاده از نظرات کارشناسان و نهادهای مردمی و صنفی، در میان عموم مردم قابل‌پذیرش‌تر و امکان‌اجرایی بیشتر است.

بنابراین با عنایت به تدوین قوانینی مختصر در دهه‌های گذشته که مناسب آن عصر بوده، استفاده گسترده از اینترنت در عصر کنونی و تأثیر آن در افزایش سرعت تحولات جهانی، به خصوص شیوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی که طبق آخرین آمار منتشرشده از ایسپا در شهریورماه سال ۱۴۰۳ هجری شمسی، ۸۲ درصد مردم ایران از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند (ایسپا، ۱۴۰۳/۰۷/۰۷)، ضرورت کنترل فضای مجازی با قبول رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ به وسیله‌ی تدوین قانونی جامع متناسب با شرایط عصر ارتباطات، جهت برقراری نظم و امنیت عمومی، جلوگیری از نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی، ممانعت از تبلیغ فسادهای اخلاقی و جنسی و خشونت، حکمرانی در فضای مجازی داخلی در چهارچوبی مشخص بدون تصمیمات سلیقه‌ای (مانند تصمیم شورای عالی فضای مجازی در فیلترینگ و رفع آن) و تأثیرگذاری در فضای مجازی بین‌المللی و منفعل نبودن در تحولات جهانی از بدیهیات می‌باشد.

گرچه بحث در مورد مسائل فنی اینترنت ملی و بین‌المللی نیازمند نگارش مقاله‌ای تخصصی در این زمینه است، اما بالاجمال پیشنهاد می‌شود امور اداری، مالی، قضایی، آموزشی و خدمات عمومی مانند سامانه‌های مربوط به ادارات دولتی، بانک‌ها، خدمات قضایی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و سوخت‌رسانی جهت پیشگیری از جاسوسی، اختلال و حملات سایبری در بستر اینترنت ملی و شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها و بازی‌های آنلاین در بستر ملی و بین‌المللی با فیلترینگ هدفمند طبق قانون با جرم‌انگاری خرید، فروش و استفاده از فیلترشکن‌ها و مسدودسازی پورت‌های فیلترشکن اجرا گردد، همان‌طور که کشورهایمانند چین و روسیه سال‌هاست اقدام به اجرای اینترنت ملی و فیلترینگ هدفمند اینترنت بین‌المللی کرده‌اند.

بایستگی‌های قانون شایسته در زمینه‌ی فضای مجازی در ایران

در فضای مجازی به دلیل غیرملموس بودنش حاکمیت قانون دارای تفاوت‌هایی است، لذا در این مبحث به تبیین ویژگی‌های قانون شایسته در زمینه‌ی فضای مجازی در ایران می‌پردازیم، اما مناسب است پیش از بیان ویژگی‌ها، به صورت مختصر به فلسفه قانون‌گذاری و

مجازات بپردازیم.

در مورد این که هدف از وضع قانون و تعیین مجازات چیست، چهار رویکرد عمده وجود دارد که عبارت اند از:

یکم) برقراری عدالت مطلق: هدف صرفاً برقراری عدالت (ارزش های اخلاقی ذاتی و ثابت هستند، کسی که این ارزش ها را زیر پا بگذارد باید به سزای عملش برسد گرچه منفعتی برای جامعه نداشته باشد) است، بنابراین اگر کسی در جزیره ای مرتکب جرمی شود و سپس تمام ساکنان آن جزیره آن جا را ترک کنند و امکان خروج از جزیره برای مجرم وجود نداشته باشد، بازهم برای اجرای عدالت باید او را در آن جزیره مجازات کرد. این دیدگاه معروف به نظریه جزیره متروکه کانت^۱ است.

دوم) بازدارندگی: هدف صرفاً بازدارندگی است که به دو بخش عمومی (دیگران دوباره مرتکب آن رفتار مجرمانه نشوند) و خصوصی (مجرم دوباره مرتکب آن رفتار نشود) تقسیم می شود. طبق این دیدگاه مجازات صرفاً باید بازدارنده باشد و دستگاه قضایی وظیفه ای برای اصلاح مجرم و کمک به بازگشتش به جامعه پس از اجرای مجازاتش ندارد. این دیدگاه به بکاریا^۲ منسوب است.

قانون گذار ایران در تصویب قانون مبارزه با جرایم مخدر در سال ۱۳۶۷ با عنایت به این دیدگاه در بسیاری از موارد برای ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر مجازات اعدام تعیین کرده بود، اما با گذشت حدود دو دهه از اجرای مجازات اعدام، ارتکاب این جرایم نه تنها کاهش نیافت بلکه هر سال افزایش پیدا کرد لذا سرانجام در سال ۱۳۹۶ مجازات اعدام تعزیری برای ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر لغو گردید.

سوم) اصلاح: هدف اصلی اصلاح مجرم است و بازدارندگی فرع است، یعنی مجازات باید به گونه ای باشد که مجرم پس از اجرای مجازات به جامعه باز گردد. به عنوان مثال حبس جوانی که فاقد سابقه کیفری است گرچه بازدارندگی دارد اما موجب اصلاح او نمی شود بلکه در محیط زندان با مجرمین با سابقه آشنا و روش های جدید ارتکاب اعمال مجرمانه را یاد می گیرد، در نتیجه با عنایت به این که اصلاح اصل و بازدارندگی فرع است باید مجازات های جایگزین حبس مانند جزای نقدی گرچه بازدارندگی آنها ضعیف است، اعمال شود تا اصلاح و بازدارندگی

1 ایمانوئل کانت فیلسوف آلمانی قرن هجدهم میلادی.

2 چاره بکاریا فیلسوف، حقوقدان و سیاستمدار ایتالیایی قرن هجدهم میلادی.

هر دو محقق شود، این دیدگاه به بنتام^۱ منسوب است.

فلسفه‌ی این که اجرای مجازات اعدام در اکثر کشورهای غربی ملغی شده است، پذیرش این دیدگاه در نظام قانونی - قضایی آنهاست، زیرا با اعدام مجرم، اصلاح او حاصل نمی‌گردد.

چهارم) دیدگاه اسلام: این که دیدگاه اسلام چیست، نیازمند نگارشی مستقل است اما به طور خلاصه می‌توان گفت اسلام:

الف) در مورد اجرای حدود حق الهی مانند حد زنا به اصلاح مجرم بیش از بازدارندگی توجه دارد لذا در صورت توبه، حد ساقط می‌گردد.

ب) در مورد اجرای حدود حق الناسی مانند حد قذف به اجرای عدالت بیش از بازدارندگی و اصلاح توجه دارد لذا با توبه حد ساقط نمی‌گردد.

ج) در مورد اجرای قصاص نیز به اجرای عدالت توجه دارد لذا صرفاً با رضایت مجنی علیه یا اولیاء دم ساقط می‌گردد.

د) در مورد تعزیرات به بازدارندگی و اصلاح توأمان باهم توجه دارد لذا تعیین آن تحت زمام حاکم شرع با توجه به صلاح مجرم و جامعه می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۰-۲۴ با تصرف و تلخیص؛ منصورآبادی، ۱۳۹۸: ۱۸۲-۱۶۳ با تصرف و تلخیص؛ گلدوزیان، ۱۳۹۹: ۷۳-۳۵ با تصرف و تلخیص؛ پاک‌نهاد، ۱۴۰۲: ۲۷۳-۲۶۰ و ۳۸۷-۳۷۶ با تصرف و تلخیص؛ غلامی، ۱۴۰۱: ۵۴-۶۴ و ۱۱۲-۱۷۴ و ۱۹۰-۲۵۰ با تصرف و تلخیص؛ قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۴۳۲-۴۳۰ با تصرف و تلخیص).

قانون‌گذار نیز به موارد مذکور توجه داشته و در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱: توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲: در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود».

1 جرمی بنتام فیلسوف، اقتصاددان و حقوقدان انگلیسی قرن نوزدهم میلادی.

البته در مورد سقوط حد زنا و لواط به علف با توبه، باید گفت که اولاً این حد جنبه حق الناسی دارد و ثانیاً روایات اطلاق دارند و در مورد توبه اکراه کننده ساکت اند و ثالثاً وقتی حد قذف با این که بزه دیده آسیب کمتری می بیند با توبه ساقط نمی گردد به طریق اولی حد زنا و لواط به علف با توبه ساقط نمی شود. بنابراین شایسته بود که قانون گذار این حد را نیز استثنا می کرد که این دیدگاه مطابق نظر برخی فقهای معاصر است (کاظمی و دیگران: ۱۴۰۰، ۱۲-۶، با تصرف و تلخیص).

اما به دلیل پرهیز از اطاله کلام و خروج از موضوع اصلی مقاله به بیان همین مقدار کفایت می کنیم.

در مجموع می توان گفت جامع ترین دیدگاه، دیدگاه اسلام است و با عنایت به این که نظام حکمرانی کشور ما، جمهوری اسلامی است نه سکولار، بر مبنای دیدگاه اسلام در ادامه به تبیین بایستگی های عمومی قانون شایسته به اجمال و بایستگی های اختصاصی قانون شایسته در زمینه ی فضای مجازی به تفصیل می پردازیم:

۱. بایستگی های عمومی قانون شایسته

ویژگی های عمومی قانون شایسته در تمام زمینه ها عبارت اند از:

روشن و مفهوم بودن: متن قانون باید به گونه ای تنظیم گردد که برای عموم مردم قابل فهم باشد و مانع برداشت های دوپهلوی شخصی گردد.

مطابق با فرهنگ عمومی جامعه بودن: قانون باید هماهنگ با فرهنگ عمومی جامعه باشد در غیر این صورت اکثریت مردم به آن عمل نمی کنند و تبدیل به قانون متروک می گردد. رعایت عدالت: قانون باید برای افرادی که شرایط برابری دارند، حق و تکلیف برابری تعیین کرده باشد.

قابلیت اجرا داشتن: قانون باید با توجه به اوضاع و احوال جامعه، قابلیت اجرا داشته باشد. **ضمانت اجرا داشتن:** هر قانونی باید ضمانت اجرا داشته باشد و قوه قضائیه ناظر بر اجرای آن باشد در غیر این صورت صرفاً خطوطی بر روی کاغذ هستند. در یک تقسیم بندی کلی، ضمانت اجرا به دودسته مدنی و کیفری تقسیم می گردد. به عنوان مثال ضمانت اجرای مدنی فروش فیلتر شکن، بطلان معامله و استرداد ثمن و ضمانت اجرای کیفری آن حبس یا جزای نقدی می تواند باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۰ و ۴۶-۳۸ با تصرف و تلخیص؛ شیروی، ۱۴۰۲، ۲۰-۲۹ و ۷۷-۶۶ با تصرف و تلخیص؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ج ۱، ۴۰۷-۳۸۹ با تصرف و تلخیص).

۲. بایستگی‌های اختصاصی قانون شایسته در زمینه‌ی فضای مجازی در ایران

ویژگی‌های اختصاصی قانون شایسته در زمینه‌ی فضای مجازی در ایران عبارت‌اند از: **نرم بودن:** قانون نرم یا انعطاف‌پذیر عبارت است از قانونی که اصلاح و بازنگری در آن نیازمند تشریفات کمتری است و از طریق قوه مقننه انجام می‌گیرد، تمام قوانین عادی کشورها نرم هستند، در مقابل آن قانون سخت یا انعطاف‌ناپذیر عبارت است از قانونی که اصلاح و بازنگری در آن نیازمند طی شدن تشریفات بیشتر و زمان‌بر است، اکثر کشورها مانند ایران و آمریکا برخلاف اسرائیل، قانون اساسی‌شان سخت است زیرا در قانون اساسی هر کشور، اصول و مبانی نظام حکومتی ذکر می‌گردد لذا نیاز به همه‌پرسی یا ترکیبی از مجلسی ویژه مانند مجلس خبرگان قانون اساسی و همه‌پرسی دارد. با توجه به سرعت تحولات در عرصه فضای مجازی، قانون مربوط به این عرصه باید نرم بلکه نرم‌تر از سایر قوانین عادی باشد به این صورت که شورای عالی فضای مجازی و دولت لایحه و کمیسیون فضای مجازی مجلس طرح ارائه دهند و سپس به صورت دوفوریتی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح گردد و پس از تصویب، شورای نگهبان در مهلتی ۱۰ روزه که قابل تمدید نباشد مصوبه مجلس را از جهت عدم مخالفت با شرع و قانون اساسی ارزیابی کند، تا قوه مقننه در کوتاه‌ترین زمان ممکن بتواند اقدام به تصویب، اصلاح و بازنگری در متن قانون و ارسال آن به قوه مجریه جهت ابلاغ و اجرا بکند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۷۲۲ با تصرف و تلخیص؛ کمالان، ۱۴۰۰، ش، ۲۳۶ با تصرف و تلخیص).

آزمایشی بودن: با توجه به تجربه کم قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران و سرعت زیاد تغییر و تحولات در عرصه فضای مجازی و نیاز به تعامل ویژه بین قوه مقننه و مجریه در اجرای قانون در زمینه‌ی فضای مجازی به دلیل نقش پررنگ دولت در فیلترینگ، فروش فیلترشکن‌ها، حمایت مالی از بخش خصوصی جهت ورود به عرصه فضای مجازی و... باید قانونی آزمایشی به صورت یکساله تصویب گردد و پس از انقضای مدت آن، بازنگری و اصلاح شود و مجدداً یک ساله به صورت آزمایشی تصویب گردد تا پس از گذشت چند سال اجرای آزمایشی، ایرادات آن شناسایی و رفع و همچنین نظرات قوه مقننه و مجریه تأمین گردد. این که در اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده که عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور است، به این دلیل است که نحوه‌ی اجرای قانون از اهمیت بسیاری برخوردار است به گونه‌ای که می‌توان گفت اجرای بد یک قانون خوب آن را به یک قانون بد تبدیل می‌کند، لذا در عرصه فضای مجازی با توجه به نقش

زیاد دولت‌ها باید نظرات آنها به‌طور ویژه تأمین گردد.

تمهیدات ویژه برای کودکان و نوجوانان: طبق آخرین آمار استفاده از فضای مجازی توسط کودکان و نوجوان در ایران، حدود ۶۶ درصد کودکان (کمتر از ۱۵ سال) و ۹۷ درصد نوجوانان (بین ۱۵ تا ۱۸ سال) از فضای مجازی استفاده می‌کنند (ایرنا، ۱۴۰۲/۰۶/۲۹). بنابراین با عنایت به تأثیرپذیری زیاد افراد زیر هجده سال از این فضا و شکل‌گیری شخصیت آنها، ضروری است که در قانون فصلی تحت عنوان کودکان و نوجوانان تعبیه گردد و ذیل آن به مباحثی از جمله: تبیین وظایف سرپرستان، آموزگاران و دستگاه‌های ذی‌ربط مانند: وزارت ارتباطات، وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی در کنترل و آموزش استفاده صحیح از فضای مجازی توسط آنها، جرم‌انگاری ارائه‌ی محتوای خلاف عفت عمومی نظیر پورنوگرافی به آنها و تشدید مجازات آن، تبیین وظایف قانون‌اصلاح و تربیت در مورد کودکان و نوجوانانی که مرتکب جرایم رایانه‌ای مانند کلاهبرداری رایانه‌ای، فروش فیلترشکن و انتشار محتوای خلاف عفت عمومی شده‌اند، پرداخته شود (شیرخانی، ۱۴۰۳: ۸۴-۸۶ با تصرف و تلخیص؛ یحیی‌زاده و شاکری، ۱۴۰۳: ۳۷۴-۳۶۹).

تعیین محدودیت در استفاده از فضای مجازی در محیط‌های کاری دولتی و آموزشی: کشورهای پیشران در فضای مجازی برای استفاده از این فضا در محیط‌های کاری دولتی و آموزشی محدودیت‌هایی جهت بهبود کیفیت کار و آموزش و جلوگیری از سرقت اطلاعات و جاسوسی تعیین کرده‌اند، مانند ممنوعیت استفاده از شبکه اجتماعی تیک‌تاک در دستگاه‌های دولتی توسط کارمندان به دلیل جلوگیری از جاسوسی چین در آمریکا و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۲۳ میلادی (مهر نیوز، ۱۴۰۱/۰۹/۱۹؛ فارس نیوز، ۱۴۰۱/۰۹/۲۳) و ممنوعیت استفاده از تلفن همراه در مدارس آمریکا از سال ۲۰۲۳ میلادی (دانشجو، ۱۴۰۳/۱۰/۱۹)، در کشور ما نیز باید برای استفاده از این فضا در محیط‌های کاری دولتی و آموزشی محدودیت‌هایی در قانون تعیین گردد تا مانع تأثیرگذاری سایر کشورها بر محیط کاری و آموزشی و همچنین جاسوسی گردد.

الزام ارائه‌ی خدمات در بستر اینترنت ملی: الزام دستگاه‌های ذی‌ربط به ارائه‌ی خدمات اداری، مالی، قضایی، آموزشی و خدمات عمومی مانند سامانه‌های مربوط به ادارات دولتی، بانک‌ها، خدمات قضایی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و سوخت‌رسانی در بستر اینترنت ملی جهت پیشگیری از جاسوسی، اختلال و حملات سایبری. می‌توان گفت کشور روسیه برای مقابله با هژمونی آمریکا در این زمینه پیشران است و با تصویب قانونی موسوم به «قانون

حاکمیت اینترنت روسیه» و اینترنت ملی بانام «رونِت» در سال ۲۰۱۹ میلادی تمام خدمات مذکور را در بستری ملی خود ارائه می‌دهد (عطنا، ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ ش).

تعیین وظیفه‌ی دستگاه‌ها: برای اجرای کامل و صحیح این قانون باید وظایف دستگاه‌های ذی‌ربط که عبارت‌اند از: شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات، وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فراجا (فتا)، وزارت اطلاعات، مرکز ملی فضای مجازی کشور، دادسرا و شعب دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای در قانون معین گردد (السان، ۱۴۰۲: ۲۸ با تصرف و تلخیص).

الزام شرکت‌های داخلی فعال در فضای مجازی به ارتقاء: نباید برخوردها صرفاً سلبی باشد به این صورت که شرکت‌های خارجی را ملزم به پذیرش قوانین داخلی خود کنیم و در صورت عدم پذیرش اجازه فعالیت به آنها ندهیم و پلتفرم‌های شان را مسدود سازیم و مردم را از خدمات آنها محروم نماییم بلکه علاوه بر آن باید قانوناً شرکت‌های داخلی را ملزم به ارتقاء خدمات خود در فضای مجازی مانند: افزایش پهنای باند جهت سرعت بیشتر انتقال و محدودیت کمتر در حجم مطالب ارسالی، رابط کاربری آسان و به‌روزرسانی مستمر و... کنیم تا هم‌تراز با شرکت‌های خارجی بلکه بالاتر از آنها خدمات به مردم ارائه دهند که این امر در جلب رضایت عمومی، تأمین امنیت ملی و کاهش استفاده از فیلتر شکن‌ها مؤثر می‌باشد.

الزام شرکت‌های خارجی فعال در فضای مجازی به رعایت قوانین داخلی ایران: برای اعمال حکمرانی در فضای مجازی مانند سایر کشورهای پیشران در این عرصه مثل اتحادیه اروپا که با وضع قوانینی ازجمله: مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، دستورالعمل امنیت شبکه و اطلاعات، قانون بازارهای دیجیتالی، قانون خدمات دیجیتالی و قانون آزادی رسانه و... شرکت‌های خارجی فعال در این عرصه نظیر گوگل، متا (اینستاگرام، واتساپ و فیس‌بوک)، تلگرام، توییتر و تیک‌تاک و... را ملزم به رعایت قوانین داخلی اتحادیه اروپا کرده است (سایت فارس نیوز، ۱۴۰۲/۰۶/۰۴ ش؛ محقق، ۱۴۰۳: ۲۶-۲۳ با تصرف و تلخیص)، در قانون ما نیز باید تصریح شود که شرکت‌های خارجی ملزم به انعقاد تعهدنامه‌ای با شورای عالی فضای مجازی مبنی بر پایبندی به مقررات داخلی ایران برای دریافت مجوز فعالیت در ایران هستند.

تعیین مشوق‌هایی برای بخش خصوصی: تمام شرکت‌های خارجی در زمینه‌ی ارائه خدمات در فضای مجازی ازجمله متا (واتساپ، اینستاگرام و فیس‌بوک)، تلگرام، توییتر، آمازون، لینکدین، تیک‌تاک، علی‌بابا، گوگل و مایکروسافت دارای مالک خصوصی هستند، ارتقاء

خدمات در فضای مجازی بدون ورود بخش خصوصی ممکن نیست بنابراین قانون باید دولت را موظف کند که با ارائه ی مشوق هایی از جمله: کاهش تشریفات اداری ثبت شرکت ها، معافیت های مالیاتی، تسهیلات بانکی با بهره پائین، در اختیار قراردادن تجهیزات و مکان مورد نیاز برای ارائه خدمات و انجام امور آموزش و تحقیقاتی، حمایت ویژه مادی و معنوی از دانشجویان و اساتید رشته های مرتبط با فضای مجازی، افزایش دانشگاه های ارائه دهنده ی رشته های مرتبط و... بخش خصوصی را برای ورود به عرصه فضای مجازی ترغیب کند.

جرم انگاری خرید، فروش، تولید و استفاده از فیلتر شکن: در قوانین ما خرید، فروش و استفاده از فیلتر شکن جرم انگاری نشده است، هر چند برخی بند الف ماده ۷۵۳ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات: «هر شخصی که مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از شصت و شش میلیون (۶۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال) تا دویست و شصت و چهار میلیون (۲۶۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال) یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد: الف) تولید یا انتشار یا توزیع و در دسترس قراردادن یا معامله داده ها یا نرم افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می رود». را شامل فروش و تولید فیلتر شکن می دانند اما چون فیلتر شکن صرفاً برای ارتکاب جرائم رایانه ای استفاده نمی گردد بنابراین این ماده شامل فروش و تولید فیلتر شکن نمی شود، در نتیجه در قوانین ما چهار عمل فوق الذکر جرم انگاری نگردیده است و ماده ۶ مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص مقابله با پالایش شکن ها (فیلتر شکن ها) مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ که بیان می دارد: «استفاده از ابزارهای پالایش شکن ممنوع می باشد مگر مواردی که دارای مجوز قانونی می باشند». فاقد ضمانت اجرا است. البته با عنایت به این که براساس آمار مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی حدود ۹۰ درصد از ایرانی هایی که از اینترنت استفاده می کنند، فیلتر شکن دارند (فارس نیوز، ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ ش). در حال حاضر استفاده از فیلتر شکن قابل جرم انگاری نیست و ابتدا باید خدمات پلتفرم های داخلی تقویت گردد تا استفاده از فیلتر شکن ها کاهش یابد و سپس جرم انگاری شود، زیرا جرم انگاری آن اکنون موجب تبدیل شدن به قانون متروک می گردد؛ اما برای اعمال حاکمیت بر فضای مجازی باید خرید، فروش و تولید فیلتر شکن باید جرم انگاری گردد زیرا تا زمانی که خریدار وجود دارد، فروشنده و تولیدکننده نیز وجود دارد، هر چند تعیین مجازات حبس مناسب نمی باشد و پیشنهاد می شود مانند پارلمان روسیه که در سال ۲۰۱۷ میلادی خرید، فروش، تولید و استفاده از فیلتر شکن را ممنوع و مشمول جزای نقدی ۷۰ هزار روبلی قرارداد (ایسنا، ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ ش)، جزای نقدی تعیین گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تأثیر روزافزون فضای مجازی در تحولات جهانی، حکمرانی بر این عرصه ضروری است در غیر این صورت دشمنان با حکمرانی بر این عرصه ایدئولوژی‌های خود را در اذهان مردم نهادینه می‌کنند و بدیهی است که حکمرانی در فضای مجازی و تأثیرگذاری در تحولات جهانی نیازمند تدوین قانونی جامع دارد تا تصمیمات سلیقه‌ای و موقت نباشند، بنابراین مجلس شورای اسلامی با عنایت به این که مصوبات گذشته به دلیل عدم شیوع استفاده از فضای مجازی بین مردم، بسیار مختصر است، باید عهده‌دار تدوین قانونی در زمینه‌ی فضای مجازی ایران گردد و این قانون با عنایت به رویکرد حقوقی بر مبنای فیلترینگ در فضای مجازی و دیدگاه اسلام در فلسفه مجازات، از جهت حقوقی باید دارای خصوصیتی که عبارت‌اند از: نرم بودن، آزمایشی بودن، تمهیدات ویژه برای کودکان و نوجوانان، تعیین محدودیت در استفاده از فضای مجازی در محیط‌های کاری دولتی و آموزشی، الزام ارائه‌ی خدمات در بستر اینترنت ملی، تعیین وظیفه‌ی دستگاه‌ها، الزام شرکت‌های داخلی فعال در فضای مجازی به ارتقاء، الزام شرکت‌های خارجی فعال در فضای مجازی به رعایت قوانین داخلی ایران، الزام شرکت‌های خارجی فعال در فضای مجازی به رعایت قوانین داخلی ایران، تعیین مشوق‌هایی برای بخش خصوصی و جرم‌انگاری خرید، فروش، تولید و استفاده از فیلترشکن باشد.

منابع

- احمدی‌پور، زهرا؛ جعفرزاده، حسن؛ بویه، چمران (۱۳۹۶)، نقش راهبرد رسانه‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های نوین اجتماعی در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا از منظر ژئوپلیتیک عمومی، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۲.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، کلیات حقوق جزا، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چهارم.
- امیدی، علی؛ رشیدی علویجه، مهرداد (۱۳۹۱)، نقش رسانه‌های جدید در انقلاب جهان عرب، نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۱۷.
- آزادی احمدآبادی، علی؛ فتحعلی، سعید؛ خیامی، عبدالکریم (۱۴۰۰)، تعریف واکاوی مفهوم سواد فضای مجازی و نسبت سواد رسانه‌ای با آن، دوفصل‌نامه علمی دین و ارتباطات، ویژه‌نامه اول.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۴۰۲)، اصول جرم‌شناسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، سی و یکم.

- جعفری، احمدرضا (۱۴۰۳)، بررسی سیر تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در غرب آسیا، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، شماره ۲۰.
- خواجهی، غلامرضا (۱۳۸۸)، بررسی رویکرد مدعیان هولوکاست در حمایت‌های حقوقی از کشتگان یهود، نشریه جستارهایی در فلسفه و کلام، شماره ۸۲.
- دوست محمدی، احمد (۱۳۹۱)، نگاهی نو به داستان هولوکاست، فصل‌نامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱.
- رجبی، عبدالله؛ ترازوی، نسرين (۱۳۹۶)، بررسی انتقادی حاکمیت حقوقی ساختار فنی اینترنت بر فضای مجازی، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۰.
- زمانی فراهانی، محمدحسین (۱۴۰۰)، تبیین نقش فضای سایبری در گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی داعش در منطقه، فصل‌نامه مطالعات جنگ، شماره ۹.
- السان، مصطفی (۱۴۰۲)، حقوق فضای مجازی، تهران: شهر دانش، بیست و سوم.
- شریفی، سیدمهدی؛ شاهینی، زینب (۱۳۹۵)، بررسی ابزارها، تاکتیک‌ها و رویکردهای رسانه‌ای گروه داعش تروریستی، پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل، شماره ۱.
- شیرخانی، مریم (۱۴۰۳)، بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و هویت در دانش‌آموزان، پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۷۷.
- شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۱)، مقدمه علم حقوق، تهران: بنیاد حقوقی میزان، سوم.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰)، قاعده‌های اخلاقی در فضای مجازی و دوجبه‌نگری، تهران: مجموعه مقالات سمینار فضای مجازی دانشگاه تهران، شماره ۷۱.
- عجمی بهبهانی، سیدمحمد (۱۴۰۱)، نقش فضای مجازی در اغتشاش‌ها، مجله مبلغان، شماره ۲۸۲.
- غلامی، حسین (۱۴۰۱)، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چهارم.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه مجازات، فصل‌نامه نقد و نظر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، فلسفه حقوق، تهران: گنج دانش، اول.
- کاظمی، سیدسجاد؛ چگینی، حامد؛ احمدیانی، محمدامین؛ فرزانه، نغمه (۱۴۰۰)، بازپژوهی فقهی پذیرش توبه در زنای به عنف با تکیه بر مفهوم و معیارهای تمییز حق‌الله یا حق‌الناسی بودن جرائم، فصل‌نامه فقه جزای تطبیقی دانشگاه ملایر، شماره ۱.

- کمالان، سیدمهدی (۱۴۰۰)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات حقوقی، تهران: کمالان، سوم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، کلیات و مقدمه علم حقوق، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، سوم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹)، حقوق جزای عمومی ایران، تهران: دانشگاه تهران، هفدهم.
- متقی، ابراهیم (۱۴۰۲)، گذار به نظم جدید جهانی؛ نشانه‌ها و فرآیندهای کنش راهبردی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- محقق، نجلا (۱۴۰۳)، بررسی قوانین ضدانحصاری پلتفرم‌ها، پیشنهادی اتحادیه اروپا، تهران: پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، اول.
- منصوآبادی، عباس (۱۳۹۸)، کلیات حقوق جزا، تهران: بنیاد حقوقی میزان، پنجم.
- میرزایی، حمید؛ شعبان‌نیا منصور، مهدی؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰)، بررسی رویکردهای حاکمیت قانون برای اعمال فیلترینگ در فضای مجازی با بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی، دوفصل‌نامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، ویژه‌نامه دوم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۲)، حقوق جزای عمومی ۱، تهران: دادگستر، چهارم.
- یحیی‌زاده، یاسر؛ شاکری، حمیدرضا (۱۴۰۳)، بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی با نگاهی به راهکارهای توانمندسازی آنان در برابر آسیب‌ها، فصل‌نامه مطالعات حقوق موسسه آموزش عالی نگاره، شماره ۴۲.
- خامنه‌ای (۱۳۹۰ش) <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=19225>
- خامنه‌ای (۱۳۷۷ش) <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37674>
- شورای عالی فضای مجازی - https://majazi.ir/general_content/75883
- ایسپا (۱۴۰۳/۰۷/۰۷) <https://ispa.ir/Default/Details/fa/3472/>
- ایسنا (۱۴۰۲/۰۷/۲۴ش) <https://www.isna.ir/news/1402072416839/>
- ایسنا (۱۳۹۶/۰۶/۰۲ش) <https://www.isna.ir/news/96050200992/>
- مشرق (۱۳۹۵/۰۵/۱۲ش) <https://www.mashreghnews.ir/news/611947/>
- مشرق (۱۳۹۲/۰۴/۰۴ش) <https://www.mashreghnews.ir/news/226535/>
- مشرق (۱۳۹۱/۰۵/۱۱ش) <https://www.mashreghnews.ir/news/142076/>
- مشرق (۱۴۰۱/۰۷/۱۹ش) <https://www.ashreghnews.ir/news/1425312/>
- همشهری (۱۳۹۰/۰۲/۰۸ش) <https://www.hamshahrionline.ir/news/134344/>
- فارس نیوز (۱۴۰۱/۰۹/۲۳ش)
- <https://farsnews.ir/ScientificAcademic/1671089412000892138/>

- فارس نیوز (۱۴۰۲/۰۶/۰۴) <https://farsnews.ir/ScientificAcademic/1693072800000842935/>
- فارس نیوز (۱۴۰۳/۰۲/۱۵) <https://farsnews.ir/MOSHKLEMA/1717052660591285163>
- ایرنا (۱۴۰۲/۰۶/۲۹) <https://www.irna.ir/news/85232520/>
- مهر نیوز (۱۴۰۱/۰۹/۰۹) <https://www.mehrnews.com/news/5643514/>
- دانشجو (۱۴۰۳/۱۰/۱۹) <https://snn.ir/fa/news/1217210/>
- عطنا (۱۴۰۰/۰۵/۲۰) <https://atna.atu.ac.ir/fa/news/302934/>



The Islamic Revolution and Global Developments from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Dr. Alireza Zamzam ¹

Abstract

The most significant transformation of the 20th century, which influenced global dynamics and led to a bipolar world order, was the Islamic Revolution of Iran. Decades after this major event, global movements—particularly in the Middle East and West Asia—continue to be shaped by the revolution through Islamic Awakening and the formation of the Resistance Front. The system emerging from this revolution remains one of the key players in global developments. The author examines Ayatollah Khamenei's perspective on the Islamic Revolution of Iran and its impact on future global transformations. According to Ayatollah Khamenei, the Islamic Revolution is a continuous and evolutionary movement with a global mission focused on establishing a noble Islamic life and creating a new Islamic civilization. The research methodology is descriptive-analytical, based on a content analysis of Ayatollah Khamenei's statements. Findings indicate that, from Ayatollah Khamenei's viewpoint, the future of the Islamic Revolution is bright and predictable, promising a disruption of the existing global order while striving to establish ideals such as a noble Islamic life and a new Islamic civilization.

Keywords: Islamic Revolution, Iran, Ayatollah Khamenei, Global Developments, Future Vision

1. Assistant Professor, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran(zamzam@uk.ac.ir)

انقلاب اسلامی و تحولات جهانی از منظر آیت الله خامنه‌ای*

علیرضا زمزم^۱

چکیده

مهم‌ترین تحولی که در قرن بیستم میلادی رخ داد و منشأ تحولاتی در جهان و بلوک‌بندی دوقطبی گردید، انقلاب اسلامی ایران بود. با گذشت حدود نیم قرن از این تحول عظیم، هم‌چنان کنش‌ها و تحولات جهان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه و غرب آسیا در قالب بیداری اسلامی و شکل‌گیری جبهه مقاومت از این رخداد تأثیرپذیرند و نظام برآمده از این انقلاب به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تحولات نقش ایفا می‌کند. نویسنده در این مقاله درصدد بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری آن بر تحولات آینده جهانی است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی حرکتی مستمر و تکاملی و با نگاه به آینده رسالتی جهانی دارد و درصدد دستیابی به حیات طیبیه اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است که از طریق تحلیل محتوای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای موضوع پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته پژوهش عبارت از این است که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آینده انقلاب اسلامی درخشان و قابل پیش‌بینی است و این انقلاب ضمن به هم زدن نظم موجود در جهان، آرمان‌هایی مثل تشکیل حیات طیبیه اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را نوید می‌دهد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، تحولات جهانی، آینده‌نگری.

مقدمه

متفکران سه مکتب فکری و فلسفی کارکردگرایی، مارکسیستی و اسلام در زمینه انقلاب نظریه‌پردازی کرده‌اند. در چارچوب مکتب کارکردگرایی افرادی مثل چالمز جانسون و پارسونز، در چارچوب مکتب مارکسیستی، افرادی مثل مارکس، لنین، تروتسکی، گرامشی و در چارچوب مکتب فکری اسلام به‌ویژه فلسفه سیاسی شیعه، اندیشمندانی مثل محمدباقر صدر و مرتضی مطهری در زمینه انقلاب بحث کرده‌اند. مهم‌ترین تحولی که در قرن بیستم میلادی پیش‌ران تحولات جهان و آینده آن گردید، انقلاب اسلامی ایران بود. این انقلاب در اوج جنگ سرد رخ داد و منشأ تحولاتی در جهان گردید. با گذشت حدود نیم قرن از این رخداد، تحولاتی مثل

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (zamzam@uk.ac.ir).

بیداری اسلامی و نیز جبهه مقاومت در سال‌های اخیر تحت تأثیر آن شکل گرفته و آینده‌نویسی را برای جهان اسلام و حتی بشریت نوید می‌دهد و لذا باید جایگاه این انقلاب را به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی محسوب کرد. آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب مکتب فکری اسلام و بر اساس مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی این مکتب به انقلاب اسلامی می‌پردازد. از دیدگاه وی انقلاب از جنس تغییر و تحولات درونی است یعنی تحول درونی شرط لازم و زیربنای تغییر در سایر ساخت‌هاست. انقلاب به این معنا پدیده‌ای تکاملی، مستمر، تدریجی و پیشران است که باعث تغییر بنیادین در افکار و رفتار فرد و جامعه می‌شود. خصلت انقلابی و پیشرانی حتی با تشکیل نظام سیاسی نیز وجود دارد. با توجه به این‌که آیت‌الله خامنه‌ای سالیان مدیدی به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی مطرح بوده، شناخت مبانی فکری، قرائت و تفسیر وی از انقلاب اسلامی به‌عنوان پیشران و مبدأ تحولات پسینی ضرورت دارد. سؤال اصلی مقاله معطوف به قرائت و تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای از انقلاب اسلامی ایران و آینده جهان است. از نظر وی انقلاب اسلامی حرکت تکاملی و مستمر معطوف به آینده دارد و نه تنها در تقسیم‌بندی‌های رایج هضم نمی‌گردد، بلکه درصدد ارائه چشم‌اندازی جدید از جهان است. از نظر پیشینه در خصوص انقلاب اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای آثار ذیل در دسترس است.

۱. کتاب روشنایی آینده، در این کتاب آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای جمع‌آوری شده است؛ ۲. کتاب صورت و سیرت انقلاب اسلامی که در آن بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در خصوص صورت و سیرت انقلاب اسلامی گردآوری شده است؛ ۳. کتاب ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی. در این کتاب بعضی ویژگی‌های انقلاب اسلامی از منظر وی توصیف شده است؛ ۴. مقاله چیستی انقلاب از منظر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اثر امیر سیاه‌پوش و مصطفی ملکوتیان. در این مقاله نویسندگان ضمن تعریف انقلاب، چیستی انقلاب اسلامی و فرق آن با مفاهیم مشابه (اصلاح، تکامل، تحول و تضاد) را مطرح کرده‌اند. در این مقاله حلقه مفقوده در آثار یادشده یعنی انقلاب اسلامی و تحولات آینده از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌شود. این هدف با تحلیل محتوای سخنان و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد.

پدیده انقلاب مثل سایر پدیده‌ها، شأن ماهیتی نه حیثیت وجودی‌اش مرز تمایز آن از سایر پدیده‌های مشابه است. در ماهیت سؤال از چیستی، معنا و مفهوم و ویژگی‌هاست. از منظر ماهیت همه انقلاب‌ها از این جهت که انقلاب‌اند نقاط اشتراک و همگونی دارند و ناهمگونی‌ها معطوف به نوع ایدئولوژی حاکم بر این تحولات است. تعاریف انقلاب عمدتاً تشریحی (شرح الاسمی) هستند که در آنها حد، رسم و فصل با دقت منطقی روشن نشده است. افزون بر این مرز چرایی، چگونگی و چیستی انقلاب و غایات، علل و ماهیت آن مشخص نگردیده است.

تعریف انقلاب با رویکرد سکولار

در این مقاله، قائلان به هر دو مکتب فکری کارکردگرایی و مارکسیستی در این رویکرد قرار می‌گیرند. یکی از نویسندگان حوزه انقلاب، در چارچوب این رویکرد، انقلاب را تحولی می‌داند که دارای شاخصه‌های ذیل است:

۱. استحاله ارزش‌ها؛ ۲. تغییر ساختار اجتماعی و تحول در نهادهای سیاسی؛ ۳. قانونیت تغییر یا غیرقانونی بودن آن؛ ۴. تغییر نخبگان چه از لحاظ افراد و گروه‌ها؛ ۵. خشونت (کوهن، ۱۳۷۲: ۲۵).

در مورد این تعریف پرسش‌های بسیاری مطرح است. استحاله ارزش‌ها به عنوان یک قضیه موجب کلیه درست نیست، چراکه در حوزه فرهنگ استحاله همه ارزش‌ها دشوار است. افزون بر این ساختار که توصیف‌کننده روابط پایدار است، در مکاتب مختلف، معانی متفاوت دارد. در مکتب مارکسیسم به دو مقوله زیربنا و روبنا تقسیم می‌گردد که تغییر در روابط تولید، زیربنای دیگر تغییرات است. در مکتب کارکردگرایی ساختار به معنای مجموعه‌ای از زیرسیستم‌ها است و در مکتب اسلام، ساختار عبارت از پی‌ریزی مجموعه‌ای بر اساس عقل و فطرت انسانی است. تروتسکی از نویسندگان مارکسیست، انقلاب را تحولی می‌داند که در پی شکل‌گیری قدرت دوگانه^۱ و یا چندگانه در جامعه شکل می‌گیرد (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۲۰۱-۲۰۲) براساس این دیدگاه، انقلاب زمانی رخ می‌دهد که نوعی دوگانگی در قدرت و یا ثنویت در قدرت مطرح باشد. به گونه‌ای که قدرت اجتماعی (جامعه) مسیری خلاف جهت قدرت سیاسی (حکومت) در پیش بگیرد. این روند درواقع تقابل و تضاد بین قدرت اجتماعی و قدرت سیاسی است. نتیجه این

کشمکش به تحلیل رفتن قدرت سیاسی و قبضه آن به وسیله قدرت اجتماعی با رهبری فرهمند و قدرت بسیج کنندگی خارق العاده توده هاست (زمزم، ۱۳۷۹: ۲۳).

تعریف انقلاب با رویکرد اسلامی

از منظر جهان بینی توحیدی به ویژه دیدگاه اسلامی، منشأ تحولات اجتماعی از جمله انقلاب، انسان است یعنی تغییر در محتوای درونی انسان ها بر خواسته از اراده انسان است. در این مکتب اندیشه و تفکر منشأ انقلاب و زمینه ساز آن است، لذا انقلاب تحولی درونی است که رهبران این تحول با تغییر فکر مردم، زمینه تحول بنیادین در اوضاع و احوال جامعه را به وجود می آورند. چنین قرائتی از انقلاب، برگرفته از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) است، که تغییر و تحول یک جامعه را فرع بر تحول افراد آن جامعه (قوم) می داند. در تفسیر این آیه آمده: «تغییر اوضاع و شئون اجتماعی هر قومی رو بنای آن قوم است، تغییر بنیادی تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر از این تغییر بنیادین سرچشمه گرفته است...»

بدیهی است مقصود از تغییر (ما بانفسهم) تغییر در درون ملت است. این تنها تغییر اوضاع و احوال یک قوم و ملت است که از ریشه تغییر درونی خود آن قوم و ملت تغذیه می کند. افزون بر این در اسلام هر فعل و عملی آن گاه ارزش دارد که ارادی و انتخابی باشد و لذا در اسلام انقلاب جبری نیست. از نظر علم لغت نیز اصطلاح انقلاب از باب انفعال است و معنای آن مطاوعه و پذیرش است. اگر جامعه ای از درون پذیرای تغییر و تحول نباشد، انقلاب و تحول بر او تحمیل شدنی نیست. انقلاب فرع بر تحول فکری و معرفتی است. از این عامل در انقلاب اسلامی ایران تحت عنوان «سازندگی درونی» (باهنر، ۱۳۸۷: ۱۹) یاد می شود. عمید زنجانی، عامل عمده انقلاب را آرمان خواهی و عقیده به مکتبی می داند که نخست گروه پیشرو و مجاهدان را وارد میدان مبارزه می کند و سپس با بسیج توده های گسترده مردم را به درون جامعه می کشاند و انقلاب را به صورت مردمی به پیروزی می رساند (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۳۰).

مرتضی مطهری انقلاب روحی را مقدمه انقلاب اجتماعی می داند و معتقد است: ... انقلاب روحی خود مردم باید تکمیل شود تا انقلاب اجتماعی شان به کمال برسد... این بذر انقلابی را ... رهبران اجتماعی در روح جامعه ما از نو کاشتند و آن روح انکار و تهاجم و شورش و به زبان اسلامی روح امر به معروف و نهی از منکر و روح جهاد بود (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

مفهوم انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب را بر اساس مبانی نظری اسلام تعریف می‌کند و معتقد به وجود پیوند بین وقوع تحولات اجتماعی و اختیار انسان است. وی ضمن توجه به عنصر زیربنایی تغییر و تحول درونی می‌گوید:

انقلاب مثل یک کوره گدازنده است، تغییردهنده شکل و نظم عناصر موجودات است... تغییردهنده است، دگرگون‌کننده است. این دگرگون‌سازی فقط در سطح مناسبات اجتماعی نیست، بلکه در درجهٔ اول، در لایه درون انسان‌ها و ذهنیت‌هاست... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۷).

از نظر وی انقلاب مناسبات اجتماعی، فرع بر تبدل دل‌ها و خلیات مردم است (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۱۵۷) وی ضمن اشاره به تمایز انقلاب با شورش، انقلاب را به عنوان تغییر بنیادین و عمیق، نه روبنایی و سطحی می‌داند و می‌گوید:

انقلاب فقط شورش کردن، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست، انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه، تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجاست به آنچه صحیح و مستقیم و به جاست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

از نظر وی انقلاب تحولی است برخاسته از جامعه و ناظر به اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی آن و لذا می‌گوید:

... بحث بر سر انقلاب‌هاست، یعنی آن تحولاتی که به وسیلهٔ مردم انجام گرفت و ناظر به اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی جامعه بود (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۴).

برخلاف نظر کارکردگرایان که به انقلاب به خاطر پیامدهای آنی مثل برهم خوردن وضع موجود، نگاه سلبی دارند، آیت‌الله خامنه‌ای به این پدیده نگاه ایجابی و مثبت دارد و می‌گوید: انقلاب برای ملتی که با نفی و طرد وضع موجود در پی این است که خود را به رستگاری حقیقی و به سعادت برساند و برخوردار از تعالی و تکامل مادی و معنوی باشد، امری مثبت است، اما برای کسانی که سال‌های متمادی بر یک کشور پنجه انداختند، بزرگ‌ترین بلاست برای آنها... (بیانات حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱).

آیت‌الله خامنه‌ای مثل سایر صاحب‌نظران، انقلاب را تغییری بنیادین می‌داند، اما مقصود ایشان از «بنیادین» با رویکردهای سکولار متفاوت است. «از منظر ایشان تغییر بنیادین تغییری است که در آرمان‌ها و اهداف اجتماعی صورت می‌گیرد و بنیادی‌ترین تحول از این منظر، تغییر

در نگرش‌های توحیدی به طاغوت است و بالعکس» (سیاه‌پوش و ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۲۴). با توجه به این که انقلاب و اصلاح لازم و ملزوم یکدیگر و مکمل هم‌اند، آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب را مصداقی از اصلاح به معنای اعم تلقی می‌کند و انقلاب بدون اصلاح را غیرممکن می‌داند. لذا انقلاب به این معنا حرکتی تدریجی و اصلاح‌گرایانه و در حال پیشرفت و تکامل است، لذا می‌گوید:

خود انقلاب، بزرگ‌ترین اصلاح است، تداوم اصلاحات در ذات و هویت انقلاب نهفته است ... انقلاب بدون اصلاح امکان ندارد... (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰).

از نظر وی تحول که در مقابل رکود است، جزء سنت‌های لایتغیر الهی است. این تحول غیر از هرج و مرج و آنارشسیسم است. هر نظام اجتماعی در عین ثبات نیاز به تحول دارد. «تحول در جامعه انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است، هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

انقلاب اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای تاریخی، از منظر هستی‌شناسی، تابع نظم حاکم بر کل هستی است، این انقلاب دگرگونی عمیق و بنیادین در ارزش‌های جامعه بود که ماهیتی مردمی، استمراری و تکاملی دارد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این حرکت و تحول ماهیتی تدریجی و تکاملی دارد و رمز ماندگاری آن، تحول و تکامل در چارچوب ارزش‌هاست. انقلاب به این معنا نقش پیشرانی نیز دارد و حرکتی مستمر است که در زمان‌های مختلف، اقتضائات متفاوت دارد (ر. ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۲۴؛ خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۲/۲۳). استمرار در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با آنچه در اندیشه‌های مارکسیستی مطرح هست، متفاوت است. تروتسکی یکی از این اندیشمندان، نظریه انقلاب مداوم و مستمر را مطرح کرد (تروتسکی، ۱۳۵۸: ۲۲۹) و معتقد بود انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که منجر به پیروزی بلشویک‌ها بر منشویک‌ها گردید سرانجام جهانی می‌شود و تمام دنیا را در برمی‌گیرد. از نظر وی انقلاب بایستی از عرصه ملی به عرصه جهانی گشاده شود و شکست انقلاب را در صورت محدود بودن به یک کشور حتمی الوقوع می‌دانست (زمزم، ۱۳۷۹: ۳۱).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای جابجایی حکومت در انقلاب اسلامی یک مسئله مقدماتی بود و مسئله اصلی و اساسی تحول واقعی برای رسیدن به اهدافی از قبیل: عدالت، آزادی، بارور شدن شخصیت انسانی و... بود. «مسئله ما این نبود که یک حکومت فاسد که بر سرکار بود، برود و

ما چند نفر غیر فاسد بر سرکار بیاییم. این مسئله مقدماتی بود. مسئله اساسی، انقلاب است یعنی تحول حقیقی در ارکان، بنیادها و زیرساخت‌های جامعه در جهت ایجاد عدالت، ایجاد آزادی، ارتقای فکری و عملی... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷). وی انقلاب اسلامی را تحول عظیم در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت روبه‌جلو و اقدام به سمت پیشرفت کشور و ملت می‌داند (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۲/۲۳). از نظر وی انقلاب اسلامی تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌ها از قبیل: دین، ایمان، عدالت، دوری از اسراف و تجمل، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران، استقلال سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... است. و جریان انقلاب اسلامی زمانی مستمر است که جامعه بر اساس این ارزش‌ها حرکت کند و همه آنها را قبول داشته باشد. (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳). آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف خود سیر تکاملی دارد و این تکامل ماهیتی چالشی و تضاد انگیز از جنس تضاد حق و باطل دارد و لذا در مورد انقلاب اسلامی می‌گوید:

در هر شرایطی با انواع تضادها روبروست و محکوم به مبارزه است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۵).

تضاد و مبارزه در انقلاب اسلامی از جنس سوگیری طبقاتی مارکسیستی نیست که انقلاب توسط طبقه محکوم به وجود می‌آید. در انقلاب اسلامی:

هیچ‌کس، هیچ‌قشری، هیچ‌فردی، هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

وی انقلاب اسلامی را از همه انقلاب‌ها متفاوت می‌داند و انقلابی همه‌جانبه است و محدود به جنبه‌های صرفاً معنوی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیست.

نظریه‌های انقلاب اسلامی

در پاسخ به این پرسش که چرا انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، نظریه‌های گوناگونی از منظر اقتصادی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی (فردی و اجتماعی)، سیاسی، فرهنگی و ترکیبی ارائه شده است. مثل نظریه توطئه (زیباکلام، ۱۳۷۰: ۲۹-۳۰).

نظریه مدرنیزاسیون (زیباکلام، ۱۳۷۴: ۹۴)، نظریه اقتصادی (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۶۱)، نظریه استبداد و دیکتاتوری (زیباکلام، ۱۳۷۰: ۱۱۴) نظریه مذهب (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۵۷۲)، نظریات ترکیبی (محمدی، ۱۳۷۳: ۸۷-۱۱۸؛ کدیور، ۱۳۷۳: ۱۷؛ بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۵؛ کدی، ۱۳۷۸: ۱۵؛ شفیعی‌فر، ۱۳۷۸: ۲-۳۱).

تحلیل محتوای سخنان و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص انقلاب و انقلاب اسلامی تأییدکننده دیدگاه دینی و فرهنگی است. در نظریه‌های دین (اسلام) عامل انقلاب، نظریه‌پرداز در پردازش نظریه خود از مؤلفه‌های دینی و فرهنگی از قبیل: اسلام، معنویت، ارزش‌های الهی و دینی، تشیع، مساجد، حسینیه‌ها، تاسوعا و عاشورا، روحانیت و... استفاده می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای یکی از دو خصوصیت استثنائی ممیزه انقلاب اسلامی را از انقلاب‌های دیگر، در این می‌داند که مبنای انقلاب اسلامی ارزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی است. این خصلت جز علل محدثه و نیز بقیه انقلاب اسلامی است. وی همه انقلاب‌های جهان را از این جهت که مبنای غیردینی و مادی دارند مشابه می‌داند و می‌گوید:

... هیچ نقطه‌ای از دنیا را که در آن انقلاب شده باشد، سراغ نداریم که از این قاعده کلی خارج باشد، ولی در کشور ما این طور نشد (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰؛ مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۴).

خصوصیت دینی انقلاب اسلامی در عنوان «اسلام» انقلاب و نظام سیاسی جلوه نمود و مردم در انقلاب اسلامی به دنبال تحولاتی بودند که بر مبنای اسلام صورت می‌گیرد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای خصوصیت دینی انقلاب اسلامی اولاً باعث فراگیری و گسترده‌گی آن گردید و ثانیاً میزان خسارت کم بود. «انقلاب از خانه مذهب یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد ... نقش مذهب و ارزش‌های معنوی، آن قدر قوی شد و کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این‌گونه آدم‌ها به میدان نمی‌آیند...» (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۳۶). در این انقلاب خشم مردم به خاطر دین، معنویت و خدا بود و بعد از انقلاب نیز حکومت در همین چارچوب شکل گرفت. «دین خصوصیت انقلاب بود و ماند... این خصوصیت در هیچ‌یک از انقلاب‌ها نبود و همین یکی از مهم‌ترین عوامل بود تا هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی و... علاقه‌مند باشد». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این اصل که هیچ انقلابی از شرّ و ضربه ابرقدرت‌ها در امان نیست، معتقد است که خصوصیت اسلامی انقلاب اسلامی، باعث شد که این دشمنی‌ها شدید و مستمر شود. وی دشمنی مخالفان ملت ایران و نظام اسلامی را، در حقیقت دشمنی با اسلام می‌داند و می‌گوید:

اسلام، انقلاب را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد دشمن مجدداً بر کشور تسلط پیدا کند....

اتکای این انقلاب بر اسلام و ایمان الهی باعث شده در مقابل همه فشارها و مخالفت‌ها دوام بیاورد. این انقلاب ریشه در اسلام و ارزش‌های اسلام دارد و شناخت آن پیوستگی کامل با شناخت اسلام ناب محمدی دارد:

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت، اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت، اسلام تبعید و تعقل جایگزین اسلام التقاط و جهالت، اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت، اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت، اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی، اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی، اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت و... گردید (بنیاد تبیین اندیشه‌های امام خمینی در دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶).

از نظر آیت الله خامنه‌ای، اصول اساسی انقلاب همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته است و حفظ انقلاب ارتباط مستقیمی با حراست از این اصول و ارزش‌های انقلاب دارد. وی ضمن اشاره به این که نقطه قوت و پایداری مردم ایران توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب بر آن تأکید شده است، علت مبقیه انقلاب اسلامی را در علت محدثه آن می‌داند و می‌گوید:

انقلاب اسلامی تا وقتی که در خط صحیح اسلام ناب یعنی خط امام، با دقت حرکت می‌کند و شما مردم دین و اسلام را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهید و روحیه دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی را زنده نگه می‌دارید... (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۸۱: ۲۷).

هیچ قدرتی قادر نخواهد بود مانع رسیدن به اهداف گردد. انقلاب اسلامی چون صبغه دینی و معنوی داشت، آثار و نتایج معنوی دارد. از نظر آیت الله خامنه‌ای:

اگر انقلاب اسلامی پیروز نشده بود و ایران جمهوری اسلامی نمی‌شد، نظام‌های کمونیستی به این زودی متلاشی نمی‌شدند. تحول عظیمی که در دنیا به وجود آمد ناشی از اسلام و انقلاب اسلامی و... معنویت بود... (همان: ۴۰-۴۱).

از نظر وی گرچه عوامل متعدد و مختلفی در خصوص علل و عوامل انقلاب اسلامی مطرح است، اما آن چیزی که انسان می‌تواند به عنوان روح و رقیقه موجود در همه این عوامل معرفی... کند، توجه به خدا، انجام تکلیف الهی و قیام لله - برای خدا قیام کردن - است (همان: ۱۵۳).

چشم‌انداز انقلاب اسلامی

آیت الله خامنه‌ای نظام انقلابی جمهوری اسلامی را بر مبنای اصل تحول به عنوان سنت الهی و نیز اصل حرکت تکاملی، آینده‌نگر می‌داند و برای آن افق‌های بلندی در نظر می‌گیرد که دستیابی به آن‌ها حتمی و تخلف‌ناپذیر است. وی برای چنین نظامی اهدافی مثل حیات طيبة

اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی، رسالت جهانی و... ترسیم می‌کند که رسیدن به آنها نیازمند حرکت انقلابی و برنامه‌محور است. از جمله ویژگی‌های چنین نظامی:

دگرگون‌خواهی، کمال‌طلبی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و استعدادها، قانع نبودن به وضع موجود، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، حرکت منظم و هدف‌دار، ابتکار و خلاقیت در تصمیم‌گیری‌ها، ایمان به وعده الهی، ریسک‌پذیری در ساختار شکنی، داشتن همت بلند، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، استقلال‌خواهی و... است (عظیمی شوشتری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۳).

حیات طیبه اسلامی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظام اسلامی مردم را به سمت حیات طیبه اسلامی و الهی هدایت می‌کند و در تعریف حیات طیبه می‌گوید:

حیات طیبه، عبارت از این است که این زندگی در راه خدا و برای رسیدن به هدف‌های عالی باشد... هدف اعلی عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی و تخلق به اخلاق الهی است.

به نقل از (هلودی، ۱۳۹۷: ۵) وی بین این حیات و انقلاب اسلامی پیوند برقرار می‌کند و می‌گوید:

... این همان صیوروت به سمت خدا [است]. صیوروت یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روز به روز بهتر شود... جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیوروت در آن وجود داشته باشد. این صیوروت تمام‌نشده‌ای است، همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد، انقلاب این است (همان: ۱۰-۱۱).

وی با اشاره به آیه ۹۷ سوره نحل که در قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است، معتقد است نظام اسلامی به وعده قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طیبه حرکت می‌دهد. حیات طیبه یعنی زندگی گوارا، چنین زندگی وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود (هلودی، ۱۳۹۷: ۳). حیات طیبه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مصادیقی دارد از جمله عزت ملی، استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان، علم، پیشرفت، اخلاق، امنیت، رفاه و... «... حیات طیبه یک ملت، از جمله این است که این ملت، عزیز زندگی کند، سربلند زندگی کند، وابسته نباشد، مستقل زندگی کند...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای حیات طیبه همان حیات اسلامی است که یکی از شاخصه‌های آن پیشرانی در علم و تمدن جهانی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵). وی حیات طیبه را ثمره و هدف نهایی

انقلاب اسلامی می‌داند و بر این باور است که ما برای تحقق این هدف، فراتر از خود، برای بشریت مبارزه می‌کنیم و لذا می‌گویید:

... ما خواسته‌ایم که در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم، ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسل‌های بشر، از مکتب‌های گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانیم مکتب حیات بخش و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبۀ اسلامی است... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب، یک امر مستمر، حقیقت ماندگار و دائمی است که این حالت تجدیدپذیری و تحول در نظام سیاسی برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد که هدف و آرمان اصلی آن حیات طیبۀ اسلامی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۱). آیت‌الله خامنه‌ای، چشم‌انداز جمهوری اسلامی را حیات طیبۀ الهی و دستیابی به تمدن اسلامی ترسیم می‌کند و اموری مثل رفاه، عدالت، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، معنویت، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی و... را از مصادیق این حیات دانسته و حرکت به سمت این حیات را تمام‌نشدنی و از جنس صیورت به سمت خدا می‌داند (هلودی، ۱۳۹۷: ۱۰).

تمدن اسلامی

با توجه به حرکت تکاملی و صیورت در انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای چشم‌انداز ملت ایران را دستیابی به تمدن اسلامی می‌داند که این هدف با توجه به میراث گذشته، موجودی استعداد بسیار ارزنده، همت و انگیزه و گرایش دینی و خدایی در این حرکت قابل‌دسترسی است از نظر وی:

... همه این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما انشاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را ... سردست بیاوریم و الگویی را برای هر حرکت امت اسلامی انشاء الله ارائه بدهیم (همان: ۱۹).

وی آرمان و هدف جمهوری اسلامی را ایجاد تمدن اسلامی می‌داند و در تعریف آن می‌گوید: ... یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد (همان: ۲۰-۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به خدا و معنویت را عامل تحقق تمدن اسلامی دانسته و لازمه بازگشت به این تمدن را، ایستادگی و مقاومت می‌داند و با نگاه به نوک قله، و آرمان جمهوری

اسلامی را در یک جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه می‌کند. وی تمدن اسلامی را بر پایه‌های دین، عقلانیت، علم و اخلاق مبتنی می‌داند و راه‌های رسیدن به چنین آرمانی را، همت بلند، بهره‌گیری از امید و صبر، بصیرت، اخلاص و جهاد دانسته و برای گذار از گردنه‌های دشوار می‌گوید: «عبور از این گردنه‌ها جز با ایمان و اخلاص، جز با امید و جهاد، جز با بصیرت و صبر، میسر نخواهد گشت...» (هلودی، ۱۳۹۷: ۲۷). وی خطاب به شرکت‌کنندگان در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ضمن اشاره به نظام سازی متفاوت از الگوهای غربی و گرایش‌های چپ مارکسیستی، معتقد است:

هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است، این تمدن نوین را دارای دو بخش ابزاری و متنی (اساسی و اصلی) می‌داند. بخش ابزاری و وسیله‌ای آن از قبیل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی و... است. بخش متنی و اصلی که درواقع بخش حقیقی تمدن نوین است، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد، که همان سبک زندگی است مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، الگوی مصرف و... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که تقوای عملی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸) و اخلاص و عمل صادقانه (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۱/۱۶) و ذکر خدا، عامل نیل به تمدن اسلامی است و وحدت ملت و مسئولین، عامل تحکیم پایه‌های تمدن اسلامی است می‌گوید:

... برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرن آینده می‌دهد. احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۳۱).

رسالت جهانی

آیت‌الله خامنه‌ای نهضت مردم ایران را جهانی می‌داند که از پیوند انقلاب و دین اسلام نشأت گرفته است و لذا می‌گوید:

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران بر پایه شریعت اسلام ناب محمدی ﷺ استوار شده است، نمی‌تواند به مرز و ملیت و قومیت خاصی محدود باشد (به نقل از حاجی انزهایی، ۱۳۹۶: ۸۳).

از این منظر نگاه جمهوری اسلامی، نگاه امت‌ساز است و فرقی بین فلسطین سنی و حزب الله شیعه نیست. با توجه به همین رسالت جهانی جمهوری اسلامی، وی ضمن توجه به لزوم ابتدای نظامات جهانی بر حاکمیت تشریعی الهی، تحقق این نوع حاکمیت را وعده خدا می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۲۵) و معتقد است «انقلاب اسلامی وظیفه خود می‌داند تا نه تنها در نظامات غیر الهی و ظالمانه موجود در عالم هضم نشود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴)، بلکه آنها را بر هم بزند و در مسیری گام بردارد که منتهی به این حاکمیت شود. از نظر وی این حاکمیت با ظهور امام خمینی به عنوان رهبر نهضت مردم ایران، انقلاب اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا کرد و لذا در پیامی به مناسب نخستین سالگرد رحلت امام خمینی، نوشت:

با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است، این عصر را باید عصر امام خمینی نامید... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۱۰).

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این که قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است، معتقد است:

آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسئله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است، ... این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این یک پیام جهانی دارد ... هرکسی، هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا اله الا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است، ... این پیام، پیام بین‌المللی و جهانی است... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۵).

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به حمایت ملت‌های مسلمان در آسیا و اروپا و آفریقا از انقلاب اسلامی معتقد است:

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اعتزاز و افتخار و مباهات به اسلام، در مسلمانان زنده شد ... و مسلمان احساس کرد که اسلام مایه سربلندی اوست این هم از برکات انقلاب اسلامی بود ... یکی از ابعاد این انقلاب و به قول معروف «عمق استراتژیک انقلاب ما» همین است و دشمنان، همین را می‌خواهند از ما بگیرند (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴؛ هلودی، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۳).

انقلاب اسلامی و آینده

آیت الله خامنه‌ای ضمن اعتقاد به ارتباط و پیوستگی بین داشته‌ها و آینده، و با اشاره به

داشته‌هایی مثل جوانان، استعدادها، انرژی، امکانات طبیعی و اقلیمی، زمینه‌های معرفتی و مکتبی، می‌گوید:

... بلاشک آینده‌ای که در انتظار آنهاست، یک آینده بسیار درخشان است که می‌تواند برای امت اسلام و دیگران به عنوان الگو مطرح باشد (به نقل از هلودی، ۱۳۹۷: ۸۵).

وی با اشاره به پایین بودن شاخص‌های پیشرفت ملت ایران در رژیم‌های گذشته، و پیشرفت این شاخص‌ها در زمینه‌های علمی، اقتصادی، معنوی، مسائل اجتماعی و بین‌المللی به برکت انقلاب اسلامی، حرکت انقلاب و ملت ایران را منبع الهام در سطح دنیای اسلام دانسته و با تأکید بر بهره‌مندی از استعدادهای سرشار و منابع غنی و متنوع، معتقد است راه برون‌رفت از مشکلات و فائق آمدن بر آنها، پیروی از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است... (هلودی، ۱۳۹۷: ۹۲-۱۱۰).

وی اسلام را منبع الهام بخش آینده انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و می‌گوید:
... به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده‌ای بسیار روشن و درخشان است... (همان: ۲۲۵).

وی ضمن تجمیع بین اراده انسان و اراده الهی در حل مشکلات، معتقد است نسبت به آینده انقلاب و کشور و نظام خوش‌بینم و این خوش‌بینی را با قوت تمام حفظ کرده‌ام، البته این افق آینده لا بشرط نیست، بلکه نیازمند همت و مردانگی، تلاش و کوشش ملت انقلابی است.

تحولات جهانی و زمینه‌سازی ظهور

اعتقاد به مهدویت و ظهور امیدآفرین است و نیروی امید را در انسان زنده می‌کند. افزون بر این اطمینان‌بخشی، قوت قلب و قدرتمندی از برکات این اعتقاد است. آیت‌الله خامنه‌ای انتظار فرج را مفهومی وسیع و گسترده می‌داند که دارای مصادیقی از جمله انتظار فرج نهایی است:

... انتظار فرج مصداق‌های دیگری هم دارد، وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است... (هلودی، ۱۳۹۷: ۲۴۶).

وی مسئله انتظار را که نیاز بشر امروز و به طریق اولی نیاز امت اسلامی است، جز لاینفک مسئله مهدویت تلقی کرده و آن را معنا می‌کند:

... انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن، ... انتظار

یعنی این آینده حتمی و قطعی است... (همان: ۲۴۹-۲۵۰).

وی عقیده به مهدویت را به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم می‌داند و معتقد است:

... اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنا فدا، امید را در دل‌ها زنده می‌کند... چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد (همان: ۲۵۱).

انتظار به این معنا لوازمی دارد که یکی از آن‌ها مطالبه و پیشرفت است، لذا انسان به وضع موجود قانع نیست و دنبال پیشرفت است. جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فدا باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد از نظر آیت‌الله خامنه‌ای آماده‌سازی لازمه انتظار است و لذا می‌گوید:

این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست، ... باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

سؤالی که مطرح است این که چه ارتباطی بین تحولات جهانی و مسئله انتظار است. انقلاب اسلامی، اراده تکوینی الهی بود که در زمانه ما رخ داد و امام خمینی رهبر این انقلاب از آن به «هدیه الهی» تعبیر کرد لذا این انقلاب از سایر انقلاب‌ها در ماهیت، اهداف و سایر مؤلفه‌ها متفاوت است. این انقلاب افزون بر تأثیرات داخلی یعنی تحول در مناسبات فرهنگی، سیاسی و... بر مناسبات و تحولات بین‌المللی نیز تأثیر گذاشته است. این تحول از ابتدای شکل‌گیری رویکرد جهانی داشته و آینده آن را نیز نمی‌توان فارغ از رابطه آن با نظام بین‌المللی تحلیل کرد. به زبان دیگر بدون توجه به ساختار نظام بین‌المللی و تحولات سریع آن، مطالعه انقلاب اسلامی و تحلیل آینده آن دشوار است. منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی با انقلاب اسلامی تأثیر و تأثر متقابل دارند. نه می‌توان نقش تحولات نظام بین‌المللی را بر ادامه جمهوری اسلامی که مرحله‌ای از انقلاب اسلامی است نادیده گرفت از طرف دیگر کنش‌ها و رفتارهای جمهوری اسلامی با نظام جهانی و تحولات آن ارتباط دارد، انقلاب اسلامی چون پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی است، ظرفیت و استعداد دگرگونی عمیق در زندگی انسان معاصر را دارد. در این انقلاب علل محدثه آن، علل مبقیه آن نیز هستند و اگر در همین چارچوب به حرکت تکاملی و مستمر خود ادامه دهد، ان شاء الله به دولت مهدوی ختم می‌گردد، باطن و درون مایه

انقلاب اسلامی به عنوان حقیقی در کلیت تاریخ، تحقق همین دولت است. از نظر شهید مطهری گرچه نمی‌توان آینده مسائل اجتماعی را به صورت قطعی پیش‌بینی کرد، ولی «... با تکیه بر دیدگاه الهی قرآن، آینده کلی بشریت، آینده‌ای توحیدی، هم به مفهوم فکری و اعتقادی و هم به مفهوم اجتماعی است (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۲؛ به نقل از زمانی، آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸: ۴۴).

شهید مطهری ضمن اشاره به سه رکن اصلی بقاء و تداوم انقلاب اسلامی ایران یعنی عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی و معنویت اسلامی (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۴۷)، بر این باور است:

... انقلاب ما یک انقلاب ماهیتاً اسلامی است... یعنی یک انقلاب همه‌جانبه اسلامی است یعنی روح این انقلاب را چه از جنبه‌های مادی چه از جنبه آزادی خواهانه و چه از جنبه‌های دیگر، اسلامی تشکیل می‌دهد، در این صورت تداومش هم در آینده باید بر همین مبنا و اساس باشد... (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

ایران اسلامی افزون برداشتن قابلیت‌ها و استعدادهایی مثل منابع طبیعی، موقعیت ژئوتکنیکی برای تأثیرگذاری بر روند تحولات جهانی، آنچه بیش از همه می‌تواند به عنوان پیشران ما را در راستای جامعه مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور، همگام با تحولات سریع جهانی، هدایت و کمک کند، فرهنگ متعالی اسلامی، دین و ارزش‌های الهی، انسانی و مهدوی است که جامعه ایرانی از آن برخوردار است. دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی استعداد رهبری و هدایت جامعه بشری را به سمت دولت مهدوی دارد، به‌ویژه با وقوع انقلاب اسلامی که نقش دین فراتر از امور فردی در هدایت اجتماعی احیاء گردید دین به این معنا قدرت تمدن‌سازی نوین و حیات طیبۀ اسلامی مهدوی را دارد که در آن جهان طعم عدالت را خواهد چشید. با وقوع انقلاب اسلامی و نقش اجتماعی که دین پیدا کرد به رهبری علمای دینی و از طریق تأسیس نظام سیاسی دینی به عنوان مقدمه نظام مهدوی، هر روز امید به رسیدن به چنین نظامی بیشتر و دسترسی به وعده الهی مبنی بر حاکمیت مستضعفین بر زمین آسان‌تر می‌گردد. عزت و سربلندی که مسلمانان به برکت انقلاب اسلامی پیدا کردند این نوید را می‌دهد که آینده جهان اسلام، آینده‌ای با عزت و اقتدار، همراه با حکمت و عقلانیت است و چشم‌انداز این انقلاب همان‌طور که اشاره شد حیات طیبۀ اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب مکتب فکری و معرفتی اسلام، پدیده انقلاب و انقلاب اسلامی را تحلیل و بررسی می‌کند. این مکتب از منظر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و

انسان‌شناسی، نگاهی متفاوت از مکاتب فکری و فلسفی کارکردگرایی و مارکسیستی به پدیده انقلاب دارد از نظر آیت الله خامنه‌ای، بین وقوع تحولات اجتماعی - از جمله انقلاب - و اختیار انسان، ارتباط مستقیم است و لذا در انقلاب، عنصر زیربنایی، تغییر و تحول درونی است. وی تحول را جزء سنت‌های الهی تلقی می‌کند که هر نظام اجتماعی در عین ثبات، به آن نیاز دارد. انقلاب از نظر وی حرکتی تدریجی، اصلاح‌گرایانه، تکاملی و از جنس صیروت است. آیت الله خامنه‌ای انقلاب اسلامی ایران را پدیده‌ای تاریخی می‌داند که تابع نظم حاکم بر کل هستی است. این انقلاب ماهیتی مردمی، استمراری، تکاملی و پیشران دارد و منشأ تحولاتی در منطقه و جهان شده و خواهد شد. از نظر وی این انقلاب و نظام برآمده از آن، همواره در حال حرکت و صیروت است و درصدد ارائه چشم‌انداز و افق‌های جدید است که دستیابی به آنها حتمی است. وی آینده این انقلاب را در قالب اهدافی مثل حیات طيبة اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی، رسالت جهانی و زمینه‌سازی برای ظهور حجت خدا می‌داند.

منابع

قرآن کریم

- بازگان، مهدی (۱۳۶۳)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: ناشر نویسنده.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۷۸)، *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهارم.
- بنیاد تبیین اندیشه‌های امام خمینی در دانشگاه‌ها (۱۳۹۲)، *خط امام*، قم: دفتر نشر معارف.
- تروتسکی، لئو (۱۳۶۰)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه: سعید باستانی، تهران: نشر فانوسا.
- حاجی انزهایی، محمدرضا (۱۳۹۶)، *صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، دوم.
- زمانی، سیدرضا (۱۳۸۸)، *آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری، مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۸.
- زمزم، علیرضا (۱۳۷۹)، *مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی با انقلاب اسلامی (پایان نامه)*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: روزنه.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۴)، *مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، قم: نشر معارف.
- سیاه‌پوش، امیر؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۶)، *چیستی انقلاب از منظر آیت الله خامنه‌ای*،

مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۹.

- شفیعی فر، محمد (۱۳۷۸)، *درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- صدر، سید محمد باقر (بی تا)، *سنت های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سید جمال موسوی، تهران: روزبه.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۷)، *نگرشی نوبه انقلاب اسلامی*، قم: زمزم هدایت.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، تهران: نشر کتاب سیاسی، دوم.
- کدی، نیکی آر (۱۳۷۸)، *ریشه های انقلاب ایران*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۳)، *رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، تهران: اطلاعات.
- کوهن، الوین استانفورد (۱۳۷۲)، *تنویری های انقلاب*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: قومس.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۳)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر، پنجم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: صدرا، چهارم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: صدرا، بیست و هشتم.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷)، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۱)، *ویژگی های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری*، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- هلودی، موسی (۱۳۹۷)، *روشنای آینده، آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، دوم.
- تارنمای رسمی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی: www.khamenei.ir.



The Role of the Concept of Waiting and Mahdism in the Spread of Justice Oppression in Today's World

Dr. Seyyed Kamran Fatholahi ¹

Kiyomars Zamani Sheikhabad ²

Abstract

The concept of waiting and Mahdism, as one of the fundamental principles of Shiite thought, plays an important role in the spread of justice and anti-oppression. This doctrine emphasizes the hope for the emergence of Imam Mahdi (PBUH) as the promised savior and the establisher of global justice. Waiting is not just a passive state; rather, from an Islamic perspective, it is a social responsibility that encourages individuals to strive to establish justice and confront oppression at every level of society. In today's world, where social inequalities, corruption, and oppression have spread in various dimensions, the idea of Mahdism can be a motivation to resist oppression and strengthen human values. The promised waiting gives individuals and societies the message that oppression and injustice will never last and that the realization of justice is an achievable goal. From a practical perspective, this thought paves the way for the active presence of humans in social and political arenas, because true expectation means preparation for the emergence of the savior and the creation of a just society. Therefore, Mahdism and expectation, as hopeful concepts, lead humans to fight injustice and strive to improve global conditions. This doctrine can accelerate convergence among nations and the creation of a global discourse for peace, justice, and human dignity. In sum, Mahdism, as a timeless idea, is a powerful tool for strengthening the spirit of justice and anti-oppression in the contemporary world.

Keywords: expectation, Mahdism, justice, anti-oppression

1. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Social Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran(S.ali@ihu.ac.ir)

2. PhD student in Public Law, Faculty of Social Sciences, Imam Hossein(PBUH) University, Tehran, Iran(Corresponding Author)(Zamanikumars7688@gmail.com)

نقش مفهوم انتظار و مهدویت در گسترش عدالت خواهی و ظلم ستیزی در جهان امروز*

سیدکامران فتح‌اللهی^۱
کیومرث زمانی شیخ‌آباد^۲

چکیده

مفهوم انتظار و مهدویت به عنوان یکی از اصول بنیادین تفکر شیعی، نقش مهمی در گسترش عدالت خواهی و ظلم ستیزی دارد. این آموزه، بر امید به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له به عنوان منجی موعود و برقرارکننده عدالت جهانی تأکید می‌کند. انتظار، تنها یک حالت منفعلانه نیست؛ بلکه از دیدگاه اسلامی، یک مسئولیت اجتماعی است که افراد را به تلاش برای برقراری عدالت و مقابله با ظلم در هر سطحی از جامعه تشویق می‌کند. در جهان امروز که نابرابری‌های اجتماعی، فساد، و ظلم در ابعاد مختلف گسترش یافته‌اند، ایده مهدویت می‌تواند انگیزه‌ای برای مقاومت در برابر ستم و تقویت ارزش‌های انسانی باشد. انتظار موعود به افراد و جوامع این پیام را می‌دهد که ظلم و بی‌عدالتی هرگز پایدار نخواهند بود و تحقق عدالت، یک هدف دست‌یافتنی است. از منظر عملی، این تفکر زمینه‌ساز حضور فعال انسان‌ها در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی است، زیرا انتظار واقعی به معنای آمادگی برای ظهور منجی و ایجاد جامعه‌ای عادلانه است؛ بنابراین، مهدویت و انتظار به عنوان مفاهیمی امیدبخش، انسان‌ها را به مبارزه با بی‌عدالتی و تلاش برای بهبود شرایط جهانی سوق می‌دهند. این آموزه می‌تواند همگرایی میان ملت‌ها و ایجاد یک گفتمان جهانی برای صلح، عدالت و کرامت انسانی را تسریع کند. در مجموع، مهدویت به عنوان یک ایده فرازمانی، ابزار قدرتمندی برای تقویت روحیه عدالت‌طلبی و ظلم ستیزی در جهان معاصر محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی

انتظار، مهدویت، عدالت خواهی، ظلم ستیزی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام تهران، ایران.
(S.ali@ihu.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام تهران، ایران (نویسنده مسئول).
(Zamanikumars7688@gmail.com)

موضوع عدالت خواهی و ظلم ستیزی در طول تاریخ همواره از دغدغه های اصلی بشریت بوده است. ادیان و مکاتب فکری گوناگون، هر یک به نوعی در تلاش بوده اند تا راهی برای تحقق عدالت و مبارزه با ستم ارائه دهند. در میان این آموزه ها، مفهوم انتظار و مهدویت در تفکر شیعی جایگاهی ویژه دارد. این آموزه، بر ظهور منجی موعود (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای برقراری عدالت جهانی تأکید دارد و به عنوان منبع الهام بخش برای حرکت های عدالت طلبانه و ظلم ستیزانه شناخته می شود. باید بدین نکته اعتقاد داشت که از اساسی ترین و بلکه پر جلوه ترین خصوصیت حکومت جهانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برچیدن ظلم و فساد از چهره هستی و برقراری و گسترش عدالت است. به همین خاطر رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی تلویزیونی که به مناسبت ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتند فرمودند:

مأموریت بزرگ حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) عبارت است از «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، دعاها و در زیارت ها به این معنا اشاره شده است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱).

یکی از خصوصیات بارز حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت مهدوی در نظر مسلمانان این است که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا ملئت ظُلماً وَ جوراً»، عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین همان چیزی است که هدف پیامبران هم بود «ليقوم الناس بالقسط» اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند (سخنرانی رهبر معظم انقلاب در خجسته سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). البته باید توجه داشت که اقامه ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آنها که آمدند، اقدام اولشان این است که اقامه ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. بدین ترتیب هدف حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان حکومت مهدوی نیز تحقق آرمان عدل و عدالت است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹)؛ لذا عدالت و عدل، مهم ترین ارزش در جامعه اسلامی ما تلقی می شود (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷).

به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

راه ما راه اسلامی است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما معرفی کرد، راه ما راه آن اسلامی است که دشمنان خدا از آن می ترسند، راه ما راه آن اسلامی است که مستضعفان و مظلومان را

خوشحال و امیدوار می‌کند؛ نه چیزی که اسمش اسلام است، اما اول تا به آخر در خدمت دشمنان اسلام است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پاسداران سپاه انقلاب اسلامی و کمیته انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

بنابراین عدالت و عدل به عنوان مهم‌ترین ارزش در جامعه اسلامی مقصد و هدف حکومت اسلامی نیز است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب نیز تصریح داشته‌اند در دعایی که همه ماها برای آمدن امام زمان که اعز همه خلائق عندالله و عند عباد الصالحین است می‌کنیم می‌گوئیم: *مَلَأَ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا* «نمی‌گوئیم دیناً و خلقاً». «با این که آن بزرگوار دین را هم تقوا را هم اخلاق را هم به جامعه تزریق خواهد کرد؛ اما شما نمی‌گوئید: *مَلَأَ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ دِينًا*؛ بلکه می‌گوئید: «عدلاً»؛ این نشان‌دهنده این است که عدل، نیاز اصلی حیات طیبۀ انسانی است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵).

لازم‌الذکر است که در عصر غیبت و در هنگامه انتظار و مهدویت دو جریان فکری و عملی متفاوت که یکی بر ذمه مؤمنان و بلکه جمیع صالحان اعم از زن و مرد و دیگری بر عهده کافران و فاسقان اعم از زن و مرد است در جامعه آخرالزمانی نمود می‌یابد. این دو حرکت که جریان تاریخ را ترسیم می‌نمایند هریک عهده‌دار فرهنگ و تمدنی هستند. جریان صالحان نگرش و فرهنگ اصیل اسلامی و مهدوی را رهبری می‌کند و جریان فسق و فجور فرهنگ غیراسلامی و به طور خاص کفر را راهبری می‌کند. براین‌اساس منتظران در بطن فرهنگ اسلامی و در پاسداری از جبهه حق برای تمهید مقدمات ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مسئولیت و رسالتی را بر عهده دارند. براساس داده‌های روایی شاخصه مقاومت و ظلم‌ستیزی و همچنین عدالت‌طلبی و گسترش عدالت پایه و اساس انتظار تلقی می‌شود و از جمله وظایف مهمی است که به طور کلی برعهده همه منتظران، اعم از زن و مرد است.

خداوند متعال در قرآن کریم در آیه ۱۲۸ سوره مبارکه اعراف خطاب به جامعه مؤمنان حقیقی و منتظران می‌فرماید: *﴿وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾*. براساس این آیه عنصر صبر و مقاومت به عنوان مؤلفه‌هایی اساسی از مفاهیم عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی از جمله شاخصه‌های مهم استخلاف به حساب می‌آید؛ یعنی مستخلفین و منتظرین که در عصر غیبت و پنهان زیستی امام به سر می‌برند به جهت فقد رهبر و راهنما به طور طبیعی دچار یک سری مشکلات و مصائبی خواهند بود که جهت برون‌رفت از این مشکلات و مصائب موظف‌اند که به مجاهدت در مسیر ترویج عدالت تا آن‌جا که بتوانند سطح مطلوبی از عدالت مهدوی را محقق نمایند و همچنین مقاومت و ظلم‌ستیزی در برابر فرهنگ غیراسلامی و جبهه

کفر و باطل پردازند. البته در این میان جامعه منتظران و مهدویان می‌باید مؤلفه‌های صبر و مقاومت را به عنوان عناصر اساسی عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی در خود درونی سازند تا از این رهگذر بتوانند بر سختی‌ها و مشکلات فائق آیند. در نهایت نیز به حکم آیه قرآنی سرانجامی نیکو در انتظار منتظران عدالت‌طلب و ظلم‌ستیز قرار دارد همان سرانجامی که مؤمنان و منتظران حقیقی به مقام استخلاف و وراثت نائل می‌گردند.

در تحقیق پیشرو در راستای تبیین نقش مفاهیم انتظار و مهدویت در گسترش عدالت و ظلم‌ستیزی دو سؤال عمده مورد توجه است که: چگونه مفهوم انتظار و مهدویت در شکل‌دهی به جنبش‌های عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه در جهان معاصر تأثیرگذار است؟ و چه سازوکارهایی از این آموزه می‌توان برای تقویت گفتمان جهانی عدالت و مبارزه با بی‌عدالتی استخراج کرد؟

فرضیه و پاسخ تحقیق این است که انتظار و مهدویت به عنوان مفاهیمی دینی و اجتماعی، با ایجاد روحیه امید، مقاومت و تعهد اخلاقی، نقشی کلیدی در تقویت جنبش‌های عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه در جهان امروز دارند. این آموزه، مردم را به تلاش برای بهبود وضعیت اجتماعی و آمادگی برای ظهور منجی سوق می‌دهد. لازم به توضیح است که مطالعات متعددی به بررسی مفهوم انتظار و مهدویت از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. برخی از این تحقیقات، انتظار را به عنوان عنصری فعال و پوینده در مبارزه با ظلم تبیین کرده‌اند (مطهری، ۱۳۵۶؛ صدر، ۱۳۶۵). همچنین، پژوهش‌هایی به نقش آموزه مهدویت در ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت مقاومت در برابر استعمار و استبداد اشاره کرده‌اند (شریعتی، ۱۳۵۱؛ خسروپناه، ۱۳۸۹). با این حال، کمتر به تأثیر این مفهوم در شکل‌دهی گفتمان عدالت‌خواهی در سطح جهانی و تأثیر آن بر مسائل معاصر پرداخته شده است. این تحقیق با رویکردی نوین تلاش دارد تا مفهوم انتظار و مهدویت را به عنوان الگویی الهام‌بخش برای تحقق عدالت اجتماعی و جهانی معرفی کند و ظرفیت‌های این آموزه در مقابله با چالش‌های معاصر را واکاوی نماید.

آموزه انتظار و زمینه‌سازی‌های آن

واژه «انتظار» و مشتقات آن در منابع لغت، به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۸۳۰)، نظاره‌گر بودن (واسطی زبیدی حنفی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۵۳۹)، توقع امری را داشتن و مراقب بودن آمده است. انتظار به معنای امیدوار بودن، چشم‌به‌راه بودن، چشم‌داشتن، لحظه‌شماری کردن و مترصد بودن وقوع یک امر و یا دستیابی

به یک خواسته قلبی است. انتظار به مفهوم عالی آن، نه یک توصیه دینی و مذهبی، بلکه اصلی فطری است که با نهاد انسان عجین شده و لازمه حیات انسان است. در این نگاه، همه انسان‌ها به نوعی منتظر محسوب می‌شوند. آیه ۷۱ سوره مبارکه اعراف نیز بر انتظار تأکید داشته است: «فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛ پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم. در همین راستا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا؛

اگر امید به زندگی حاکم نمی‌بود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی را نمی‌کاشت.

بر این اساس، وجود چنین انتظاری، مایه تداوم و سرزندگی حیات فردی و اجتماعی است، وگرنه زندگی برای انسان بی‌مفهوم و بی‌هدف خواهد شد. انتظار و امید، انگیزش، حرکت و عمل را پدید می‌آورد. این امیدواری و چشم‌به‌راهی، به حسب تفاوت موضوع و متعلق آن، ممکن است از حیث مادی، معنوی، بزرگی و کوچکی، متفاوت باشد. به هر میزانی که مقصد و هدف مورد انتظار مقدس و بزرگ باشد، این انتظار نیز مقدس و ارزشمند خواهد بود. از این رو، ارزش‌یابی مقصد انتظار، ممکن است شاخص ارزیابی انسان منتظر نیز به شمار آید؛ زیرا چگونگی انتظار هرکسی، نوع نگرش به مقاصد و اهداف او را نیز بیان می‌کند.

انتظار مفهومی عام دارد و دارای ریشه فطری و سابقه تاریخی است؛ اصطلاح انتظار در فرهنگ شیعی، مفهوم و ویژگی‌های خاصی دارد که این آموزه را هم از اطلاق مفهوم عام لغوی آن خارج می‌کند و هم از معنای مبهم و خنثی که در میان پیروان ادیان دیگر مطرح است، متمایز می‌سازد. از این حیث، مفهوم انتظار در فرهنگ لغت و ادبیات دینی و مذهبی، مفهوم مشترکی دارد و آن عبارت است از جریان روح «امید» در کالبد جامعه و انسان منتظر، با این تفاوت که جهت‌گیری و اهداف انتظار و امید در فرهنگ دینی، به اهداف و تعلیمات دینی تکیه دارد. اصطلاح انتظار در فرهنگ شیعی، همواره با پسوند «قیام»، «فرج»، «ظهور» و... همراه است. در تفکر شیعی، انتظار به معنای امید به آینده روشن، امید به دگرگونی و گشایش عظیم، امید به رویداد نجات‌بخش و عزت‌آفرین و امید به فرارسیدن ظهور منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ انتظار یعنی چشم‌به‌راهی و لحظه‌شماری ظهور موعود قرآن، آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ انتظار یعنی حرکت به سمت تحقق آرزوهای تاریخی بشری و آرمان‌های متعالی انسانی در پرتو دولت کریمه مهدوی.

در مورد ماهیت آموزه انتظار و ارتباط آن با زمینه سازی، دو نگرش متفاوت وجود دارد: نخست، نگرش محافظه کارانه به آموزه انتظار، با رویکرد منفعلانه، از این نگرش به انتظار خاموش و تکلیف گریز می توان تعبیر نمود. دوم، نگاه عمل گرایانه و تکلیف اندیش به مقوله انتظار که از آن به انتظار فعال، برانگیزاننده و زمینه ساز، می توان یاد کرد.

انتظار خاموش، به دیدگاه کسانی اطلاق می شود که پدیده ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها معلول اراده و مشیت الهی می دانند و برای عوامل انسانی و طبیعی، نقش چندانی قائل نیستند. به همین جهت، در عصر غیبت نیز شیعیان را به زمینه سازی و تهیه مقدمات مکلف نمی دانند. این نگرش منفی و منفعلانه به موضوع انتظار، از نگاه سطحی و تلقی نادرست نسبت به مفاد برخی روایاتی ناشی می شود که در مورد نفی هرگونه قیام و حرکتی در عصر انتظار و بطلان و یا نافرجام بودن آن نقل شده است. امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود:

کُلَّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛
هر پرچمی قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت بوده، اطاعت او خروج از اطاعت خداوند است.

این نوع برداشت منفی از ظاهر این روایات، بر این استدلال استوار است که اقدامات زمینه ساز برای ظهور، مستلزم قیام علیه حاکمان جور و تغییر وضع سیاسی - اجتماعی است؛ درحالی که چنین اقداماتی اولاً طبق روایات، محکوم به بطلان و حرام است؛ ثانیاً بی نتیجه و محکوم به شکست است؛ بنابراین، در زمان غیبت جز سکوت و انتظار ظهور حضرت نشستن، راه دیگری وجود ندارد؛ غافل از این که این نوع روایات، به قیام هایی ناظر است که به نام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گیرد نه هر نوع قیام و اقدام اصلاحی ولو برای اقامه حق و احیای دین. اساساً روایات مبنی بر منع از قیام و حرمت آن، باتوجه به قرائن عصر صدور روایت، باهدف جلوگیری از سوءاستفاده برخی عناصر شیعی و نیز گروه های عباسیان، از نام «مهدی» صادر شده است تا قیام خود علیه بنی امیه را قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف قلمداد نکنند و به اغراض سیاسی خود دست نیابند. طبق این دیدگاه، قیام حضرت مهدی علیه السلام تنها دارای ماهیت انفجاری است که فقط از گسترش و رواج اختلاف ها، حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود و هرگونه اصلاحی مذموم است (مطهری، بی تا: ۴۸).

قیام حضرت گرچه برای سامان دادن امور مردم صورت می گیرد، اما خودسامانی است که معلول پریشانی و بی سامانی است؛ یعنی تا زمانی که صلاح و راستی به نقطه صفر نرسد، حق و

حقیقت هیچ طرف‌داری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان شود، جز نیروی باطل نیرویی دیگر حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ نمی‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون نمی‌آید! در این نگرش، هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن به حساب می‌آید. تا زمانی که در صفحه اجتماع نقطه روشنی وجود دارد، دست غیب ظاهر نمی‌شود؛ بلکه برعکس هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی، به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، رواست؛ زیرا «الغایات تبرر المبادی»؛ هدف‌ها وسیله نامشروع را مشروع می‌کند. پس، ترویج و اشاعه فساد، بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار است؛ بنابراین، گناه هم فال است و هم تماشا؛ هم لذت است و کام‌جویی و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی (طاهری، ۱۳۸۰: ۲۰۵-۲۰۶).

البته طرفداران این دیدگاه که نوعاً خود افراد صالح‌اند، در نگرش تفریطی‌شان به مسئله انتظار ظهور، یکسان نیستند، بلکه بعضی دیدگاه تفریطی شدید و برخی نیز نظر ملایم‌تری دارند. مرحوم امام خمینی رحمته‌الله که خود یکی از مصلحان بزرگ شیعه و احیاگر اندیشه انتظار است، در یک طبقه‌بندی جامع، طرفداران این نوع نگرش منفی را که در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدی شیوع یافته بود، به چند دسته انزواگرا، عافیت‌طلب و تکلیف‌گریز تقسیم می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۱۹۶-۱۹۷). مرحوم امام رحمته‌الله در همین رابطه کسانی که در زمان غیبت، تشکیل حکومت را جایز نمی‌دانند و هرگونه حرکت اصلاحی و تلاش سیاسی برای قیام علیه ستمگران را حرام می‌شمارند نکوهش می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۲۸۹).

این نوع تلقی از انتظار، در زمان رکود جامعه شیعی در دوران قبل از پیروزی انقلاب، حتی دامن‌گیر بسیاری از علما نیز شده بود، اما تجربه عینی پیروزی انقلاب اسلامی ایران از یک سو و روشنگری‌های روحانیون آگاه شیعه، به‌ویژه هشدارهای بیدارکننده امام خمینی رحمته‌الله در مورد خطرهای آسیب‌های فرسایشگر این تفکر تاریک‌اندیش، موجب گردید که این نوع نگاه منفی به مقوله انتظار، از حوزه تفکر شیعی خارج گردد و به نفوذ آن پایان داده شود.

در مقابل این دیدگاه، نگاه انتظار زمینه‌ساز وجود دارد که نگاه جامع و کاربردی به مقوله انتظار است. در این نوع نگاه، نه تنها اراده، تلاش و خواست جمعی، نقش مؤثر و تعیین‌کننده در تسریع ظهور دارد، بلکه اساساً انتظار بدون توجه به سازوکارها و اقدامات زمینه‌ساز، امری نامعقول و بی‌معناست. این نوع انتظار، تعهدآور، تحرک‌بخش و نیروآفرین است و شناخت، تعهد و تلاش برای فراهم‌سازی مقدمات ظهور از راه ایجاد آمادگی‌های فکری، روحی و جسمی

برای کسب ورع و پاکی، تلاش در جهت گسترش فضیلت‌های اخلاقی و زدودن مظاهر ظلم و پلیدی در جامعه جوهر اصلی آن است.

براساس این نوع نگاه، هدیه ظهور چیزی نیست که خداوند آن را علیرغم نبود شرایط لازم، بر جامعه بشری تحمیل نماید؛ بلکه شرط مهم این است که مردم از سر شعور و آگاهی با میل و انتخاب خود، اهمیت و ضرورت ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کنند و با مجاهدت و برنامه‌ریزی، در جهت تحقق این مهم تلاش نمایند تا خداوند آنان را از چنین نعمتی بهره‌مند سازد و وعده الهی بر ظهور منجی موعود، محقق گردد. این دیدگاه بر این استدلال استوار است که پدیده ظهور، گرچه یک رخداد فوق‌العاده و بی‌نظیر محسوب می‌شود، هرگز یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری عالم نیست. بلکه از این نظر، رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل جهانی و تحقق حاکمیت همه‌جانبه دین اسلام، یک حادثه طبیعی مربوط به جامعه انسانی، برای سامان دادن به اوضاع و چگونگی زندگی است که تأثیر و تأثر متقابل نسبت به یکدیگر دارد. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، عوامل، مقدمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. به همین دلیل، حضرت مهدی علیه السلام در این اقدام بزرگ، قبل از هر چیز به فراهم شدن نیرو و یاران ویژه نیاز دارد تا با حمایت آنان، چنین بنای عظیمی را پی‌ریزی نماید؛ یارانی که تمامی مشکلات آغازین انقلاب را با جان و دل تحمل نمایند و دشواری‌ها و رنج و سختی، هرگز آنان را به ستوه نیاورد. تأکید روایات بر دشواری‌های زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز، گویای پرهزینه بودن رخداد ظهور است.

سنت‌های الهی در قرآن نیز مؤید دیگر بر تفسیر زمینه‌ساز از مفهوم انتظار است. قرآن، سنت الهی در مورد روند تحولات در عرصه حیات انسانی، اعم از جنبه‌های فردی و اجتماعی را این‌گونه بیان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

لسان آیه شریفه عام است و اطلاق دارد و هر نوع تغییرات در سرنوشت فردی، اجتماعی، مادی و معنوی را شامل می‌شود. آیه درصدد آن است که قانونمند بودن تغییرات اجتماعی و نقش اراده و اختیار انسان در چگونگی وضع حال و آینده را بیان فرماید. این قانونمند بودن تغییرات، به فرایند تحولات اجتماعی و روند شکل‌گیری سرنوشت آینده مربوط است. انتظار زمینه‌ساز، بر این نگرش قرآنی تکیه دارد. براساس این نگرش، هرگز نباید بحث انتظار را جدای از کارکردهای اجتماعی جامعه منتظر، در نظر گرفت و با دست روی دست گذاشتن، به تحقق

ظهور و دستاوردهای آن چشم دوخت، بلکه در این نگاه، انتظار ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای انتظار تحول عظیم جهانی در عرصه‌های مختلف امنیت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و تلاش در جهت تحقق آن است (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

تأثیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در تقویت گفتمان انتظار و مهدویت در جهان امروز

مهدویت آموزه‌ای است که «انتظار عدالت» را در دل‌ها سرشار می‌سازد و بشریت را به آینده‌ای روشن و دنیایی پر از عدل امیدوار می‌سازد. اگر انتظار را از زیباترین و مؤثرترین شیوه انسان‌سازی و بالندگی و تعالی بشر بدانیم مهدویت باشکوه‌ترین جلوه انتظار است. انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که عدالت را در پهنه گیتی خواهد گستراند و مستضعفان زمین را به وارثان زمین ارتقای خواهد بخشید. همه منتظران را به بسترسازی برای عدالت فرامی‌خواند و دل‌ها را مطابق خواسته آن حضرت با عشق صفا، معنویت، محرومیت‌زدایی و عدالت‌محوری و... آراسته می‌سازد. بی‌تردید قیام جهانی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از آن که با «شمشیر عدالت» موفق باشد با «اندیشه عدالت خواهی» ظالمان را به حاشیه خواهد راند.

در طول تاریخ بشریت سخن از عدالت بسیار گفته‌اند و آنچه اولیا و پیامبران الهی بدان مأمور شده‌اند و دیگر انسان‌های بزرگ از آن سخن گفته‌اند تحقق عدالت فراگیر اجتماعی است. عدالت پیش از آن که در سطح جامعه مطرح باشد باید در نفوس بشری مطرح باشد هر نفس و جانی باید عادل و عدالت‌خواه باشد. این مرحله را عدالت انفسی می‌نامیم. اگر انسان پس از این مرحله عدالت را برای تمام موجودات خواست و عدالت فراگیر شد عدالت آفاقی می‌نامیم. لازم به ذکر است که تحقق عدالت در مرحله آفاقی و انفسی آن با موانع و دشواری‌هایی مواجه است از جمله موانع درونی مانند امیال و جاه‌طلبی‌ها و موانع بیرونی مانند قدرت‌ها و فسادها که مزاحم گسترش عدالت هستند. به همین خاطر عقیده بر این است که تنها معصومین علیهم‌السلام هستند که می‌توانند بر موانع درونی فائق گردند و به عدالت انفسی به عنوان بنیان و بستر سایر جوانب عدالت دست یابند. در واقع تنها امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف صلاحیت اداره و حکمرانی جهان در زیر سایه عدالت را دارند؛ لذا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، مبارزه و شمشیر زدن و مبارزه حضرت مولی‌الموحدين علی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حتی واقعه عظیم عاشورای حسینی همه جهاد در راه استقرار عدالت و مبارزه با بی‌عدالتی بوده است؛ بنابراین بر جامعه منتظران واجب است که با تلاش و کوشش خویش انتظار ظهور امامی را بکشند که از سلاله حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و جهان را در زیر سایه عدالت واقعی اداره می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است؛ بنابراین باید توجه داشت که برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت از «عدالت» است. به طور مثال در دعای ندبه هنگامی که شروع به بیان و شمارش صفات حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌کنیم در بعد از نسبت دادن او به پدر بزرگوار و خاندان مکرم وی، اولین عبارتی که خوانده می‌شود این است: «این المعد لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامه الامت و العوج، این المرتجی لازاله الجور و العدوان»؛ یعنی دل بشریت در تپش است تا منجی بیاید، ریشه ظلم و ستم را برکند، بنای ظلم را که در تاریخ بشر از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد ویران کند و ظالمان و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اولین درخواست منتظران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن بزرگوار است. همچنین در زیارت آل یاسین در هنگام ذکر خصوصیات آن بزرگوار یکی از برجسته‌ترین خصوصیات حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ بنابراین بر مبنای این ادعیه و روایات پیش گفته در انتظار زمینه‌ساز و واقعی به ظهور حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظران باور دارند که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه گیتی و نه تنها یک مکان منحصر به فرد سرشار از عدالت، محبت و قسط می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۵۶).

انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به معنای انتظار برای پرشدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه ابناء بشر و انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است. انتظار ظهور، اشتیاق انسان‌های صالح برای گسترش عدالت است. انتظار کشیدن منتظران در مکتب مهدوی، در درجه نخست، انتظار استقرار عدالت است. درد و رنج بزرگ بشریت در جهان امروز همین مسئله فقدان عدالت است. همواره به دلیل وجود نظام‌های سیاسی مستبد و ظالم بر حق مردم دنیا در رسیدن به کمال عدالت و قله سعادت جفا شده است. دستگاه‌های ظلم و جور همواره و بالاخص در زمانه کنونی بشریت را از رسیدن به حقوق طبیعی خویش محروم ساخته‌اند؛ بنابراین مسئله مهم امروز، مسئله طلب عدالت است. از این رو لازم به ذکر است که مبتنی بر نگرش مثبت به انتظار یا اصطلاحاً انتظار زمینه‌ساز با پیروزی انقلاب اسلامی که اساساً در خط ایجاد عدالت و حمایت از مستضعفان در سطح جهان بوده، انقلاب نهایی و بزرگ حضرت مهدی علیه السلام یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک‌تر شده است. شایان توجه است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانونی برآمده از انقلاب مکتبی اسلامی در سال ۱۳۵۷ هـ. ش با الهام از آموزه انتظار و مبتنی بر مکتب مهدویت در اصول متعددی بر حمایت از مستضعفان و مبارزه با بی‌عدالتی و

ظلم‌ستیزی تأکید کرده است. از جمله در اصل دوم قانون اساسی که ایمان به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان یکی از ارکان توحید و معاد معرفی نموده است. همچنین در این اصل تأکید گردیده که نظام جمهوری اسلامی، براساس باور به عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان شکل گرفته است. در اصل یازدهم از قانون اساسی نیز تأکید گردیده که دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد در راستای حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان تلاش کند و زمینه ساز وحدت امت اسلامی باشد. این امر به وضوح با رسالت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حمایت از مظلومان هماهنگ است. در مجموع با توجه به هدف غایی مرحوم امام رحمه الله به عنوان معتقد اصیل به مفهوم «انتظار زمینه ساز» و با توجه به سیر کلی انقلاب و روندهای بعدی در تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی می‌توان گفت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأسی از آموزه‌های مهدویت، اهداف والایی برای حمایت از مستضعفان و محرومان تعیین گردیده است. فلسفه انتظار، دولت و ملت را به ایجاد جامعه‌ای عدالت محور و مبارزه با استکبار جهانی دعوت می‌کند. همچنین اصول قانون اساسی نه تنها در سطح داخلی، بلکه در حمایت از مستضعفان در سطح بین‌المللی نیز مأموریت جمهوری اسلامی را به عنوان حامی مستضعفان جهان تبیین کرده‌اند. این ارتباط نشان دهنده جایگاه محوری آموزه مهدویت در سیاست‌های جمهوری اسلامی است (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۲۱۴).

حمایت جمهوری اسلامی ایران از جبهه مقاومت در برابر نظام‌های استکباری و رژیم‌های ظالم منطقه، مانند رژیم صهیونیستی، نیز از جمله تأثیرات دیگر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بر پیشبرد گفتمان انتظار و مهدویت در سطح جهان امروز است که اتفاقاً این حمایت مستقیماً از آموزه‌های انتظار و مهدویت الهام می‌گیرد. همان‌گونه که مطالعه کردیم در آموزه انتظار ظهور منجی موعود (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای ایجاد آمادگی برای برپایی عدالت جهانی و مبارزه با ظلم است؛ بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین و بلکه یگانه حکومت شیعی داعیه‌دار حمایت از مستضعفان و مظلومان عالم کاملاً در راستای پیشبرد و تقویت گفتمان انتظار و مکتب مهدویت تا تحقق حکومت عدل جهانی است. حمایت نظام جمهوری اسلامی ایران از جبهه مقاومت در برابر نظام‌های استکباری دارای اصول و مبانی فکری است. یکی از اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از گروه‌های مقاومت در سطح منطقه ارتباط میان فلسفه انتظار و جهاد علیه ظلم در تفکر شیعی است. در تفکر شیعی انتظار در معنای زمینه ساز آن به معنای آماده‌سازی جامعه برای تحقق عدالت است. همان‌گونه که امام خمینی رحمه الله نیز در خطاب به افراطیون و تفریط گران در هر

دو سوی مکتب مهدویت تصریح می‌کند که:

انتظار فرج به معنای نشستن نیست؛ بلکه قیام برای رفع ظلم و ایجاد عدالت است (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۲۰۰).

دومین اصل و مبنایی که می‌توان برای حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مقاومت در چهارچوب تفکر انتظار و مهدویت جست، اصل جهانی بودن عدالت‌طلبی در آموزه انتظار و مکتب مهدویت است. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره رفت یکی از ویژگی‌های اندیشه انتظار و مهدویت، جهانی بودن مبارزه با ظلم و ستم و تلاش برای تحقق حکومت جهانی حق و عدالت در دوران ظهور است؛ بنابراین بر همین مبنا اصل یازدهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر «حمایت از مستضعفان جهان و تلاش برای وحدت امت اسلامی» تأکید دارد. این اصل به طور شایسته با ابتناء بر آموزه‌های انتظار و مهدویت چهارچوبی رسمی و حقوقی برای نظام جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مستضعفان عالم و به طور خاص گروه‌های مقاومت و همچنین تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی فراهم نموده است. حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان، عراق، فلسطین و یمن بر همین مبنا و با اعتقاد راسخ به رسالت اصلی منتظران در دوران غیبت در یاری‌رساندن به مظلوم و مبارزه با ظلم و ظالم است. بر همین مبنا به کرات مقام معظم رهبری (دام الحفاظه) تصریح داشته‌اند که «حمایت از مقاومت، وظیفه دینی و انسانی ماست».

ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای پیش روی مکتب انتظار و مهدویت برای گسترش عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در جهان امروز

مکتب انتظار و مهدویت به عنوان یکی از اصول بنیادین تفکر شیعی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای گسترش عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی دارد. این مکتب، بر پایه ایمان به ظهور منجی موعود (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه) و برپایی حکومتی جهانی براساس عدالت الهی استوار است. با این حال، در مسیر تحقق این آرمان‌ها، فرصت‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که باید به طور دقیق تحلیل شوند. از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌هایی که می‌توان برای مکتب انتظار و مهدویت برشمرد: الف) ایجاد روحیه امید و پایداری در برابر ظلم؛ ب) مفاهیم انتظار و مهدویت به عنوان مفاهیمی فرازمانی و مکانی توانایی ایجاد و تقویت گفتمان عدالت‌طلبی در سطح بین‌المللی را دارد؛ ج) الهام‌بخشی به جبهه مقاومت و جنبش‌های استکبار و ظلم‌ستیز در سطح جهان؛ د) تقویت عدالت در سطح حکمرانی‌ها در میان حکومت‌ها. بدین ترتیب اگر چنانچه به درستی از ظرفیت‌های گفتمان انتظار و مهدویت در سطح ملی و بین‌المللی بهره

گرفته شود این گفتمان قابلیت‌های بسیاری برای ارائه الگوی تمدن مطلوب اسلامی و مهدوی به جامعه منتظر جهانی دارد.

اما چالش‌هایی پیش روی مکتب انتظار و مهدویت است. از جمله چالش‌ها یا موانع عمده‌ای که پیش روی مکتب انتظار و مهدویت قرار دارد این است که: الف) در چهارچوب تفکرات ساده و افراطی و تفریطی غالباً انتظار را به عنوان مکتبی که باید در آن ظلم به حداکثر برسد تا ظهور محقق گردد یا حداقل جامعه منتظر دارای افراد بی‌تحرك و فاقد مشارکت باشد معرفی می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۶، ۲۱۰؛ ب) بعضاً در این سوی قضیه نیز گاهی برخی جریان‌های افراطی، از آموزه‌های مهدویت برای توجیه اقدامات خشونت‌آمیز و حذف مخالفان خود استفاده می‌کنند. همین شیوه بهره‌برداری از مفهوم انتظار و مهدویت باعث می‌گردد که در سطح انتظار جهانی تصویری مخدوش از مکتب انتظار و مهدویت مجسم گردد؛ ج) یکی از دیگر از مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش روی آموزه‌های انتظار و مهدویت مقابله نظام سلطه و دستگاه رسانه‌ای این نظام با آموزه‌های مزبور است. بدین نحو که باتوجه به آنکه اساساً در غایت نظام سلطه در راستای گسترش سلطه و استثمار خویش در مبانی فرهنگی و اعتقادی خویش قائل به پایان نظم و دنیای کنونی و ظهور منجی نیست، بلکه خود را منجی و گرداننده دنیا می‌پندارد، بنابراین از اساس با آموزه انتظار و مهدویت که دارای غایت عدالت‌طلبانه و ظلم و استکبار ستیزانه است مقابله می‌نماید؛ د) از جمله چالش دیگری که متأسفانه به حوزه داخلی مربوط می‌شود، ضعف در معناسازی برای مفاهیم انتظار و مهدویت و خلأ و ضعف در انتقال این مفاهیم به بستر کاربردی و اجرایی است. متأسفانه در حوزه داخل تاکنون علی‌رغم تأکیدات صریح مرحوم امام رحمته‌الله و مقام معظم رهبری بر انتقال مفاهیم مربوط به انتظار و مهدویت به سطح جامعه اما تاکنون برنامه منسجم و منضبطی از جانب نهادهای متولی امور در این خصوص وجود ندارد.

اما اگر چنانچه بتوان به طور خلاصه راهکارهایی برای غلبه بر چالش‌های پیش روی گفتمان انتظار و مهدویت در گسترش عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی در سطح جهان نام برد می‌توان به راهکارهای ذیل اشاره داشت:

الف) ترویج و تبلیغ تفاسیر و نظرات صحیح و منطقی از مفهوم انتظار و مهدویت، به‌ویژه تفاسیر پویا و خلاق که می‌تواند به میزان بسیاری از انحرافات و چالش‌های پیش روی مکتب انتظار و مهدویت ممانعت به عمل آورد. آثار مرحوم امام رحمته‌الله، شهید آیت‌الله مطهری و مقام معظم رهبری در این زمینه کارساز هستند.

ب) تقویت نهادهای فرهنگی و رسانه و بهره‌گیری از رسانه‌های مجازی و بسترهای رسانه‌ای به عنوان یکی از راهکارهای همگانی در تبیین فلسفه انتظار و مهدویت و گسترش و تقویت عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی.

ج) هم‌افزایی و شبکه‌بندی میان جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت که با تجمیع قدرت جبهه مقاومت هژمونی نظامی و فرهنگی نظام سلطه را می‌توان از میان برد.

د) یکی از مهم‌ترین راهکارها در حوزه داخلی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، پیوست عدالت‌خواهی دادن به سیاست‌گذارهای دولت در محور سیاست اجتماعی و اقتصادی است.

نتیجه‌گیری

اندیشه و آموزه انتظار و مهدویت به عنوان یک اندیشه بنیانی در تفکر شیعی در امتداد تفکر منبعث از فرهنگ عاشورایی به مثابه بالی سبز که نویددهنده چشم‌انداز روشن شیعه برای بشریت است در کنار بال سرخ عاشورایی توانسته است که مذهب تشیع را به همچون عقابی به پیش براند؛ بنابراین اگر چنانچه قائل بر این نظر باشیم که مذهب تشیع و بالاخص نگاه پس از انقلاب اسلامی و تأسیس دولت جمهوری اسلامی ایران این ظرفیت را دارد که الگویی مطلوب به نام تمدن اسلامی به جامعه منتظران در سرتاسر جهان ارائه دهد یقیناً یکی از شاخصه‌های اصلی این الگو مکتب مهدویت و تلاش برای تحقق حکومت عدل مهدوی در عصر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له است.

در انتظار زمینه‌ساز انقلاب اسلامی و تأسیس دولت جمهوری اسلامی ایران آیه و نشانه‌ای بزرگ از سوی خداوند رحمان بر ملل مستضعف جهان بوده و نقطه آغازین حرکت به سوی امر ظهور و معنابخشی به انگاره انتظار است. در انتظار زمینه‌ساز، تعریف فرایند ظهور از دوگانه غیبت - ظهور به چهارگانه غیبت - زمینه‌سازی - آخرالزمان - ظهور ارتقا بخشید، بدون آن که مدعای برپایی آخرالزمان و ظهور را داشته باشد و بلکه فضای اجتماعی را در یک الگوی مسئولیت‌پذیرانه و امیدوارانه، در مسیر اصلاحگری و تربیت‌پذیری برای فتنه و صحنه‌های آخرالزمانی و ظهور قرارداد.

در یک رویکرد نظری و سیاستی، انقلاب اسلامی ایران، در جایگاه یک انقلاب ممتاز اجتماعی تعریف می‌گردد که مبتنی بر یک نوع یا تعدادی از عوامل فرهنگی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، روان‌شناختی و سیاسی، توسط گروه‌های مختلف اجتماعی ایران شکل گرفت و کاربست اصلی انقلاب در تغییر نهاد قدرت تعریف می‌گردد که پس از پیروزی انقلاب،



موضوعیت آن به عنوان یک موضوع تاریخی و نسلی قابل مطالعه است؛ بنابراین برای عبور از چالش‌ها و ترویج و توسعه ظرفیت‌های گسترش الگوی تمدن اسلامی و عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی بر محور آموزه انتظار و مکتب مهدویت لازم است که اولاً؛ در فضایی شایسته و بایسته آموزه انتظار زمینه‌ساز را به تمدن زمینه‌ساز متصل نمود و ثانیاً؛ باید ابعاد تعلقی و هویتی و پیوست‌های استمرار و ماندگاری تمدن‌سازی مبتنی بر انتظار زمینه‌ساز را باید به مثابه خلق دوم تمدنی، تعریف و تصویر شوند و از واماندگی در الگوهای هیبریدی پیوند اسلام و مدرنیته و بستندگی به وجه تنزیهی تمدن غربی، در حیطه اخلاقیات و اعتقادات دینی عبور نمود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، *انتظار در قرآن و حدیث*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: انتشارات دارالعلم المالیین.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸)، بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه انقلاب اسلامی و کمیته‌های انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸)، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸)، سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷)، بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار با اعضای اتحادیه جهانی علمای مقاومت.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، بیانات در دیدار رئیس و مسئولان دستگاه قضایی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹)، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.
- حسینی واسطی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی شیری، بیروت: انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *مهدویت و تمدن سازی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریعتی، علی، (۱۳۵۱)، *انتظار، مکتب اعتراض*، تهران: حسینیه ارشاد.
- صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸)، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۱.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۸۰)، *سیمای آفتاب*، قم: انتشارات زائر، اول.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۲ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق)، *معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۶)، *حکومت جهانی مهدی*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ*، قم: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۰)، *ولایت فقیه*، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، *کشف الاسرار*، تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی.



The theory of the revolutionary system and Preparing for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

Yousef Maleki ¹

Dr. Sohrab Moghaddam Shahidani ²

Abstract

The preparation for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH) is a matter of great interest to Shia Muslims and is also a religious duty for them. Various approaches have been proposed regarding how this preparation should take place. This research examines the relationship between the revolutionary system theory articulated by the Supreme Leader and the groundwork for the Imam's emergence. It aims to clarify this theory and the connection between the revolutionary nature of the system and its Islamic character, demonstrating how the revolutionary aspect of the system contributes to the preparation for the emergence. It appears that the more the revolutionary system is realized in the sense described by the Supreme Leader, the more both the stability and performance of the system will improve, and according to the verses and narrations mentioned in this context, it will also play a significant role in hastening the emergence.

Keywords: Emergence, Revolutionary System, Preparation for Emergence, Relationship between Revolution and Islam

-
1. PhD student of Islamic Revolution, Islamic Education University Qom, Iran (Corresponding Author)(ymki.1700@gmail.com)
 2. Doctorate of Islamic Revolution and Faculty of Islamic Education University Qom, Iran (iranemoaserqom@gmail.com)

نظریه نظام انقلابی و زمینه سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یوسف ملکی^۱

سهراب مقدمی شهیدانی^۲

چکیده

زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از اموری است که شیعیان هم نسبت به آن علاقه دارند و هم از وظایف دینی ایشان است، در این که زمینه سازی برای ظهور باید چگونه باشد راه های مختلفی بیان شده است، در این پژوهش به بررسی رابطه نظریه نظام انقلابی که توسط رهبر معظم انقلاب بیان شده است و زمینه سازی برای ظهور پرداخته شده است و سعی شده با تبیین این نظریه و رابطه انقلابی بودن نظام با اسلامی بودن آن، تأثیر انقلابی بودن نظام در زمینه سازی برای ظهور تبیین شود، به نظر می رسد هر قدر نظام انقلابی به همان معنایی که رهبر معظم انقلاب بیان کرده اند تحقق بیشتری داشته باشد، هم ثبات و عملکرد نظام بهبود خواهد یافت و هم طبق آیات و روایاتی که در این زمینه ذکر شده است، در زودتر محقق شدن ظهور موثر خواهد بود.

واژگان کلیدی

ظهور، نظام انقلابی، زمینه سازی ظهور، رابطه انقلاب و اسلام.

مقدمه

اعتقاد به منجی عالم از وضعیتی که به آن دچار است، اعتقاد بسیاری از ادیان الهی و غیر الهی است، در این میان مسلمانان به خصوص شیعه، نظریه خاصی برای ظهور منجی قائل هستند، شیعیان با توجه به این مبنای اعتقادی که عالم خالی از حجت نیست، اعتقاد دارند امام معصوم هم اکنون نیز حضور دارد و بر آن اعمال ولایت می کند، ولی ظهور امام دوازدهم را منوط به تحقق شرایطی می دانند که هنوز فراهم نشده است.

تحقق شرایط ظهور و زمینه سازی برای آن از دیرباز محل گفتگوی اندیشمندان مسلمان بوده و هست و راه حل های بسیاری برای آن بیان شده است تا جایی که برخی ساده اندیشان با

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) (ymki.1700@gmail.com).

۲. دکتری انقلاب اسلامی و هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (iranemoaserqom@gmail.com).

فهم غلط از برخی معارف دینی معتقد بودند باید کمک کرد که دنیا را ظلم و گناه فراگیرد تا زمینه ظهور فراهم شود. بی شک ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف غیر از این که یک امر الهی است امری است که تحقق آن نیاز به تمهیداتی دارد که خدای متعال آن را در همین عالم اسباب و مسببات محقق می کند، از این رو امام خمینی رحمته الله علیه زمینه سازی برای ظهور را از اهداف انقلاب برشمردند، برای پاسخ به این که انقلاب اسلامی چگونه می تواند زمینه سازی برای ظهور را فراهم کند، در این پژوهش سعی می کنیم نظریه نظام انقلابی که توسط رهبر انقلاب بیان شده است را ملاک قرار دهیم، و با تبیین جوانب این نظریه رابطه آن با زمینه سازی برای ظهور را بررسی کنیم.

برای بررسی مسئله مذکور، باید ابتدا نظریه نظام انقلابی و رابطه آن با اسلام تبیین شود و پس از آن به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه تحقق نظام انقلابی می توان زمینه سازی برای ظهور را فراهم کند و باعث زودتر محقق شدن آن شود.

با این که نظریه نظام انقلابی در آثار مختلفی تبیین شده و لوازم آن بررسی شده است، و مسائل مهدویت و زمینه سازی برای ظهور نیز مفصلاً مورد پژوهش محققین محترم قرار گرفته است، اما تاکنون اثری که بررسی رابطه نظام انقلابی و زمینه سازی ظهور پرداخته باشد، نگارش نشده است، لذا موضوع پژوهش پیش رو رابطه نظام انقلابی و زمینه سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده شده است.

تبیین نظریه نظام انقلابی

واژه نظام اصطلاحات مختلفی دارد که در این پژوهش مراد از آن نظام سیاسی و حکومت است، نظام گاهی به معنی دولت نیز به کار می رود (روریش، ۱۳۸۵: ۲۷)، حکومت عبارتست از ابزار اجرای حاکمیت که شامل قوای مختلف مقننه، مجریه و قضائیه می شود.

مفهوم انقلاب که پسوند نظام است از دیدگاه دانشمندان مختلف دارای تعاریف متعددی است که هر دانشمندی یکی از این تعاریف را برگزیده است، انقلاب، تحولی با ابعاد زیر است: استحاله ارزش ها یا دگرگونی اسطوره های جامعه، تغییر ساختار اجتماعی، دگرگونی نهادها، تغییراتی در صورت بندی رهبری، چه در افراد گروه نخبه حاکم یا در ترکیب طبقاتی آنان، انتقال غیر قانونی یا ضد قانونی قدرت و بالاخره حضور یا حاکمیت رفتار خشونت آمیز (کوهن، ۱۳۶۹: ۴۲).

هانتیگتون انقلاب را یک حرکت سریع و ناگهانی در ارزش ها و باورهای مسلط، رهبری و

حاکمیت سیاسی برای بازگرداندن ارزش‌های اجتماعی قدیم توأم با زور و خشونت داخلی تعریف کرده است (هنتینگتون، ۱۹۶۸م: ۲۶۷).

در برخی ادبیات‌ها انقلاب حاصل یک تب تند است، به عبارتی وضعیتی غیرعادی است که دیر یا زود بهبود می‌یابد، یکی از صریح‌ترین ایده‌ها در این زمینه، نظریه کرین برینتون است که مدعی است انقلاب‌ها فارغ از همه فرق‌های جزئی، پس از مدتی به شرایط عادی پیش از انقلاب باز می‌گردند، برینتون این نظریه را به عنوان نظریه ترمیدور بررسی می‌کند (پیتر، ۱۳۸۳: ۹۹).

در نظریات انقلابی یکی از موضوعات مورد مناقشه تبدیل جریان انقلاب به نهاد است. بیشتر کارشناسان و نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند، انقلاب‌های جهان پس از آرام نشستن موج انقلابی و سرنگونی رژیم استبدادی، در فرایند نظام‌سازی دچار استحاله شده و با فرارسیدن «دوران ترمیدور» روحیه انقلابی خود را از دست داده و از جریانی انقلابی به نهادی محافظه‌کار تبدیل می‌شوند. در این نگاه، فرایند تبدیل انقلاب به نهاد، فرایند تبدیل روحیه انقلابی به روحیه محافظه‌کاری است و «محافظه‌کاری قتلگاه انقلاب» است.

در این میان، دیدگاه‌های متعددی برای جلوگیری از استحاله انقلاب مطرح شده که می‌توان از نظریات «انقلاب در انقلاب» و «انقلاب دائمی» یاد کرد. در این نگاه‌ها که به نوعی در ضدیت با نهادگرایی و نظام‌سازی است، از حفظ شرایط انقلابی برای تداوم روحیه انقلابی یاد می‌کند و تلاش دارد وضعیت جامعه را در شرایط سیال دوران انقلابی حفظ کند.

این در حالی است که حفظ این وضعیت نه مطلوب است و نه ممکن، وضعیتی انقلابی وضعیتی ماندگار نیست، مرحله‌ای موقت و برای عبور است که سرانجام باید به مرحله نظام‌سازی ختم شود.

اما در این میان برخی شخصیت‌های ایرانی اسلامی، برای مقابله با محافظه‌کاری و حفظ روحیه انقلابی در مرحله نظام‌سازی، نظریه «نظام انقلابی» را ارائه کرده‌اند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌نویسند:

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (بیانیه گام دوم انقلاب).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز به شکلی دیگر دوام انقلاب را ممکن دانسته‌اند، به نظر ایشان تغییرات اجتماعی، گاهی ناشی از تغییرات جبری و طبیعی است، گاهی ریشه در تحولات

صنعتی و تکنولوژیکی دارد و گاهی نیز ناشی از تغییر فرهنگ مردم یک کشور است. هرگاه تغییر نوع اخیر، که با کمال اختیار، انتخاب و آگاهی انجام می‌شود، در یک جامعه به وجود آید، عموم مردم، برای تحقق آرمان‌های خود راهی را بخواهند گزید که به ضرر رژیم حاکم است. این نوع تحول را که می‌توان نام انقلاب بر آن نهاد، ارتباط مستقیمی با فرهنگ دارد، اگر تأثیر فرهنگ هم چنان ادامه داشته باشد، انقلاب پابرجا خواهد بود؛ چون آنچه موجب پیدایش انقلاب است فرهنگ خاصی است که در جامعه رواج پیدا کرده است و اکثریت افراد جامعه نیز آن را پذیرفته، جهت تحقق آن تلاش کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱۰۹-۱۱۱). از این رو، نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است و می‌تواند تأثیر فراوانی در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۳۱۵).

امام راحل رحمه الله نیز بارها و بارها تأکید فرموده‌اند:

این انقلاب در پرتو توجهات خاص الهی و به مدد امدادهای غیبی خداوند متعال به پیروزی رسیده است؛ چراکه مردم مسلمان ایران به آن درجه از ایمان رسیده‌اند که چنین توفیقی نصیب‌شان گردد.

بر این اساس، می‌توان ادعا کرد مردم ایران در پناه انقلاب اسلامی، به درجه‌ای از حیات طیبیه دست یافته‌اند و این ویژگی، آنان را از تمام مردم دنیا متمایز می‌سازد. از این رو، نمی‌توان چنین مردمی را با سایر مردمان مقایسه نمود و براساس وضعیت پیش آمده برای دیگران، وضعیت آینده ایشان را پیش‌بینی نمود. امام خمینی رحمه الله در این زمینه تصریح فرمودند:

شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت‌زده عنایت شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲۱، ۴۰۲).

نظریه نظام انقلابی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۷ و در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شد، که در مقابل نظریه ترمیدور و خواست برخی مسئولین غیرانقلابی قرار دارد.

در این الگو خصوصیات و ویژگی‌ها و روحیه انقلابی‌گری فراتر از فرد، باید در نظام سیاسی نهادینه شود و این نظام اسلامی است که حافظ اصلی تداوم انقلاب تا رسیدن به همه آرمان‌ها خواهد بود.

برای فهم نظریه باید به این نکته توجه کرد که سؤال از نظام انقلابی و اسلامی، سؤال از

عنصر مقومی است که اگر در نظامی یافت شود، می‌توان آن را انقلابی نامید و نبود آن موجب غیر انقلابی بودن نظام خواهد بود. در تحلیل الگوی نظام انقلابی نظرهای گوناگونی وجود دارد که این نظرها را مبتنی بر سه رویکرد می‌توان تقسیم کرد:

رویکرد اول رویکرد ساختاری - کارگزاری است که بر اسلامی و انقلابی بودن ساختار و کارگزار تأکید دارد و نظامی را اسلامی - انقلابی می‌داند که ساختار آن مبتنی بر اسلام انقلابی بنا نهاده شده باشد. در درون این ساختار، ساز و کار تعیین حاکم نیز باید اسلامی و انقلابی باشد؛ به گونه‌ای که افرادی با روحیه انقلابی در رأس قدرت قرار گیرند و مسئولیت‌ها به چنین افرادی واگذار شود. همچنین، در نگاهی فراتر چگونگی فرایند تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌دهی‌ها به جامعه نیز باید به تصمیماتی انقلابی بینجامد.

در رویکرد دوم که رویکرد کارکردی است، آنچه ملاک و معیار سنجش قرار می‌گیرد، نه تأکید بر ساختارها و کارگزارها، بلکه توجه به کارکردهاست. از این منظر سیستم و نظامی را می‌توان انقلابی نامید که خروجی‌های آن را بتوان با الگوها و آموزه‌های اسلام انقلابی تطبیق داد. نظامی را می‌توان نظام انقلابی دانست که تصمیمات آن مقوم و بسط‌دهنده ارزش‌های انقلاب اسلامی، همچون استقلال، آزادی، مبارزه با فساد، تحقق و گسترش عدالت و رسیدگی به محرومان و مستضعفان باشد.

نگاه سوم که نگاه تکمیلی و تلفیقی است، رویکرد ساختاری - کارکردی است، که لازمه انقلابی بودن نظام را وجود الگویی در ساختار تشکیل نظام از ملاک و معیار انتخاب حاکم تا سازوکار انتخاب حاکم و معیار تصمیم‌گیری می‌داند و از طرفی بر کارکرد و کارآمدی تأکید می‌کند.

این نظر از طرفی بر این باور است که هدف از تشکیل نظام اسلامی - انقلابی آماده شدن زمینه برای برخورداری از رفاه مادی و رشد و کمال معنوی است و اگر حکومت در این زمینه ناکارآمد باشد، مشروعیت خود را از دست خواهد داد و از طرفی معتقد است ایجاد چنین جامعه‌ای که هم رفاه مادی در آن تأمین شود و هم رشد و تعالی معنوی، جز از طریق ساختار اسلامی - انقلابی و با مشارکت مردم در همه سطوح آن محقق نخواهد شد و رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی بدون شکل‌گیری ساختار نظام انقلابی ادعایی بیش نخواهد بود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۳/۱۴).

آنچه مشخص است نظریه سوم ترسیم‌کننده الگویی است که رهبر حکیم انقلاب اسلامی از طرح نظریه نظام انقلابی در ذهن دارند. به همین دلیل، از نگاه ایشان «نظام اسلامی عبارت

است از این که، اولاً؛ قسط اسلامی و احکام اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند (همان).
ثانیاً؛ افراد صالح و شایسته‌ای متصدی و مباشر این کار باشند (بدون وجود افراد شایسته و صالح، امکان ندارد احکام اسلامی و قسط اسلامی در جامعه پیاده شود) (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۴).
ثالثاً؛ اعتماد و باور و قبول مردم و رابطه مستحکم میان این مجموعه خدمتگزار و مردم باید وجود داشته باشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۳/۱۴).
هر کدام از این سه پایه اگر کم باشد، فلسفه حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر ما هدف خود را اجرای قسط اسلامی و تحقق احکام اسلامی قرار ندادیم و باور و ایمان خود را به اهداف دیگری متوجه کردیم، این نظام اسلامی حفظ نخواهد شد و اصلاً نظام، اسلامی نیست. در کلام معظم‌له نظام انقلابی، یعنی نظامی با اهداف و مبانی و ساختار انقلابی که دارای حرکات انقلابی نیز هست.

رابطه نظام انقلابی و اسلام

برای تبیین بهتر نظریه نظام انقلابی، به نظر می‌رسد روح انقلاب را باید شناخت، روح «انقلابی»، که پسوند نظام قرار می‌گیرد، اسلامی بودن آن است.
برجسته‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی جهان بینی الهی و توجه به آموزه‌های حیات بخش اسلام است، آموزه‌های اسلامی ناب، حاکمیت و پذیرش ولایت غیر خداوند متعال را شرک دانسته و پیروان خود را به مبارزه با آن فرا می‌خواند، به عبارتی اسلام از پیروان خود می‌خواهد خود را متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دین ببینند و به سمت اهداف عالی با امید و بدون نگرانی بشتابند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ج ۴، ۲۲۲).
از نگاه امام خمینی رحمه‌الله قیام مردم ایران قیام الله و اسلامی است:

باید بفهمیم که با چه نیرو این پیروزی (به) دست آمد؛ اگر ندانیم چه نیروی بود برای آتیه خطرناک است و اگر بدانیم چه نیروی بود و اهتمام نکنیم برای حفظ آن برای آتیه کشور ما خطرناک است. نیروی پیروزمندانه، نیروی اسلام بود، نیروی ایمان جوانان ما به اسلام و به خدای تبارک و تعالی بود، توجه به مقصد که آن اسلام و جمهوری اسلام و احکام اسلام است بود و فداکاری ملت ما برای اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۶۲).

مقام معظم رهبری دام ظلّه در مورد در مورد روح اسلامی انقلاب فرموده‌اند:
انقلاب اسلامی تا وقتی که در خط صحیح اسلام ناب یعنی خط امام با دقت حرکت

می‌کند و شما مردم دین و اسلام را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهید و روحیه دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی را زنده نگه می‌دارید و شعارهای کوبنده و برخاسته از متن اسلام را مورد توجه قرار می‌دهید نه آمریکا و نه شرق و غرب و نه ارتجاع و نه هیچ قدرت دیگر قادر نخواهد بود که شما و کشور و نظام جمهوری اسلامی را از حرکت به سمت هدف‌های خود بازدارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۸۹).

شهید مطهری در تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های آزادی بخش و ضد استعماری یکی دو قرن اخیر می‌فرماید:

ممکن است بپرسید آیا در نهضت فعلی هدف‌های روحانیت همان هدف‌های سیدجمال است؟ جواب این است آری و نه؛ آری یعنی تمام هدف‌های سیدجمال در هدف‌های این نهضت مندرج است... اما نه یعنی هدف‌های این نهضت محدود به هدف‌های سید جمال نیست. آیا هدف این نهضت همان هدف جنبش تنباکو است یعنی ضدیت با استعمار اقتصادی؟ آری و نه، یعنی آن هم جزو هدف‌های این نهضت است و هم نه، اما منحصر به آن نیست آیا ضد استعمار سیاسی نظیر انقلاب عراق؟ باز آری و نه؛ آن هم جزو هدف‌هاست ولی محدود به آن نیست، آیا ضد استبداد است آری و نه، آیا ضد استعمار اقتصادی است مثل نهضت ملی شدن صنعت نفت؟ باز آری و نه، آیا این نهضت ضد استثمار است، آری و نه؛ ضد استثمار است اما محدود به آن نیست. آیا برای آن چیزی است که امروز آن را حقوق بشر می‌نامند؟ باز آری و نه؟ مابه آنچه که طرفداران حقوق بشر می‌گویند احترام می‌گذاریم ولی به عنوان جزئی از هدف‌های نهضت اسلامی خودمان نه به عنوان تمام هدف‌های این نهضت. دمکراسی چگونه؟ باز آری و نه. علتش این است که این نهضت ماهیت صد درصد اسلامی پیدا کرده و در تمام اقشار جامعه ما نفوذ کرده است... تنها نهضتی که شاید بشود این نهضت را با آن مقایسه کرد و در واقع نهضت ما بچه خلف و صالح آن نهضت است، نهضت صدر اسلام است، تا زمانی که در تحت رهبری رسول اکرم (ص) یا امیرالمؤمنین علی (ع) بود (مطهری، بی‌تا).

از بیانات شهید مطهری می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی ایران دارای جامعیتی است که دست‌یابی به تمام هدف‌های قیام‌های علمای دینی قبل از خود را به صورت تکامل یافته تعقیب می‌کند مانند:

۱. قطع سلطه بیگانگان و استعمار خارجی؛

۲. دفع ظلم و ستم و استبداد داخلی؛

۳. حریت و استقلال همه جانبه؛

۴. توسعه بر مبنای عدالت اسلامی در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سایه حاکمیت دینی؛

۵. پایه گذاری تمدن جدید و احیای فرهنگ اصیل اسلامی در پرتو آموزه های دینی. یکی از مهم ترین عوامل اضمحلال و ناتوانی انقلاب ها و نظام های برآمده از آن ها عدم جامعیت و تک بُعدی شدن است اما در استراتژی و سیاست های کلان انقلاب اسلامی بر مبنای اعتقادات دینی؛ جامعه انسانی یک واحد متکثری است که دارای ابعاد مختلف و مرتبط با یکدیگرند و نظام اسلامی برای رفع تمام نیازهای مادی و معنوی انسان تلاش می کند و بر این اساس امام حفظ جامعیت انقلاب اسلامی و انتقال صحیح و سالم آن را به نسل های بعد توصیه می کند:

ما باید و نسل های آتی به باید متوجه باشند که این اسلام را حفظش کنند، در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند. و اسلام همه چیز دارد؛ اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه بُعدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت های دیگر نیست که فقط به یک بُعد نظر داشته باشند. حکومت اسلامی حکومتی است که همه اگر ان شاء الله پیاده بشود، ان شاء الله چنانچه موفق بشود این ملت و اسلام به آن طوری که هست، به آن طوری که بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است قرآن کریم، احادیث ائمه، احادیث اسلام، به آن طور اگر بشود، سعادت دنیا و آخرت ملت ها را ضمانت کرده است و می کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ج ۱۳، ۳۶۶).

مقام معظم رهبری نیز اهتمام به حفظ جامعیت انقلاب و هدف های متعالی نظام جمهوری اسلام را در راستای دستیابی به عدالت، توسعه، اقتدار و معنویت یاد آور می شود: ... اگر ما به اسلام متمسک شدیم، هم عزت دنیا هم رفاه مادی، هم قدرت سیاسی، هم آسایش و هم امنیت عمومی برای مردم پیدا خواهد شد (بیانات آیت الله خامنه ای در مراسم سیزدهمین رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

به نظر می رسد اسلامی بودن نظام در صورتی محقق می شود که در سه حوزه اهداف، مبانی و قانون از حیث ثبوت و عمل به آن، اسلام ملاک باشد:

اهداف و مبانی اسلامی

اهداف اسلامی، اهدافی هستند که با آموزه های قرآن و سنت مطابقت دارند و به دنبال سعادت فردی و اجتماعی انسان براساس این آموزه ها هستند.

مبانی اسلامی، اصول و پایه‌های فکری و اعتقادی هستند که براساس آنها نظام‌ها و قوانین شکل می‌گیرند و با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارند.

نظام اسلامی، نظامی است که در تمام ابعاد (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) براساس آموزه‌های اسلامی و با هدف تحقق اهداف اسلامی اداره می‌شود.

اهداف، مبانی و نظام، مثل سه ضلع یک مثلث هستند که به هم وابسته‌اند، اهداف، جهت‌دهنده و انگیزه‌بخش نظام هستند. **مبانی،** زیرساخت‌های فکری و اعتقادی نظام را تشکیل می‌دهند و نظام ابزار تحقق اهداف و تجلی مبانی است.

اسلامی بودن نظام، مستلزم اسلامی بودن اهداف و مبانی آن است، اگر اهداف و مبانی یک نظام اسلامی نباشد، نمی‌توان آن نظام را اسلامی دانست. اسلامی بودن اهداف و مبانی باید در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود. مقام معظم رهبری نسبت به اهداف اسلامی نظام و انقلاب فرموده‌اند:

هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای این که اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه‌ی دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

اداره جامعه براساس قوانین اسلامی

هنگامی که از جامعه اسلامی صحبت می‌شود، منظور از آن، جامعه‌ای توحیدی است که قوانین و موازین آن الهی و شرعی باشد، جامعه‌ای که حدود الهی در آن جاری و ساری است. در واقع در جامعه اسلامی، خداوند در رأس هرم قرار دارد و همه مخلوقات آن به ویژه انسان‌ها در ذیل آن قرار دارند. در این جامعه، ساختار و تشکیلات، قوانین و مقررات، روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سایر امورات انسان‌ها از سوی خداوند تعیین و تعریف شده است و همه چیز تحت رهبری منصوبان او و نمایان بر حق آنها در جامعه است. در چنین جامعه‌ای نظام حکمرانی، خانواده، مناسک دینی، مراکز آموزشی، روابط و مراودات انسانی، جنگ و صلح، همه و همه براساس موازین شرعی و اسلامی و بر پایه عدالت استوار است. نظامی که انسان را به یاد خدا می‌اندازد، به سوی او می‌کشانند و او را از بندگی غیرخدا دور

می‌سازد.

در زمینه قوانین الهی که در علم فقه از قرآن و سنت و عقل استنباط می‌شود و گستره آن در زندگی بشری دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، عده‌ای آن را در حوزه‌ی زندگی شخصی پذیرفته و دسته‌ای دیگر بررسی مسائل اجتماعی را نیز در گرو فقه دانسته‌اند. در این میان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دایره شمولیت علم فقه را وسیع و شامل تمام ابعاد و احوال زندگی انسان می‌داند:

انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات احوالی دارد، و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست، و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه‌ی شؤون اوست. تکلیف و سرنوشت همه‌ی اینها در فقه معلوم می‌شود (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

ایشان در جای دیگری درباره گستره فقه و آنچه که باید در جامعه اسلامی به آن عمل شود فرموده‌اند:

ما اگر بخواهیم آنچه را که باید عمل بشود، در یک جمله خلاصه کنیم، آن یک جمله عبارت از فقه اسلامی است. فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

عمل به اسلام ضامن تداوم انقلاب و تعجیل در ظهور

پس از روشن شدن مراد از نظام انقلابی و رابطه آن با اسلام، با توجه به موضوع این پژوهش در بررسی رابطه نظام انقلابی و ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه‌الشریف، باید به این موضوع پرداخته شود که انقلابی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری اولاً در بقاء نظام اسلامی و ثانیاً در ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه‌الشریف خواهد داشت.

بقاء این انقلاب تا زمان ظهور و رساندن حکومت به صاحب اصلی آن در گرو اسلامی بودن آن یا همان انقلابی بودن آن است، ممکن است گفته شود اسلامی بودن و انقلابی بودن نظام، چه تأثیری در بقاء حکومت اسلامی و یا تعجیل ظهور حضرت خواهد داشت لذا در سه محور به این مهم می‌پردازیم:

وعده‌های الهی تضمین بقاء انقلاب

اولین ثمره عمل به دستورات اسلام و انقلابی بودن نظام اسلامی، قرار گرفتن ذیل

سنت‌های الهی است که طبق این سنن، نصرت الهی و ثبات قدم عمل‌کنندگان به اسلام تضمین شده است، طبق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خداوند را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و ثبات قدم به شما می‌دهد. اگر مؤمنین به خدا را یاری کنند که به معنی عمل به دستورات اسلامی است، نصرت خداوند هم شامل حال مومنان می‌شود، این آیه شریفه همان‌طور که نظام فردی را در برمی‌گیرد، نظام اجتماعی را هم شامل می‌شود، طبیعتاً عمل به اسلام و اسلامی بودن نظام، طبق این سنت الهی سبب نصرت پروردگار می‌شود، از طرفی نصرت الهی می‌تواند موجب دوام، بهتر شدن عملکرد و رسیدن به هدف را در پی داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند:

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله مبارزه با استکبار مطرح می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «إِنْ تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ وعده داده است که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ وعده داده است که «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ وعده داده است که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتْ فِي الْأَرْضِ»؛ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد. ایمان به اله، ایمان به رب که شهید مطهری از قول امام نقل می‌کند، معنایش این است؛ یعنی به وعده‌های الهی ایمان دارد، اعتقاد دارد؛ این کجا، و این که کسی وارد یک راهی بشود، بگوید برویم ببینیم حالا چه می‌شود کجا؟ اعتماد به وعده الهی است که گام مستحکم امام را در این راه به حرکت در می‌آورد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیست و پنجمین بزرگداشت امام خمینی عجل الله تعالی فرجه، ۱۴۰۲/۳/۱۴).

آیه شریفه دیگر که عمل به اسلام را موجب در امان ماندن از آسیب و شرور دشمنان می‌داند آیه شریفه «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران: ۱۲۰) است، طبق این آیه شریفه در صورت داشتن صبر و تقوایی که جمعی باشد، کید و حيله دشمنان نمی‌تواند آسیبی به جامعه اسلامی و حکومتی که به اسلام عمل می‌کند بزند، مقام معظم رهبری در این زمینه فرموده‌اند:

در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران بعد از آن که احساسات دشمن را در مقابل ما و نسبت به ما افشا می‌کند و می‌گوید: «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا»، بعد می‌گوید: «وَإِنْ تَصِيرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»؛ قرآن راه مقابله‌ی با دشمن را به ما نشان می‌دهد: «صبر» و «تقوا». حالا من در مورد تقوا عرض می‌کنم که منظور از آن در یک چنین مواردی چیست. بنابراین ما هم یقین داریم به این که وعده‌ی قرآن، وعده‌ی صادقی است؛ یعنی اندک تردیدی و شکی در این وجود ندارد. «إِنْ تَصِيرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»؛ یعنی کید آنها هیچ تأثیری در شما نخواهد گذاشت و شما را عقب نخواهد راند؛ این وعده‌ی الهی است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولین نظام: ۱۴۰۱/۱/۲۳).

عقلانی بودن بقاء نظام اسلامی تا ظهور در صورت عمل به اسلام

غیر از آنچه که در مورد وعده‌های الهی گفته شد که نصرت مضاعفی را خداوند وعده داده بود، با توجه به این که انقلابی و اسلامی بودن نظام در این است که نظام اسلامی رویه‌ها و اهداف خاصی را در شئون مختلف اجتماعی تحقق ببخشد، از نظر عقلی نیز می‌توان گفت در صورت عمل به این آموزه‌ها نظام اسلامی بقاء خواهد داشت، چرا که اگر کشوری از نظر نظامی قوی بوده، مردم آن رفاه خوبی داشته باشند، روابط حسنه‌ای با دوستان داشته باشد و برای دشمنان خود برنامه داشته باشد و مردم آن آماده فداکاری برای اهداف بلند خود باشند طبیعتاً می‌تواند هر سختی را پشت سر گذاشته و با هر دشمنی روبرو شود. ممکن است گفته شود بقاء نظام اسلامی به این است که به دستورات اسلام عمل شود ولی اینها ربطی به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد، لذا در ادامه به ارتباط این دو می‌پردازیم.

اثر عملکرد صحیح مسلمین در تعجیل ظهور

از مباحث مهمی که در مقوله ظهور مطرح است و چه بسا مورد شبهات گروه‌هایی قرار گرفته است، مقوله اختیاری و غیراختیاری بودن زمان ظهور است که از آن به حصولی یا تحصیلی بودن زمان ظهور هم تعبیر می‌شود.

اگر ظهور امری غیر اختیاری باشد به این معنی است که زمان مشخصی دارد و افعال انسان‌ها هیچ نقشی در این امر ندارد به خلاف این که ظهور را امری اختیاری یا تحصیلی بدانیم که در این صورت سوال بعدی این است که چه عوامل و اسبابی موجب تقدیم و تأخیر در ظهور خواهد شد.

آنچه که از روایات اهل بیت علیهم السلام و نظریات متفکرین شیعه به دست می‌آید نظریه دوم یعنی تحصیلی بودن زمان ظهور است، نظریه تحصیلی بودن ظهور یا به این معناست که اعمال

شیعیان تنها نقش را دارد یا این که عمل و اختیار شیعیان در یک دلی و زمینه سازی برای ظهور، از عوامل ظهور حضرت محسوب می شود، ما در این پژوهش اصراری نداریم که تنها نقش موثر برای اعمال و زمینه سازی شیعیان است، بلکه می گوییم طبق آنچه که از معارف دینی به دست می آید اعمال و رفتار مسلمانان و به خصوص شیعیان، در تحقق ظهور نقش مهمی دارد. طبق روایتی که در کتاب احتجاج ذکر شده است حضرت فرموده اند:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را بر اطاعتش توفیق عنایت فرماید - در وفای به عهده ای که بر عهده آنان است، یکدل می شدند، میمنت ملاقات با ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب شان می گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما... (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در روایت دیگری از پیامبر مکرم اسلام یکی از کارهای گروهی از مسلمانان را زمینه سازی برای ظهور می داند، و روشن است که زمینه سازی مسلمانان به معنی نقش داشتن رفتار و عملکرد آن ها در تحقق ظهور است:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده اند: گروهی از مشرق زمین خروج می کنند، پس زمینه ها را برای مهدی فراهم می سازند، یعنی زمینه های حکومتش را (همان).

شیخ مفید از بزرگ ترین دانشمندان شیعه اعتقاد دارد که رفتار مردم در ظهور تأثیرگذار است. این مضمون از کلمات ایشان به راحتی قابل برداشت است، محض نمونه ایشان در ضمن پاسخ به این پرسش که علت غیبت امام مهدی (عج) چیست و اگر صعوبت زمان عامل غیبت بود، این علت در زمان سایر امامان نیز وجود داشت در حالی که آنان غایب نشدند، چنین می نویسد:

با توجه به این که امام زمان (عج) همان شخصی است که از آغاز آفرینش و در طول زمان ها درباره ی جهاد با دشمنان خدا و نیز برداشتن تقیه از دوستانش و الزام آنها به جهاد در زمان ظهورش سخن گفته شده است، مشخص شده که او همان مهدی است که خداوند حق را به وسیله ی او آشکار می سازد و گمراهی را نابود می کند. به وضوح معلوم است که او با شمشیر قیام نخواهد کرد، مگر این که انصار و یارانش گرد هم آیند. با این حال، انصار او از زمان وجودش تا به امروز، به صورت متحد و آماده به یاری او نبوده اند و در سرتاسر جهان، کسی برای جهاد آمادگی نداشته است. هرچند افرادی بودند که برای نقل آثار، حفظ احکام و دعا به درگاه خداوند برای فراهم کردن شرایط این امر صلاحیت داشتند، بنابراین بر امام زمان واجب شد که به تقیه روی آورد و رعایت تقیه بر او لازم گردید، همان طور که بر پدران بزرگوارش واجب بود. زیرا اگر او بدون یاور ظاهر شود، خود را به خطر افکنده است و اگر خود را به دشمنان نشان

دهد، آنها از تلاش برای آسیب رساندن به او و نابود کردن شیعیانش و حلال کردن خون‌شان دریغ نمی‌کنند. از این رو، با توجه به اثبات عصمت او، بر او لازم است که مخفی بماند تا زمانی که اطمینان حاصل کند یاران و انصارش آماده و گرد هم آمده‌اند و مصلحت عمومی در ظهور او با شمشیر است و بداند که می‌تواند حدود الهی را برقرار کند و احکام را به اجرا درآورد (همان).

شیخ طوسی نیز اعتقاد دارند هم‌چنان که غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له برآمده از سوءرفتار مردم است، ظهور آن حضرت نیز از تغییر مثبت در رفتار مردم ناشی می‌شود. وی پس از تقریر قاعده لطف و اثبات ضرورت وجود امام معصوم و ضمیمه کردن این مقدمه که هم‌اکنون امام معصوم ظاهری وجود ندارد، اثبات می‌کند که پس آن امام معصومی که قاعده لطف ضرورتش را اثبات می‌کرد، باید غایب باشد. وی در ادامه به اشکالاتی که به این استدلال گرفته شده پاسخ می‌دهد و در ضمن پاسخ به یکی از آن اشکالات، چنین می‌نویسد:

بسط ید امام گرچه برای مکلف حاصل نشده است، این از رفتار خود او نشئت می‌گیرد و اگر مکلف از امام تمکین می‌کرد، امام آشکار می‌شد و بسط ید پیدا می‌کرد و لطفش حاصل می‌شد؛ در نتیجه تکلیف مکلف قبیح نبود؛ زیرا حجت علیه اوست و نه به نفع او (همان).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز قدرت پیدا کردن و زمینه‌سازی را از مقدمات ظهور حضرت می‌دانند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور (ان شاء الله) تهیه بشود (همان).

با پذیرش تحصیلی بودن ظهور و قبول نقش مسلمانان در تمهید ظهور می‌توان گفت هر چه به اسلام ناب که مغز انقلاب است نزدیک‌تر شویم می‌توان آن را قدمی در تقدیم زمان ظهور دانست، لذا نظام انقلابی که در کلمات رهبر حکیم انقلاب به آن اشاره شده است نه تنها ضامن بقاء نظام اسلامی است بلکه ضامن تقدیم زمان ظهور و رساندن نظام اسلامی به دست حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له نیز هست.

نتیجه‌گیری

با روشن شدن مراد از نظام انقلابی یا همان نظامی که اهداف، مبانی و ساختار انقلابی داشته باشد و دائماً در حال حرکت به سوی اهداف عالی اسلامی خود باشد می‌توان گفت پیاده شدن نظریه نظام انقلابی در نظام جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلفی موجب زمینه‌سازی و تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له خواهد شد، اولاً طبق وعده‌های الهی،

هر حرکتی که در راستای نصرت الهی باشد موجب حفظ انقلاب خواهد شد، ثانیاً از نگاه عقلانی عمل به نظریه نظام انقلابی موجب تقویت بنیان‌های کشور اسلامی خواهد شد و ثالثاً با توجه به این‌که افعال و اعتقادات جامعه مسلمین در ظهور اثرگذار است، چنین عملکرد صحیحی در کشور اسلامی موجب زمینه‌سازی و تعجیل در ظهور خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

- آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰)، «زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۹.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲)، حدیث ولایت، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، سایت معظم‌له.
- روریش، ویلفرد (۱۳۸۵)، سیاست به مثابه عالم، ترجمه: ملک یحییی صلاحی، تهران: سمت.
- طبرسی، احمدبن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان للطباعة والنشر.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، اول.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمدبن یزید (۱۳۶۸)، سنن/ابن ماجه، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- کارلوت، پیتر (۱۳۸۳)، انقلاب و ضد انقلاب، ترجمه: حمید قانع، تهران: بی‌نا.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۶۹)، تئوری‌های انقلاب، ترجمه: علیرضا طیب (با مقدمه حسین بشیریه)، تهران: قومس.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ق)، الاختصاص، بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر والتوزيع، دوم.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، اول.
- هنتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع در حال تحول، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علم.



Examining the Role of Zionist Lobbyists in Global Developments (Case Study: "The Rockefellers")

Dr. Razieh Ali Akbari ¹

Dr. Saeed Bakhshi ²

Reyhaneh Ahmadi Ibrahimabad ³

Abstract

Among the influential groups in global developments are the Jewish Rockefellers. As the most powerful and richest people in the world, they are influential in the most important issues of humanity, including wars, global trade, diplomatic relations, health and nutrition, science and religions, etc., with the aim of realizing "world government." The importance of the article lies in the fact that their efforts are effective in determining or directing global developments, and appropriate action to confront or counter their plans can provide immunity to other nations. Therefore, the present article, using an analytical-descriptive method, aims to examine the political, economic, and cultural activities of this family in global developments. Studies conducted indicate the fact that the Rockefellers are always looking for developments to achieve global power, and to achieve this, they use all means, including establishing and supporting the Zionist regime, controlling the world's population through influence on health (vaccine production) and nutrition (genetically modified organisms), and controlling the media.

Keywords: State, Mahdism, origin of state, Mahdism state, theories of the origin of the state

-
1. Faculty member, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, P.O. Box 889-14665, Tehran, Iran (Corresponding Author) (aliakbari@cfu.ac.ir)
 2. Faculty of Theology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (saeidbakhshi@atu.ac.ir)
 3. Bachelor's degree student in Persian Language and Literature Education, Hazrat Masoumeh University of Education, Qom, and member of the National Elite Foundation, Iran (ChieftainEbrahim@gmail.com)

بررسی نقش لابی‌های صهیونیسم در تحولات جهانی (مطالعه موردی «راکفلرها»)*

راضیه علی‌اکبری^۱

سعید بخشی^۲

ریحانه احمدی ابراهیم‌آباد^۳

چکیده

از جمله گروه‌های تأثیرگذار در تحولات جهانی راکفلرهای یهودی می‌باشند آنها به عنوان یکی از قدرتمندترین و ثروتمندترین افراد جهان، با هدف تحقق «حکومت جهانی»، در مهم‌ترین مسائل بشریت از جمله جنگ‌ها، معاملات جهانی، روابط دیپلماتیک، بهداشت و تغذیه، علوم و ادیان و... تأثیرگذارند. اهمیت مطلب از این جهت است که تلاش آنان در تعیین یا جهت‌دهی به تحولات جهانی اثرگذار بوده و اقدام مناسب در جهت مواجهه یا مقابله با برنامه‌های آنان، می‌تواند نسبت به ملل دیگر مصونیت بخش باشد. از این رو مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی، بر آن است تا به بررسی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی این خاندان در تحولات جهانی بپردازد. مطالعات انجام شده حاکی از این حقیقت است که راکفلرها همواره به دنبال تحولاتی برای رسیدن به قدرت جهانی هستند و برای رسیدن به آن، از همه ابزارها از جمله تأسیس و حمایت از رژیم صهیونیستی، کنترل جمعیت جهان از طریق نفوذ در بهداشت (ساخت واکسن) و تغذیه (تراریخته) و حکومت بر رسانه‌ها استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی

مهدویت، راکفلر، آمریکا، اسرائیل، صهیونیست، تحولات جهانی، نظم جهانی، حکومت جهانی

مقدمه

طبق آموزه‌های شیعه تشکیل حکومت جهانی مهدوی امری مسلم است. اما برخی از مستکبران جهان مانند راکفلرها، توهم ایجاد نظم نوین جهانی را در سردارند. درحالی‌که تحقق

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

۱. عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (aliakbari@cfu.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان پردیس حضرت معصومه (ع) قم و عضو بنیاد ملی نخبگان، ایران (ChieftainEbrahim@gmail.com).

چنین جامعه‌ای، بشارتی است که از سوی خداوند متعال به مستضعفان جهان داده شده است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ مَمَّنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱
و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده در آن سرزمین ممت گذارده
و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم.
(قصص: ۵)

همچنین در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَتَوَّمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا،
وَأَبْرَزْتَ الْغَنَاءَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَائِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَمَعَتْ أَصُولُ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ
نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم و تو جامعه جهانی را پیشوا
می‌شوی درحالی‌که زمین را از عدالت انباشتی و دشمنان را خواری و کیفر چشاندی
و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای و بیخ و بن
ستمکاران را برکنده‌ای تا ما بگوییم: ستایش ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.

راکفلرها که به دنبال تشکیل حکومت جهانی هستند، همواره یهودی بودن خود را مخفی
می‌کنند و به واسطه اصل و نسب مؤنث، فرزندان روچیلدها به حساب می‌آیند. (هیچکاک،
۱۳۹۱: ۶۸ و ۷۸) این خانواده‌ی آلمانی تبار، در نیمه قرن ۱۸م، از آلمان به آمریکا مهاجرت
کردند. با احتساب پنج فرزند برای هر خانواده از سال ۱۵۹۰م تاکنون جمعیت این خاندان
قریب به ۱۰هزار نفر است. بزرگ‌مرد این خانواده «جان راکفلر» با ۳۳۶ میلیارد دلار، ثروتمندترین
فرد تاریخ است. (مجموعه نویسندگان، ۱۴۰۰: ۴۲) وی که ابتدا برای روچیلدها کار می‌کرد،
به تدریج بزرگترین دستاورد زندگی‌اش این شد که (ظرف چند ماه) شرکت نفتی‌اش جای تمام
رقبا را گرفت و مالک کمپانی نفتی استاندارد اویل^۱ در اوهایو شد (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۶۱) و به
یکی از بزرگترین بنگاه‌های چندملیتی دنیا تبدیل شد. در آن زمانه‌ای که محدودیت‌های
قانونی برای تسهیم مالکیت بنگاه‌ها در ایالت‌های مختلف وجود داشت، او پیشتاز تأسیس
«تراست» شد؛ یعنی شکل جدید سازمان‌دهی‌ای که به او اجازه می‌داد کنترل متمرکزی بر منافع
تجاری‌اش در کل آمریکا داشته باشد و از قید رویه‌های محافظ قانونی در سازمان سیاسی

درونی آمریکا رها شود. او نه تنها بنگاهش را ملی، بلکه آن را بین‌المللی کرد. وی رقیب بی‌رحمی بود که می‌توانست درست از همان نظام رقابت استفاده کند تا مخالفت را سرکوب کند و با عبور از آن، به نظامی برسد که تحت سلطه مجتمع‌های تجاری است و این خود مرحله جدیدی از نظام سرمایه‌داری شد. (پارمار، ۱۴۰۰: ۷۹).

او و پدرش ویلیام راکفلر^۱ از جمله افراد بانفوذی بودند که پای سند تشکیل اسرائیل را امضا زدند. وی پدر بزرگ برادران راکفلر است که همواره سعی در اعمال نفوذ در بانک‌های جهانی داشتند (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و در نهایت صندوق برادران راکفلر^۲ را تأسیس کردند.

دیوید راکفلر «مبتکر طرح حکومت جهانی واحد بر اساس اقتصاد» (هوفمن، ۱۳۶۷: ۳)، در عرصه بین‌المللی بلندپرواز بود، و بین او و بانکش با شورای روابط خارجی در نیویورک روابط پیوسته نزدیکی برقرار بود. (سمپسون، ۱۳۶۶: ۱۶۶)؛ تا این که در سال ۱۹۷۰-۱۹۶۹م ریاست «شورای روابط خارجی آمریکا» و «چیس منهتن بانک» را به طور هم‌زمان بر عهده داشت. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸: ۳۲) او برای ریاست جمهوری هم تلاش کرد، که البته این صرفاً نمایشی بود برای اثبات آزادی و سلامت انتخابات؛ و الا کیست که باور کند آقای راکفلر، آنقدر شأن خود را پایین بیاورد که بشود رئیس‌جمهور آمریکا! مقامی که درخور نوکران این سرمایه‌داران آمریکایی است. (آلن، ۱۳۶۷: ۶۳)

با تشکیل سازمان ملل متحد توسط راکفلر، زمینه برای سیطره سازمان یافته دولت واحد جهانی به رهبری سرمایه‌داران آمریکایی تحت پوشش‌های مشروع حقوقی و با شعارهایی در زمینه «حفظ صلح» فراهم گردید (رحمانی، ۱۳۷۰: ۲۳). پیش‌نویس اولیه تشکیل سازمان ملل متحد توسط یک کمیته ۷ نفره که شش نفر آن عضو شورای روابط خارجی بودند تهیه گردید. زمینی که ساختمان‌های مرکزی سازمان ملل در آن جا تأسیس شد، با استفاده از هدیه ۸٫۵ میلیون دلاری جان دی راکفلر خریداری شده بود. (زرشناس، ۱۳۹۲: ۷۵)

لازم به ذکر است که وقتی از راکفلرها به عنوان لابی اسرائیل صحبت می‌شود، منظور قدرت نفوذ و تأثیرگذاری راکفلرهاست؛ نیرویی که می‌تواند هر حزبی که اراده کند را در رأس قدرت قرار دهد. البته لابی‌گری راکفلرها در اجتماع، غیررسمی است. (میرشایمر، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۷۱)

به جهت قدرت تأثیرگذاری و تحولات عظیمی که راکفلرها در سطح جهان دارند، بررسی فعالیت‌های آنها در عرصه‌های فرهنگی سیاسی اقتصادی جهان موضوع مقاله پیش رو است.

1. William Rockefeller
2. RBF

ضرورت و اهمیت تحقیق

یک استراتژیست با شناخت دشمن از بیرون، علاوه بر آگاهی از این که او چگونه می‌بیند و فکر می‌کند، می‌تواند به آرزوهای پنهان و آشکار دشمن نیز پی ببرد. این مسئله می‌تواند، در یک کل نسبت به یک نظام و حکومت مطرح شود و یا می‌تواند به صورت جزئی، اجزای قدرت یک نظام و حکومت را در برگیرد.

خانواده یهودی «راکفلر» متمول‌ترین و ذی نفوذترین خانواده‌ی امریکا هستند و سیطره آنها بر مردم، دولت و نهادهای اقتصادی و سیاسی امریکا و همچنین نفوذ گسترده آنها بر نهادهای جهانی قابل تأمل است. برای مثال ستاد «سازمان ملل متحد»، موقوفه راکفلر است. همچنین «بنیاد راکفلر»، که هدف عمده آن تسهیل و تسریع در فرآیند جهانی‌سازی است؛ "جهانی‌سازی هوشمند" طرح جدید راکفلری‌هاست که در آن نفوذ به تشکیلات به اصطلاح مردمی کشورهای درحال توسعه به عنوان هدف اصلی ترسیم شده است. بررسی فعالیت‌های راکفلرها در تحولات جهانی به عنوان یکی از بزرگترین کانون‌های قدرت و ثروت جهانی و البته لابی صهیونیسم، ازاین جهت ضروری است که دانسته شود این فعالیت‌ها با چه هدفی، باعث ایجاد چه مشکلات عدیده‌ای در ایران و جهان گردیده است.

در شرایطی که کشور و انقلاب ما و دین و اعتقادات ما در مقابله با آمریکا قرار دارد، شناختن دشمن و خصوصیات و ابعاد و اندازه‌ها و کارایی‌های او از اوجب واجبات است و امید است که شور و شعور دشمن‌شناسی، هادی راهنما باشد و بتوانیم این ببرهای کاغذی را بهتر بشناسیم. دشمنانی که تاکنون با سروصدا و هیبت و ژستشان کارساز مطامع خود بوده‌اند و هنگامی که همگان بدانند که طبل توخالی‌اند، نیم بیشتر راه برای پیروزی بر آنها طی شده است.

اهداف تحقیق

- ارتقاء بینش جامعه نسبت به نفوذ یهود و صهیونیست در تمام سطوح جهان؛
- معرفت افزایی و افزایش سواد رسانه جامعه نسبت به اتفاقی نبودن مشکلات سیاسی اقتصادی فرهنگی در ایران و جهان؛
- بصیرت افزایی در جامعه برای پیشگیری از تأثیرات بیشتر فعالیت‌های راکفلرها در ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه؛
- دشمن‌شناسی؛ در حقیقت تا وقتی درد تشخیص داده نشود، درمان و شفایی حاصل نمی‌گردد. درد جامعه‌ی امروز عدم شناخت دشمن، اعتماد بیش از حد به غرب و نفوذ است.

این ناآگاهی را خود دشمنان به وجود آورده‌اند. وقتی همه را سرگرم کردند تا جنایاتشان دیده نشود.

راکفلر، یکی از مصادیق نفاق است که دعای ندبه اشاره فرمود: «أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَالْبِغَاقِ؛ کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی؟». زیرابه نام نوع دوستی و کمک‌های انسان دوستانه و خیریه، نفوذ و جاسوسی را به اوج خود رسانده است! اگر امام معصوم علیه السلام در دعای ندبه، امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را ویران‌کننده بناهای شرک و نفاق معرفی می‌کند، پس ما باید خودمان را برای شمشیر زدن در رکاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در عرصه‌ی برجیدن بساط مستکبران جهان آماده کنیم؛ و لازمه‌ی این امر، شناخت و بصیرت و دشمن‌شناسی دقیق است.

پیشینه تحقیق

پیرامون خانواده راکفلر و فعالیت‌های آنها مقالاتی نوشته شده است از جمله:

۱. مقاله «خاندان راکفلر؛ بانکداران آخرالزمانی» تهیه شده توسط اندیشکده مطالعات یهود؛
۲. مقاله «بیلدربرگ؛ گعده فوق سری راکفلر» تهیه شده توسط اندیشکده مطالعات یهود؛
۳. مقاله «افشای جزئیات پروژه ایرانی راکفلرها» تهیه شده توسط خبرگزاری رجانیوز.

اما هیچ کتاب و مقاله و پایان‌نامه‌ای به بررسی فعالیت‌های گسترده‌ی راکفلرها در راستای تحولات جهانی در تمام ابعاد اقتصادی سیاسی و فرهنگی نپرداخته است.

روش تحقیق

شیوه پژوهش در این مقاله از نوع کیفی به روش توصیفی - تحلیلی است.

راکفلرها و تحولات سیاسی جهان

ارتباطات در جهان امروز حوزه‌ای میان‌رشته‌ای برای نظریه‌پردازی است که متأثر از تحولاتی جهانی قرار گرفته است؛ به نحوی که قدرت‌های بزرگ از توجه به آن غافل نشده‌اند. چنانچه یکی از مهم‌ترین سندها در خصوص ارتباطات و توسعه، سند «ارتباطات برای تغییر اجتماعی» است که در سال ۲۰۰۲ توسط بنیاد راکفلر منتشر شده است. این سند مهم‌ترین مبنای نظری در تبیین شاخص‌های ارتباطات به شمار می‌رود. (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۹۷)

فعالان حوزه ارتباطات در سال ۱۹۹۷ با حمایت بنیاد راکفلر در ایتالیا جمع شدند تا استراتژی ارتباطات برای تغییر اجتماعی در قرن بیستم را تنظیم کنند (فیگوئه روا، ۲۰۰۲: ۴۸). نتایج این کنفرانس چنین بود:

۱. محتوا و مراحل ارتباطات باید توأمان مورد توجه باشد. ۲. ارتباطات افقی در مقابل ارتباطات عمودی باید مورد تأکید باشد. ۳. جوامع خودشان باید کنشگران تغییر باشند. ۴. بجای تأکید بر اقناع و انتقال اطلاعات باید بر روی گفتگو و مذاکره متمرکز شد. ۵. نتیجه باید بجای رفتارهای فردی، بر فرهنگ و سیاست و هنجارهای اجتماعی و حمایت از محیط متمرکز شود. هدف بنیاد راکفلر رسماً گسترش آزادی، دموکراسی و سرمایه‌داری است. نظریه پردازان مکتب لیبرال - سرمایه‌داری، تغییر اجتماعی را هدف می‌دانند. (غمامی، ۱۳۹۱: ۲۴۳)

نقشه راکفلر این است که با برنامه‌های توسعه ملل در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین (برمن، ۱۴۰۱: ۸۲)، ضمن استتار کامل خود، دیدگاه‌های خویش را چنان جذاب تبلیغ کند که به سیاست‌ها و اهداف عمومی تبدیل شود و بتواند رهبران جهان را در جهت‌گیری در راستای نیازهای خود زیر فشار بگذارد. (لندمن، ۱۳۹۳: ۵۳)

در نظام سرمایه‌داری، قدرت و ثروت درهم تنیده‌اند. قدرت، ثروت می‌آورد و ثروت ضامن قدرت است. در عصر حاضر کانون‌های قدرت و ثروت جهان در آمریکا گرد هم آمده‌اند. امروزه یهودیان آمریکا بیش از ۱۰ میلیون نفرند که بیشتر ثروت‌های آمریکا، در انحصار آنها است. مانند خاندان راکفلر که جزو ثروتمندترین افراد جهانند. چگونگی ثروتمند شدن راکفلر موضوع مقاله حاضر نیست؛ ولی می‌توان اشاره اجمالی داشت که از جمله اقدامات راکفلر این بود که با بستن قراردادهای پنهانی با شرکت‌های راه‌آهن، در تجارت نوین نفت، ثروت هنگفتی اندوخت. (رحمانی، ۱۳۷۳: ۲۲۰). او وعده می‌داد در صورتی که نرخ‌ها را برای وی پایین‌تر بیاورند، نفتش را با راه‌آهن آنها جابه‌جا کند. این کار موجب می‌شد پول بیشتری بیندوزد و در نتیجه بتواند نفت خود را ارزان‌تر بفروشد. این کار خودبه‌خود، شرکت‌های نفتی رقیب را از تجارت حذف کرد. او آنها را خرید و انحصار ایجاد کرد و کل صنعت را در دست گرفت. (زین، ۲۰۰۹: ۱۰۰)

در حال حاضر بنیاد راکفلر، به عنوان ذی نفوذترین و ثروتمندترین نهاد آمریکایی، یک بنیاد جهانی است که در حوزه‌های متنوعی فعالیت دارد؛ هر حرکتی در آمریکا انتخاب رئیس‌جمهوری، اعمال سازمان سیا، تحقیقات علمی و فضایی و نظامی و دانشگاهی، تولید فیلم‌های سینمایی، تبلیغات مثلاً خیرخواهانه و بشردوستانه، تشکیلات مافیا و کوکلس کلان، وال‌استریت نیویورک و فلان مغازه فروشنده وسایل خانگی، زیر و بالا شدن بورس و ارز و ارزش دلار، برنامه‌ریزی تولید، هدایت فرهنگی جامعه آمریکا، تبعیض نژادی، قراردادهای بین‌المللی و ... تحت نظر این گروه انجام می‌شود. (رحمانی، ۱۳۷۰: ۳۱)

این بنیاد با شعار «فعالیت برای زندگی بهتر بشر در سراسر جهان»^۱، توسط شش نسل از راکفلرها اداره شده که همگی جزو ابرثروتمندان جهان و بانکدار، سرمایه‌دار، زمین‌دار و کارخانه‌دار هستند. هدف برنامه‌های بنیاد راکفلر در مسائل مربوط به علوم اجتماعی، طبیعی و پزشکی - زیستی، پیشبرد سیاست خارجی آمریکا است، چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم. (برمن، ۱۴۰۱: ۹۶). حمایت سازمان‌های غیر حکومتی در تنظیم و اشاعه‌ی جهان بینی خاصی که با سلطه‌ی اقتصادی، نظامی و سیاسی ایالات متحده سازگار باشد را نباید دست کم گرفت. بنیاد راکفلر نفوذ چشمگیری در سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی کاخ سفید دارد. هرچند این بنیاد در ظاهر در خصوص امور مربوط به بهداشت و آموزش در سطح جهانی فعالیت می‌کند. اما در واقع یک شرکت تجاری محسوب می‌شود که به همراه شبکه‌های گسترده مالی و اقتصادی خود، مدیریت بازارهای بین‌المللی را در دست دارد. (مجموعه نویسندگان، ۱۴۰۰: ۴۳).

بنیاد راکفلر دارای بخش‌های مطالعاتی پیشرفته‌ای در زمینه «مطالعات استراتژیک»، «روانشناسی»، «جامعه‌شناسی» و «رسانه» است. این بخش‌ها در زمینه شناخت چالش‌های آمریکا و تدوین راهبردها و سیاست‌های جهانی این کشور فعالیت می‌کنند. «شبکه‌سازی سیاسی» و «فعالیت‌های دانش‌محور» دو اهرم بنیاد راکفلر برای عمق بخشی به نفوذ در سراسر دنیاست. بنیادهای در زمره‌ی ابزارهای قابل شناسایی اند که نظام لیبرال سرمایه‌داری و سازمان‌های جهانی و سرانجام سران جوامع مخفی را در رسیدن به اهداف و استراتژی‌های فرامنطقه‌ای شان یاری می‌دهند و همواره تحت پوشش‌های فریبنده، مقاصد دیگری را دنبال می‌کنند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۸: ۹۷).

کمتر از دو هفته بعد از شروع جنگ جهانی دوم، کارگروهی تشکیل شد برای مطالعاتی در حوزه شورای روابط خارجی آمریکا که در تدوین سیاست زمان جنگ و برنامه‌ریزی پس از جنگ به وزارت امور خارجه آمریکا کمک کنند، که به عنوان «پروژه‌ی مطالعاتی جنگ و صلح» شهرت یافت؛ و به صورت محرمانه کار می‌کرد و توسط بنیاد راکفلر تأمین مالی می‌شد. (پرلاف، ۱۳۷۱: ۹۶)

سخنگویان بنیاد همواره ماهیت نوع‌دوستانه‌ی مؤسسات خود را مورد تأکید قرار داده‌اند و در همان حال این اتهام را نیز رد کرده‌اند که گویا هدف اصلی ایشان پیشبرد اهداف ملی یا

1. <https://www.rockefellerfoundation.org/about-us/mission-and-vision/>

حزبی خاص بوده است. چنین ادعاهایی پس از پایان جنگ جهانی دوم با شدت بیشتری عنوان شده‌اند. دوران پس از جنگ شاهد گسترش سریع برنامه‌های برون‌مرزی بنیاد راکفلر به صحنه‌ی فعالیت‌های خارجی بوده است. این ادعای بنیاد در مورد ماهیت صرفاً بشردوستانه‌ی فعالیتشان در داخل و خارج با بررسی نامه‌ها، خط‌مشی‌های اعلام‌شده، گزارش‌های درون‌سازمانی و خاطرات مقامات آن‌ها رد می‌شود. (برمن، ۱۴۰۱: ۹۶).

بنیاد راکفلرها نقش مهمی در گسترش سلطه سرمایه‌داری بر عهده دارد. این سلطه چیزی فراتر از یک ایدئولوژی مجرد است، بلکه درواقع یک نحوه خاص نگرش به جهان است که بر هنجارها، اخلاق، دیدگاه‌ها و اصول سیاسی جامعه تأثیر بارز دارد. در حقیقت این بنیاد از طریق فعالیت‌های متنوع خود در مشروع جلوه دادن نظم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی موجود، که در تحلیل نهایی نظامی سرمایه‌داری است، نقشی حساس ایفا می‌کنند. (برمن، ۱۴۰۱: ۲۶۱)

این بنیاد هم‌اکنون کم‌وبیش در تمامی قاره‌ها دیده می‌شود و با شعارهای بشردوستانه‌ی آمریکا، در صدر لیگ جهانی نشسته است. از سال ۱۹۸۷ تاکنون تعداد این بنیاد از ۲۸ هزار عدد به ۵۰ هزار عدد رسیده است که بخشی از رشد فوق‌العاده ثروت در اختیار این بنیاد است. (پارمار، ۱۴۰۰: ۳۴۳)، اما این بنیاد باوجود تمام ادعاها و فعالیت‌ها، در آمریکایی‌سازی دنیا و خنثی‌سازی احساسات ضدآمریکایی موفق نبوده است. بااین‌حال نباید نفوذ آن را دست‌کم گرفت. منابع این بنیاد، به‌صورت هماهنگ با برنامه‌های دولت آمریکا، هدف‌گذاری استراتژیک داشت و به خلق سرآمدان و جوخه‌های آمریکاگرایان هوادار مدرن سازی، که دست‌کم دیدگاه همدلانه‌ای با نقش جهانی آمریکا داشتند، کمک کردند. (پارمار، ۱۴۰۰: ۱۹۳)

از جمله سیاست‌های دیگر راکفلرها رصد لحظه‌به‌لحظه نرخ رشد شیعیان و اهل سنت است؛ سازمان CIA نیز در این زمینه فعال است و برای این منظور نیروهای زیادی را در کشورهای منطقه مستقر کرده است؛ صندوق جمعیت سازمان ملل نیز توسط راکفلرها ایجادشده و بودجه آن از سوی آمریکا تأمین می‌شود! آنها برای این‌که بتوانند از طریق سازمان ملل اهداف جمعیتی خود در ایران را پیش ببرند، کارهای خود را با پوشش صندوق جمعیت انجام می‌دهند. زیرا از نظر آنها افزایش جمعیت، مانع توسعه است. (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۹۴) در حقیقت ذهنیت سرآمدگرا، علم‌باور، تکنوکراتیک و بازارگرایی که بر آمریکا سلطه دارد، عملاً در تاروپود ساختارهای مسلط اجتماع، اقتصاد و سیاست تنیده شده است. مبنای فعالیت بنیاد راکفلرها، تصاویری ذهنی‌اند که به‌موجب آنها فقط قدری از دنیا خوانا و قابل فهم است. اما کل دنیا عرصه مجاز دست‌کاری و بازسازی است. (پارمار، ۱۴۰۰: ۴۰۱)

الف) بیلدبرگ

در بیلدبرگ خط‌مشی آینده جهان ارائه می‌شود. (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۱۴۵) گروه بیلدبرگ، مجمع گفت‌وگوی سری سالیانه با حضور سیاست‌مداران، اندیشمندان و فعالان اقتصادی جهان (تاكر، ۱۳۸۷: ۳۳)، با پایه‌گذاری دیوید راکفلر به عنوان رئیس هیئت‌مدیره (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰: ۴۱) و باهدف تحقق «نظم نوین جهانی» از طریق کنترل متمرکز اعتقادات اجتماعی جامعه جهانی با «کنترل فکری» و نیز سلطه متمرکز بر سیاست خارجی و داخلی همه کشورها، و همچنین کنترل منابع و پول و اقتصاد و سیاست در سطح جهانی و بین‌المللی در سال ۱۹۵۴ آغاز به کارکرد. (دانیل استولین، ۲۰۰۷: ۳۸) کلیه افراد آمریکایی تصمیم‌گیرنده در این گروه، از اعضای شورای روابط خارجی (CFR) هستند. (آلن، ۱۳۶۷: ۱۶۰) سرمایه‌داران کشورهای پیشرفته که درگروه بیلدبرگ حاضر می‌شوند، عبارت‌اند از جهان سه‌جانبه، به علاوه تعداد کمی از کشورهای صنعتی سرمایه‌دار دیگر. اتحاد شوروی، اروپای شرقی و کشورهای جهان سوم، که نهایتاً در جهت بنای یک اقتصاد جهانی واحد ادغام شدند. (شوپ، ۱۳۶۴: ۱۹۱)

بیلدبرگ در حقیقت یک منبع ایدئولوژیک است. رسانه‌های پر قدرت، بانک‌های جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، اهرم‌های پر قدرتی را در اختیار بیلدبرگ نهاده است که می‌توانند همه‌ساله، قیمت‌های نفت و طلا را تعیین کنند و به واسطه‌ی بازوهای اجتماعی و حقوقی، برای همه‌ی کشورها قانون وضع کنند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۸: ۱۴۷). درواقع بیلدبرگ‌ها یک شورای روابط خارجی غیررسمی هستند که ابعاد بین‌المللی پیدا کرده‌اند. (مارس، بی تا: ۵۴). به بیانی دیگر یک دولت جهانی در سایه هستند که با ایجاد یک واقعیت مخرب، حق تعیین سرنوشت را تهدید می‌نمایند و سلامت اجتماعی را به خطر می‌اندازند. بیلدبرگی‌ها می‌خواهند دولت‌های مستقل ملی را با یک حکومت متمرکز و قدرتمند جهانی که این گروه آن را کنترل و با قدرت نظامی، جهان را کیش‌ومات می‌کند، جایگزین سازند. اعضای این گروه، یک تیم هم‌هدف و همگرا (سعیدی، بی تا: ۲۴۷) از دانه‌درشت‌های اروپا و آمریکا هستند برای حکمرانی بر جهان در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و عرصه‌های راهبردی. (لندن، ۱۳۹۳: ۴۷)

قرارداد نظم جهانی، متضمن دسترسی تجاری به مواد خام، درازای دسترسی به بازارها، تکنولوژی، و سرمایه است. برنامه ریزان شورا، خواستار یک اقتصاد جهانی واحد، مبتنی بر

تجارت آزاد هستند که در آن، همه کشورها، از جمله اتحاد شوروی، چین و جهان سوم متقابلاً به یکدیگر وابسته باشند و تحت رهبری شورای روابط خارجی و تحت سلطه دیوید راکفلر، به حیات اقتصادی و سیاسی خود ادامه دهند. (هوفمن، ۱۳۶۷: ۵)

جالب است که دیوید راکفلر در کتاب خاطرات خود به این حقیقت اعتراف نموده است: برخی بر این باورند که ما بخشی از توطئه‌های مخفی علیه منافع ایالات متحده هستیم. توصیف من و خانواده‌ام این است که ما به عنوان «انترناسیونالیست»، هم‌داستان عده‌ای دیگر در جهان، برای ساخت یک جهان با ساختار یکپارچه‌تر سیاسی و اقتصادی هستیم. اگر اتهام ما این است! من ایستاده‌ام و به آن افتخار می‌کنم» (راکفلر، ۲۰۰۲م: ۴۰۵).

ب) انقلاب سبز

تا قرن نوزدهم میلادی، ابزارهای بهره‌کشی از دولت‌ها و ملت‌ها، از حیث پراکندگی جغرافیایی و ضریب نفوذ محدود بود. شاید اعمال قدرت متمرکز سیاسی در مستعمره‌ها در این دوران بدترین ابزارهای استثمار ملت‌ها به شمار می‌رفت؛ اما از ابتدای قرن بیستم با گسترش زیرساخت‌های ارتباطی در سطح جهان، راهبردهای قدرتمندان بین‌المللی در سازماندهی ظرفیت‌های گوناگون جهانی برای استفاده تجاری و امنیتی از همه انسان‌های روی زمین شکل جدیدی به خود گرفت. از قرن بیستم مطالعات عمیق و راهبردی روی بذره‌های اصیل در کشتگاه‌های کهن و غذا و ژنتیک از طریق کشاورزی توسط بنیاد راکفلر شکل گرفت و آغاز مفهوم انقلاب سبز در سال ۱۹۴۶ م توسط نلسون راکفلر کلید خورد.

در پی شکست سخت آمریکایی‌ها در جنگ ویتنام، استراتژیست‌های غربی دریافتند که مقابله سخت، به دلایل مختلف، روشی غیرکاربردی و پرهزینه برای سیطره بر ملت‌هاست، لذا سیاست‌های غرب به مواجهه نرم با این کشورها تغییر کرد و ابزارهایی برای کنترل غذا و دارو طراحی شد. کیسینجر در سال ۱۹۷۴ از طرحی موسوم به NSSM پرده برداشت. او «انرژی» و «غذا» را دو اهرم کاربردی کنترل ملت‌ها معرفی کرد. او به آمریکایی‌ها اعلام کرد که اگر نفت را کنترل کنند دولت‌ها را تحت کنترل درمی‌آورند و اگر غذا را کنترل کنند، مردم را تحت سیطره خواهند گرفت.

تحول اقتصادی «انقلاب سبز»، یکی از خیانت‌آمیزترین اقدامات بشریت است که سلامت انسان‌ها را به نفع منافع تجاری کمپانی راکفلر به بازی گرفت. اساساً از مهم‌ترین راهبردهای ابرکمپانی‌های راکفلرها برای تسلط بر کشورهای دنیا، «تسلط بر دانش و علوم نوین» بود و در

این راستا «علم کشاورزی» به نفع راکفلرها صنعتی شد.

در حقیقت توسعه کشاورزی جدید یک انقلاب است. این انقلاب نه انقلاب خشونت‌آمیز قرمز شوروی‌هاست و نه انقلاب سفید شاه ایران؛ بلکه «انقلاب سبز» است. این سیاست، در راستای تفکر مدرنیته، بر ضرورت «تولید انبوه» پای فشرد و تأمین «غذای سالم» و «خودکفایی در تأمین غذا» را در سراسر دنیا با چالش جدی مواجه کرد. در ابعاد راهبردی و فرابخشی، این سیاست به نابودی بنیان‌های کشاورزی در کشورهای هدف انجامید و موجب شد علاوه بر وابستگی اقتصادی، سرطان و بیماری‌های متنوع دیگر بین مردم دنیا گسترش یابد، و ۷۵ درصد تنوع زیستی گیاهان روی زمین از بین برود! (باشگاه خبرنگاران جوان، حقایق پشت پرده «توطئه سرطانی» آمریکا/ «انقلاب سبز» چیست؟، ۱۳۹۷)

بنیادهای کشاورزی راکفلر، بر روی مواد غذایی حیاتی همچون برنج، ذرت، گندم، سویا و دیگر اقلام مهم کار می‌کنند که این مواد غذایی دست‌کاری شده ژنتیکی به عنوان ابزاری برای جنگ‌های بیولوژیک استفاده می‌شوند. در نمونه‌ای دیگر، در سال ۲۰۰۱ شرکت بیوتکنولوژی Epicyte ذرتی را تولید کرد که کشنده اسپرم و عقیم‌کننده مردان است. بنابراین انقلاب سبز در اصل یک انقلاب شیمیایی است.

این فاجعه بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد که راکفلرها اقدامات گسترده و سازماندهی‌شده‌ای برای دست‌اندازی به منابع کشاورزی سایر کشورها آغاز کردند. متمرکز شدن مدیریت کلان کشاورزی، توسعه کشت تک‌محصولی، مکانیزاسیون و صنعتی شدن مزارع، در اختیار گرفتن نهاده‌ها مانند بذر، کود و سموم کشاورزی، افزایش مصرف سموم و کودهای شیمیایی در کشاورزی، تجارت محصولات کشاورزی و نیز استفاده از تکنولوژی‌های نوین که در انحصار راکفلرها قرار داشت مهم‌ترین موارد پیگیری شده در انقلاب سبز است. سیطره بر این منابع اساسی علاوه بر سود هنگفت تجاری، در افزایش قدرت اعمال نفوذ آمریکا در این کشورها بسیار مؤثر بود.

قبل از انقلاب اسلامی ایران، راکفلرها برای نفوذ در کشاورزی ایران، برای این که شاه را به صورت اساسی درمورد ضرورت اصلاحات ارضی توجیه کنند به او یادآوری کردند که اگر از انجام طرح اصلاحات ارضی خودداری کند، ایران متضرر خواهد شد! و همین عبارت کافی بود تا شاه متقاعد شود برای اجرای اصلاحات ارضی. (کوشکی، ۱۳۹۵: ۱۹۳) هرچند این سیاست به نابودی بنیان‌های کشاورزی در کشورهای هدف انجامید و تأمین «غذای سالم» و «خودکفایی در تأمین غذا» را با چالش جدی مواجه کرد. برای مثال طی هزاران سال گذشته در مناطق

مختلف جهان، کشاورزی به صورت ارگانیک و طبیعی تولید می‌شده است. ورود گسترده آفت‌های کشاورزی به کشورهای هدف - که به همراه بذرها و کودهای شیمیایی آمریکایی وارد این کشورها می‌شد - یکی از سیاست‌هایی بود که در انقلاب سبز پی گرفته شد تا کشاورزان مجبور باشند سموم شیمیایی کمپانی‌های خاص را برای دفع این آفات استفاده کنند. تغییر الگوهای استفاده از منابع آب (مانند چاه‌های عمیق)، تغییر مدل‌های کشاورزی از «سنتی، خودکفا و داخلی» به «صنعتی و وابسته» و همچنین گسترش بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان که در اثر مصرف سموم و کودهای شیمیایی پدید آمدند از تبعات انقلاب سبز بود. تغییر الگوهای استفاده از منابع آب (مانند چاه‌های عمیق)، تغییر مدل‌های کشاورزی از «سنتی، خوداتکا و داخلی» به «صنعتی و وابسته» و همچنین گسترش بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان که در اثر مصرف سموم و کودهای شیمیایی پدید آمدند از تبعات انقلاب سبز بود. (اندیشکده مطالعات یهود، پرونده ویژه «جنگ جهانی غذا»؛ قسمت یازدهم، ۱۴ مرداد ۱۳۹۷)

بدین ترتیب بنیاد راکفلر به واسطه انقلاب سبز، اهداف بین‌المللی آژانس توسعه سازمان ملل و اهداف سیاست خارجی CIA را مورد حمایت قرار داده، آنها را محقق ساخت. یکی از تأثیرات مهم انقلاب سبز کاستن از جمعیت روستاییانی بود که بالاجبار در جست‌وجوی کار به شهرها مهاجرت کرده، به کپرنشین‌های حاشیه شهرها تبدیل شده بودند. این امر یک اتفاق نبود، بلکه بخشی از طرحی بود که در راستای ایجاد نیروی کار برای شرکت‌های تولیدی چندملیتی آمریکایی در چارچوب «جهانی‌شدن» به این کشورها قدم نهاده بودند. هدف نبرد آرماگدون بیوتکنولوژیک، براندازی نژادهای پست و ایجاد «یک جامعه» آرمانی و نظامی نوین، بر اساس ساختاری تعریف‌شده از جانب قوم برگزیده و «ایجاد دولت جهانی» است. (صاحب خلق، ۱۳۸۸: ۱۵)

همچنین بنیاد راکفلر برای تحقق انقلاب سبز آفریقا، پروژه‌ای راه‌اندازی کرد و سرمایه‌گذاران سودطلبی مثل مونسانتو را هم دخیل کرد. با آغاز کار در سال ۲۰۰۶، در برنامه‌ای با عنوان «اتحاد برای انقلاب سبز در آفریقا» از حمایت پرزیدنت بارک اوباما نیز برخوردار شدند. بدون هیچ توجهی به ناکامی‌های کلیدی انقلاب سبز در هند، از جمله: وخیم‌تر کردن فقر و نابرابری روستاییان، افزایش میزان از دست دادن زمین و در نتیجه مهاجرت بیشتر به شهرهایی که زیاده از حد جمعیت دارند. ضمن این‌که خاتمه بخشیدن به گرسنگی آفریقا در رأس اولویت‌های بنیاد نبود. (پارما، ۱۴۰۰: ۴۰۰)

هم‌اکنون این سوال مطرح است که: چقدر از کشت و کشتارها در سراسر جهان و مخصوصاً

در کشورهای فقیر و محروم و ستمدیده، به خاطر تأمین منافع مادی راکفلرها و امثال آن بوده است؟ وقتی صحبتی از شرکت‌های نفتی می‌شود و فجایعی که به بار می‌آورند، آیا هرگز گفته می‌شود که این شرکت‌ها عموماً در انحصار آقای راکفلر است؟ مگر جنایاتی که وسائل خبری و ارتباط جمعی، با اندیشه و روح و تفکر مردم جهان می‌کنند، هرگز مطرح می‌شود و رابطه این جنایات با اهداف صاحبانشان روشن می‌گردد؟ (هوفمن، ۱۳۶۷: ۷)

راکفلرها و تحولات فرهنگی جهان

تردیدی نیست که یکسان‌سازی فرهنگی و هم‌سوسازی سیاست‌ها دو محور اساسی برای سلطه‌ی فرهنگی و کنترل فرهنگی غرب در طرح جهانی‌سازی است. ادوارد برمن، نویسنده آمریکایی، در کتاب *کنترل فرهنگ*، رابطه‌ی برنامه‌های بنیاد راکفلر را با امر کنترل فرهنگ بررسی و صحت‌الگوی را که گرامشی ارائه داده است؛ برای درک نقش بنیادها در پیشبرد امپریالیسم فرهنگی آمریکا تأیید می‌کند.

تأسیس حکومت جهانی درگرو سلطه‌ی سیاسی، فرهنگی بر تمام نقاط جهان است و این سلطه تنها از طریق نظام مالی واحد ممکن نیست. یکسان‌سازی فرهنگی به نحوی که عموم مردم جهان، خود با رغبت تمام پذیرای فرهنگ و سیاست سلطه‌جو شوند، نه تنها از تنش‌ها و چالش‌ها علیه غرب می‌کاهد، تمامی عوامل مزاحم را هم حذف نموده و از حجم هزینه‌ها نیز می‌کاهد. این مقاصد به ظاهر فرهنگی و در حقیقت سیاسی، در عناوین زیر خلاصه می‌شوند:

۱. ایجاد تشکیک و تردید در برابر آموزه‌های سنتی، بومی، ملی و مذهبی کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه؛
۲. دامن‌زدن به چالش‌ها و فاصله‌های میان سنت‌گرایی و مدرنیته؛
۳. محتوم جلوه‌دادن مدرنیزاسیون به عنوان پروسه‌ای ناگزیر برای تجربه مدرنیته و پیشرفت؛
۴. زمینه‌سازی برای توسعه فرهنگی (پذیرش گرایشات لیبرالی و گذار از سنت‌ها)، به عنوان زیرساخت توسعه اقتصادی؛
۵. بسط ادبیات توسعه و بومی‌کردن آموزه‌های آن در میان فرهیختگان جوامع توسعه نیافته، با استفاده از ابزار رسانه‌ها؛
۶. تربیت مدیران نوگرا و مہیای پذیرش توسعه‌ی دیکته‌شده در کشورهای توسعه‌نیافته.

این کارکردها حمایت‌های بنیادهای آمریکا را از علوم اجتماعی در کشورهای در حال توسعه در پی داشته است. به گفته برمن:

راهبردهای علوم اجتماعی که مورد حمایت بنیادها بوده است، برای تربیت رهبرانی مورد استفاده قرار گرفت که کشورهای خود را در زمره‌ی متحدان ایالات متحده قرار دادند. (برمن، ۱۴۰۱: ۱۲۳)

کوشش بنیاد راکفلر برای تحمیل نوعی امپریالیسم فرهنگی بر آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، قبول هزینه انتشار نشریه‌های چندین سازمان خیریه توسط «بنیاد سیج» باهدف ایجاد یک نشریه پرنفوذ مطمح نظر اندیشمندان قرار گرفته است. (حاذق، ۱۳۹۴: ۱۸۰)

جان راکفلر به عنوان غول وال استریت، عضو شورای روابط خارجی ایالات متحده بود. اعضای دیگر این شورا رؤسای تمام امپراتوری‌های صنعتی در آمریکا، تمام بانکداران بین‌المللی بودند. اولین مأموریت این شورا، به دست گرفتن کنترل مطبوعات بود که این وظیفه به جان راکفلر واگذار شد. برای جهت‌دهی افکار عمومی او نشریات را خریداری کرد مانند واشینگتن پست، نیوزویک، ویکلی مگزین. همچنین کنترل رادیو، تلویزیون و صنعت سینما، تمام شرکت‌های بزرگ وابسته به هالیوود، توسط یهودیان تأسیس و اداره می‌شوند. حتی مطالب درسی مدارس، تحت کنترل این شورا است. (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۱۰۵ و ۹۷)

در این بین نفوذی که می‌توان از جانب رادیو و تلویزیون به دست آورد به مراتب بیش از روزنامه‌ها و مجلات است، لذا یهودیان نیز به جهت پرنفوذ بودن این وسایل ارتباطی کوشیده‌اند با در اختیار گرفتن شبکه‌های مهم رادیویی و تلویزیونی، به هدف خویش دست یابند و با اعمال فشار بر شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، در جهت ادامه سیطره یهود بر رسانه‌های مختلف عمل کنند. یهودیان ایالات متحده سه شبکه مهم رادیو و تلویزیونی اصلی ایالات متحده یعنی (N.B.C)، (C.B.S) و (A.B.C) را تحت کنترل خویش دارند. این سه شبکه تلویزیونی در ایالات متحده از جمله شبکه‌های پربیننده است که بدون شک می‌تواند نقطه حساس برای آرمان صهیونیسم به حساب آید. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

در اثبات کنترل‌گری رسانه‌ها توسط راکفلرها، کافی است اشاره کنیم به یکی از سخنان دیوید راکفلر در کنفرانس بیلدربرگ سال ۱۹۹۱ در آلمان، که گفت:

ما از مدیران واشینگتن پست، نیویورک تایمز، مجله تایم و دیگر نشریات معتبر که در جلسات ما حضور به هم می‌رسانند و ۴۰ سال است به وعده هایشان پایبند هستند کمال تشکر را داریم. اگر فعالیت‌های ما در این سال‌ها در معرض جنجال رسانه‌ای و

دید عموم قرار می‌گرفت، غیرممکن بود بتوانیم طرح‌های خود را پیش ببریم؛ اما حالا جهان پیچیده‌تر شده، آماده خیزش به سمت حکومت جهانی است. (هیچکاک، ۱۳۹۱: ۱۹۱)

الف) اسلام‌هراسی

امروزه به دنبال افول مطالعات منطقه‌ای پس از خاتمه جنگ سرد، فهم جوامع، جنبش‌ها و ایده‌های اسلامی، در زمره دل‌واپسی‌های مهم بنیاد راکفلر است. این بنیاد تعدادی طرح از مدل مطالعات منطقه‌ای راه‌اندازی کرد تا ماهیت اسلام مدرن را به عنوان پیش درآمدی بر مداخله‌های بعدی در جنگ علیه تروریسم و ضد آمریکاگرایی، روشن کند. در مه ۲۰۰۴، بنیاد راکفلر مبلغ ۷۰۰ هزار دلار به یک سلسله همایش درباره «جهان‌های اسلام و آینده‌های جهانی» اختصاص داد که بنا به عنوان آن، ذهن مسلمانان و اثراش بر فرآیند جهانی‌سازی را بررسی کند. (پارمار، ۱۴۰۰: ۳۸۲)

مابقی طرح‌های ابتکاری درباره جنبه‌های مختلف «مسئله اسلام» که از راکفلر بودجه می‌گرفتند، شامل یک سلسله جلسات، مطالعات جدید و برنامه‌های بورسیه تحقیقاتی می‌شدند. همچنین بنیاد راکفلر ۵۰ هزار دلار به «انجمن مسلمانان صوفی آمریکایی» داد تا برای هزینه «دیالوگ‌های قرطبه: تلاشی بین‌الادیانی برای درمان رابطه میان اسلام و آمریکا» خرج شود.

«بنیاد منابع آسیایی» در تایلند کمکی ۲۵۲ هزاردلاری بابت بورسیه‌های پژوهشی‌اش برای «پژوهشگران مسلمانان جوان در منطقه» گرفت که «اسلام در گذار در آسیای جنوب شرقی: نگاهی از درون» نام داشت. سایر طرح‌ها نیز دیدگاه‌های آفریقاییان و آسیاییان به اسلام خاورمیانه‌ای یا ماهیت «سازمان‌های رادیکال اسلامی در آسیای میانه» را بررسی می‌کردند. برخی برنامه‌ها نیز مشخصاً پی‌مجادله بودند: گروه «أخوت فی الاسلام» در مالزی، بودجه‌ای برای نشست سال ۲۰۰۳ خود گرفت که چنین نام داشت: «زنان مسلمان به مصاف بنیادگرایی می‌روند: پُل زدن میان آسیای جنوب شرقی و آسیای غربی». پیش‌فرض ذاتی این‌گونه طرح‌ها، این ایده است که: ناکافی بودن دانش و تفاهم میان اجتماع‌ها یا ناکامی در ارتباط بینشان، علت اصلی تروریسم و ضد آمریکاگرایی است. این طرح‌ها حاکی از آنند که بنیاد راکفلر، هم‌راستا با دولت‌های بوش و اوباما، معتقدند که مشکل در ذهن‌ها و دل‌های مردم است، نه در میل به حفظ فرهنگ‌های ملی یا استقلال از سلطه آمریکا. (پارمار، ۱۴۰۰: ۳۸۳)

ب) کمونیسیم فرهنگی و سلاحی قدرتمند به نام «کی‌پاپ»

خاندان راکفلر در عصر کنونی یکی از محدود گروه‌هایی هستند که قادر به نفوذ در هر مسئله و برنامه‌ای می‌باشند تا آنجا که در هیچ خرابکاری اساسی بین‌المللی و بانک‌های چندملیتی نیست که نشانی از آنها نباشد؛ از جمله نفوذ در صنعت سینما و موسیقی. (مجموعه نویسندگان، ۱۴۰۰: ۳۹)

گروه موسیقی BTS در سال ۲۰۱۳ شروع به کارکرد و از مرزها، سن، زبان و موانع ارتباطی فراتر رفت و تبدیل به پرفروش‌ترین هنر تاریخ کره جنوبی و گروهی تأثیرگذار در سطح بین‌المللی شد تا بتواند مأموریت‌هایی غیرهنری را برای صاحبان امپراتوری رسانه‌ای (که قصد کنترل امور دنیا را دارد) به انجام برساند. مجله‌ی آمریکایی «تایم»، به عنوان یکی از ستون‌های امپراتوری رسانه‌ای متعلق به الیت جهانی و از تربیون‌های اصلی جهانی سازی، این گروه «کی‌پاپ» را شخصیت سال ۲۰۱۸ خود از نظر خوانندگان اعلام کرد. به این ترتیب همزمان با «جهانی سازی اقتصادی»، «جهانی سازی فرهنگی» هم با شتاب در جریان است که هدف غایی هردوی آنها «جهانی سازی سیاسی» است. این همان چیزی است که در دیدگاه راکفلر به عنوان «نظم نوین جهانی» از آن یاد می‌شود. اساساً حاکم شدن یک دولت جهانی، ورای مرزهای ملی، یک سیستم مالی یکپارچه و به شدت کنترل شده، یک فرهنگ جهانی، یک پول واحد جهانی (نه از نوع واقعی، بلکه از نوع رمز-ارز)، حذف مرز میان حریم خصوصی و ساحت عمومی از طریق فناوری‌های زیستی مدرن می‌خواهد.

حکومتی جهانی، که در آن حکومت‌های ملی، مرزهای سرزمینی، پول ملی، اقتصاد ملی، سبک زیست بومی، مذاهب و هر چیزی که موجب تعدد و تکثر می‌شود، از بین می‌رود و یک سیستم واحد و متمرکز جهانی برای همه‌ی امور و اجزای زندگی ساکنان زمین تصمیم می‌گیرد. هویت‌ها تبدیل به عدد و رقم می‌شوند و حتی اموری چون جنسیت هم قابل دستکاری توسط حکومت واحد است. در عوض توده‌های مردم مسخ شده در جهان ساختگی و بازنمایی شده (واقعیت مجازی) به آرزوهای خود می‌رسند و خوشحال‌اند؛ درحالی که درواقع، هیچ چیزی از خود و متعلق به خود ندارند.

بی‌تی‌اس، از طریق شعر و آهنگ و فیلم و مد و سبک زندگی، به صورت ناخودآگاه و زیرآستانه‌ای، به روح و ذهن عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی در سرتاسر دنیا نفوذ کرده و به دنبال هژمونی کامل بر دنیاست. در حقیقت کارکردهای هنری گروه بی‌تی‌اس به طرز فزاینده به سمت مأموریت‌های دیپلماتیک سوق پیدا کرده! گرچه روند تبدیل این گروه از یک



گروه بومی موسیقی کره‌ای به یک نماد بین‌المللی با صدها میلیون مخاطب، مدیون حمایت همه‌جانبه امپراتوری رسانه‌ای غرب است. گویی میان مطرح‌شدن بین‌المللی و کمپین تبلیغاتی همه‌جانبه امپراتوری رسانه‌ای غرب برای این گروه و مأموریت‌های سیاسی که اخیراً به آن‌ها واگذار می‌شود، یک نوع هم‌کنش یا دیالکتیک وجود دارد. این که یک گروه از شرق دور، که عمده‌ی ترانه‌هایش تاکنون به زبان کره‌ای بوده است، این چنین محبوبیت «بین‌المللی» پیدا کند، در کنار دلایل فنی و هنری، قطعاً محصول اراده و برنامه‌ریزی رسانه‌ای - تبلیغاتی جهان غرب نیز هست.

ترویج موج بی‌تی‌اس آسیب‌های فرهنگی غیرقابل‌جبرانی بر فرهنگ ملی و بومی و سبک زندگی نوجوانان و جوانان ایرانی برجای گذاشته است. در سال‌های اخیر، ایران در سرچ بی‌تی‌اس در دنیا اول شده است. (شاه قاسمی، ۱۴۰۲: ص ۲).

موج کره‌ای به گسترش علاقه به غذاهای کره‌ای، آداب و رسوم، لباس و زیبایی‌شناسی کره‌ای در جهان انجامید و پس‌از آن بیشتر شرکت‌های سرگرمی به رهبری سه شرکت بزرگ سرگرمی کره‌ای، توجه خود را از آسیا به اروپا و آمریکا معطوف کردند، به گونه‌ای که گروه‌های پاپ کره، تورهای جهانی خود را در اروپا و آمریکا آغاز کرده‌اند. موزیک ویدئوهای کی پاپ در سال ۲۰۱۲ میلادی ۲۰۹ میلیارد بیننده در یوتیوب جذب کرد. درحالی که این آمار در مورد آمریکا ۱۰۱ میلیارد و اروپا ۰۷ میلیارد نفر بود.

نکته جالب اینجاست که در پس این شعرهای ساده و بدون پیچیدگی، مفهوم یک سبک زندگی با گستره جهانی به مخاطبان ارائه می‌شود؛ زیرا نخستین مؤلفه جهان‌گستری است. در این شعرها، نگاه به وطن، ملیت و خاک رخت بر بسته است و نگاهی با گستره همه کره زمین حاکم است. این ویژگی باعث شده نسل نوجوان امروز که زبان، ادبیات، فرهنگ و ارتباطات جهانی را از ابتدای زندگی خود تجربه کرده است، با این اشعار ارتباط برقرار کند و از سویی دیگر برای یک فرهنگ جهانی که در آن مفاهیم ملی و سنتی جایی ندارد، آماده شود. کنار گذاشتن همه ارزش‌های سنتی نیز در لایه‌های مضامین شعرهای این گروه دیده می‌شود. در جهان مطلوب نئولیبرالیسم، جایی برای هویت‌های بنیادین بشر که مانع از بسط یافتن مفاهیم جدیدی که قرار است جهان را در یک فرهنگ بزرگ و فرامرزی غرق کند، وجود ندارد. بی‌تی‌اس به دلیل انتشار اخلاق لائیک مورد توجه و حمایت راکفلرها قرار دارد (شفاعی، ۱۴۰۲: ۸).

پیشنهادهات

- مسلمانان جهان باید در راستای تحقق حکومت جهانی مهدوی، علاوه بر دعا برای ظهور، وارد کار تشکیلاتی شوند. یعنی هماهنگی و هم‌صدایی و هماهنگی کل مسلمانان جهان در مبارزه با مستکبران جهان (از جمله رسوایی راکفلرها).
- شبکه‌سازی در جهت ترویج و اشاعه آموزه‌های اسلام و شیعه، حمایت از دانشگاه‌ها و مراکز اسلامی کشورهای جهان، فعالیت ویژه در کشورهای مسلمان نشین، گسترش علوم اسلامی در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، برنامه‌ریزی در جهت مدیریت عمومی رسانه‌های اسلامی، راه‌اندازی بنیادهای خاص شیعه در کشورهای اسلامی، ایجاد شبکه روشنگری در سطح ملی و بین‌المللی پیرامون فعالیت‌های زیرپوستی آمریکا و راکفلرها.
- برگزاری نشست‌های روشنگری سالانه سران کشورهای اسلامی و برنامه‌ریزی در جهت اهداف بین‌المللی در راستای ترویج اسلام در جهان و تحقق تمدن جهانی و آماده‌سازی جهت تشکیل حکومت جهانی مهدوی.
- اعطای کمک هزینه به محققین حیطه‌های دشمن‌شناسی و استکبارستیزی، حمایت بنیادهای اسلامی از پژوهش‌های علوم اجتماعی اسلامی، ایجاد اتفاق نظر در مورد توسعه جهان اسلام، بررسی نتایج نظریه تمدن نوین اسلامی در جهان.
- انتشار آموزه‌های اسلام و قرآن در نشریات جهانی و بین‌المللی از سوی پژوهشگران و محققان برجسته ملی و بین‌المللی.
- جمهوری اسلامی ایران هرگونه قرارداد همکاری و واردات صادرات که مستقیم یا غیرمستقیم به بنیاد راکفلرها مرتبط است را رد نماید.
- کشت و مصرف عمومی محصولات دستکاری شده ژنتیکی در کشور (به جز مزارع خاص و قرنطینه تحقیقاتی) ممنوع شود و با انواع با واردات این محصولات برخورد می‌شود.
- منع واردات محصولات تراریخته، به عنوان عامل ایجاد «سرطان‌ها» و حتی «عقیم‌سازی نسل‌ها».
- در جهت روشنگری و معرفت‌افزایی نسل آینده انقلاب، یک درس از کتب تاریخ دانش‌آموزان و دانشجویان، اختصاص پیدا کند به جنایات و خیانت‌های راکفلرها به جهان بشریت. (برای تحقق این امر نویسنده در خدمت است)



نتیجه‌گیری

ایده حکومت واحد جهانی، جهانی‌سازی، نظم نوین جهانی، حکومت جهانی نخبگان، برنامه برای جهان و این قبیل واژگان، مواردی هستند که راکفلرها، مانند صاحبان هر ایدئولوژی که داعیه‌دار سرپرستی و فتح جهان است، بر آن تأکید دارند.

در پی دو جنگ جهانی اول و دوم و پس از تأسیس «جامعه ملل» و پس از آن سازمان ملل متحد، بخش‌های زیادی از اختیارات ملل مختلف از آنان سلب شد تا با فراهم شدن زمینه‌ها و در گام آخر، با تأسیس دولت جهانی، ارتش جهانی، اقتصاد جهانی و نظم نوین، همه‌ی اختیارات ساکنان زمین، از مسیر سازمان‌های جهانی به سازمان‌های مخفی و مجامع سرّی واگذار شود. مقصد غایی راکفلرها، رسیدن به «نظم نوین جهانی»، مبتنی بر یک دولت جهانی است، که برای رسیدن به آن از هر راهی استفاده می‌کنند.

از جمله فعالیت‌های راکفلرها در مسیر تحولات جهانی، تشکیل محفل فراراهبردی بیلدربرگ با ایده حکومت جهانی است. در این راستا طیف وسیعی از نظریه‌پردازی‌ها وجود دارد. از نسبت دادن این محفل به کابالیست‌ها، صهیونیست‌ها، شیطان‌پرستان و فراماسون‌ها تا ایده‌های اقتصادی و سیاسی پست‌مدرن را در تشکیل این محفل دخیل دانسته‌اند.

برای راکفلرها که مسلح به علم و فناوری هستند، گویی جهان یک آزمایشگاه و مردمش سوژه‌های آزمایش‌اند و هر مسئله‌ای به راه‌حل‌های بلندپروازانه‌ی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته نیاز دارد.

در کل می‌توان گفت تنها آرزویی که راکفلرها در سردارند تشکیل دولت جهانی است و قصد دارند با استفاده از هر ابزاری همه دنیا را تحت تصرف خویش درآورند.

منابع

قرآن کریم

- استولین، دانیل (۲۰۰۷ م)، *داستان واقعی گروه بیلدربرگ*، لندن، نشر trine day.
- اسلامی، محسن (۱۳۸۴)، *لابی صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا*، قم، فقاقت.
- آلن، گاری، (۱۳۶۷)، *هیچ‌کس جرئت ندارد آن را توطئه بنامد*، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۷)، *حقایق پشت پرده «توطئه سرطانی» آمریکا*.
- برمن، ادوارد (۱۴۰۱)، *کنترل فرهنگ*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، انتشارات نی.
- پارمار، ایندرجیت (۱۴۰۰)، *بنیادهای قرن آمریکا*، ترجمه محمد معماریان، تهران، نشر امیرکبیر.

- پرلاف، جیمز (۱۹۸۹م)، *سایه‌های قدرت*. ترجمه کریم میرزایی (۱۳۷۱)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تاکر، جیم (۱۳۸۷)، *توطئه‌گران بین‌المللی*، ترجمه وحیدرضا نعیمی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، چاپ اول
- حاذق، حمید (۱۳۹۴)، *معرفی کتاب کنترل فرهنگ معرفی و نقد*، مجله مطالعات عملیات روانی، بهار و تابستان، شماره ۴۲.
- رحمانی، شمس‌الدین (۱۳۷۳)، *نظام نوین جهانی*، تهران، پیام آزادی، چاپ دوم.
- رحمانی، شمس‌الدین (۱۳۷۰)، *ماهیت سازمان ملل*، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هفتم.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۸)، *انتقال قدرت از مورگان به راکفلر*، شماره ۱۹۵۳، ۱۳۸۸/۹/۳.
- زرشناس، شهریار (۱۳۹۲)، *نیمه پنهان آمریکا*. قم: معارف.
- زین، هاروارد (۲۰۰۹م)، *روایای آمریکایی*، ترجمه فاطمه شفیعی سروستانی (۱۳۸۹)، تهران: هلال.
- سعیدی، جعفر (بی‌تا)، *مبانی فراماسونری*، گروه تحقیقات علمی ترکیه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- سمپسون، آنتونی (۱۳۶۶)، *ریاخواران*، مصطفی قریب، تهران، شرکت چاپ پخش.
- شاه قاسمی، احسان (۱۴۰۲، ۹ اسفند)، سایت ایبنا، همایش ملی فرهنگ شهرت.
- شفاعی، آرش (۱۴۰۲، ۱۴ اسفند)، *کمین‌کروای برای فرهنگ جهانی*، روزنامه جام جم، شماره ۶۷۲۰، گروه فرهنگ و هنر، صفحه ۸
- شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۸)، *قبیله لعنت*، جلد هفتم: فراماسونری در صحنه‌ی حیات سیاسی، اجتماعی ملت‌ها، تهران: انتشارات هلال، چاپ سوم.
- شوپ، لورنس، و ویلیام فیتز (۱۳۶۴)، *تراست مغزهای امپراطوری*، ترجمه منصور آسیم و علی رضایی، نشر اطلاعات.
- صاحب‌خلق، نصیر (۱۳۸۸)، *آرمگدون بیوتکنولوژیک*، ماهنامه موعود، موسسه فرهنگی هنری موعود عصر، سال ۱۴، آبان ماه، ج ۱۰۵
- غمامی، سید محمد علی (۱۳۹۱)، *روش شناسی بنیادین ارتباطات برای توسعه در بنیاد راکفلر: فلسفه ارتباطات تا سیاست‌های ارتباطی*، *فصل‌نامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، سال ۱، شماره ۱.

- کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۵)، *تاریخ مستطاب آمریکا*، تهران: خیزش نو.
- لندمن، استفن (۱۳۹۳)، *داستان واقعی گروه بیلدربرگ و نقشه‌های آینده*، ترجمه سیدهادی هرندی، سیاحت غرب، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹.
- مارس، جیم (بی‌تا)، *توطئه جهانی*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نشر پیکان.
- مجموعه نویسندگان (۱۴۰۰)، *اقتصاد صهیونیسم*، تهران، شهید کاظمی.
- میثاق مدیران (۱۳۸۷)، *راکفلرها*، مجله، اسفند، شماره ۳۸.
- میرشایمر، جان جی و استفن والت (۱۳۹۴)، *لابی صهیونیستی و سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه فرج‌الله اردیزدی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشارات انقلاب اسلامی.
- هوفمن، ویلیام (۱۳۶۷)، *راکفلرها*، مترجم: رضا سندگل، تهران، محراب قلم
- هیچکاک، اندرو کرینگتون (۱۳۹۱)، *صهیونیسم در مسیر سلطه*، ترجمه محمدیاسر فرحزادی، تهران: ساقی
- Rockefeller, David. *Memoirs*. New York: Random House, 2002.
- Figueroa, Maria Elena, D.Lawrence Kincaid, Manju Rani, and Gary Lewis. *Communication for Social Change: An Integrated Model*. New York: The Rockefeller Foundation and Johns Hopkins University Center for Communicatiin Programs, 2002



An Analysis of Imam Baqir's Narration on the Preparation of Iranians for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

Dr. Mohammadreza Javaheri ¹

Abstract

In an authentic hadith from Abu Khalid Kabuli from Imam Muhammad Baqir (PBUH), the stages of the emergence and uprising of the right-seekers of the East from their emergence to victory and stability have been predicted. The content of this authentic hadith is consistent with two hadiths of the Prophet (PBUH) narrated by Abdullah bin Masoud and the Prophetic hadith from Abdullah bin Juz Bedi. The consistency of these three hadiths reveals the spiritual continuity of the hadith. Evidence and indications of the possibility of applying this hadith to the Islamic Revolution of Iran have been shown in this study. The East and the East in the hadiths of the Prophet and the Ahl al-Bayt (PBUH) are Iran. This hadith introduces an emergence and uprising of the right-seekers in the East, an uprising that paves the way for the emergence of Imam Mahdi (PBUH) and submits and presents the government and power to the Imam Zaman (PBUH). The holy revolution and the prelude to the emergence that is completely Mahdist and the leader and the people know their movement in the direction of the emergence is the Islamic Revolution of Iran. No uprising like the Iranian uprising and Islamic Revolution in the human world has revived Mahdism and prepared the conditions for the emergence. Of course, with all the reasons given in this research for the adaptation, the matter is still in the form of probability and possibility.

Keywords: Imam Baqir(PBUH), Hadith, Islamic Revolution of Iran, East

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (javaheri@ferdowsi.um.ac.ir)

بررسی روایت امام باقر علیه السلام درباره زمینه سازی ایرانیان برای ظهور امام مهدی علیه السلام *

محمد رضا جواهری^۱

چکیده

در حدیث صحیحی از ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام مراحل خروج و قیام حق طلبان مشرقی از پیدایش تا پیروزی و پایداری پیش بینی شده است. محتوای این حدیث صحیح با دو حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل عبدالله بن مسعود و حدیث نبوی از عبدالله بن جزء بیدی هماهنگ است. هماهنگی این سه حدیث تواتر معنوی حدیث را آشکار می کند. شواهد و قرائن امکان تطبیق این حدیث با انقلاب اسلامی ایران در این پژوهش نشان داده شده است. مشرق و شرق در احادیث نبوی و اهل بیت علیهم السلام ایران است. این حدیث خروج و قیامی حق طلبانه در مشرق را معرفی می کند قیامی که زمینه ساز ظهور امام مهدی علیه السلام است و حکومت و قدرت را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه تسلیم و تقدیم می نماید. انقلاب مقدس و مقدمه ظهور که کاملاً مهدوی باشد و رهبر و مردم حرکت خویش را در راستای ظهور بدانند انقلاب اسلامی ایران است. هیچ قیامی همانند قیام و انقلاب اسلامی ایران در جهان بشری مهدویت را زنده نکرده و شرایط را برای ظهور فراهم ننموده است. البته باهمه دلایلی که در این تحقیق برای تطبیق آمده است درعین حال مطلب به صورت احتمال و امکان هست.

واژگان کلیدی

امام باقر علیه السلام، حدیث، انقلاب اسلامی ایران، مشرق.

مقدمه

احادیث ملاحم و مغیرات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام براساس علم ویژه الهی که از آینده داشته اند صادر شده است. حدیث ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام یکی از این احادیث است. این حدیث صحیح در منابع معتبر حدیثی شبیه ذکر شده است. تاکنون پژوهشی درباره سند و متن و دلالت این حدیث و تحلیل محتوای آن انجام نشده و شواهد و قرائن تطبیق آن بر انقلاب ایران اسلامی ایران بیان نشده است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (javaheri@ferdowsi.um.ac.ir).

ضرورت دارد پژوهش مناسب درباره این حدیث امام باقر علیه السلام صورت گیرد. هدف این مقاله توصیف و تحلیل همین حدیث و استنباط حقائق موجود در آن است. آینده‌نگری و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی براساس احادیث ملاحم اهل بیت علیهم السلام، نقش مهمی در افزایش بصیرت و امیدواری انقلابیون در ایران و جهان دارد.

متن حدیث

محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی معروف به ابن ابی زینب در قرن چهارم هجری در کتاب الغیبة حدیثی را با سند صحیح از امام باقر علیه السلام آورده است. بعید نیست و احتمال دارد این حدیث بر مراحل انقلاب اسلامی ایران و سرنوشت و آینده آن تطبیق گردد. متن حدیث چنین است:

حدثنا احمد بن محمد بن سعيد قال: حداني علي بن احسن بن اخير محمد بن احسن بن شبيه بن احمد بن عمر الحلبي بن الحسين بن موسى بن معمر بن يحيى بن سام بن ابي خالد الكابلي بن ابي جعفر عليه السلام انه قال: كَأَنِّي يَقُومُ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ. قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَا إِنِّي لَوِ ادْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (نعمانی، ۱۴۰۳: ۱۸۲)؛

گویی قومی را می‌بینم که در مشرق خروج کرده‌اند. حق را مطالبه می‌کنند و می‌خواهند پس به آنان داده نمی‌شود سپس دوباره حق را مطالعه می‌کنند ولی به آنان نمی‌دهند. هنگامی که وضع را این‌گونه دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌گذارند. در این زمان آنچه را طلب کرده‌اند به آنان می‌دهند پس آنان نمی‌پذیرند تا این‌که برمی‌خیزند و قیام کنند و آن را جز به صاحب شما نمی‌دهند. کشته‌های آنان شهیدند، آگاه باشید اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر نگو می‌دارم.

به نظر می‌رسد این حدیث به اختصار مراحل انقلاب اسلامی ایران از آغاز تا انجام را بیان کرده است.

بررسی سند حدیث

حدیث مسند است و همه رجال سند ثقه و مورد اعتماد می‌باشند بنابراین حدیث صحیح هست. آیت‌الله حسین نوری همدانی بر این واقعیت تصریح نموده‌اند ایشان در درس خارج کتاب البیع در بحث از این حدیث گفته‌اند: خبر سنداً صحیح است (مدرسه فقاقت، آرشیو

درس خارج فقه بحث ولایت فقیه، کتاب البیع، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰).

در سلسله سند این حدیث هشت راوی قرار دارند تمام آن ها شناخته شده اند و در کتب رجالی تأیید شده و مورد اطمینان اند.
در سند روایت چنین آمده است:

حدثنا احمد بن محمد بن سعيد قال حدانی علی بن احسن آن اخير محمد بن احسن آن
شبيه آن احمد بن عمر الحلی آن الحسين بن موسى آن معمر بن يحيى بن سام آن أبی خالد
الكابلی.

احمد بن محمد بن سعيد بن عبدالرحمن معروف به ابن عقده حافظ که نعمانی حدیث را از
او نقل کرده است، ثقة و مورد تأیید است. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی در وصف او
می نویسد:

هذا رجل جليل في اصحاب الحديث مشهور بالحفظ... و عظم محله و ثقته و امانته له
كتب (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۴؛ موسوی خوئی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۶۳-۶۴)
این مردی جلیل در اصحاب حدیث است. مشهور به حفظ است... جایگاه بزرگ او و
ثقه بودن او و امانت داری او شناخته شده است، برای او کتاب هایی است.

شیخ طوسی در وضع او نوشته است: امره فی الثقة و الجلالة و عظم الحفظ اشهر من أن
یذكر (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۷۲) امر او در مطمئن بودن و جلالت و بزرگی حفظ مشهورتر از این است
که ذکر شود.

علی بن حسین بن علی بن فضال به گزارش شیخ طوسی ثقة است و کتاب هایی در فقه
داشته است. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۶) نجاشی نیز درباره او نوشته است:

كان فقيه اصحابنا بالكوفة و وجههم و ثقتهم و عارفهم بالحديث و المسموع قوله فيه
سمع منه شيئاً كثيراً و لم يعثر له على ذلة فيه و لا ما يشينه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۷)؛
فقیه اصحاب ما در کوفه بود شخصیت و چهره برجسته آنان و ثقة آنان و عارف آنان
به حدیث و کسی که قول او در حدیث شنیده شده است بود از او احادیث زیادی
شنیده شده و لغزشی برای او در حدیث و چیزی که به او صدمه بزند پیدا نشده است.

محمد بن حسن صفار قمی صاحب کتاب بصائر الدرجات ثقة و مورد اعتماد است. نجاشی
نوشته است:

كان وجهها في اصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر، راجحاً (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)؛
چهره و شخصیت بارز در اصحاب قمی ما بوده مورد اعتماد، عظیم القدر و برتر است.

حسن بن علی فضال ثقة و مورد اعتماد است. حلی در تعریف او نوشته است:

ممدوح معظم... کان خصیصاً بالرضا علیه السلام جلیل القدر عظیم المنزله زاهدا ورعاً له کتب (حلی، ۱۳۴۲: ۱۱۴)؛

ستایش شده و بزرگ شمرده شده... از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام، جلیل القدر، بزرگ جایگاه، زاهد و با ورع بود. برای او کتاب‌هایی است.

احمد بن عمر بن آبی شعبه حلبی ثقة و مورد اعتماد است. علامه حلی نوشته است:

ثقه روی آن آبی الحسن الرضا علیه السلام (حلی، ۱۴۰۲: ۲۰)؛

مورد اعتماد است و از امام رضا علیه السلام روایت نموده است.

حسین بن موسی ثقة و مورد اعتماد است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵).

معمر بن یحیی بن سلام ثقة و مورد اعتماد هست. نجاشی نوشته است:

ثقه، متقدم، روی آن آبی جعفر و آبی عبدالله علیه السلام له کتاب (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۵).

مورد اعتماد، پیشگام است از امام باقر و صادق علیه السلام روایت کرده است برای او کتابی است.

ابو خالد کابلی نامش وردان و لقب او کنکر بود ثقة و مورد اعتماد است از حواریون امام سجاد علیه السلام بوده است ابو صباح کنانی گفته است شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود:

خدم ابو خالد کابلی علی بن الحسین علیه السلام دهراً من عمره (کشی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۷).

ابو خالد کابلی روزگاری از عمرش را در خدمت علی بن الحسین علیه السلام گذراند.

نقل حدیث امام باقر علیه السلام از سوی محدثان

حدیث امام باقر علیه السلام با همین سلسله سند و روایان و همین الفاظ و متن، در کتاب‌های علمای امامیه از قرن چهارم تا قرن پانزدهم هجری قمری و معاصران آمده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۴۳) و نعمت‌الله بن عبدالله جزائری در ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الاطهار علیه السلام (جزائری، ۱۴۲۷: ج ۳، ۱۷۴) و در الانوار النعمانیة (جزائری، ۱۴۲۹: ج ۲، ۵۱) و علی یزدی حائری در الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۳۳) و محسن امین در اعیان الشیعه (امین، ۱۴۲۱: ج ۲، ۷۷) و کامل سلیمان در کتاب یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام (سلیمان، ج ۱، ۵۷۰) و علی کورانی عاملی در عصر الظهور (کورانی، ۱۴۲۵: ۱۷۱ و ۲۲۲) و در کتاب المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی علیه السلام (کورانی، ۱۴۲۶: ۴۹۴) و در السیره النبویه عند اهل البيت علیه السلام (کورانی، ۱۴۳۵: ۶۲ و ۱۰۵) و حسینعلی منتظری در کتاب دراسات فی

ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۳۸) و در نظام الحکم فی الاسلام (منتظری، ۱۳۸۰: ۹۴) و وسام برهان البلداوی در کتاب تیجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء (بلداوی، ۱۴۳۳ق: ج ۲، ۳۹۵) و محمد امیر ناصری و محمد علی تسخیری در کتاب الاحادیث المشتركة حول الامام المهدي (ناصری، ۱۴۲۶ق: ۱۵۴) و محمد محمدی ری شهری در کتاب اهل بیت علیه السلام در قرآن و حدیث (محمدی ری شهری، ۱۳۹۷: ۱۰۴۲) و دانش نامه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۶، ۴۵: ۴۵) و حکمت نامه بسیج (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۴۵) این حدیث را آورده اند. شایان ذکر است که همه این مؤلفان با نگاه مثبت و به عنوان حدیث صحیح به این حدیث نگاه کرده اند.

جایگاه کتاب الغیبة نعمی

کتاب الغیبة از آثار بسیار مهم شیعه و از قدیمی ترین کتاب ها در مسئله غیبت و ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. کتاب از ابو عبدالله محمد بن جعفر کاتب نعمانی از شاگردان برجسته محمد بن یعقوب کلینی صاحب الکافی و کاتب وی و از راویان بزرگ شیعه امامیه بوده است. برای دست یابی به منابع ارزنده حدیث سفرهای فراوانی رفت. فهرست نویسان شیعه از کتاب الغیبة یاد کرده اند (شیخ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۶، ۷۹؛ شیخ آقابزرگ طهرانی، بی تا: ج ۲، ۶۵) نجاشی در وصف او نوشته است:

شیخ من اصحابنا عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، له کتب (نجاشی، ۱۳۶۸: ۳۸۳)؛

شیخی از اصحاب ماء عظیم القدر، دارای جایگاه شریف، با عقیده درست است. برای او کتاب هایی است.

محتوای حدیث در حدیث پیامبر خدا ﷺ

مضمون و محتوای این حدیث امام باقر علیه السلام در روایات دیگر وجود دارد و این نیز شاهد اعتبار و اهمیت این حدیث است. عبدالله بن مسعود گفته است:

ما در حضور پیامبر خدا ﷺ بودیم جوانانی از بنی هاشم آمدند چون پیامبر خدا به آنان نگاه کرد رنگ چهره آن حضرت تغییر کرد و دیدگان آن حضرت اشک آلود شد. گفتیم: ای رسول خدا ما در چهره شما اثر اندوه می بینیم، چه اتفاقی رخ داده است؟ پیامبر فرمود: انا اهل بیت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا و ان اهل بيتي سيلقون بعدی

بلاء و تطريدا و تشريداً حتى يجيء قوم من هاهنا و اشار بيده الى المشرق - حتى اعادها ثلاثه - فيقاتلون فينصرون و لايزالون كذلك حتى يدفعونها الى رجل من اهل بيتي فيملاها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا فمن ادركه منكم فلياته و لو حبوا على الثلج فانه المهدى. ما اهل بيتي هستيم كه خدا آخرت را براى ما بر دنيا برگزيده است و اهل بيت من پس از من گرفتار بلا و آوارگى ها و بى خانمانى ها مى شوند و از حقوق خود محروم مى گردند تا اين كه قومى صاحب پرچم هاى سپاه از آن جا مى آيند - با دست خود به مشرق اشاره نمودند - آنها حق و خير مى طلبند پس به آنها نمى دهند تا سه مرتبه حق را طلب مى كنند به آنان نمى دهند تا اين كه نبرد مى كنند پس پيروز مى شوند آنها پيوسته پيروزند تا اين كه حكومت و قدرت را به مردى از اهل بيت من مى دهند پس او جهان را پر از قسط و عدل مى كند همان طور كه از ظلم و جور پرشده است. هر كدام از شما آن زمان را درك كرد بايد خود را به ايشان برساند حتى اگر لازم باشد با دست و سينه خود از روى برف ها و يخ ها حركت كند. دانشمندان عامه و زبديه و خاصه هر دو اين حديث را در آثار خود آورده اند.

محتواى اين حديث عبدالله بن مسعود از پيامبر خدا ﷺ با محتواى سخن امام باقر عليه السلام خيلى نزديك است. عامه و زبديه در گزارش اين حديث پيشگام بوده اند. اين حديث را نخستين بار ابن ماجه قزويني در كتاب سنن خود در قرن سوم آورده است (ابن ماجه، ١٤٠٨ق: ج ٢، ١٢٦) اين كتاب يكي از شش منبع حديثى اهل سنت است كه در نزد عامه از اعتبار زيادى برخوردار هست. همچنين در همين قرن سوم در كتاب البلدان ابوبكر احمد بن محمد بن اسحاق همدانى مشهور به ابن الفقيه آمده است (ابن الفقيه، ١٤١٦ق: ٢٢) اين حديث در الاربعون حديثا فى المهدى از حافظ ابونعيم احمد اصفهاني در قرن پنجم وجود دارد (اصفهاني، ١٤٤٠ق: ٨٦) محب الدين طبرى شافعى در قرن هفتم در كتاب ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى همين حديث را نقل كرده است (طبرى، ١٤٢٨ق: ج ١، ٧٦) جلال الدين عبدالرحمن بن كمال الدين ابوبكر محمد سيوطى شافعى مصرى نيز در قرن نهم در كتاب العرف الوردى فى الاخبار المهدى حديث را ثبت نموده است (سيوطى، ١٣٨٥: ٩٣). علاء الدين متقى بن على بن حسام الدين هندى در قرن دهم در كتاب كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال حديث را آورده است (متقى هندى، ١٤١٩ق: ج ١٤، ١١٩، حديث ٣٨٦٧٤) در قرن سيزدهم نيز در كتاب ينابيع المودة لذوى القربى از سليمان بن ابراهيم قندوزى آمده است (قندوزى، ١٤٢٢ق: ج ١، ٤٧). علمائى اماميه نيز اين حديث نبوى را در آثار خود آورده اند. نخستين بار ابوجعفر محمد بن جرير بن رستم طبرى آملى صغير در قرن پنجم در كتاب دلائل

الامامة ثبت کرده است (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۲۲) سپس سید بن طاووس در قرن هفتم در کتاب التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن یا الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام نوشته است (سید بن طاووس، ۱۳۸۵: ۱۱۸ و ۳۱۴) در همین قرن ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی در کتاب کشف الغمة فی معرفة الأئمة (علیه السلام) گزارش کرده است. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۸) قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث در قرن دهم در کتاب احقاق الحق و ازهاق الباطل نوشته است (تستری، ۱۴۰۹ق: ج ۲۹، ۱۸۵) در قرن یازدهم علامه محمدباقر مجلسی در بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار (علیه السلام) این حدیث را نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۸۷). لطف الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (علیه السلام) در قرن پانزدهم نیز متن حدیث همین حدیث را درج نموده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۷۰) از علمای زیدیه ابوجعفر محمد بن سلیمان کوفی در قرن سوم هجری در کتاب مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) همین حدیث را نقل کرده است (کوفی، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۱۱۰) با در کنار هم قرار دادن این حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله) و حدیث امام باقر (علیه السلام) با توجه به تقارب مفهومی درجه اعتبار بالای حدیث آشکار می گردد.

حدیث انقلاب شرقی زمینه ساز ظهور

در حدیث نبوی دیگر از انقلاب موطنون انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام) یاد شده است. این حدیث را عامه و خاصه در آثار حدیثی و تاریخی خویش ذکر کرده اند. عبدالله بن حارث بن جزء بیدی گفته است پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: يخرج ناس من المشرق فيوطنون للمهدي سلطانه (ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۳۶۸، حدیث ۴۰۸۸؛ حمویی جوینی شافعی، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ۳۲۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۹۰؛ ابن خلدون، بی تا: ج ۱، ۳۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ج ۱۹، ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۸۵: ۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۴، ۱۱۸، حدیث ۳۸۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۸۷؛ تستری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۳، ۲۲۱؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۲۴۶ و ج ۴، ۳۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۲۷ و ۲۵۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ۳۱۹) مردمی از مشرق قیام می کنند زمینه را برای حکومت و قدرت مهدی فراهم می آورند. این حدیث سخن از انقلاب زمینه ساز ظهور است. کلمه یوطنون در این روایت وجود دارد و به معنای آماده سازی است. العین نوشته است: وظأت لك الامر اذا هیأته (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۴۶۷) النهاية فی غریب الحدیث والاثر حقیقت توطئه را آماده سازی می داند: حقیقتة من التوطئه و هی التمهید و التذلیل (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ۵۳) مجمع البحرین و مطلع

النیرین نیز همین معنی را آورده است. التوطئه التذلیل و التمهید (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۴۲). کلمه سلطان به معنای غلبه و تسلط و قدرت و حجت است (ابن منظور، ج ۷، ۳۲۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۵۵) حدیث صریح است در بیان انقلاب اسلامی در شرق که در غیبت کبرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پدید می آید. این انقلاب حق و مقدس و الهی است چون مهدویت را باور دارد و یک حرکت بزرگ در راستای ظهور و تشکیل حکومت مهدوی در جهان است.

تحلیل محتوای حدیث امام باقر علیه السلام

روایت با کائنی بقوم قد خرجوا بالمشرق آغاز شده است. واژه «کائنی» بیان گر رخداد قطعی در آینده است و آینده را به صورت حتمی پیش بینی می کند. علی کورانی عاملی در تبیین این کلمه در حدیث نوشته است:

هو يدل على انه حدث من وعد الله المحتوم يعبر عنه النبي صلى الله عليه وآله والأئمة ب«كائنی بالشئ الفلانی او الامر الفلانی» یعنی یقینهم به کائنه یرونه بل يدل على رؤيتهم له بالبصيرة التي خصهم الله بها (کورانی، ۱۴۲۶ق: ۴۹۵)؛

دلالت می کند بر این که پدیده ی خروج، از وعده حتمی الهی است پیامبر و ائمه از آن به کائی بالشئ الفلانی او الامر تعبیر می کنند یعنی یقین آنان به این که گویا آن را می بینند بلکه بر دیدن آنان با بصیرتی که خداوند آنان را به آن اختصاص داده دلالت می کند.

کلمه «خرجوا» از ماده خروج است. خروج در لغت به معنای بیرون آمدن برابر دخول است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۲۳۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۰۱) در اصطلاح به معنای خارج شدن برای اجرای کار بسیار مهم است و قیام و انقلاب را شامل می شود.

واژه مشرق در احادیث زیادی به کار رفته است. منظور از مشرق در این روایت کجاست؟ بی شک مقصود محل طلوع خورشید نیست که محل طلوع در هرجایی با جای دیگر متفاوت است و مقصود منطقه شرقی عربستان که در شرق مدینه قرار دارد نیز نیست بلکه مقصود منطقه ای خاص و شناخته شده هست و در این حدیث ایران اسلامی شیعی است. یکی از حدیث پژوهان مهدوی اهل لبنان در ارتباط با مشرق در این حدیث می گوید: واضح است که مقصود از قومی از مشرق، ایرانی ها هستند و این امر متسالم علیه و مورد پذیرش در نزد اصحابی که حدیث را روایت کرده و تابعین که از اصحاب گرفته اند و نسل های بعدی بوده است به گونه ای که یکی از آنان نگفته است مقصود از قوم مشرقی اهل ترکیه فعلی یا اهل

افغانستان یا اهل هند باشند بلکه گروهی از امامان حدیث و مؤلفان گفته‌اند که منظور اهل فارس و ایرانی‌ها هستند. پس تفسیر وهابیون به اهل افغانستان و طالبان به دور از فهم عموم مسلمانان است (کورانی عاملی، ۱۴۲۶ ق: ۴۹۵)

ناظم الاسلام کرمانی پس از این که حدیث امام باقر (ع) از ابو خالد کابلی را نقل کرده و به صراحت لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نموده می‌نویسد:

در این خبر لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نمودم به علت آنکه امام می‌فرماید آنچه از این گروه کشته می‌شوند شهید شده‌اند و این جمله قرینه بلکه صریح است به آنکه مراد از مشرق آن مشرقی است که شیعیانش آنجا می‌باشند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۲۹ ق: ۹۷).

مراد از مشرق در روایت، مشرق عربستان یعنی ایران است علت انطباق مشرق با ایران علیرغم این که کشورهای دیگری جز ایران در شرق عربستان قرار دارند روایت مسند صحیح دیگری از امام باقر (ع) است. معروف بن خربوذ گفته است:

ما دخلنا علی ابی جعفر الباقر (ع) قط الا قال: خراسان خراسان سجستان سجستان کانه ییشنا بذالک (نعمانی، ۱۴۰۳ ق: ۲۷۳)؛

هیچ‌گاه خدمت امام باقر (ع) نرسیدیم مگر آن که فرمود: خراسان خراسان سجستان سجستان گویا در این سخن بشارت و مژده‌ای به ما می‌داد. براساس این روایت می‌توان گفت امام باقر (ع) قومی را که از مشرق خروج می‌کنند و زمینه‌ساز ظهور امام زمان‌اند را بر مردم خراسان و سیستان که دو استان مهم ایران در آن زمان بوده تطبیق کرده‌اند (علم الهدی، ۱۳۹۹ ق: ۲۶۹).

محتوا و سیاق حدیث نشان‌دهنده این است که قوم مشرقی شیعه‌اند و امامت امام باقر (ع) را پذیرفته‌اند و به امامت و غیبت و ظهور امام مهدی (ع) اعتقاد دارند و امام مهدی (ع) را صاحب‌الامر می‌دانند و این حقائق در کره زمین تنها بر ایران و ملت ایران تطبیق می‌کند.

مشرق در حدیث نبوی که عبدالله بن مسعود نقل کرده است و در حدیث نبوی که عبدالله بن حارث نقل کرده است نیز وجود دارد این اسم مهدی در هر دو حدیث به صراحت و وضوح، بر پیوند انقلاب قوم شرقی با مهدویت تأکید می‌کند. این مطلب هم شاهی بر تطبیق مشرق بر ایران اسلامی شیعی مهدوی است.

در جمله «یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه» کلمه حق یک بار تصریح شده و یکبار هم با ضمیر یاد شده است و این روشنگر این واقعیت است که هدف قیام و خروج و

انقلاب مذکور در متن حدیث، حق است و بنابراین یک انقلاب مقدس و حق طلبانه و الهی و انقلاب مثبت و مطلوب اهل بیت علیهم السلام است.

جمله «لا یدفعونها الا الی صاحبکم» سرنوشت و سرانجام خروج و قیام قوم شرقی را بیان می‌کند. هدف آنان زمینه‌سازی برای ظهور قائم آل محمد علیه السلام است. ضمیر موجود در عبارت «لا یدفعونها» ضمیری مؤنث است که به کلمه حق برنمی‌گردد بلکه به حکومت و قدرت بر خواهد گشت که از معنا استخراج شده است. این انقلاب شکست‌ناپذیر است پس از پیروزی پایدار می‌ماند تا انقلاب جهانی مهدوی که حکومت و قدرت را به ایشان می‌رساند. صاحبکم در این حدیث صاحب عصر و امر جهان است. صاحب مخاطبان حدیث که شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند حضرت مهدی علیه السلام هست. در این جمله آینده انقلاب بر حق مردم مشرق بیان شده است. آنان در خروج و قیام پیروز می‌شوند و در قدرت قرار می‌گیرند و حکومت را به هیچ‌کس جز صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی‌دهند. جمله «قتلاهم شهداء» دلیلی بر قداست و ارزش انقلاب مردم مشرق است چون امام تمام کشتگان این خروج و قیام را شهید می‌دانند. شهید کسی است که آگاهانه و فی سبیل الله در صحنه نبرد حضور می‌یابد و در راه خدا کشته می‌شود.

در حدیث جمله «اما انی لو ادرکت ذلک لاستیقیت نفسی لصاحب هذا الامر» وجود دارد در تفسیر این فراز حدیث امکان دارد گفته شود امام باقر علیه السلام فرموده‌اند اگر من آن زمان بودم با رهبر آن انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور همکاری می‌کردم و امکان دارد منظور از صاحب الامر امام مهدی علیه السلام باشد به این معنی که تلاش می‌کنم تازنده باشم و حکومت حضرت مهدی علیه السلام را نیز درک کنم. در هر دو صورت این جمله حدیث، شاهد دیگری بر قداست و ارزشمندی آن خروج و قیام هست. امام باقر علیه السلام از آن حرکت راضی است و دوست دارد رهبر آن را یاری نماید و دوست دارد در آن زمان باشد و در آن خروج و قیام شرکت نماید و همچنین زنده بماند و در سپاه صاحب اصلی حکومت در جهان بشری که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است قرار گیرد.

دولت صفویه

این خروج و قیام را برخی معاصران دولت صفویه، بر آن حکومت تطبیق نموده‌اند. مشرق را ایران دانسته‌اند اما منظور از حدیث را حکومت صفویه شمرده‌اند. علامه مجلسی پس از نقل حدیث بیانی دارد می‌نویسد:

لا یبعد ان یکون اشارة الى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۴۳)؛

بعید نیست که حدیث اشاره به دولت صفویه باشد که خدای متعال آن دولت را پایدار بدارد و به دولت قائم عجل الله تعالی فرجه الشیخ متصل کند.

علامه مجلسی در کتاب فارسی اثبات رجعت ترجمه چهارده حدیث نیز همین تطبیق را انجام داده است (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۵).
نعمت الله جزائری نیز نوشته است:

لا یخفی علی اهل البصائر انه لم یخرج من المشرق سوى ارباب السلسلة الصفویه و هو الشاه اسماعیل اعلی الله مقامه فی دارالمقامه و قوله علیه السلام لا یدفعونها الا علی صاحبکم المراد به القائم علیه السلام فیکون فی الحدیث اشارة الى اتصال دولة الصفویه بدولة المهدی علیه السلام فهم الذین یسلمون الملک له عند نزوله بلا نزاع و جدال (جزائری، ۱۴۲۹ق: ج ۵۱، ۲)؛
بر اهل بصیرت ها مخفی نیست که از مشرق غیر از ارباب سلسله صفویه و او شاه اسماعیل است خارج نشده است و سخن امام لا یدفعونها الا الی صاحبکم مراد از آن قائم علیه السلام است پس در این حدیث اشاره است به اتصال دولت صفویه به دولت مهدی علیه السلام زیرا آنان کسانی اند که حکومت را هنگام نزول حضرت مهدی علیه السلام بی نزاع و جدال به ایشان تسلیم می کنند.

این نظر و این تطبیق واقعیت ندارد چون دولت صفویه سقوط کرده است و اکنون انقلاب اسلامی پدید آمده و پیروز شده و پایدار است. هیچ حرکتی در طول تاریخ در عصر غیبت به اندازه انقلاب اسلامی ایران با مهدویت پیوند نداشته است. هیچ قیامی در جهان به قدر انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب مهدوی نیست. احتمال این که منظور از حکومت پایدار زمینه ساز ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران باشد بسیار زیاد هست.

انقلاب اسلامی ایران

احتمال دارد حدیث امام باقر علیه السلام پیش بینی انقلاب اسلامی ایران باشد. برخی عالمان همین احتمال را داده اند و حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق نموده اند. حسینعلی منتظری پس از نقل این حدیث در بحث مشروعیت قیام الهی قبل از ظهور می گوید:

دلالة الخبر ایضاً علی حدوث ثورة و قیام قبل القائم علیه السلام و کونه قیام حق واضح (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۳۹)؛

دلالت این خبر نیز بر پیدایش انقلاب و قیام قبل از قائم علیه السلام و این که آن قیام حق است واضح و روشن هست.

وی پس از ذکر این حدیث و چند حدیث دیگر می نویسد: یحتمل انطباق مفاد هذه الاخبار على الثورة الاسلامية الواقعة في ايران كما لا يخفى (منتظری، ۱۴۱۵ق: ۲۳۹) احتمال انطباق مفاد این اخبار به انقلاب اسلامی که در ایران واقع شده پنهان نیست. حسین عبید القریشی در کتاب اسئله مهدویه تتعلق بعصر الظهور الشريف اجاب عنها پس از نقل حدیث می نویسد:

هذا الحديث صحيح السند ومعناه ان اهل المشرق او الايرانيين يخرجون على حاكمهم الظالم ثم يطلبون حقهم من العالم مرتين فلابعطونه فيهددون بالحرب و يضعون اسلحتهم على عواتقهم فيعطون ما طلبوا فلا يقبلونه حتى يقوموا اي يثوروا (القریشی، ۱۴۳۴ق: ۴۲)؛ این حدیث سند صحیح دارد و معنای آن این است که اهل مشرق یا ایرانی ها بر حاکم ستمگرشان خروج می کنند سپس حقشان را دوبار از جهان می خواهند به آنان نمی دهند پس تهدید به جنگ می کنند و اسلحه شان را برشانه های شان می گذارند آنچه را می خواهند به آنان می دهند ولی نمی پذیرند تا این که قیام می کنند یعنی انقلاب می کنند.

علی کورانی لبنانی نیز این حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق می کند (کورانی، ۱۴۲۵: ۱۷۱، ۱۷۳ و ۱۷۹). محمد محمدی ری شهری در ارتباط با این حدیث نوشته است:

با توجه به ظاهر حدیث، تطبیق آن بر این وقایع محتمل است: قیام ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اظهار توبه رژیم گذشته و تسلیم خواسته های مردم در آخرین لحظات، سرنگونی رژیم تنها خواسته مردم، پیروزی قیام ملت ایران علیه رژیم شاهنشاهی، تحقق جمهوری اسلامی، تداوم جمهوری اسلامی تا انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درگیری ها برای استقرار انقلاب، جهاد فی سبیل الله، کشته های آن شهیدند، پیروزی انقلاب اسلامی در نزدیکی ظهور مهدی تحقق می یابد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۵: ج ۷، ۴۵۵).

آیت الله حسین نوری همدانی در درس خارج فقه تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ بعد از ذکر این حدیث می گوید:

خبر سند صحیح است و مضمونش مشخص است و حتی بر انقلاب اسلامی ایران نیز قابل تطبیق هست (مدرسه فقاها، آرشیو درس خارج، بحث ولایت فقیه، کتاب البیع).

احمد علم الهدی در تطبیق این حدیث نوشته است:
امام باقر علیه السلام از وقوع قیامی پیش از ظهور خبر می دهند و در ضمن آن را تأیید

می‌کنند. روایت از جمله روایاتی است که دلالت صریح و روشنی بر پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران توسط امام باقر علیه السلام دارد (علم الهدی، ۱۳۹۹: ۲۶۹).

انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور در بیان امام خمینی علیه السلام

به حکم جمله «لایدفعونها الا الی صاحبکم» مردم مشرقی در این خروج و قیام پیروز می‌شوند و حکومت آنان زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام است. حکومت و قدرت را به دست می‌آورند و تا ظهور قدرت را در اختیاردارند و با ظهور حکومت را تسلیم امام مهدی علیه السلام می‌نمایند. این فراز از حدیث پیش‌بینی قطعی خروج و قیام مشرقی است و آینده انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند. آینده‌پژوهان انقلاب اسلامی می‌توانند از این فراز حدیث در آینده‌نگری انقلاب اسلامی استفاده نمایند. در هر انقلابی بهترین منبع شناخت اهداف انقلاب، گفتار رهبر انقلاب است. امام خمینی علیه السلام انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی را هدف نمی‌دانند بلکه آن را مقدمه ظهور می‌شناسند و قدرت و حکومت را امانت در دست ملت مسلمان ایران می‌دانند تا در انقلاب جهانی مهدوی برسانند.

امام خمینی علیه السلام در ۱۲ تیر ۱۳۵۸ در سخنرانی در قم می‌گویند:

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که ظهور ولی عصر سلام‌الله علیه را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن، ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن شاء‌الله تهیه شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۸، ۳۷۴).

در سخنرانی در ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ در حسینیه جماران گفتند:

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب‌الزمان سلام‌الله علیه است کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را آن شاء‌الله به عدل و داد بکشد و از این جوهرهایی که به مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۴، ۳۰۹).

در ۱۰ مرداد ۱۳۶۰ در پیام روز جهانی قدس از انتظار منتهی شدن این انقلاب به انقلاب

مبارک امام مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند:

امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه

الفداء منتهی شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۵، ۶۳).

در سخنرانی ۳ آذر ۱۳۶۰ در جماران صاحب اصلی این انقلاب را امام مهدی علیه السلام دانسته و قدرت را امانتی که باید به ایشان برسد:

من امید دارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۵، ۳۸۵).

در پیام رادیوتلوویزیونی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۱، انقلاب اسلامی ایران را مقدمه برای ظهور می شمارند:

امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی شود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۱۳۱).

در سخنرانی ۱۴ فروردین ۱۳۶۱ بر تلاش برای رسیدن جمهوری اسلامی به زمان ظهور تاکید کرده اند:

امیدوارم که این جمهوری اسلامی ان شاء الله برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور امام زمان علیه السلام (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۱۷۴).

در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در جماران از اهمیت اتصال جمهوری اسلامی به زمان ظهور سخن گفته اند:

خداوند این جمهوری اسلامی را که برای خدا دارند کار می کنند و این ملت در آن برای خدا قیام کرده است و به پیش می رود تا این که این جمهوری اسلامی متصل بشود به زمان ظهور حضرت سلام الله علیه (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۲۳۰).

در ۴ خرداد ۱۳۶۱ در جمع ائمه جمعه فرمودند:

سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه های تان چه می خواهید بگوئید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه ای شود برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۲۶۱).

در سخنرانی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۴ نیز بر ضرورت رد امانت به امام زمان علیه السلام تصریح نموده اند:

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست برسیم و ما ان شاء الله باهم باشیم و این قافله را باهم به منزل

برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۹، ۲۰۹).

در پیام ۲ فروردین ۱۳۶۸ انقلاب اسلامی ایران را نقطه شروع انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۲۱، ۳۲۷).

در تاریخ غیبت کبری قیامی نبوده است که به صراحت رهبر و مردم اعلام کنند برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کرده‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه بارها تصریح نمود که انقلاب اسلامی مقدمه برای ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انقلابی که رهبری آن خود را فدایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بداند تنها انقلاب اسلامی است. انقلابی که قدرت را امانت برای سپردن به صاحب امانت صاحب امر عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده است انقلاب اسلامی ایران است. این حقیقت نیز قرینه‌ای برای تطبیق حدیث امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر انقلاب اسلامی ایران است.

مراحل انقلاب اسلامی ایران

بخشی از حدیث امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مراحل خروج و قیام مشرقی اختصاص دارد. در جمله «یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا رؤا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه فلا یقبلونه حتی یقوموا» واقعیت‌هایی در ارتباط با انقلاب اسلامی اهل شرق بیان شده است. دو بار حرکت می‌کنند و حق را می‌خواهند اما به آنان نمی‌دهند در مرحله سوم سلاح‌هاشان را بر شانه‌هایشان می‌گذارند پس حاکمان حاضر می‌شوند آنچه را می‌خواهند به آنان بدهند آنان نمی‌پذیرند تا این که قیام می‌کنند و پیروز می‌شوند و قدرت را به دست می‌گیرند.

علی کورانی عاملی می‌گوید امکان دارد منظور از این مراحل، نهضت مشروطیت به رهبری علما و نهضت ملی شدن نفت به رهبری آیت الله کاشانی و انقلاب اسلامی سال ۵۷ به رهبری امام خمینی باشد سپس تفسیر دومی ارائه می‌کند که منظور از این بخش حدیث انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و مراحل پس از آن تاکنون باشد (کورانی عاملی، ۱۴۲۵: ق ۲۲۲-۲۲۳).

به گونه‌ای دیگر می‌توان این مراحل را گزارش کرد. مرحله اول قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ بوده

است که مردم نابودی سلطنت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را خواستار شدند و رژیم مردم را قتل عام کرد و حق را به آنان نداد. مرحله دوم قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ که مردم به دفاع از امام خمینی رحمته الله علیه و حکومت الهی برخاستند و شهید شدند و حق را به آنان ندادند و سرانجام در سال ۱۳۵۷ به صحنه آمدند و با عقب نشینی رژیم به دستور شاه زندانیان سیاسی آزاد شدند و تقویم سلطنتی به تقویم هجری خورشیدی بازگشت و برخی سرسپردگان به رژیم پهلوی همانند امیرعباس هویدا که مدت ۱۳ سال از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ نخست وزیر بود و ارتشبد نعمت الله نصیری که ۱۳ سال ریاست ساواک را برعهده داشت دستگیر و زندانی شدند و مطبوعات آزاد شد و شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ از صداوسیما توبه نامه خواند و سوگند یادکرد که خطاها تکرار نشود و انقلاب ملت ایران را پذیرفت.

در آن توبه نامه نوشت:

شما ملت ایران علیه ظلم و فساد و بی قانونی به پا خاستید و من به شما حق می دهم که در مقابل اینها قیام کنید. انقلاب ملت ایران نمی تواند مورد تأیید من به عنوان پادشاه ایران و به عنوان فرد ایرانی نباشد... ادامه وضعیت کشور دیگر برای مردم قابل تحمل نیست... اشتباهات، فشار و اختناق در گذشته در کشور بود که دیگر نمی گذاریم تکرار شود. من به نام پادشاه شما سوگند خورده ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی عشری را حفظ کنم و بار دیگر در برابر ملت ایران، سوگند خود را تکرار می کنم و متعهد می شوم خطاهای گذشته دیگر تکرار نشود و خطاهای گذشته را جبران کنم... من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم و آنچه را که شما برای به دست آوردن آن قربانی داده اید تضمین می کنم.

با این همه کاری که رژیم و شاه در پذیرش خواسته های مردم انجام دادند، رهبر انقلاب امام خمینی رحمته الله علیه و مردم نپذیرفتند و قاطع و فراگیر و استوار به صحنه آمدند و جبهه انقلاب حکومت سلطنتی را به نبرد مسلحانه تهدید کرد و انقلاب به پیروزی رسید و مرحله تسلیم کردن حکومت و قدرت جمهوری اسلامی به صاحب امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الباقی مانده است. جمله «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم» جریان سال ۵۷ در دی و بهمن و اسفند را گزارش می کند که امام خمینی رحمته الله علیه و مردم مسلمان ایران آماده نبرد مسلحانه شدند. انقلاب اسلامی ایران همواره دشمن را تهدید به جنگ مسلحانه کرد اما هرگز جنگ مسلحانه برپا نشد. تنها تهدید به جنگ مسلحانه و استعداد آن وجود داشت، این جمله از حدیث هم از گذاشتن سلاح ها بر شانه ها یاد می کند و همان تهدید به جنگ مسلحانه را نشان می دهد. نکته دیگری که روایت مورد بحث را

قابل تطبیق بر انقلاب اسلامی ایران می سازد همین تعبیر امام باقر (علیه السلام) درباره نحوه حمل سلاح توسط صاحبان قیام است که فرمود: «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم». عواتق جمع عاتق به معنای شانه است. از یک سو نحوه حمل شمشیر در گذشته این بوده که آن را دست می گرفتند یا بر کمر می بستند و از سوی دیگر گذاشتن شمشیر بر روی شانه مرسوم نبوده است. بنابراین به نظر می رسد مراد از سیوف در بیان امام تفنگ است که امروزه سربازان در مثل رژه آن را بر روی شانه خود قرار می دهند. شاید وجه استفاده امام از کلمه سیوف آشنا نبودن مخاطبان حضرت با تفنگ بوده است. اما این که چرا امام از عنوان کلی سلاح که قابل تطبیق بر ابزارآلات مختلف جنگی است استفاده نکردند به خاطر این است که سلاح بر اعم از سلاح فردی و جمعی قابلیت تطبیق دارد اما سیف سلاح دستی و فردی است. انقلاب اسلامی ایران با اقدامات مسالمت آمیز و راهپیمائی های مردمی و مشت های برافراشته به پیروزی رسید سلاح ها بر دستان و شانه ها قرار گرفت اما خشونت و خون ریزی و جنگ مسلحانه اتفاق نیفتاد و این امتیاز انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب های فرانسه و شوروی و چین است.

امام خمینی (رحمه الله) در فرانسه بارها در پاسخ خبرنگارانی که از جنگ مسلحانه می پرسیدند از امکان آن در آینده خبر می دادند. خبرنگار تلویزیون سی بی اس آمریکا در ۱۵ آبان ۱۳۵۶ در فرانسه از امام خمینی (رحمه الله) پرسید:

چگونه می خواهید شاه را برکنار کنید؟ با قیام مسلحانه یا با قرار دادن ارتش در کنار مردم؟ چگونه؟ امام پاسخ دادند: ما امیدواریم احتیاجی به قیام مسلحانه نیفتد و با همین اعتصابات و تظاهرات و اظهار انزجار ملت، مسائل حل شود... لکن اگر این شکل مبارزات ملت مفید واقع نشود و لازم آمد یک طور دیگر عمل شود ممکن است ما تجدید نظر کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۳۳۱).

خبرنگار هفته نامه انگلیسی ساندی تلگراف در مصاحبه ۱۷ آبان ۱۳۵۷ فقط یک سؤال

پرسید:

در صورت بروز جهاد مسلحانه چه گروه هایی از مردم را می توان در آن به حساب آورد؟ امام چنین پاسخ دادند: ما امیدواریم که مسائل ایران بدون قیام مسلحانه، با همین نهضتی که اکنون تمام اقشار ایران را فرا گرفته است و با همین فشارهایی که ملت بر شاه وارد می کند حل شود اگر چنانچه حاصل نشد و احتیاجی به قیام مسلحانه پیدا شد، تمام اقشار ملت در آن شرکت خواهند کرد و یک طبقه معینی در آن انحصار نخواهد داشت (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۳۷۹).

همین محتوا را در مصاحبه با خبرنگاران برزیلی و انگلیسی و تایلندی و ژاپنی و آمریکایی در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۴۱۰ و ۴۱۱)، خبرنگار رادیو تلویزیون هلند در مصاحبه ۱۸ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱۴، ۴۱۶) و در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی و فرانسوی و ایتالیایی و اسپانیایی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۴۳۲) اعلام نموده‌اند. در واقع شمشیرها آماده شد و بر شانه‌ها باقی ماند و حکم جهاد صادر نشد و قیام و جنگ مسلحانه همچنان تهدید دائمی باقی ماند و هرگز اتفاق نیفتاد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که احتمال تطبیق حدیث امام باقر علیه السلام بر انقلاب اسلامی ایران قوی و زیاد است. شواهد و قرائن آن در این پژوهش بیان شده است. بررسی سندی حدیث نشان داد سند حدیث امام باقر علیه السلام صحیح است و دو حدیث نبوی نیز هماهنگ و هم‌افق با آن وجود دارد و این می‌رساند که عامه و خاصه چنین رویکرد حدیثی دارند. مشرق به نظر محققان، ایران است و قیام مردم مشرقی ایران هم‌راستا با گزارش حدیث حق طلبانه است و این قداست و ارزشمندی قیام را روشن می‌کند. مراحل ذکر شده در حدیث بر انقلاب ایران قابل تطبیق است و محتوای حدیث با ماهیت انقلاب اسلامی ایران موافق است. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب بزرگ برحق در عصر غیبت است که اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان و منتظران ظهور آنرا پذیرفته و از آن خرسند می‌باشند. انقلاب ایران تنها انقلابی است که بیش از هر خروج و حرکتی در تاریخ جهان در زمینه‌سازی ظهور تلاش کرده و می‌کند. ملت ایران مهدوی و کشور ایران کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و رهبر و مردم حکومت و قدرت را امانت برای حکومت امام مهدی علیه السلام، و انقلاب اسلامی را مقدمه انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند و بی‌شک و به‌طور قطع و یقین با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت و قدرت را به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم و تقدیم می‌کنند و در سپاه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهند گرفت.



منابع

- ابن ابی زینب نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۴۰۳ق)، *الغیبة*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن اثیر جرزی، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية فی غریب الحديث والاثر*، قم: مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بی تا)، *العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *البلدان*، بیروت: عالم الكتب.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *البدایة و النهایة*، مصر: مرکز البحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة بدار هجر.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، *السنن*، بیروت: دارالجلیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابومعاش، سعید (۱۴۳۰ق)، *الامام المهدي علیه السلام فی القرآن و السنة*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام*، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
- اصفهانی، حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۴۰ق)، *الاربعون حدیثا فی المهدي*، تحقیق: علی جلال باقر، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
- امین، محسن (۱۴۲۱ق)، *اعیان الشیعة*، تحقیق: حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بلدای، وسام برهان (۱۴۳۳ق)، *تیجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء*، کربلا: العتبة الحسینیة المقدسه.
- تستری، قاضی نورالله (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم: مكتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق)، *ریاض الابرار فی مناقب الأئمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۹ق)، *الانوار النعمانیة*، بیروت: دارالقاری.
- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

- حلی، تقی‌الدین حسن بن علی بن داوود (۱۳۴۲)، الرجال، تصحیح: محمدصادق بحر العلوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلی، تصحیح: محمدصادق بحر العلوم، قم: الشریف الرضی.
- حموی جویی شافعی، صدرالدین ابراهیم بن مؤید (۱۴۰۰ق)، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام، بیروت: مؤسسه المحمودی.
- سلیمان، کامل (بی تا)، يوم الخلاص فی ظل القائم المهدي علیه السلام، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
- سیدبن طاووس، رضی الدین علی بن موسی (۱۳۸۵)، الشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، قم: مؤسسه فرهنگي صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۵)، العرف الوردی فی الاخبار المهدي، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
- شیخ آقابزرگ طهرانی، محمدحسن بن علی منزوی (بی تا)، طبقات اعلام الشیعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق)، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیه السلام، قم: مؤسسه السیره المعصومه علیه السلام.
- طبری آملی صغیر، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامة، قم: بعثت.
- طبری، محب الدین (۱۴۲۸ق)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قم: دارالکتب الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۴۱۷ق)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول مشهور به الفهرست، تحقیق: شیخ جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
- علم الهدی، احمد (۱۳۹۹ق)، مشروعیة قیام در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
- قریشی، حسین عبید (۱۴۳۴ق)، اسئلة مهدویة تتعلق بعصر الظهور الشریف اجاب علیها، قم: باقیات.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، ینایع المودة لدوی القربی، قم: دارالاسوة للطباعة و النشر.

- کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳)، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي*، تصحیح: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۲۵ق)، *عصر الظهور*، تهران: دارالهدی.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۲۶ق)، *المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی علیه السلام*، قم: دارالنشر المعروف.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۳۵ق)، *شمس خلف السحاب اعداد مسلم خاطری*، قم: باقیات.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۳۸ق)، *السيرة النبوية عند اهل البيت علیه السلام*، قم: دارالنشر المعروف.
- کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف بن محمد (۱۴۱۴ق)، *البيان فی اخبار صاحب الزمان*، بیروت: داراحیاء تراث اهل البيت.
- منقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق: محمود عمر الدمیاتی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶)، *کتاب رجعت*، تحقیق: سید حسین موسوی، قم: دلیل ما.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیه السلام*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، *حکمت نامه بسیج*، قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، *اهل بیت علیه السلام در قرآن و حدیث*، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، *دانش نامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، قم: دارالحديث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵)، *دانش نامه قرآن و حدیث*، قم: دارالحديث.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۰)، *نظام الحكم فی الاسلام*، قم: هاشمیون.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، *دراسات فی ولاية الفقيه وفقه الدولة الاسلامیة*، قم: نشر تفکر.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۳)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مدینه العلم.

- ناصرى، محمدامير؛ تسخيرى، محمدعلى (١٤٢٦ق)، الاحاديث المشتركة حول الامام المهدي عليه السلام، تهران: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
- ناظم الاسلام كرماني، ميرزا محمدآباد (١٣٢٩ق)، علائم الظهور، چاپ سنگى.
- نجاشى، ابوالعباس احمد بن على (١٣٦٥)، رجال، تحقيق: سيدموسى شبيرى زنجانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- يزدى حائرى، على (١٤٢٢ق)، الزام الناصب فى اثبات حجة الغائب عليه السلام، تصحيح: على عاشور، بيروت: مؤسسة الاعلمى.